

درآمد بر
زبان ختنی

(دستور، متن گزیده، واژه نامه)

تألیف

دکتر مهشید میر فخرایی



٣٥ / ٤

An Introduction to
the Khotanese Language

(Grammar, Selected Texts, Glossary)

by

Dr. Mahshid Mirfakhraie



**Institute for Humanities
and
Cultural Studies**

Tehrān, 2005

۱۸۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۴۲۶-۲۲۷-۱
ISBN 964. 426. 227 . 1

٢٢٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

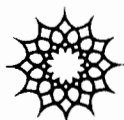
۲۸۶۸۵

درآمدی بر زبان ختنی

(دستور، متن گزیده، واژه‌نامه)

تألیف

مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۸۳

میرفخرایی، مهشید، ۱۳۲۷ —

درآمدی بر زبان ختنی / تألیف مهشید میرفخرایی. — تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

۲۸۸ ص: جدول. — (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۸۳-۳۱)

ISBN 964-426-227-1

عنوان دیگر: درآمدی بر زبان ختنی (دستور، متن گزیده، واژه‌نامه).

فهرستتویسی براساس اطلاعات فیپا.

An introduction to the Khotanese language.

ص.ع. به انگلیسی

نمایه.

۱. زبان ختنی — دستور. ۲. زبان ختنی — متنها. ۳. زبان ختنی — واژه‌نامه‌ها. الف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ب. عنوان. ج. عنوان: درآمدی بر زبان ختنی (دستور، متن گزیده، واژه‌نامه).

PK ۶۱۹۹/۸/م ۹۰۴

۴۹۱/۵۳

م ۸۳-۳۴۸۸۶

کتابخانه ملی ایران



درآمدی بر زبان ختنی

تألیف مهشید میرفخرایی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: (ممت‌الله) ممت‌پور

چاپ اول: ۱۳۸۳

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

ناظر چاپ: سید ابراهیم سیدعلی

چاپ و صحافی: چاپ فرشیوه

ردیف انتشار: ۸۳-۳۱

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 964-426-227-1

شابک ۹۶۴-۴۲۶-۲۲۷-۱

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۰۳۶۳۱۷

فهرست

۱	پیش‌سخن
۳	کوتاه‌نوشت‌ها

گفتار اول

۷	۱- پیش‌درآمد
۷	۱-۱: ختن سرزمین یشم
۸	۱-۲: نام زبان، مردم و کشور
۱۰	۱-۳: سکاها
۱۲	۱-۴: ریشه‌شناسی واژه‌ی ختن و سکا
۱۳	۱-۵: زمینه‌ی تاریخی، مذهبی، ادبی
۱۴	۱-۶: جایگاه اسناد ختنی و چگونگی آن‌ها
۱۵	۱-۷: بازخوانی اسناد ختنی
۱۵	۱-۸: خویشاوندی‌ی زبانی
۱۸	یادداشت‌ها

گفتار دوم

۲۳	۲- خط
----	-------------

۲۳	۲-۱: کلیات
۲۴	۲-۲: آواهای زبان ختنی
۲۵	۲-۳: ویژگی‌های نظام نوشتاری
۲۷	۲-۴: نظام آوایی ختنی
۲۸	۲-۴-۱: توصیف همخوانها
۳۶	۲-۴-۲: توصیف واکه‌ها
۳۸	۲-۴-۲-۱: جفت‌های کمینه
۳۹	۲-۴-۳: تغییرات واکه‌ای در هجاهای پایانی
۴۰	۲-۴-۴: تغییرات واکه‌ای در واژه‌های دو هجایی
۴۰	۲-۴-۵: تغییرات ثانوی در واکه‌ها
۴۰	۲-۴-۵-۱: کامی‌شدگی
۴۱	۲-۴-۵-۲: لبی‌شدگی
۴۱	۲-۴-۵-۳: کشش جبرانی
۴۲	۲-۴-۵-۴: ادغام
۴۳	۲-۴-۵-۵: همگون‌سازی واکه‌ای
۴۳	۲-۴-۵-۶: تضعیف واکه‌ای در هجاهای بی‌تکیه
۴۳	۲-۴-۵-۷: کشیدگی واکه‌ای پیش از خوشه‌ی همخوان
۴۵	نتیجه

گفتار سوم

۴۹	۳- صرف
۴۹	۳-۱: ویژگی‌های کلی
۴۹	۳-۱-۱: شمار

- ۵۰ ۳-۱-۲: حالت
- ۵۱ ۳-۲: پایانه‌های صرفی ختنی جدید
- ۵۲ ۳-۳: صرف‌های اسمی
- ۵۳ ۳-۳-۱: گروه واکه‌ای
- ۵۳ ۳-۳-۱-۱: زیرگروه اولیه
- ۵۳ ۳-۳-۱-۱-۱: اسم‌های a- ستاک
- ۵۳ ۳-۳-۱-۱-۲: اسم‌های ā- ستاک
- ۵۴ ۳-۳-۱-۱-۳: صفت‌های ā̃- ستاک
- ۵۵ ۳-۳-۱-۱-۴: اسم‌های i- ستاک
- ۵۵ ۳-۳-۱-۱-۵: صرف ستاک واکه‌ی مرکب
- ۵۶ ۳-۳-۱-۱-۶: قواعد ادغام واکه‌ها
- ۵۷ ۳-۳-۱-۲: زیرگروه ثانویه
- ۵۸ ۳-۳-۱-۲-۱: اسم‌های aa- ستاک
- ۵۹ ۳-۳-۱-۲-۲: اسم‌های āā- ستاک
- ۵۹ ۳-۳-۱-۲-۳: صفت‌های āā̃- ستاک
- ۶۰ ۳-۳-۱-۲-۴: اسم‌های āa- ستاک
- ۶۱ ۳-۳-۱-۲-۵: اسم‌های ia- ستاک
- ۶۱ ۳-۳-۱-۲-۶: اسم‌های iā- ستاک
- ۶۱ ۳-۳-۱-۲-۷: صفت‌های iā̃- ستاک
- ۶۲ ۳-۳-۱-۲-۸: اسم‌های ua- ستاک
- ۶۲ ۳-۳-۱-۲-۹: صفت‌های uā̃- ستاک
- ۶۳ ۳-۳-۱-۲-۱۰: اسم‌های ūa- ستاک
- ۶۳ ۳-۳-۱-۲-۱۱: اسم‌های au- ستاک

- ۶۴ ۳-۳-۲-۱: اسم‌های nd- ستاک
- ۶۵ ۳-۳-۲-۲: اسم‌های n- ستاک (مذکر)
- ۶۶ ۳-۳-۲-۳: اسم‌های n- ستاک (خشی)
- ۶۷ ۳-۳-۲-۴: صفت‌های n- ستاک
- ۶۷ ۳-۳-۲-۵: اسم‌های r- ستاک
- ۶۸ ۳-۳-۲-۶: اسم‌های h- ستاک
- ۶۹ ۳-۴: ضمیر
- ۶۹ ۳-۴-۱: ضمیر شخصی
- ۶۹ ۳-۴-۱-۱: اول شخص
- ۶۹ ۳-۴-۱-۲: دوم شخص
- ۷۰ ۳-۴-۱-۳: سوم شخص
- ۷۰ ۳-۴-۲: ضمیر اشاره
- ۷۲ ۳-۴-۳: ضمایر پرسشی، ربطی و نامعین
- ۷۲ ۳-۵: عدد
- ۷۳ ۳-۶: دستگاه فعل (کلیات)
- ۷۵ ۳-۶-۱: وجه
- ۷۵ ۳-۶-۱-۱: حال اخباری
- ۷۵ ۳-۶-۱-۲: التزامی
- ۷۶ ۳-۶-۱-۳: تمنایی
- ۷۷ ۳-۶-۱-۴: انشایی
- ۷۷ ۳-۶-۱-۵: امری
- ۷۸ ۳-۶-۲: ماضی نقلی (کامل)
- ۷۸ ۳-۶-۲-۱: ماضی نقلی متعدی

۷۹	 ۳-۶-۲-۲: ماضی نقلی لازم
۸۰	 ۳-۶-۳: صفت مفعولی
۸۰	 ۳-۶-۴: صفت فاعلی
۸۲	 ۳-۶-۵: صفت آینده‌ی مجهول (= صفت الزامی)
۸۳	 ۳-۶-۶: مصدر
۸۴	 ۳-۶-۷: ساخت امکانی
۸۶	 ۳-۶-۸: ساخت ترکیبی (= تکمیلی)
۸۷	 ۳-۷: وندها
۸۷	 ۳-۷-۱: پیشوندها
۸۷	 ۳-۷-۱-۱: پیشوندهای فعلی
۹۴	 ۳-۷-۱-۲: پیشوندهای اسم‌ساز

گفتار چهارم

۹۹	 ۴- زامباستا
۹۹	 ۴-۱: کتاب زامباستا
۱۰۱	 ۴-۲: آوانویسی متن ختنی
۱۱۱	 ۴-۳: برگردان فارسی
۱۲۵	 یادداشت‌ها

گفتار پنجم

۱۴۹	 واژه‌نامه
۲۶۱	 کتاب‌نامه
۲۶۵	 نمایه

پیش‌سخن

شناخت فرهنگ ایران باستان و مطالعه‌ی علمی پیشینه‌ی زبان فارسی، به ویژه در زمینه‌ی واژگان تنها از طریق فارسی باستان و فارسی میانه (= پهلوی ساسانی)، که فارسی نو ادامه‌ی آنها است، کافی نیست بلکه بررسی علمی و تجزیه و تحلیل زبان‌ها و فرهنگ‌هایی که در طول تاریخ زبان و ادب فارسی، از دوره‌ی باستان تا نو، با آنها پیوسته بوده و داد و گرفت داشته‌اند، نیز ضروری است. یکی از این زبان‌ها، زبانی است که سکایی، سکایی - ختنی و یا ختنی نامیده می‌شود و با وجود آن که تاریخ شناخت آثار آن از یکصد سال تجاوز نمی‌کند، اما به سبب ویژگی‌های زبانی و غنای فرهنگی و پیوستگی آن با آیین بودایی و زبان و ادب سنسکریت، مطالعه‌ی علمی آن در سده‌ی اخیر گسترش چشم‌گیری یافته است.

زبان ختنی در تقسیم‌بندی علمی زبان‌ها، در شمار زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی جای می‌گیرد. این زبان با همه‌ی اهمیت خود و تأثیری که بر زبان‌های ایرانی دارد، برای فارسی‌زبانان و حتی مجامع علمی و دانشگاهی چنان که باید شناخته نیست و تدوین اثری که تا حدی معرف ویژگی‌های آن باشد، بایسته می‌نمود. کتاب حاضر با توجه به این نیاز و به منظور آشنایی با اصول این زبان برای علاقه‌مندان و دانشجویان تهیه شده است. مطالب کتاب در پنج گفتار، به شرح زیر طبقه‌بندی شده است:

گفتار اول: پیش‌درآمد در معرفی زبان و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی.

گفتار دوم: نظام نوشتاری و خط.

گفتار سوم: صرف و نحو زبان

گفتار چهارم: معرفی کتاب زامباستا، مجموعه‌ای از آموزش‌های دین بودایی به زبان ختنی و برگردان فصل پنجم این کتاب به فارسی همراه با یادداشت‌ها.
گفتار پنجم: واژه‌نامه شامل تمام واژه‌های فصل پنجم همراه با ریشه‌شناسی و ذکر حالت‌های دستوری.

چاپ و انتشار سریع کتاب نتیجه‌ی موافقت و دستور مقتضی جناب آقای دکتر گلشنی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی است. از مساعدت‌های ایشان سپاسگزار است. از جناب آقای رحمت‌پور مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه و همکاران ایشان برای پیگیری کارهای چاپی کتاب تشکر می‌کند. از یاری خانم دکتر ویدا نداف در بازخوانی متن‌های چاپی سپاسگزار است و توفیق ایشان را از خداوند بزرگ خواستار است. از آقای بهنام مبارکه که کار طراحی حروف، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب را عهده‌دار بودند، صمیمانه تشکر می‌کند.

کوتاه‌نوشت‌ها

ص.ض.	صفت - ضمیر	ا.	اسم
ص.ض.ا.	صفت - ضمیر اشاره	او.	اوستا
ص.ف.	صفت فاعلی	پا.	پارتی
ص.م.	صفت مفعولی	په.	پهلوی
ض.	ضمیر	ج.	جلد
ض.پ.	ضمیر پرشی	ح.ا.	حرف اضافه
ض.ر.	ضمیر ربط	ح.ر.	حرف ربط
ع.	عدد	سغ.	سغدی
ف.	فعل	سغ.ب.	سغدی بودایی
فا.	فارسی	سغ.م.	سغدی مانوی
فب.	فارسی باستان	سن.	سنسکریت
ق.	قید	ص.	صفت
م.	مانوی	ص.آ.م.	صفت آینده مجهول



۱- پیش درآمد

۱-۱: ختن سرزمین یشم

جغرافی‌دان ناشناخته‌ی ایرانی در کتاب حدودالعالم که به سال ۳۷۲ هجری قمری تألیف شده است، ختن را این گونه توصیف می‌کند:

«میان دو رود است اندر حدود وی مردمان اند وحشی و مردم خوار و بیشترین خواسته ایشان قز است و ملک ختن را هیئتی بزرگ است، خویشان را عظیم‌الترک و التبت خواند و بر حدی است کی میان چین و تبت است. و این ملک ختن را خصیانی‌اند بر همه اعمال او موکل، و از این شهر هفتاد هزار مرد جنگی بیرون آید و سنگ یشم از رودهای ختن خیزد».^(۱)

خُتن بنابر اسناد و مدارکی که خود مردم ختن نگاشته‌اند، تنها منبع «یشم سبز» به شمار می‌رفته است. یشم از آب‌های رودخانه‌های روان از کوهستان‌های کُن‌لُن^۱ از میان شهر ختن به سوی جنوب، به دست می‌آمده است. این رودخانه در مدارک بومی Ranija ttāja (رودخانه‌ی سنگ قیمتی) نامیده شده که از واژه‌ی هندی -rana که شکل

1. Kun Lun

قدیم‌تر آن ratna- است، به جای واژه‌ی محلی ira- (یشم) استفاده شده است. این واژه برگردان واژه‌ی سنسکریت بودایی sila- است که برای نامیدن هر گونه سنگ، از جمله الماس، نیز به کار رفته است. سنت بودایی از این واژه، شکل صفتی آن یعنی saila- را برای نامیدن رودخانه در ترکیب sailodā^(۲) (آب‌های سنگ قیمتی) به کار برده است. برابر ترکی نو این واژه قرّش^۱ (یشم سیاه) و یورنگ‌قش^۲ (یشم سفید) است. مسافران چینی برای رفتن به غرب از راه ختن، از گوکمنه^۳ (دروازه‌ی یشم) نزدیک دن‌هوانگ^۴ عبور می‌کردند. این ختن همان ختن داستان سیاوش شاهنامه است.

چهار روایت درباره‌ی پایه‌گذاری ختن در دست است که همگی، این پایه‌گذاری را به پسر و وزیران امپراتور آشوکا^۵ نسبت می‌دهند. بدین ترتیب بنیان‌گذاری ختن، با اطمینان به سده‌ی سوم پیش از میلاد باز می‌گردد. از این چهار روایت، دو روایت تبتی است. قدیم‌ترین روایت از زائر چینی هسوان تسانگ^۶ از سده‌ی هفتم میلادی است. جدیدترین روایت‌ها، از دو شاگرد هسوان تسانگ، «هوی لی»^۷ و «ین تسونگ»^۸ است. بدین ترتیب قدیم‌ترین این روایات، به خوبی بازتاب دهنده‌ی سنت جاری در ختن در سده‌ی هفتم، در ارتباط با وقایع یک هزار سال پیش از آنها است.^(۳)

۲-۱: نام زبان، مردم و کشور

در اسناد به دست آمده از حفاریات باستان‌شناسی سده‌ی بیستم در ختن و دیگر واحه‌های ترکستان شرقی، ختن در مدت ۲۲۰۰ سال با این نام‌ها شناخته شده است:

1. Qara Qaš
3. Gūkāmana
5. Aśoka
7. Hui-li

2. Yörüng Qaš
4. Tun-huang
6. Hsüan tsang
8. Yen-ts'ung

نام محلی زبان، در قدیم‌ترین شکل آن -hvatana آمده است:

ttutu hvanau ... hvatanau yi hamjsäte byūhā sarvasatvānu
hātāyā (Z. ۲۳/۲)

«قصد دارم این روایت را... برای آسایش همه‌ی هستندگان به ختنی (= زبان ختنی) برگردانم.»

نام مردم نیز -hvatana آمده است. (Z. ۲۳/۴):

ne ysvā're hvatana kari hvatanau dātu

«ختنی‌ها اصلاً قانون را در ختن نمی‌پذیرند (= احترام نمی‌کنند).»

شکل تازه‌تر واژه در همان فصل (بند ۳۷۲) آمده است:

cu aysu ttū hvatānu byūttaimā avaśśā balysā hāmāne

«چون من این را به ختنی برگردانده‌ام، مطمئناً بودا خواهم شد.»

شکل باز هم تازه‌تر واژه hvataṃ (3v6 KT1.232):

biśyau hvataṃ kṣīryau uysnauryau hamtsa hambrihe

«با همه‌ی مردم سرزمین ختن شریک خواهم شد.»

در ختنی جدید مراحل پیشتری از تحول واژه دیده می‌شود:

hvaṃna- و hvana- و hvaṃ-

تاریخ ضبط -hvatana ختنی قدیم و -hvaṃna ختنی جدید، پیش از سده‌ی هفتم میلادی است. هسوان تسانگ این نام را حدود سال ۶۴۰ میلادی، در زبان محلی محاوره‌ای همان دوران به شکل Huan.na و صورت ایرانی آن را Huo.tan ضبط کرده که صورت ثانوی -hvaṃna است.^(۴)

تعدادی سند که بیشتر آنها از ناحیه‌ی «تمشق»^۱ است، به وجود گویشی بسیار نزدیک

به ختنی، گواهی می‌دهد که اکنون به نام گویش تمشقی شناخته است و پیشتر به «مارالباشی»^۱ مشهور بود. در این گویش واژه‌ی ختن به دو شکل hvadne و hvadane آمده است.

صورت صفتی ختن در سغدی، دیگر زبان ایرانی شرقی، *Ƴwδnyk* است. در «پراکريت» که به عنوان زبان اداری در سده‌ی سوم میلادی در «کرورینه»^۲ به کار می‌رفت، حرف *h* تلفظ نمی‌شد، اما واژه‌ی ختن به شکل *khotana* در سندی به خط «خروشتی»^(۵) دیده می‌شود که تاریخ آن سال جلوس شاه بزرگ ختن *khotana maharaya royatiraya* است.^(۶) این پادشاه عنوان *hinajha* (فرمانده‌ی سپاه) را دارد که برابر ایرانی عنوان شناخته شده‌ی سنسکریت *senāpati* است و این نخستین گواه معتبر از حضور ایرانیان در ختن است. این سند همراه اسناد دیگری، از جمله مجموعه‌ای از سکه که بر روی آنها افسانه‌هایی به زبان چینی و بر روی دیگر آنها به زبان پراکريت هندی و به خط خروشتی است، به دوران سلطنت شن‌شن^۳، حدود سال ۳۰۰ میلادی تعلق دارند. در زبان سنسکریت سرزمین ختن -*gostana* نامیده شده است. نام ختن در زبان چینی قدیم نیز *yu-t'ien* است. در ترکی سین‌کیانگ^۴، صورت *khotan* بر نقشه‌های جدید، دیده می‌شود. پیش از این نیز مارکوپولو شکل *cotan* را داده است.^(۷)

۳-۱: سکاها

نخستین بار به نام سکا در سنگ‌نبشته‌های فارسی باستان از سده‌ی ششم پیش از میلاد برمی‌خوریم. در سنگ‌نبشته‌ی داریوش (تخت جمشید: ۱۸؛ ۵-۶ h) و خشایارشا (تخت جمشید: ۲۰ h) از چهار قبیله‌ی سکایی نام برده شده است:

1. Maralbaši
3. Shan Shan

2. kroraina
4. Sin Kiang

(۱) paradrāya (آن سوی دریا)

(۲) tigraxaudā (تیزخود)

(۳) haumavargā (نوشنده‌ی هوم)

(۴) para sugdam (آن سوی سغد).

این قبایل در منابع یونانی، اسکیتی یا اسکوتی^۱، در منابع چینی sək, sə, sai و در منابع هندی باستان śaka- نامیده شده‌اند.^(۸)

در سده‌ی دوم پیش از میلاد گروهی از قبایل سکایی و تخاری که احتمالاً خویشاوند بودند، منطقه‌ی بلخ، زرنگ (سیستان) و رُخج را تصرف کردند و سپس قلمرو خود را تا شمال غربی هند گسترش دادند. در این منطقه آثار یک گویش سکایی در سنگ‌نبشته‌هایی از سده‌ی اوّل میلادی به خط خروشتی و براهمی باقی مانده است. وجود نام‌های ایرانی بر سکه‌های یافت شده در این منطقه نیز نشان می‌دهد که شهربان‌های آن ایرانی بوده‌اند و به زبانی اگر نه مشابه با ختنی اما بسیار نزدیک با آن گفت و گو می‌کردند.

حوضه‌ی رودخانه‌ی هیرمند و منطقه‌ی دریاچه‌ی هامون به نام قبایل سکایی‌ای که این منطقه را تصرف کردند، سکستان (سنسکریت: śakasthāna، پهلوی اشکانی: *saʕastān/skstn، کتیبه‌های ساسانی: (sagān šāh) sk'n MLKA)، (sagān bānbišn) sk'n MLKTA، سغدی: sgst'n، فارسی میانه ترفانی: sgst'n، پهلوی: sayistān, sagestān، یونانی: segistēnē و فارسی: سیستان) نامیده شد. آثار واژه‌ی saka- در چند سند از ترکستان شرقی نیز دیده می‌شود. نمی‌توان با اطمینان از وجود واژه‌ی «سکا» در اسناد سکایی ختنی گفت‌وگو کرد. احتمال دارد sakām (نام شخص)، aula sāgī (شترساگی) و... با saka- مربوط باشند.^(۹)

کشف نسخه‌های خطی سکایی ختنی در واحه‌های ترکستان شرقی نشان می‌دهد که حتی پس از مهاجرت‌های قبایل سکایی، تخاری، هپتالی به طرف غرب (یعنی بلخ، ماوراءالنهر و سیستان) بخشی از مردمانی که به زبان‌های ایرانی شرقی گفت‌وگو می‌کردند، تا پایان هزاره‌ی اول میلادی در این سرزمین باقی مانده بودند. پس از این تاریخ، طی یک سده، ترکی جایگزین زبان محلی شد.

۴-۱: ریشه‌شناسی واژه‌ی ختن و سکا

معمولاً نام جای‌ها و قبیله‌ها به آسانی قابل پی‌گیری نیست. ختن می‌تواند نام قبیله‌ای مردم سکا باشد که بنابر گزارش‌های چینیان پیش از آن که تاریخ آنان در سده‌ی دوم پیش از میلاد در چین آغاز شود، در ختن ساکن بودند. -hvatana می‌تواند از -hva: خویش، خود، باشد، مانند قید hvatä: «از خود، به خودی خود» (← اوستا: xvatō، پهلوی: xwad). -hvatana را می‌توان از نظر معنی با سکایی ختنی: hiye: «مالک، صاحب» و -hiyāuda: «سرور، صاحب» (-hiyāuda > -vanda > *hivyā) از همان -hvaipaθyāvant-a-، سغدی بودایی: 𐰽𐰺𐰍𐰏𐰤، پهلوی: xwēšāwand از همان -hva- در کنار -hivya، و سکایی تمشقی: hawya- سنجید. «خواجه» در فارسی نو به معنی «سرور، آقا»، با پسوندهای گوناگون (-ā - ča- ka-) از همان -hva- است. (۱۰) از سوی دیگر می‌توان بین -hvatana و -hotana ارتباطی قایل شد و hotana (قوی، نیرومند) را از -hotā: «نیرو، زور» (-*fra.vat- > hot-: نیرومند بودن) دانست. این امکان نیز وجود دارد که نام مردم هپتال (هفتال) در اصل همان هپتال (hitāla) سکایی ختنی باشد که در فارسی نو هپتال بخارا (Haitāl Bukhārā): «نیرومند، قوی» است. اگر واژه‌ی سکا را ایرانی بدانیم، محتمل‌ترین اشتقاق آن ریشه‌ی -sak*: «نیرومند بودن» است (← اوستا: sak، هندی باستان: śak).

بدین ترتیب ارتباط معنایی نیز میان ختن و سکا دیده می‌شود.

۵-۱: زمینه‌ی تاریخی، مذهبی، ادبی

کشف مدارک و اسناد بومی از زیر ویرانه‌های شنی واحه‌های حوضه‌ی تاریم^۱ و نیز بر کاغذهای چینی مرغوب و خوب محفوظ مانده، فصل نوینی در تاریخ ختن گشود. بررسی این مدارک، به‌گوش کم شناخته شده‌ی ایرانی، همراه با اصطلاحات فنی از سنسکریت و پراکرت، با دشواری بسیار همراه بود. اما این مدارک جدید ادبی، علمی، اداری، سیاسی، پزشکی و... پیشینه‌ی تاریخی ختن را روشن ساخت.

ختن، احتمالاً، پیش از سال ۳۰۰ میلادی، دین بودایی را پذیرفته بود. سرزمین ختن هندی شده بود و پادشاه عنوان هندی -deva: «ایزد» (← اوستا: daēva- دیو) را در کنار واژه‌ی محلی -hinajha: «فرمانده‌ی سپاه» داشت. تعداد زیاد معابد بودایی و پیروان فرقه‌ی ماهایانه همه جا دیده می‌شدند. ختنی‌ها، حتی در افسانه‌هایشان زمان پذیرش دین بودایی را به دوران اشوکا (۲۷۲-۲۳۲ ق.م) نسبت می‌دهند.

زائران چینی از سده‌ی پنجم به نوعی آیین و سنن مذهبی اشاره می‌کنند که هندی و بودایی بوده، اما پیش از آمدن دین بودایی، عقاید ایرانی باستان مسلط بوده است. متون بودایی آثاری از این راه‌یابی عقاید باستانی را به ختن بودایی نشان می‌دهند. از آن‌جا که ختن طی دورانی سیصد ساله، یعنی از سده‌ی هفتم تا دهم، مرکز مهم مطالعات بودایی بوده است، بنابراین جای شگفتی ندارد که تمام ادبیات بازمانده حتی اسناد و مدارک غیرمذهبی نیز محتوا و رنگ و بوی بودایی داشته باشند.

برای بیان واژگان بسیار فنی دین و فلسفه‌ی بودا به زبان سکایی ختنی، معمولاً

مترجمان واژگان متون سنسکریت بودایی را به کار برده‌اند، اما از اصطلاحات و واژگان ایرانی نیز استفاده کرده‌اند، مانند عنوان ایرانی -balysa برای buddha- (بودا) سنسکریت با مشتقات متعدد، به ویژه در عبارت سه جزیی gyastānu gyastā balysā: بودا، ایزد ایزدان. نیز:

ختنی	سنسکریت بودایی	
aysmua-	vijñana-	اندیشه
bvāmatā-	bodhi-	بیداری، آگاهی
buysvāma-	nirvāna-	نیروانا، خاموشی
syāmatā-	saṃjñā-	عقیده، نظر

دانشمندان ختن، برای آنکه این زبان بتواند از عهده‌ی بیان یک فلسفه‌ی بیگانه برآید، آن را به ابزاری قابل انعطاف مبدل ساختند. زبان ختنی، با وجود ریزش چشم‌گیر واژه‌ها و اصطلاحات سنسکریت، چهار چوب و دستور خود را در صرف اسم، صفت، ضمیر، ستاک‌های فعلی، وندها و قیده‌های فراوان حفظ کرد.

۶-۱: جایگاه اسناد ختنی و چگونگی آن‌ها

بیشتر اسناد ختنی در جایگاه‌های معابد و صومعه‌های پیشین در قلمرو ختن، حدود ۱۶۰ کیلومتری به سوی شمال و شرق شهر جدید و غارهای دن‌هوانگ پیدا شدند. بیشتر این مواد اکنون در کتابخانه‌های اروپای غربی نگهداری می‌شوند.

اسناد ختنی به صورت دستنویس یا طومارهای چینی است. دستنویس‌ها دسته‌هایی از برگ‌های کاغذ به شکل مستطیل‌های بزرگ است (۴×۱۰ سانتی‌متر). در گوشه‌ی سمت

چپ هر برگ دایره‌ای است که از سوراخ وسط آن سیمی عبور کرده تا برگ‌ها را به یکدیگر متصل سازد. روی هر برگ معمولاً چهار تا ده سطر نوشته دارد و شماره‌ی هر برگ در حاشیه سمت راست دیده می‌شود. طومارهای چینی، کاغذهای چینی با پهنای متفاوت، که اغلب از ۲۵ سانتی‌متر بیشتر نیست، و با درازای مختلف، تا هفت متر است. افزون بر این اسناد، تعدادی نوشته بر روی چوب و نقاشی بر دیوار نیز باقی مانده است. تاکنون سنگ نبشته‌ای به دست نیامده اما یک نوشته بر روی کوزه پیدا شده است.

۷-۱: بازخوانی اسناد ختنی

آغازگران بازخوانی اسناد ختنی به ترتیب آگوستوس فردریک رودلف هرنل^۱ (۱۸۴۱-۱۹۱۸)، استن‌کنف^۲ (۱۸۶۷-۱۹۴۸) و ارنست لیمان^۳ (۱۸۵۹-۱۹۳۱) بودند که همگی در بازخوانی، تجزیه و تحلیل و تفسیر متون تا پیش از سال ۱۹۲۰ سهم به سزایی داشتند. هرنل به عنوان نخستین رمزگشای زبان ختنی، هرگز از اعتباری که باید برخوردار نشد و نامش در هیچ فهرستی نیامده است.^(۱۱) از میان پویندگان پراوازه‌ی این راه باید از هارولد بیلی^۴ و رونالد امریک^۵ نام برد.

۸-۱: خویشاوندی زبانی

الف- ویژگی ایرانی بودن زبان ختنی از مقایسه‌ی واژه‌های مشترک آن با زبان اوستا از یک سو، و هندی باستان از سوی دیگر مشخص می‌شود.

1 - Augustus Fredric Rudolf Hoernle

2. Sten konow

4. H. Bailey

3. Ernst Leumann

5. R. E. Emmerick

ختنی	اوستا	هندی باستان	
aysu	azəm	aham	من
ggara-	gari-	giri-	کوه
puls-	pərəs-	pr̥cch-	پرسیدن
bar-	bar-	bhar-	بردن
basta-	basta-	baddha-	بسته، بند
ysāta-	zāta-	jāta-	زاده
sata-	sata-	śata-	صد

ب- برخی ویژگی‌های آوایی روشن می‌سازد که ختنی زبانی از گروه زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است. در ختنی همخوان‌های سایشی [ɣ]، [δ]، [β] به ترتیب b، d، g نوشته می‌شوند که صورت‌های تحول یافته از همخوان‌های آغازی ایران باستان *g-، *d- و *b- هستند. ختنی دارای همخوان tc[ts] از *č- ایرانی باستان (مانند آسی، پشتو و...) در تقابل با *č- ایرانی غربی است. زبان ختنی در پاره‌ای نکات ویژه نیز با زبان‌های ایرانی شرقی هم‌خوانی دارد. مثلاً ختنی دارای *θr- < dr است، اما *θr- < r- (مانند پشتو) را نیز دارد. *θr معمولاً در هر دو موقعیت (آغازی و میانی) یکسان عمل می‌کند. ختنی از *k̥u هندواروپایی، همخوان ṣ را دارد که در ختنی قدیم ṣṣ و در ختنی جدید ṣ نوشته می‌شود، در حالی که در دیگر جایگاه‌ها sp تقریباً عمومیت دارد.

ج- ختنی و تمشقی به اندازه‌ای به یکدیگر نزدیک هستند که باید به عنوان گویش‌های مختلف از یک زبان سکایی مشترک تلقی شوند.

تمشقی	ختنی	
biša-	bišša-	همه
dudar-	dutar-	دختر
khāza-	khāysa-	خوراک
re	rre	شاه
šazda-	ššaysda-	مار
vasuta-	vasuta-	پاک

بی‌شک گویش‌های سکایی دیگری نیز بوده‌اند که امروزه از آنها نامی نیست. در سده‌ی یازدهم میلادی در روستاهای اطراف کاشغر، هنوز زبان ایرانی کاشغری قدیم گفت‌وگو می‌شده است و محمد کاشغری، آن گویش را کنچکی (kančaki) نامیده است. (۱۲) در قفقاز زبان سکایی که به آسی معروف است، هنوز گفت‌وگو می‌شود. آسی دو گویش اصلی دیگر (Digor) و ایرون (Iron) دارد. واژگان آسی و سکایی ختنی در بسیاری موارد بر هم منطبق هستند. مثلاً در آسی دیگور: nom-dzud: «مشهور»، (از čud و cāuun: «رفتن»)، در سکایی ختنی: nāma.tsuta: «مشهور»، با همان دو واژه، هر دو از شکل قدیم‌تر -nāma-cyuta*؛ آسی: cāu: «بز»، سکایی ختنی: caukala: «بزغاله» (با پسوند -kala-).

د- در ختنی، دو شکل از زبان تمیز داده می‌شود: ختنی قدیم و ختنی جدید. ختنی جدید در متون متعدد بازرگانی، رسمی، پزشکی و مذهبی که عموماً به مرحله‌ی میان سده‌ی هشتم و نیمه‌ی اول سده‌ی نهم میلادی تعلق دارند، دیده می‌شود. تفاوت ختنی جدید نسبت به ختنی قدیم، تحولات آوایی و کاهش صورت‌های صرفی است. دستگاه آوایی زبان ختنی نیز نسبت به نظام آوایی ایرانی باستان تحول زیادی یافته است. گویش تمشقی از نظر آوایی کمی کهنه‌تر است.

یادداشت‌ها

۱. حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، ۱۳۶۲ خورشیدی، صص ۶۳-۶۲.

ختن امروزی با نام تازه چینی Ho-t'ien، با جمعیتی حدود پنجاه هزار نفر در ناحیه‌ی خودمختار سین‌کیانگ چین واقع است. ختن مرکز مهم کشاورزی و صنعتی در حاشیه‌ی جنوبی حوضه‌ی تاریک است که با دو رودخانه‌ی یورنگ‌قش و قرقش آبیاری می‌شود. صنعت ابریشم ختن قدمت افسانه‌ای دارد.

۲. sailodā- مرکب از -saila: سَیلا و -uda: آب (ختنی ūtcā از *apačā->*aučā-، ← اوستا: -āp: آب) است.

3. H. W. Bailey, 1982: The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan, P.1.

R. E. Emmerick, 1992: A Guide to the Literature of Khotan, P.1.

P. Pelliot, 1959: Notes on Marco Polo

۴. زیر واژه‌ی cotan.

۵. خروشتی (kharoṣṭhi/kharoṣṭri) احتمالاً واژه‌ی پراکریت (شمال غربی)، از

ایرانی x^ysaθra-pištra (خط پادشاهی) با o- از -aui- قدیم‌تر است که برای نامیدن خط آرامی هخامنشی به کار رفته است. پراکريت kh- را جایگزین xš ایرانی کرده است. با این خط از زمان داریوش آشنا هستیم.

6. A. M. Boyer, E. J. Rapson, and E. senart, (ed.) 1920, 1927: Kharoṣṭhi Inscriptions, part I & II.
7. H. W. Bailey, 1982: The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan, P.19.
8. _____ 1958: Languages of the Saka, in Handbuch der Orientalistik, PP. 131-3.
9. R. E. Emmerick, 1968: Saka Grammatical Studies, PP. 1-2.

۱۰. همانجا، ص ۲.

11. H. W. Bailey, 1982: The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan, P.3.
12. R. E. Emmerick, 1992: A Guide to the Literature of Khotan, P. 6.
13. H. W. Bailey, 1982: The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan, P.2.



گفتار دوم

۲- خط

۱-۲: کلیات

ختنی و تمشقی، هر دو به خط براهمی هندی نوشته شده‌اند. این خط دارای دو گونه‌ی رسمی و شکسته است. خط رسمی گونه‌ی تزیین شده و استادانه‌ی خط است که با قلم‌های پر نوشته شده است. خط شکسته یا پیوسته گونه‌ای است که با قلم پر یا قلم‌مو نوشته شده، گرچه حتی در این گونه نیز حروف به یکدیگر متصل نیست. بین گونه‌ی رسمی و شکسته مراحل چندی وجود دارد. شکل قدیم‌تر خط در نوشته‌های کوشان در هند و در دستنویس‌های سنسکریت بودایی در حوضه‌ی تاریک دیده می‌شود. برای برآوردن نیازهای زبانی ایرانی که دارای گونه‌ی غیر هندی دستگاه آوایی است، به ناگزیر تغییراتی به این خط راه یافت و نشانه‌های زیر و زبری بسیار ابداع شد.

در ختنی دو نظام متفاوت در زمان‌های مختلف به کار رفت و این تفاوت، تمایز بین ختنی قدیم و جدید را آسان ساخت. در ختنی قدیم $\$$ و $\$$ برای $\$$ و $\$$ بیواک در کنار $\$$ و $\$$ برای $\$$ و $\$$ به کار رفت. در ختنی جدید که $\$$ استثناست، $\$$ و $\$$ بیواک هستند و قلاب در زیر این دو آوا معرف $\$$ و $\$$ است. به جای $\$$ زبان‌های ایرانی، ختنی از دو نویسه $\$$ استفاده کرد. وجود $\$$ ، $\$$ و $\$$ سبب به کار بردن $\$$ برای $\$$ و $\$$ برای $\$$ بین واکه‌ای در واژه‌های بیگانه و $\$$ به جای $\$$ (و θ پیش از $\$$) و $\$$ در $\$$ شد. $\$$ ، θ - و $\$$ - آغازی

ایرانی باستان به ترتیب با -br، -dr و -gr جایگزین شدند. حروف ts، tc، js، j، ch به ترتیب معرف ts، ts، dz، dz و ts شدند.

ختنی قدیم میان r و rr تفاوت می‌گذارد در حالی که ختنی جدید یکی را به جای دیگری به کار می‌برد. فقدان آوایی که بعدها از واژه‌ها حذف شده است، با قلابی در زیر نشان داده می‌شود مثلاً برای š در pyū (بشنو) از *pati.gauša، اما pyūšde (می‌شنود) از *patigaušatai. این قلاب زمانی که در ختنی قدیم آواهای دست نخورده دیگری حذف شده‌اند، در ختنی جدید کاربرد بیشتر یافت مثلاً در -ḡaysa از -balysa (بودا). ویژگی دیگر خط ختنی قرار دادن بیش از یک وا که بر روی حرف است. مثلاً kuī دارای نشان زیری -u در زیر و نشان زیری -ī بر روی حرف k است.

در تمشقی نظام استفاده از خط براهمی گسترش کمتری یافت. در اینجا s به جای s و ts، z به جای ts و dz، و t به جای t یا d به کار رفت.

نظام نوشتاری سومی نیز در تمشق و مُرتق با ابداع دوازده نشان تازه برای بیان آواهای ایرانی، تدوین شد که از آن میان، نشان‌ها برای ḡ، xš، z، ž، z، dz و توجه‌پذیر و zy و gw- حدسی است.

۲-۲: آواهای زبان ختنی

ختنی مانند سنسکریت حرف‌نویسی می‌شود:

a ā i ī u ū ṛ e ai o au k kh g gh ṇ c ch j jh ṇ ṭ ṭh ḍ ḍh ṇ t th d dh n
p ph b bh m y r l v ś ṣ s h

نقطه‌ی زیر یا زیر یک حرف (akṣara) که در سنسکریت anusvāra نامیده می‌شود، به شکل m و یا به شکل نشان غنه‌دار مثلاً ṁ حرف‌نویسی می‌شود. نشان: (دو نقطه که در سنسکریت visarga نامیده می‌شود) در ختنی با سنسکریت متفاوت است و

در پایان حرف گذارده می‌شود. واکه‌ای با دو نقطه بر زیر که پیشتر ɔ حرف نویسی می‌شد، اکنون ā حرف نویسی می‌شود. خط خمیده در زیر حرف که گاهی به صورت قلاب نوشته می‌شد، مثلاً: q اکنون با ' در پایان همان حرف نوشته می‌شود، مثلاً: a'. ختنی از حروفی که در سنسکریت نیست، مانند js و ys استفاده می‌کند. تمشقی نیز مانند سنسکریت حرف نویسی می‌شود اما از ختنی حروف بیشتری دارد که با داشتن نشان واکه‌ای اضافی با دو نقطه و یا استفاده از حروف متصل که در سنسکریت نیست، نشان داده می‌شود.

۳-۲: ویژگی‌های نظام نوشتاری

ویژگی نظام نوشتاری ختنی و تمشقی استفاده از دو نقطه بر زیر حرف برای نشان دادن آوای واکه‌ای است که در خط براهمی هندی نیست. احتمالاً این دو نقطه در اصل واکه‌ی پیشین بسته [e] را نشان می‌داده است چون برای نشان دادن آوای واکه‌ای به کار می‌رود که در نتیجه‌ی کامی شدن [a] ایرانی باستان حاصل می‌شود: ختنی -mästa (بزرگ) از -masita* (← اوستا: -masita). آوای حاصله در مراحل نخستین، در برگیرنده‌ی [i] نیز بوده است: -mista.

در نظام نوشتاری تمشقی نشان‌های جدیدی برای نشان دادن آواهایی که در براهمی هندی نیست، ابداع شد ولی در ختنی دو نویسه‌ای‌ها به کار رفتند. بدین ترتیب تمشقی نشان خاصی برای [z] صغیری واکبر به کار برد، در حالی که ختنی از دو نویسه ys استفاده کرد. این نشان بر روی سکه‌های هندی شَک‌ها (śaka) که به سده‌ی دوم میلادی بازمی‌گردد، نیز دیده شده است. پاره‌ای از نشان‌های نوشتاری که خاص ختنی است، احتمالاً از نظام نوشتاری پراکریت گرفته شده است، مثلاً: k و t که به ترتیب برای نشان دادن [g] و [d] به کار می‌رود و کاربرد t برای t در ختنی متداول‌تر است. مثلاً: pata

(مصرع) که برگردان pada سنسکریت یا پراکریت است. k برای نشان دادن [g] به کار می‌رود و دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد کاربرد tt ختنی برای [t] و t برای [d] بیشتر پدیده‌ای در درون زبان ختنی است. t بین واکه‌ای در ختنی واکبر می‌شود و tt نتیجه‌ی تماس ثانوی دو حرف دندانی است. بنابراین واژه‌هایی مانند pātar- (پدر) یا ضمیر متصل tā (از تو) که -t- باستانی را دارند (← اوستا: pitar- و tōi) زمانی که -tt- در واژه‌هایی مانند pittā (می‌افتد) از patati* و butte (می‌فهمد) از budatai* معمول شد، [d] تلفظ می‌شد. کاربرد tt برای نشان دادن بندشی بیواک در تقابل با t بندشی واکبر، نخستین راه حل از این نوع است که در ختنی به کار رفته است. دو حرفی -نویسی سپس به حروف g، k و s نیز تسری یافت، اما gg، kḡ، sḡ ویژگی ختنی قدیم است. در ختنی جدید k و s به ترتیب معرف پاشیده‌های بیواک [s] و [ḡ] هستند در حالی که 'k و 's برای نشان دادن پاشیده‌های واکبر [3] و [ḡ] به کار می‌روند.

در ختنی قدیم قلاب در واژه‌هایی دیده می‌شود که در آن‌ها آوای ایرانی باستان پس از واکبر شدن، افتاده است مثلاً در 'gguva (گوش‌ها) از gūža* از gauša* (← اوستا: gaoša-). در ختنی جدید تمایزی میان [g] و [ɣ] نیست.

علت به کار بردن دو نویسه tc و js در ختنی برای نشان دادن [ts] و [dz] بندشی -سایشی هنوز مشخص نشده است. در تمشقی ts نخست برای نشان دادن [ts] و [dz] به کار رفت اما بعدها نشان خاصی برای [dz] ابداع شد تا این دو از هم متمایز باشند.

۴-۲: نظام آوایی ختنی

دسته‌بندی همخوان‌های ختنی از نظر جایگاه و شیوه‌ی فراگویی

	لبی		دندانی		کامی-لثوی		کامی	نرم‌کامی		چاکنایی
بندشی (۱) غیرکامی (الف) کامی (ب)	p	(b)	t	d				k	g	
			tʃ	dʃ						
بندشی - سایشی (۲) غیرکامی (الف) کامی (ب)			tʂ	dʂ	tʃ	dʒ				
			tʂʰ	dʂʰ						
پاشیده (۳) غیرکامی (الف) کامی (ب)			s	z	ʃ	ʒ				
			sʃ	zʒ						
خیشومی (۴) غیرکامی (الف) کامی (ب)		m		n					(ŋ)	
				nʃ						
سایشی (۵) غیرکامی (الف) کامی (ب)	f	β	θ	ð				x	(ɣ)	h
			θʃ							
نیم‌واکه (۶)		w					j			
کناری (۷)				lʃ						
غلطان (۸)				r						
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

۱-۴-۲: توصیف همخوانیها

۱.۱. [p] → p

چوب -bāysa | سینه -pāysa [β] b [p] :

p ختنی ادامه‌ی [p] ایرانی باستان است: -pātar (پدر) ← اوستا: -pitar

۱.۲. [b] → b(?)

وجود [b] حتی به عنوان گونه‌ای از [β] نامعلوم است.

[p] و [b] ایرانی باستان در موقعیت بین واکه‌ای از طریق [β] در ختنی [w] می‌شود، به طوری که این امکان وجود دارد که b در ختنی در همه‌ی موقعیت‌ها معرف [β] باشد.

۱.۳. [t] → tt (در خوشه‌ها) (الف)

دراز -dāra | تار، تاریک -ttāra [δ] d [t] :

tt ختنی ادامه‌ی [t] ایرانی باستان است: ختنی -ttara (تشنگی) ← اوستا: -taršna.

tt برای نشان دادن [t] ابداع شد چون t در موقعیت بین واکه‌ای به [d] تحول یافت و برای برگردان d پراکریّت به کار رفت. مثلاً -pata (مصراع) به جای شکل پراکریّت شده‌ی pada- سنسکریّت.

tt نشان دهنده‌ی [t] در واژه‌های سنسکریّت است: ttathāggatta برای -tathāgata (لقب بودا).

۱.۴. [d] → t (در خوشه‌ها) (الف)

بیفت -patta | (سنسکریّت: -pada =) مصراع -pata [t:] tt [d] :

از آنجا که [d] بین واکه‌ای به [δ] تحول یافت، d برای [d] به کار نرفت اما هرگاه [t] بین واکه‌ای [d] شود، t جایگزین مناسبی برای آن است.

t آغازی نادر است. در tā (ضمیر دوم شخص) از ایرانی باستان *tai ← اوستا: tōi.

t احتمالاً، از زمانی که t بین واکه‌ای [d] شد، املای تاریخی است.

۱.۸. [k] → k

تند ggāma- | کدام k[ka] : gg[ga] kāmā-

k ختنی ادامه‌ی [k] ایرانی باستان است: ختنی: kamala- (سر) ← اوستا: kamərəða-

۱.۹. [g] → gg

→ ۱.۸.

gg ختنی ادامه‌ی [g] ایرانی باستان است: ختنی: ggara- (کوه) ← اوستا: gairi- .
قویترین دلیل برای آنکه gg=[g] است، کاربرد gg برای آوانویسی g سنسکریت است:
ttathāggatta (لقب بودا).

در مورد gr[gr]، تحول *xr ایرانی باستان به [gr] (مثلاً grūs-: خواندن ← اوستا:
xraos- موازی *fr به [βr] و *θr به [ðr] است. *gr و *xr میانی ایرانی باستان در
[gr] یکی شدند و سپس به [r] ختنی تحول یافتند: ختنی: ttīra- (تلخ) از *taxra-
← فارسی: تلخ.

۱(ب)۳. [tj] → t

t بسیار نادر است مگر در ترکیب t. t. \$t در واژه‌هایی دیده می‌شود که در بردارنده‌ی
\$t[ft] ایرانی باستان است: ختنی: hašta (هشت)، ← اوستا: ašta

۱(ب)۴. [d] → d

مأموران haḍa | گودال hahā : l [h] : d[da]

می‌شنود pyūṣḍe | شنید pyūṣṭte : ṣḍ[ḍ] : t[ṭ]

*rt و *rd ایرانی باستان به ترتیب در ختنی d و l می‌شود. ختنی: sāḍa- (سرد)، ←
اوستا: sarəta- ؛ ختنی: salīā (سال)، ← اوستا: sarəḍ- .

۲(الف)۳. [tʃ] → tc

می‌بیند vājsiṣḍe | می‌افشاند vatciṣḍe : js [dʒ] : tc [tʃ]

دو نویسه‌ای‌های tc و jc برای نشان دادن بندشی - سایشی‌های [tʃ] و [dʒ] است که در

خط براهمی نشانی برای آنها نیست.

tc از c متمایز است گر چه هر دو به [k] *č ایرانی باستان بازمی‌گردند.

۲.۴. [dz] → js

→ ۳. (الف) ۲.

در تمشقی نشان ویژه‌ای برای [dz] ابداع شده است. در ختنی دو نویسه‌ای js پیوسته برای [dz] به کار رفته است.

js متمم و اکبر tc است. بنابراین tc ختنی از *č ایرانی باستان است. ختنی: tcahora (چهار)، ← اوستا: čaθwārō، اما j ایرانی باستان در ختنی js می‌شود: ختنی: jsan- (کشتن)، ← اوستا: jan-.

js[dz] پیش از [d] به ys[z] کاهش می‌یابد: ختنی: dṛysde (نگاه می‌دارد) از *dṛjatai.

۲.۵. (الف) ۲. [tʃ] → ky, c

واژه‌بست | ju | چه cu [dʒ] : c[tʃ]

آن گونه که از متن‌های آغازین برمی‌آید، ظاهراً ky و c مانند gy و j کاربرد کاملاً مشابهی داشته‌اند.

ویژگی کامی ky و c از آنجا مشخص می‌شود که tc[tʃ] از *č ایرانی باستان است مگر پیش از i. مثلاً ختنی -cira (آشکار) از *ciθra-، ← اوستا: -ciθra.

ky و c نتیجه کامی شدن ثانوی k ختنی نیز هستند: ختنی byūca (حالت دری مفرد) از -byūka (طاق).

۲.۶. [dʒ] → gy, j

→ ۵. (الف) ۲.

ویژگی کامی gy و j از آنجا مشخص می‌شود که js[dz] از [g] *j ایرانی باستان است مگر پیش از i. مثلاً ختنی -jin (نابود کردن) ← اوستا: -jināiti.

۲(ب).۳. [tʃ] → ts

→ ۲(الف).۳

ts- ختنی در واژه‌هایی دیده می‌شود که از *čy- هندوایرانی آمده‌اند: ختنی tsāta- (ثروتمند) از *cyāta-، ← اوستا: šyāta-، فارسی باستان: šiyāta-.

۲(ب).۵. [tʃ] → ch

ch گونه کامی شده‌ی kh[x] است: ختنی: ggarcha (حالت دری مفرد) از ggarkha- (سنگین).

ch متمم کامی شده‌ی [tʃ] ts نیز هست: ختنی: ggamcha (حالت دری مفرد) از ggamtsa- (سوراخ).

ch ختنی اصل دیگری نیز دارد: *čy- ایرانی باستان: ختنی: pach- (پخته شدن) از pačya- ایرانی باستان.

۳(الف).۳. [s] → s

زال، پیر | ysāda- | سرد sāda- : ys[z] : s[s]

زبر | ysīra- | سیر، راضی sīra-

s ختنی ادامه‌ی *s ایرانی باستانی است: ختنی: sata- (صد)، ← اوستا: sata-.

۳(الف).۴. [z] → ys

→ ۳(الف).۳.

ys ختنی نتیجه‌ی قاعده‌مند *z ایرانی باستان است: ختنی: aysu (من)، ← اوستا: azəm.

۳.۵. [ʃ] → šš (در ختنی جدید و خوشه‌ها š)

میان، میانی | šuvo | خبرها 'ššuvo' : š[ʃ] : šš[ʃ]

šš ختنی قدیم (= ختنی جدید) از *xš ایرانی باستان است: ختنی قدیم šsavā (شب) از xšapā-، ← اوستا: xšap-.

šš ختنی برای برگردان š سنسکریت به کار می‌رود: ختنی: viššaya- (قلمرو، سرزمین)،

برای viṣaya سنسکریت.

kṣ ختنی نیزادامه‌ی *xš ایرانی باستان است: ختنی: kṣustä- (مایع)، ← اوستا: xšusta- .
 § ادامه‌ی *s ایرانی باستان در -kṣ و -pṣ ختنی است: ختنی: skīm- (آفریدن) از
 -skambaya* ، ← اوستا: skamb- .

§§ ختنی برای برگردان § سنسکریت است: ختنی: viṣṣaya- برای viṣaya- سنسکریت .

(ختنی جدید §) § → [3] ۳.۶.

شیره | sāra- | آن | s[3] : s[3] āra-

از آنجایی که -š* ایرانی باستان در موقعیت بین واکه‌ای در ختنی از میان رفته است، § در
 این موقعیت، تقریباً همیشه املای تاریخی است.

§ در خوشه‌ها معرف [ʃ] است (← ۳.۵) مگر در خوشه‌ی [ʃd] (← ۴. (ب) ۱).
 § آغازی نتیجه‌ی واکبر شدن *š* ایرانی باستان در موقعیت واژه بستی است: §a (= ختنی
 جدید -'sa)؛ این، از -aiša* ، ← اوستا: aēša-

(در ختنی جدید و در خوشه‌ها) śś → [sl] ۳. (ب) ۳

(حالت نهادهی مفرد) bisa : (حالت دری مفرد) śśa : s[sl] śś

از -bisā (خانه).

بیداری، نگهبانی | sāma- | دهان | śśāma- : ś[sl] śś

śś ختنی قدیم از *sy ایرانی باستان است: ختنی: śśālīnaa- (مسی، از مس) از -syāva*
 ← اوستا: syāva- (سیاه).

śś ختنی قدیم و ś ختنی جدید برای آوانویسی ś سنسکریت است: śśākyamuni- (ختنی
 جدید śākyamuni)، سنسکریت śākyamuni (بوداشاکيامونی).

(ختنی جدید ś') ś → [zl] ۳. (ب) ۴

→ ۳. (ب) ۳.

سختنی قدیم از *dv[dw] هندوایرانی است. در سختنی sāta- (دوم) از *dvita- ←
 هندی باستان: dvitiya-

۴.۲. [m] → m

m[m] : n[n] mīndā | nīndā می‌نشینند | آسیب می‌رساند

m سختنی ادامه‌ی [m] ایرانی باستان است: سختنی: mātar- (مادر)، اوستا: mātar-

۴(الف).۴. [n] → n

→ ۴.۲.

n سختنی ادامه‌ی [n] ایرانی باستان است: سختنی: nāman- (نام) ← اوستا: nāman-

۴.۹. [ŋ] → ŋi , m

موقعیت واجی [ŋ] در سختنی قدیم نامشخص است. ظاهراً گونه‌ی مشروط /n/ است.

در سختنی قدیم ŋi ، به جای m حتی پیش از gy ، به جای [دیده می‌شود:

شکارساز، تأثرات ذهنی گذشته: \$kaunigye, \$kaumgye, \$kogye, \$koje

۴(ب).۴. [n] → ñ

ñ[n] : n[n] hūña (حالت دری مفرد) : hūna (رای جمع)

از -huna (خواب، رویا)

غالباً در سختنی جدید ny جایگزین ñ می‌شود.

۵.۱. [f] → ph

ph[f] : b[β] phāta | bāta بادها | لذت‌ها

تقریباً مورد مشخصی دیده نمی‌شود که در آنجا *f ایرانی باستان به ph سختنی تحول یافته باشد.

سختنی: phārra- (مقام، موقعیت) از -farna* از -farnah ایرانی باستان وام گرفته شده است. اینکه ph معرف یک سایشی است در ارتباط با دیگر سایشی‌ها معلوم می‌شود. پس

*f ، *θ ، *x ایرانی باستان در موقعیت آغازی ph ، th ، kh سختنی، ولی در موقعیت

بین واکه‌ای همه به -h- منتهی می‌شوند. به همین ترتیب -*fr-، -*θr-، -*xr- باستانی، در ختنی [βr][δr][γr] و در موقعیت بین واکه‌ای همه -r- می‌شوند.

۵.۲. [β] → b

چوب -bāysa- | سینه -pāysa- [β] : p[p]

b- در ختنی ادامه‌ی -*b- و -*v-[w] ایرانی باستان است: ختنی: bar (بردن)، ← اوستا: bar-؛ ختنی: bāta- (باد)، ← اوستا: vāta-؛ پس این احتمال وجود دارد که b ختنی [β] تلقظ می‌شده است.

از آنجا که واکبر شدن در خوشه‌های سایشی r دار (ایرانی باستان: -*xr-، ختنی: [γr]-gr-، ایرانی باستان: -*θr-، ختنی: [dr]-[γr]) روی می‌دهد، b در -br- ختنی از -*fr- ایرانی باستان، متمم واکبر شده‌ی [θ] از -*f ایرانی باستان است (← ۵.۱).

در آوانویسی واژه‌های سنسکریت در ختنی b را برای b و bh سنسکریت می‌بینیم. پس افزون بر -buddha- به جای -buddha-، -buta- را نیز به جای -bhūta- داریم.

۵(الف).۳. [θ] → th

سوخته -padiya- | برگردانده -pathiya- [θ] : th[θ]

[θ] ادامه‌ی [θ] ایرانی باستان است: ختنی: thamj (کشیدن)، ← اوستا: θanjaya.

۵(الف).۴. [δ] → d

→ ۵(الف).۳.

[δ] ختنی ادامه‌ی -*d[d] ایرانی باستان است: ختنی: dasau (ده)، ← اوستا: dasəm.

۵.۸. [x] → kh

کوه -ggara- | خر -khara- [x] : gg[x]

kh[x] ختنی ادامه‌ی [x] ایرانی باستان است: ختنی: khara (خر)، ← اوستا: xara.

۵.۹. [γ] → g (در وام‌واژه‌ها در ختنی جدید: h)

→ ۱.۹.

از آنجا که g- * بین وا که ای ایرانی باستان، نخست [ɣ] و سپس از میان رفته، g به عنوان میانجی به کار رفته است. جایگزینی آن با t میانجی نشان روشنی است که g در چنین موارد تلفظ نمی شده است.

۵.۱۰. [h] → h

h[h] : kh[x] hastä | kxastä مجروح | فیل

(هر دو نهادی مفرد مذکر).

h ختنی ادامه ی h ایرانی باستان در -hūnā (خون) است. ← اوستا: -vohunī؛

ختنی: -hauda (هفت)، ← اوستا: -hapta.

۵(ب).۳. [θ] → tħ [tħ]

tħtħ[θ] : ɖ [ɖ] haθtħta راستی | haɖa فرستادگان

tħtħ (تħ) ختنی کاربرد نادری دارد. بهترین مثال آن haθtħtħa (راستی) از ایرانی باستان:

-haθyā * است. ← اوستا: -haiθya.

۶.۲. [w] → v

v[w] : b[β] vāta- | bāta- باد | نگه داشته

v ختنی در پاره ای موارد ادامه ی *v[w] ایرانی باستان است: ختنی: -vāj- (نگه داشتن،

صفت مفعولی -vāta)، ← فارسی باستان: -vaǰ- (بیرون کشیدن).

۶.۷. [j] → y

y[j] : r[r] byāta | brāta بیدار | یاد

y ختنی ادامه ی *y ایرانی باستان در byāta است، از ایرانی باستانی: -*abi.yātā؛ briya

(محبوب، نهادی مفرد مؤنث) از ایرانی باستان: -*friya، اوستا: -frya، هندی باستان:

-priya.

۷.۴. [ɭ] → l

l[ɭ] : ɖ[ɖ] hala | haɖa مأموران | گودال

در مورد شباهت آوایی میان [l] و [dl] ← ۴. (ب) ۱.

۸.۴. [r] → r

ده میلیون kula- | دروغ kūra- : l[r] : r[r]

r در ختنی قدیم از -rr- متمایز است. r در موقعیت آغازی تنها در وام‌واژه‌ها دیده می‌شود: ratana (جواهر).

در موقعیت میانی، -r- بین واکه‌ای ادامه‌ی *r ایرانی باستان است: ختنی: barīndä (می‌برند)، از ایرانی باستان: *baranti، ← اوستا: barənti ولی -rr- بین واکه‌ای ختنی قدیم ادامه‌ی *r + n، *r + m یا *r + šn ایرانی باستان است:

karəna- اوستا: < *karna- کر kārra

arəma- اوستا: < *arma- بازو ārra

pāšna- اوستا: < *paršna- پاشنه pārra

در ختنی قدیم r پیش یا پس از یک همخوان، بدون توجه به اصل r، با rr جایگزین می‌شود: brī در کنار brī (محبوب) از ایرانی باستان: *friya، ← اوستا: frya. ویژگی واکبری r و rr با تحول *fr، *θr- و *xr- ایران باستان به -gr(r)-، -dr(r)- و -br(r)- ختنی نشان داده می‌شود چون سایشی‌های بیواک در موقعیت آغازی بدون تغییر باقی می‌مانند.

۲-۴-۲: توصیف واکه‌ها

ختنی قدیم دارای واکه‌های زیر است:

/ i ī e ε a ā o u ū ə /

این واکه‌ها در متن‌ها به شکل‌های گوناگون نوشته شده‌اند. متن‌ها مراحل مختلف زبان را نشان می‌دهند و طبیعی است که طی تاریخ کاهشی در تعداد این واکه‌ها روی داده باشد. به

همین سبب تعداد واکه‌ها در ختنی جدید به چهار واکه تقلیل یافته است:

/ε a ɔ ə / که می‌توان آن‌ها را به صورت /i a u ə / نشان داد.

واکه‌های بلند و کوتاه /u/، /i/، /a/ بدون تغییر در ختنی قدیم باقی مانده‌اند:

/azu/ aysu : من ← اوستا: azəm

/nāma/na:ma/ نام (نهادی - مفرد - مذکر) ← اوستا: nāma

/Biffa/ یا /biśśa-/Biffa/ : همه، از هندوایرانی: *viśva-؛ ← اوستا: viśpa-

هندی باستان: viśva-

/ri:zua/ rriysua- : برنج ← هندی باستان: vrīhi-

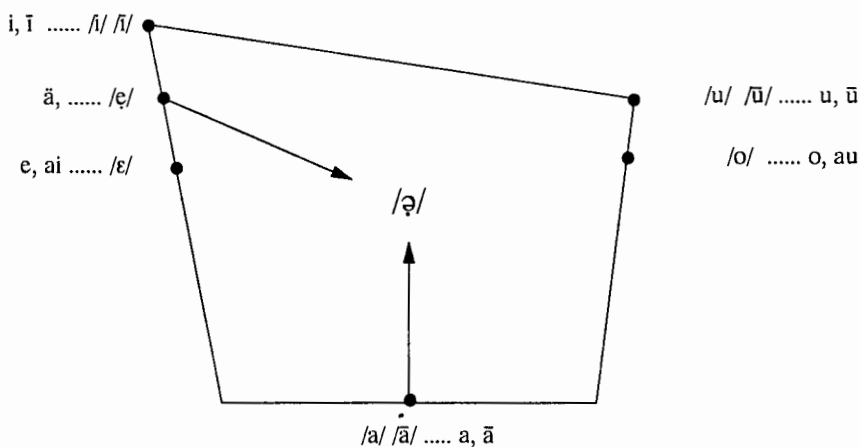
/uska/uska/ : بالا، به سوی بالا ← اوستا: uskāṭ

/hābu:wa/ hambūva- : زخم، غده، از هندوایرانی: *hampūta-

/ə/ گونه‌ای از /a/ در هجا‌های بی‌تکیه بوده که ā نوشته می‌شده است.^۱

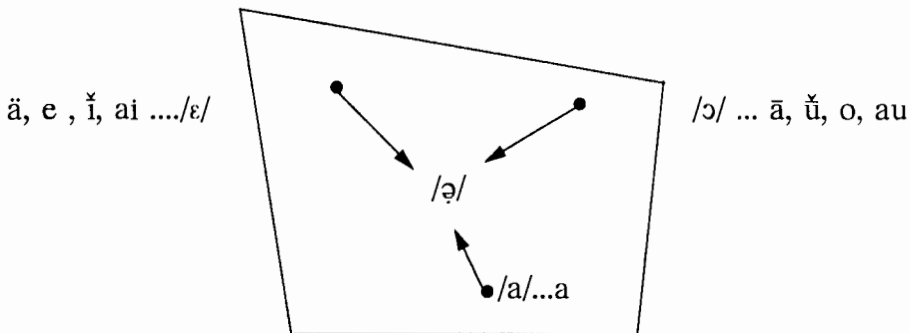
نقش واکه‌ها در موقعیت آغازی، میانی و پایانی متفاوت است و در متن‌های ختنی جدید،

بر اثر بی‌دقتی رونویسگران، واکه‌ها در مواردی حذف شده‌اند.



۱ - ختنی قدیم دو واکه‌ی دیگر نیز دارد زیرا بین ē و e از یک سو و ō و o از سوی دیگر تمایزات واجی وجود ندارد (Emmerick-Maggi, 1991, pp.67-73).

واکه‌های ختنی جدید



/ə/ گونه‌ای از /ɔ/ /a/ /ɛ/ در هجاهای بی‌تکیه بوده که با a, i, e و احتمالاً گاهی با دیگر واکه‌ها نشان داده می‌شده است.

۱-۲-۴-۲: جفت‌های کمینه

bada	کوچک	bāta-	باد
bisa	خانه	bīsa	خدمتکاران
mura	مرغان، پرندگان	mūra	سکه

ā ختنی قدیم به o و au تغییر نمی‌کند. این تحول در ختنی جدید روی داده است و نشان دهنده‌ی تحول /a:/ ختنی قدیم به /ɔ/ ختنی جدید است.

واکه‌ای که در ختنی قدیم ā نوشته می‌شود نیز از /ā/ /a/ متمایز است:

دیده شده : dātā | دید : dāte | داد، قانون : dāte | دد، حیوان وحشی : date

شواهد ختنی نشان می‌دهد که ā ارزش [ɐ] را در هجاهای تکیه‌بر و ارزش [ə] را در هجاهای بی‌تکیه داشته و [ə] تلفظ جایگزینی برای e, i, l نیز بوده است. احتمال می‌رود که ā برای نشان دادن [ɐ] ابداع شده باشد چون e براهمی معرف [ɛ] بوده است. در ختنی جدید نیز ai/e/i به عنوان گونه‌ای از /a/، ارزش [ə] را در هجاهای

بی تکیه داشته است.

تغییر ä به i از قدیم‌ترین تا جدیدترین متن‌ها دیده می‌شود و در نوشته‌های جدید، تمیز این دو آسان نیست اما شواهد حاکی از آن است که ä در اصل با i یکی نبوده است:

mästa- (بزرگ) از ایرانی باستان *masita- ، ← اوستا: masita-

vätä (به سوی) از ایرانی باستان *pati ، ← اوستا: paiti

جایگزینی ä به جای e، جز در موقعیت پایانی، نادر است. در موقعیت پایانی، از قدیم‌ترین تا جدیدترین متن‌ها، جانشینی ä با e دیده می‌شود و احتمالاً این امر نشان دهنده‌ی تحول واکه‌های کوتاه پایانی به [ə] در ختنی جدید است.

۳-۴-۲: تغییرات واکه‌ای در هجاهای پایانی

در ختنی تغییراتی در هجاهای پایانی روی داده است. واکه‌های بلند پایانی در ختنی قدیم و تمشقی کوتاه شده‌اند:

hīna/hi:na/ : سپاه (نهادی، مفرد، مؤنث) ← فارسی باستان: hainā (نهادی، مفرد،

مؤنث)

-āh>-e ؛ (جانشین -i شده است) -ah>-ä ؛ -ām>-ō ؛ -am>-u

-u پایانه‌ی رای، مفرد، مذکر برای a ستاک‌ها در ختنی و تمشقی است.

-o پایانه‌ی رای، مفرد، مؤنث برای ā ستاک‌ها در ختنی و تمشقی است.

-ä پایانه‌ی نهادی، مفرد، مذکر برای a ستاک‌ها در ختنی و تمشقی است.

-e پایانه‌ی نهادی، جمع، مؤنث برای ā ستاک‌ها در ختنی و تمشقی است.

۴-۴-۲: تغییرات واکه‌ای در واژه‌های دو هجایی

در واژه‌های دو هجایی، $\bar{u}$ ایرانی باستان پیش از /r/، /n/، /m/ کوتاه می‌شود:

sthūnā-: هندی باستان stunā-: اوستا $\rightarrow$ *stūnā- < ستون /stunā- / stuna:/

dhūmā-: هندی باستان $\rightarrow$ *dūmi- < دود /dumā / dumeḥ

dūrā-: هندی باستان $\rightarrow$ *dūra-: اوستا $\rightarrow$ *dura- < دور /dura / dūra/

$\bar{i}$ ایرانی باستان نیز پیش از /n/ و /r/ کوتاه می‌شود:

inām-: اوستا $\rightarrow$ (پایانه‌ی وابستگی - برایی جمع i ستاک‌ها) /inu/ inu-

inām-: هندی باستان

srīra-: اوستا $\rightarrow$ *srīra- < خوب /śśāra- / fēra/

۵-۴-۲: تغییرات ثانوی در واکه‌ها

تغییر و تعدیل‌های ثانوی بسیاری در نظام واکه‌ای ختتی روی داده است که معمولی‌ترین آنها کامی‌شدگی^۱، لبی‌شدگی^۲، کشش جبرانی^۳، ادغام^۴، همگون‌سازی واکه‌ای^۵، تضعیف واکه‌ای^۶ در موقعیت بی‌تکیه و کشش واکه‌ای^۷ پیش از خوشه‌ی همخوان است.

۱-۵-۴-۲: کامی‌شدگی

در موقعیت غیرپایانی، e معمولاً برآیند قاعده‌مند *ā ایرانی باستان در اثر کامی شدن است:

bhārya-: هندی باستان $\rightarrow$ *bārya- < بردنی /bera / βera/

- | | |
|-----------------------------|--------------------|
| 1. Palatalisation | 2. Labialisation |
| 3. Compensatory lengthening | 4. Contraction |
| 5. Vowel assimilation | 6. Vowel weakening |
| 7. Vowel lengthening | |

ker /kɛr/ کاشتن < *kāraya- → اوستا : kāraya-

در ختنی قدیم این -e- جانشین -ä- و -ai- نمی‌شود، اما در ختنی جدید جانشین -ai- می‌شود.

دانش، آگاهی -bvāmatā- < (بایی، مفرد) bvemāte jsa < bvaimē jsa
کامی‌شدگی ā به e موازی کامی‌شدگی a به ā روی داده است، هم چنانکه تحول -āh* به
-e در موقعیت پایانی موازی تحول -ah* به -ä/-i- است.

pātati : هندی باستان : pataiti → اوستا : *patai < می‌افتد /pi:tte/ pītā
در هر دو مورد وجه تمایز اصلی کشش و کیفیت، به تمایز بر حسب کیفیت
(بازشدگی) کاهش یافته است. این ملاحظات سبب تلفظ ā هم چون [e] و e هم چون [ɛ]
شده‌اند.

در ختنی ū مشتقی از u , au , uba , uva در شکل‌های uī یا v(ī) کامی شده است:
udara- : اوستا → *udarayā < (دری، مفرد، مذکر) در شکم /ui:ra/ uīra-
kūra- < (وابستگی - برای، مفرد، مذکر) دروغ /kui:re/ , kvīre /kuī:re/ kuīr-

۲-۴-۵-۲: لبی‌شدگی

در ختنی ممکن است a به ū لبی شود

tcūra° /tsu:ra/ چهار < *čaθru- → اوستا : caθru°

ttūrri- /tu:rra/ نازک < *taruna- → اوستا : tauruna-;

tāruna- : هندی باستان

۲-۴-۵-۳: کشش جبرانی

a > ā : dāra- /ḍa:ra/ دراز < *darga- → اوستا : darəga-;

dīrghá- : هندی باستان

$i > \bar{i} : \text{ṣvīda-} / \text{fwī:ḍa/}$ شیر $\rightarrow *xšvifta-$ اوستا
 $u > \bar{u} : \text{pūra/pu:ra/}$ پور، پسر $\rightarrow *puθra-$ اوستا
 putrá- هندی باستان

۴-۵-۴: ادغام

ادغام در صرف‌های ثانوی واکه‌ای بسیار رایج است:
 واکه‌ی مرکب ei در موقعیت پایانی نتیجه‌ی ادغام در صرف aa- ستاک (از aka-
 قدیم‌تر) است.
 $a + \bar{a} > \bar{e}i : \text{alysānei} / \text{aljza:nei/}$ جوانی (نهادی، مفرد، مذکر) $*alysānakā$
 $a + i > ai : \text{alysānai} / \text{aljza:nai/}$ (وابستگی-برایی، مفرد، مذکر) $*alysānaki$
 $a + a > \bar{a} : \text{pīsā} / \text{pi:sa:/}$ آموزگاران (مذکر، جمع، نهادی) $*pīsaka$
 $a + u > au, o : \text{kṣundau} / \text{tṣ'undo/}$ شوهر (مذکر، مفرد، رای) $*kṣundaku$
 ادغام ممکن است در اثر ناپدید شدن همخوان بین واکه‌ای نیز روی دهد:
 $i + \bar{a} > ei : \text{bei'ṇa} / \text{βei'ṇa/}$ زهر (مفرد، ازی-بایی) $*bišāna < *viša-$

۱- در تأیید جایگزینی $\bar{a}/ei/ai/e$ می‌توان به تحول واکه‌ای در مجاورت $*š$ اشاره کرد: tcaima, tceima, tcema, tcima (چشم). از میان این صورت‌ها برآیند قاعده‌مند $*čāšman-$:
 ایرانی باستان (اوستا: čāšman-) در ختنی $*tcei'man-$ است. صورت‌های tciman- و tcaiman- فقط در ختنی جدید آمده و صورت tcāman- اصلاً دیده نشده است.
 واکه‌ی مرکب در $tcei'man-$ در حال تحول به واکه‌ی ساده [e] بوده، اما تنها در ختنی جدید واکه بازتر [ē] شده به طوری که با [ē] که نتیجه‌ی کامی شدن ā است و [ē] که نتیجه‌ی واکه‌ی مرکب قدیمی ai است، یکی شده است. این واکه‌ی مرکب ei در ختنی جدید قابل جایگزینی با ai نیست. ai و ei با هر اصلی می‌تواند در ختنی جدید ai, e, i نوشته شود:
 $\text{kaidā} / \text{keda/}$ kim'dā ختنی قدیم $\text{kei'ndā}, \text{kai'ndā}$ می‌اندیشند
 e ختنی قدیم ($*āi$) می‌تواند در ختنی جدید $ai/e/i$ املا شود:
 $\text{baida} / \text{beda/}$ bida ختنی قدیم bendā بر، روی
 علاوه بر این i ختنی قدیم نیز در ختنی جدید $ai/e/i$ املا می‌شود:
 $\text{baiša} / \text{beša/}$ biša ختنی قدیم bišša- همه

→ *viṣā-*: هندی باستان *viṣā-*: اوستا

۵-۴-۲: همگون سازی واکه‌ای

a > i : *iḥvia-* /*ihi(:)wia*/ بیگانه < **a.hīvia-*

a > u : *puvāta-* /*puwa:da*/ سرد < **pati.vāta-*

a > o : *tcohara* /*tsohora*/ (→ در کنار) چهار

→ *caθβārō*: اوستا

i > u : *busvāra-* /*Biswa:ra*/ (→ در کنار) خویشاوند

۶-۴-۲: تضعیف واکه‌ای در هجاهای بی تکیه

a > ä : *hvatāna-* /*hwadəna*/ (→ در کنار) ختنی

ä نتیجه‌ی تضعیف واکه‌ای در هجای میانی بدون تکیه است. این نیز دلیل دیگری برای تلفظ [ə]ā است.

ā > a : *ātama-* /*a:dama*/ کام، آرزو < **ākāma-*

۷-۴-۲: کشیدگی واکه‌ای پیش از خوشه‌ی همخوان

a > ā : *āstaa-* /*a:staa*/ استخوان < **astaka-* → *stka-*: سغدی بودایی و مانوی

stq-: سغدی مسیحی

tcārman- /*tsa:rman*/ جرم، پوست < **čarman-* → *carəman-*: اوستا

واکه‌های مرکب ایرانی باستان در ختنی واکه‌ی ساده شده‌اند:

ai > ī : *bīsa* /*Bi:sa*/ خدمتکار < **vaisa-* → *vaēsa-*: اوستا

śśīta- /*fi:da*/ سفید < **śvaita-*: هندوایرانی

śveta-: هندی باستان

gaona- : اوستا → *gauna- < گون/گونه، رنگ، مو /ggūna- /ggu:na/ au > ū :

raoŋna- : اوستا → *raugna- < روغن /ru:na/ rrūṇa-

واکه‌های مرکب ثانوی در ختنی نتیجه‌ی ادغام و شیوه‌ی پردازش پاره‌ای از خوشه‌های لبی هستند. بنابراین ختنی آغازی واکه‌های مرکب زیر را داشته است:

ai, ei, uī, uai, au

au ختنی آغازی به واکه‌ی ساده o/o/ تحول یافته است.

/o/ ختنی که در ختنی قدیم au یا o نوشته شده است از چند راه به دست می‌آید:

1) frabara- : اوستا → *frabara- < , دادن /hor/ aba:hor- ایرانی باستان <

2) frōd : پارتی → *fravata- < توانستن /hod/ ava:hot- ایرانی باستان <

3) *hafta- < هفت /hoḏa/ af : hoda پیش از t, n, s, š, r <

→ hapta- : اوستا

/o/ ثانوی در ختنی تابع کامی شدگی و نیز ادغام با ī بعدی است:

hotā- < (بایی - ازی، مفرد) نیرو /hwɛdɛ/ hvete

+ (اگر، چه وقت) kho = khvai, khvei = -vei, -uai, -ai > au, o + ī ادغام

(ضمیر سوم شخص مفرد) ī-

sarui /saruai/ شیر (وابستگی - برای، مفرد) sarui + -ī

روند تحول *r ایرانی باستان در ختنی پیچیده است. برآیند آن در شرایط

گوناگون چنین است:

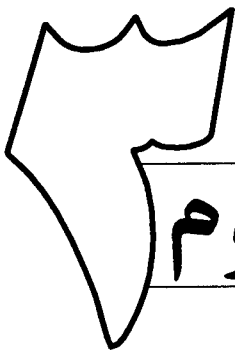
arr, ir, il, ur, urr, ul, ri

نتیجه

واکه‌های ختنی قدیم $\check{i}$ ، e ، ei ، ai در ختنی جدید $/\epsilon/$ می‌شود.

a ختنی قدیم در ختنی جدید بدون تغییر می‌ماند.

$\bar{a}$ ، $\check{u}$ ، o ، au ختنی قدیم در ختنی جدید $/\text{ɔ}/$ می‌شود.



گفتار سوم

۳- صرف

۱-۳: کلیات

اسم در ختنی دو شمار مفرد و جمع و نمونه‌هایی از مثنی را نشان می‌دهد. ختنی سه جنس، مذکر، مؤنث و خنثی دارد که جنس خنثی تقریباً از میان رفته است. در حالت‌های غیرفاعلی جمع، تمایز جنس دیده نمی‌شود. اسم شش حالت صرفی دارد: نهادی، آیی، رای، وابستگی - برایی، بایی - ازی و دری.

صرف اسم، مانند اوستا، به دو گروه واکه‌ای و همخوانی تقسیم می‌شود. گروه واکه‌ای سپس به دو زیرگروه اولیه و ثانویه، یعنی ادغام نشده و ادغام شده ($aka^* <$) بخش می‌شود.

۱-۱-۳: شمار

شمار مثنی در زبان‌های هندواروپایی رو به نابودی گذاشته است. در زبان ختنی شمار مثنی در صفت و ضمیر دیده نمی‌شود و تنها آثار اندکی از آن در صرف اسم به جا مانده است. پاره‌ای از واژه‌ها که از نظر تاریخی شمار مثنی داشته‌اند، پایانه‌ی جمع گرفته‌اند. مثلاً در ختنی $d(u)va$ (دو) از هندواروپایی $*d(u)u\bar{o}$ در حالت وابستگی جمع $dvīnu$ از هندواروپایی $*d(u)u\bar{o}i-nu$ است. در ختنی $uvä'$ (حس‌ها) که معادل $uši$ مثنی در

اوستاست، پایانه‌ی غیرفاعلی، مانند پایانه‌ی «دو» را دارد، یعنی: وابستگی - برایی جمع آن $uī'nu$ و بایی - ازی جمع $uvyōu$ است. در ختنی $mārāpātara$ (والدین، مادر و پدر) در اصل ترکیب دوتایی یا مزدوج بوده است، اما پایانه‌ی جمع گرفته است، $mārāpātara\ tsīndā$: والدین می‌روند.

۲-۱-۳: حالت

حالت‌های صرفی در ختنی، در اصل، همان حالت‌های ایرانی باستان، هندی باستان و هندواروپایی است. شمار حالت‌های صرفی با ادغام دو حالت وابستگی - برایی از یک سو و بایی - ازی از سوی دیگر، به شش حالت کاهش یافته است. این حالت‌ها به ترتیب وابستگی - برایی و بایی - ازی نامیده می‌شوند چون در حقیقت نقش‌های نحوی حالت‌های ادغام شده را دارند. ادغام حالت بایی و ازی در لاتین نیز روی داده است اما در آنجا شکل حفظ شده حالت ازی است، در حالی که در ختنی به سبب تمایزهایشان، صورت‌های بایی، مفرد، مذکر و ازی، مفرد، مؤنث حفظ شده‌اند. در فارسی باستان نیز ادغام در حالت‌های وابستگی و برایی روی داده است و حالت وابستگی نقش‌های حالت برایی را پذیرفته است.

در ختنی شباهت پایانه‌ی صرفی حالت آیی، جمع، مذکر و بایی - ازی جمع، مذکر، یعنی yau - قابل ذکر است. مثلاً: $balysyau$: «ای بوداها» یا «با/از بوداها». این ویژگی شباهت قابل توجه کاربرد رایج $vohū\ managhā$ بایی مفرد را به جای آیی مفرد در اوستا نشان می‌دهد. باید توجه داشت که ختنی پایانه‌ی آیی مفرد $a < *a$ - را در کنار پایانه‌ی آیی مفرد $\bar{a} < *a$ - دارد.

ویژگی مهم دیگر حالت در ختنی عدم تمایز کامل بین نهادی و رای‌ی در شمار جمع است. همه جا صورت قدیمی نهادی جمع رایج است. در اوستا بیشتر حالت نهادی جمع به جای رای جمع به کار می‌رود.

از قدیم‌ترین متن‌ها تا جدیدترین نوشته‌ها، تمایل بسیاری برای به کار بردن حالت نهادی مفرد به جای رای‌ی مفرد، و گاهی عکس آن، دیده می‌شود که احتمالاً بخشی از آن به سبب فشار ساختاری از حالت نهادی - رای‌ی جمع باشد. در ختنی جدید هیچ تمایزی میان نهادی و رای‌ی مفرد دیده نمی‌شود.

دستگاه صرف ختنی جدید، به سبب کاهش در تعداد واژه‌ها، بسیار ساده شده است. تمام حالت‌ها در شمار مفرد در صرف‌های -a و -ā ستاک، واکه‌ی کوتاه پایانی /ə/ را دارند که معمولاً a نوشته می‌شود. حالت بایی - ازی مفرد -a دارد که به دنبال آن پسواژه‌ی na یا jsa می‌آید. حالت آیی مفرد ممکن است نشانه‌هایی از کامی شدگی را نشان دهد. مثلاً: bās' (دری مفرد) از -bāysa (چوب، بیشه). حالت نهادی - رای‌ی در شمار جمع پایانه‌ی -a یا -e دارد، در حالی که دیگر حالت‌ها /ə/ دارند که -ā، -vā و... نوشته می‌شود. معمولاً به دنبال پایانه‌ی حالت بایی - ازی جمع، پسواژه‌ی jsa دیده می‌شود.

۲-۳: پایانه‌های صرفی ختنی جدید

<u>مفرد</u>	
نهادی، آیی، رای‌ی، وابستگی - برای، دری بایی - ازی	-a -a jsa
<u>جمع</u>	
نهادی - رای‌ی وابستگی - برای، دری بایی - ازی	-a -ā -ā jsa

۳-۳: صرف‌های اسمی

تقسیم اسم به دو گروه واکه‌ای و همخوانی از قدیم‌ترین متن‌های ختنی تا جدیدترین آنها تداخل یافته است. بسیاری از شکل‌ها -a دار شده‌اند. ظاهراً تنها تمایز بین نهادی مفرد و دیگر صورت‌ها مثلاً میان شکل نهادی مفرد 'hve (مرد، انسان) و شکل‌های -hvand' پابرجا مانده است. اما در -n ستاک (ختنی) گونه‌ی -a دار شده (مثلاً نهادی مفرد tcei'mā : چشم، از -tcei'man) و صورت اصلی واژه (مثلاً نهادی مفرد nāma : نام، از -nāman) دیده می‌شود.

در گروه واکه‌ای، صورت‌ها غالباً به ā ستاک منتقل شده‌اند. بنابراین -u ستاک در ختنی وجود ندارد. -u ستاک ایرانی باستان یا با تغییر -u به -a-، مثلاً: -pasa (چارپا، گوسفند) از ایرانی باستان *pasu-، یا با افزودن پسوند -ka- مثلاً: -bāysua (بازو)، از -bazuka* (← اوستا: bāzu-، پهلوی: bāzūg، فارسی: بازو) -a دار شده است.

صرف انواع -i ستاک در ختنی قدیم به یک صرف کاهش یافته است. افزون بر صورت وابستگی - برای جمع ggariṇu (کوه) از -i ستاک باستانی، ggārāṇu نیز دیده می‌شود. -i ستاک مؤنث هندی باستان معمولاً در ختنی به -ā ستاک منتقل شده است. مثلاً: -ggatā وام‌واژه از هندی باستان -gati در حالت نهادی مفرد مؤنث ggata (حالت، جهت).

در ختنی جدید، در اثر تضعیف واکه‌های کوتاه پایانی، صرف‌های اولیه واکه‌ای آشفته شده و در نتیجه تمایز جنس غالباً از میان رفته است.

تنها نشانه از صرف واکه‌ی مرکب، اسم مؤنث -nau (ناو، کشتی) است.

۱-۳-۳: گروه واکه‌ای

۱-۱-۳-۳: زیر گروه اولیه

۱-۱-۱-۳-۳: اسم‌های a- ستاک

در جدول‌های زیر قدیم‌ترین صورت پایانه‌های صرفی این گروه آمده است.
تمام اسم‌ها در این صرف، مذکر (یا در اصل خنثی) هستند: -balysa: بودا، -gyasta:
ایزد، -dāta: داد، قانون و...):

مفرد	جمع
نهادی -u (خنثی) -ä -i	-e (خنثی) -a نهادی - رایی
-a آیی	-yau آیی
-u رایی	
-i -ä وابستگی - برایی	-ānu وابستگی - برایی
-āna بایی - ازی	-yau, -yo (+ jsa) بایی - ازی
-ä, -o, - ⁱ a, -a دری	-uʂo', -uvo' دری

۲-۱-۱-۳-۳: اسم‌های ā- ستاک

تمام اسم‌ها در این صرف مؤنث هستند (-hīnā: سپاه، -kanthā: شهر، -rrīṇā:
ملکه، -ūtā: آب و...):

مفرد	جمع
-a نهادی	-e -ā نهادی - رایی
-o -u -a آیی	
- ⁱ e -ä وابستگی - برایی	-ānu وابستگی - برایی
- ⁱ e(jsa), - ⁱ ä(jsa) بایی - ازی	-yau(jsa), -yo(jsa) بایی - ازی
- ⁱ a, - ⁱ e, -o دری	-uvo' دری

dīvatā (آیی مفرد مؤنث) احتمالاً ä- حالت آیی مفرد مؤنث باستانی را نشان می‌دهد که از ai- *ایرانی باستان است.

۳-۱-۱-۳: صفت‌های ä- ستاک

پایانه‌های صرفی در بیشتر موارد شبیه پایانه‌های صرفی اسم‌های مذکر a- ستاک و اسم‌های مؤنث ä- ستاک است. تعداد اندکی پایانه‌های مؤنث از i- ستاک آمده، که منحصرراً شامل اسم‌های مؤنث است و صرف i- ستاک جداگانه‌ای برای صفت دیده نمی‌شود. هیچ گونه نشانی از خشی نیز در صفت دیده نمی‌شود. ویژگی عمده‌ای که تمایز دهنده صرف صفت است پایانه‌ی ye- وابستگی - برایی مفرد مذکر است. ye- احتمالاً از پایانه‌ی حالت وابستگی - برایی، مذکر - مؤنث *āyāh + *ahya > آمده است. ویژگی دیگر، پایانه‌های غیرفاعلی äñe- (بایی - ازی مفرد مؤنث) و iña- (دری مفرد مؤنث) است که احتمالاً پسوند مؤنث‌ساز inī- * را نشان می‌دهند.

مفرد

مؤنث	مذکر
-a -ä -i	0 -a -ä -i -u -e نهادی
-a	-a [-o?] آیی
-a -ä -i -u -o	0 -a -ä -i -u -e -o رای
-ä -e -i	-ä -i -äte -äye -e -yi -ye -yai وابستگی - برایی
-i -äñi -añe -iñe -e -i	-a(na) -ä(na) -e(na) -na -ye بایی - ازی
-a -ä -aña -iña -o -ña	-a -i -a -aña -aña -u -i -u -ye دری

جمع

مؤنث	مذکر
-a -ā -i ¹ ā -e -i ¹ e	-a -aña -añā -añi -ā -i -āñi -iñā -e -yi
	-anyau -yau آیی
	-ām -ānu -yām وابستگی - برایی
-ā -yau	-iyau -yau بایی - ازی
-uvo' -vā -vo -vo'	-ām -āvo' -uvo' -vā -vo دری

۴-۱-۱-۳: اسم‌های i- ستاک

صرف i- ستاک ختنی با صرف i̇- ستاک و i- ستاک هندوایرانی و هندواروپایی مطابقت می‌کند. تمام اسم‌ها در این صرف مؤنث هستند. در ایرانی‌باستان تمام i̇- ستاک‌ها مؤنث بودند (i̇- hālsti: نیزه؛ nāri: زن). از آنجا که در ختنی تنها صرف i- ستاک وجود دارد، وام‌واژه‌های هندی‌باستان، i- ستاک یا i̇- ستاک، در ختنی یکسان صرف می‌شوند: bhūmi- < bhumi̇- (بوم، سرزمین)، اما dhāraṇi < dhāraṇi̇-.

جمع	مفرد
-i ¹ ā - نهادی - رای	-ā - نهادی
	-i ¹ u -ā - رای
-ānu وابستگی - برایی	-i ¹ e -i ¹ ā وابستگی - برایی
-yau -yo(jsa) بایی - ازی	-i ¹ e -i ¹ ā(jsa) بایی - ازی
-(u)vo' دری	-i ¹ a دری

۵-۱-۱-۳: صرف ستاک واکه‌ی مرکب

ختنی تنها در یک واژه آثاری از صرف واکه‌ی مرکب هندوایرانی را نشان می‌دهد:

اسم مونث nau: ناو، کشتی (سغدی بودایی: n'wh ؛ هندی باستان: nauḥ ؛ اوستا: nav- در navāza- ؛ فارسی: ناو).

مفرد	جمع
nau, no نهادی	
nvye وابستگی - برایی	
nve jsa, nvye jsa بایی - ازی	
noya, nauya, nvya دری	

۶-۱-۱-۳: قواعد ادغام واکه‌ها

$$i \quad a \quad \check{a} + \check{a} > \bar{a}$$

$$b \quad \check{i} + \check{i} > \bar{i}$$

$$c \quad \check{u} + \check{u} > \bar{u}$$

$$ii \quad a \quad \check{a} + \check{i} > ai, ei$$

$$b \quad \check{a} + u/o > au, o$$

$$c \quad \check{a} + e > e$$

$$iii \quad a \quad \check{i} + u > * \check{i} + i > \bar{i}$$

$$b \quad \check{u} + i > * \check{u} + u > \bar{u}$$

$$c \quad \check{u} + \bar{i} > v\bar{i}, u\bar{i}, uv\bar{i}$$

$$d \quad e + i > ei$$

- iv a i + ě, e, o > - (i)yě, - (i)ye, (i)yo
 b ů + ě, e, o > -(u)vě/ -ūvě, -(u)ve/-ūve, -(u)vo/-ūvo

- v a āv + ě > au, o
 b *āv + ī > vai, uai
 c āv + y > auy

- vi a ěk → پیش از v, y ناپدید می شود
 āk > ā → (پیش از v, y در ستاک های چند هجایی)
 b -kǃ → پس از ā در ستاک های چند هجایی ناپدید می شود
 c -ĭk > -(i)y → پیش از v, y
 -ǃk > -(u)v → پیش از v, y
 k = همخوان بین واکه ای که ناپدید شدن آن سبب ادغام می شود.
 ǃ = واکه ای کوتاه
 ā = واکه ای بلند

۲-۱-۳: زیر گروه ثانویه

بخش دوم صرف واکه ای، صرف واکه ای ثانویه نامیده می شود. این صرف در ختنی اصیل دیده نمی شود و به طور ثانوی تحول یافته و تنها ادامه ی صرف های -ě ستاک اولیه است.

بیشتر شاخه های صرف واکه ای ثانویه واژه هایی را در بر می گیرد که پسوند *-kā داشته اند. *-k بین واکه ای، واکبر و سپس ناپدید شده و میانجی حاصل با ادغام واکه، بسته شده است. بدین ترتیب:

*-a-ka	āstaa-	استخوان	pīsa-	آموزگار
*-a-kā	śśandaā-	زمین	baśabaā-	بزه، گناه
*-ā-ka	dāa-	آتش	haḍāa-	روز
*-i-ka	padia-	راه، روش	naria-	دوزخ
*-i-kā	ūvāysiā-	عامی (زن)	ggāṭhiā-	صاحب‌خانه (زن)
*-u-ka	āvua-	دهکده	aysmua-	اندیشه
*-ū-ka	prūa-	دیده‌بانی	busūa	بوی، سوخت

۱-۲-۳-۱: اسم‌های aa- ستاک

مفرد	جمع
نهادی -ai	-ā -e نهادی - رای
آیی -ā	
رای -au	
وابستگی -ai	-ānu وابستگی - برای
بایی -ازی -aina	-yau(jsa) بایی - ازی
دری -iya	-uvo' دری

۲-۲-۱-۳: اسم‌های -āa ستاک

مفرد	جمع
نهادی -ā	-e نهادی - رای
رای -au	
وابستگی -ye	*-ānu وابستگی - برای
بایی -ye(jsa)	-yau(jsa) بایی - از
دری -ya	

۳-۲-۱-۳: صفت‌های -āa ستاک

(tuśśaa: خالی؛ -dātīnaa: قانونی؛ -suraā: پاک)

مفرد			جمع		
	مذكر	مؤنث		مذكر	مؤنث
نهادی	-ai		نهادی - رای	-ā -e	-e
رای	-au	-au			
وابستگی - برای	-ai	-ye		*-ānu	
بایی - از	-eina			-yau	
دری	-ai				

۴-۲-۱-۳: اسم‌های -āa ستاک

این صرف به اسم‌های تک هجایی و چند هجایی تقسیم می‌شود.
اسم‌های تک هجایی مانند: -pāa: پا؛ -rrāa: دشت؛ -dāa: آتش

مفرد	جمع
-ai نهادی	-ā نهادی - رای
-au رای	
-ai وابستگی - برای	-ānu
-aina بایی - ازی	-yau(jsa) بایی - ازی
-āña دری	-vo'

اسم‌های چند هجایی مانند: -biśāa: زبان؛ -nitāa: رودخانه؛ -haḍāa: روز

مفرد	جمع
-ā نهادی	-ā نهادی - رای
-ā رای	
-ai -āyi وابستگی - برای	
-āna بایی - ازی	
-āya -āyi دری	-āvo'

۵-۲-۱-۳: اسم‌های -ia ستاک

مفرد	جمع
نهادی -ī	-ya, -ye نهادی - رای
آیی -ya	
رای ī	
وابستگی - برای -ī	-yānu
بایی - ازی -īna	-īyyau
دری -ya, -yo	iyvo'

۶-۲-۱-۳: اسم‌های -iā ستاک

مفرد	جمع
نهادی -iya	-(i)ye نهادی - رای
رای -yo	
وابستگی - برای -(i)ye*	-yānu
بایی - ازی -ye*	
دری -ya*	

۷-۲-۱-۳: صفت‌های -iā ستاک

مانند: dātia: قانونی؛ paḍāmjsia: پیشین؛ bria: محبوب، گرامی

مفرد			جمع		
	مؤنث	مذکر		مؤنث	مذکر
نهادی	-ī	-(i)ya	نهادی - رای	-(i)ya	-ye
آیی	-iya				
رای	-ī	-yo			
وابستگی - برای	-ī	-ye*		-yānu	*-yānu
بایی - ازی	-īna	-ye*		-yau*	-āyyau
دری	-ī	-yo		*-yvo'	*-yvo'

۸-۲-۱-۳-۳: اسم‌های ua- ستاک

مفرد		جمع	
نهادی	-ū	نهادی - رای	-(u)va, -uve
رای	-ū		
وابستگی - برای	-uī		-(u)vānu
بایی - ازی	-ūna		-vyau
دری	*-uvya		*-vo

۹-۲-۱-۳-۳: صفت‌های uā- ستاک

معمول‌ترین صفت‌های این ستاک: -kṣīrua: سرزمینی، مربوط به سرزمین؛

-tcarṣua: درخشان؛ -hajua: دانا

مفرد			جمع		
	مذكر	مؤنث		مذكر	مؤنث
نهادی	-ū	-uva	نهادی - رای	-uva, -uve	-uve
رای	-ū	-uvo			
وابستگی - برای	-vī			-vānu	
بایی - ازی	-ūna			-vyau	

۱۰-۲-۱-۳-۳: اسم‌های ūa- ستاک

این صرف به اسم‌های تک هجایی و چندهجایی تقسیم می‌شود.

اسم‌های تک هجایی

مفرد		جمع
نهادی	*-ū	-ūva نهادی - رای
دری	-ū	

اسم‌های چند هجایی

رای	-ū
وابستگی - برای	-vī
بایی - ازی	-ūna

۱۱-۲-۱-۳-۳: اسم‌های au- ستاک

مانند: cārau: چراغ؛ gyau: جنگ؛ drau: مو؛ sarau: شیر

مفرد	جمع
نهادی -au	نهادی - رای -au
رای -au	
وابستگی - برای -uai	*-aunu
بایی - ازی -auna	-vyau
دری -auya	

۲-۳-۳: گروه همخوان

این گروه تقریباً همگی به صرف a- ستاک منتقل شده‌اند. شکل‌های غیر a- دار در حالت‌های نهادی، رای، وابستگی - برایی مفرد و نهادی و رای جمع دیده می‌شوند.

۱-۲-۳-۳: اسم‌های nd- ستاک

دو واژه بسیار معمول یعنی -rrund(a): پادشاه و -hva'nd(a): انسان، مرد در این صرف قرار دارند. تنها حالت‌های نهادی، (آیی)، رای مفرد و جمع و وابستگی - برایی مفرد به صرف همخوان تعلق دارند. از آن جا که -rrund(a) و -hva'nd(a) در اصل صفت‌های فاعلی گذرا هستند (-hva'nt* و -rvant*)، به ترتیب از ستاک‌های -hv' و -rrv از -auš*: مردن و -var*: فرمان دادن، پایانهی -ye را در حالت وابستگی - برایی مفرد، (مانند صفت‌های صرف a- دار) و نیز پایانهی *ah< -i را در حالت وابستگی - برایی مفرد (مانند ستاک‌های همخوان) دارند.

مفرد			جمع		
نهادی	rre	hve'	نهادی - رای	rrundä	hva'ndi
آبی	rre			rrundyau	
رای	rrundu	hva'ndu			
وابستگی - برای	rrundi	hva'ndi(ye)		rrundunu	hva'ndānu
بای - ازی	rrundāna	hva'ndāna		rrundyau	hvaṃ'dyau
دری					havṃ'duvo'

۲-۲-۳: اسم‌های n-ستاک (مذکر)

اسم‌های این صرف به جز حالت‌های نهادی، (آبی)، رای مفرد و جمع و وابستگی - برایی مفرد -a دار شده‌اند. این صرف شامل -naḍaun(a) و naḍe: مرد؛ bye و -byāvan(a): گواه؛ -śvān(a) و śve: سگ است. naḍe از ایرانی باستان -nṛtāvan* و bye از ایرانی باستان -vi-kāvana* (← پارتی wigāh).

مفرد				جمع		
نهادی	naḍe	bye	śve	نهادی - رای	naḍaune	śvānā
آبی	naḍe				naḍaunyau	
رای	*naḍaunu					
وابستگی - برای	naḍaunā				śvānānu	
بای - ازی	naḍaunāna					

۳-۲-۳: اسم‌های n- ستاک (خنثی)

این صرف بیشترین تعداد پایانه‌های ستاک همخوان را داراست. پایانه‌های نهادی - رایی مفرد (-a)، وابستگی - برایی مفرد (-ī)، بایی - ازی مفرد (-āna)، دری مفرد (-āña)، نهادی - رایی جمع (-a، -añi)، همه به صرف همخوان تعلق دارند. از میان واژه‌های خنثی در این گروه می‌توان از -kamalan: سر؛ -tīman: تخم؛ -tcārman: پوست؛ -tcei'man: چشم؛ -nāman: نام؛ -śśaman: دهان، صورت نام برد.

مفرد	جمع
نهادی śśāma	tcei'mañi
رایی śśāma	tcei'mañi
وابستگی - برایی *śśāmani	tcei'mañinu
بایی - ازی tcei'māna	tcei'mañyau
دری śśāmāña	*tcei'mañuvo'

صورت‌های جمع بعضی از اسم‌ها، که به صرف‌های دیگر تعلق دارند، بنابر نمونه‌ی صرف n- ستاک، خنثی هستند.

مفرد		جمع
ua- ستاک	bua ² - بوی خوش	bva'ñi
i- ستاک	busi- بو	buśśañi
ā- ستاک	ysuyā- مزه	ysuyañi
a- ستاک	kṣīra- سرزمین	kṣīrañā
	khāysa- خوراک	khāysañā
	jsāra- دانه	jsārañā
	bāysa- چوب	bāysañā

صورت‌های جمعی که در بالا آمده است، صورت‌های تکمیلی خوانده می‌شوند ولی در بعضی حالت‌ها، این صورت‌ها در کنار صورت‌های جمع معمول خود قرار دارند. مثلاً *bāysaṇā* در کنار *bāysa*؛ *kṣīraṇā* در کنار *kṣīre*.

۴-۲-۳: صفت‌های n- ستاک

دو صفت -*māṣḍān(a)*: بخشنده، مهربان و -*mulysjaṣṣon(a)*: دلسوز، مهربان در این صرف قرار دارند. تنها حالت‌های نهادی، (آیی)، وابستگی - برایی مفرد و نهادی، رایبی جمع دارای صورت‌هایی هستند که از صرف همخوان مشتق شده‌اند.

مذکر		
نهادی مفرد	<i>māḍe</i>	<i>mulysgyaṣṣe</i>
آیی مفرد	<i>māṣḍāna</i>	<i>mulysgyaṣṣe</i>
وابستگی - برایی مفرد	<i>*miḍānā</i>	<i>*mulysgyaṣṣaunā</i>
بایی - ازی مفرد	<i>*miḍānāna</i>	<i>*mulysgyaṣṣaunāna</i>
نهادی - رایبی جمع		<i>mulysjaṣṣonā</i>

۵-۲-۳: اسم‌های I- ستاک

تنها اسم‌هایی که نشانی از صرف I- ستاک دارند، اسم‌های نسبت و خویشاوندی هستند: *pāte*: پدر؛ *māta*: مادر؛ *dūta*: دختر؛ *brāte*: برادر؛ **hvara*: خواهر. *mārāpātara* (مادر و پدر، والدین) مانند شمار جمع ستاک‌های -*a* دار صرف می‌شود: -*mārāpātara*، اما -*ā* در -*mārā* نتیجه‌ی مستقیم شمار مثنی یعنی -*ā** هندوایرانی است. -*a* پایانی در *mārāpātara* (نهادی - رایبی جمع) می‌تواند معرف شمار مثنی -*ā**، نیز پایانه‌ی نهادی جمع ایرانی باستان -*ā** باشد.

مفرد

مذکر			مؤنث	
نهادی	pāte	brāte	māta	dūta
رایی	pātaru	brātari	mātaru	
وابستگی - برایی	pīrā		merā	dvīrā
بایی - ازی	[pyarina]	[brātari ... na]		[dvīrā...jsa]
				hvari...jsa

جمع

نهادی - رایی	brātari	dutarā
وابستگی - برایی	[brātarāṇu]	[°duīrāṇu]
		[hvarāṇu]
بایی - ازی	[brātaryau jsa]	[dvataryau

۶-۲-۳-۳: اسم‌های h- ستاک

نشانه‌هایی از صرف h- ستاک ایرانی باستان (s- * ستاک هندوایرانی) در ختنی باقی مانده است: ysare: پیری؛ mase: اندازه، بزرگی.

yasre در حقیقت از *zarāh ایرانی باستان است. mase (← اوستا: masah- اسم ختنی) h- ستاک تصور شده و اغلب به عنوان جزء دوم در ترکیب‌های صفتی به کار رفته است.

۳-۴: ضمیر

۳-۴-۱: ضمیر شخصی

ضمیر اول و دوم شخص در قدیم‌ترین متن‌های ختنی شکل‌های زیر را نشان می‌دهند:

۳-۴-۱-۱: اول شخص

جمع	مفرد	
buhu, muhu, muho	aysu	نهادی
maha	ma	رای
māvu, mānu, mā	mamä, mam	وابستگی - برای
muho jsa	ma jsa	بای - ازی
nä, -m	mä, -m	پی‌بستی غیرفاعلی

۳-۴-۱-۲: دوم شخص

جمع	مفرد	
uhu, umä, ama	thu	نهادی
umyau	tvī	وابستگی - برای
uho, uhu	tä, te	پی‌بستی غیرفاعلی
umāvu, umānu, umā		وابستگی - برای
umyau jsa		بای - ازی
ū		پی‌بستی غیرفاعلی

باید توجه داشت که بعضی از صورت‌های جمع برای مفرد هم به کار می‌روند. مثلاً:

اول شخص مفرد: muho (رای)؛ muho jsa (بایی - ازی)؛ دوم شخص مفرد: uhu, uho (رای)؛ uho jsa (بایی - ازی).

mamä (وابستگی - برایی مفرد) ختنی با *mana ایرانی باستان متفاوت است (اوستا: mana، فارسی باستان: manā).

buhu ختنی احتمالاً از *vūžam مشتق شده است که از *vayam ایرانی باستان، زیر نفوذ *yūžam (← اوستا: yūžəm)، تحول یافته است.

۳-۱-۴: سوم شخص

برای ضمیر سوم شخص از ضمیر اشاره استفاده می شود اما شکل های باستانی پیوستی ضمیر نیز دیده می شود: Ī- یا yā (پس از واکه ی بلند)؛ -m، -nā (جمع).

۳-۲-۴: ضمیر اشاره

بنابر انواع اشاره، سه گروه ضمیر اشاره در ختنی وجود دارد. تمام این ضمیرها بر پایه ی ضمیرهای ایرانی باستان -aiša و -ta هستند:

نوع سوم	نوع دوم	نوع اول	مفرد مذکر
šārā	šātā, sei	šā	نهادی
ttāru	ttutu	ttu	رای
ttārye	ttātāye	ttye	وابستگی - برایی
	ttātāna	ttāna	بایی - ازی
ttārñā	ttātāñā	ttiñā	دری

نوع سوم	نوع دوم	نوع اول	مفرد مؤنث
ṣāra		ṣā	نهادی
	ttuto	tto	رای
ttārye	ttātāye	ttye	وابستگی - برای
	ttāteñe	ttāñe	بایی - ازی
ttārña	ttātāña	ttiña	دری

نوع سوم	نوع دوم	نوع اول	جمع مذکر
ttārā	ttātā	ttā	نهادی
	ttātā	ttā	رای
ttārāṇu	ttātānu	ttānu	وابستگی - برای
		ttyau	بایی - ازی
		tvo	دری

نوع سوم	نوع دوم	نوع اول	جمع مؤنث
ttāre	ttāte, ttete	tte	نهادی
	ttete	tte	رای
ttārāṇu	ttātānu	ttānu	وابستگی - برای
		ttayu	بایی - ازی
		tvo	دری

ضمایر نوع دوم مضاعف شده‌اند و ضمیرهای نوع سوم دارای پسوند تباین دهنده‌ی -āra- هستند. ضمیرهای نوع اول ممکن است با ادات تأکید -ī- ترکیب شوند:

ttu + -ī > tvī; ṣā + -ī > ṣī

۳-۴: ضمایر پرسشی، ربطی و نامعین

kāma- (از *katāma ایرانی باستان) از ستاک ka- ضمیر پرسشی - ربطی (که، چه) است و مانند ضمیر اشاره صرف می شود مثلاً: kāmīñe (بایی - ازی مفرد) و kāmñā (دری مفرد). ce و kye (از *kahya حالت وابستگی باستانی) هم برای حالت نهادی و هم وابستگی در هر دو شمار و در موقعیت پی بستی به عنوان ضمیر نامعین «کسی» به کار می رود.

۳-۵: عدد

یک: śā, śśa, śśau (نهادی، رایی)؛ še (وابستگی)؛ śśāne (بایی)، śśoñā, śśāñā (دری).

دو: dva, dvīnu (وابستگی)، dvyau (بایی) ← اوستا: dva-

سه: drrai < *θrayah ← اوستا: θrāyō, θray-

چهار: tchahora, tchahaura < *catvārah ← اوستا: caθwārō, caθwar-

پنج: pañjina, pañjsa (وابستگی)، pañjyau (بایی)، pañjuvo (دری)،

pañjsūsēm (وابستگی) ← اوستا: panca

شش: kṣāta, kṣeṭa, kṣei ← اوستا: xšvaš

هفت: hoda, hauda < *hapta ← اوستا: hapta

هشت: haṣta ← اوستا: aṣta

نه: nau, no < *nava ← اوستا: nava

ده: dasau, daso < *dasakam ← اوستا: dasa

یازده: śśūdasa

بیست: bistā < *vīsati ← اوستا: vīsaiti

برای اعداد از بیست به بالا از pare- و vare- (پس از واکه) استفاده می شود که سپس

به -ra ، -rā و -re- کاهش می یابند.

بیست و یک: śśuvarebāstā

بیست و پنج: puspārebāstā

سی: θri.sant- ← *trisat < dārsā اوستا:

چهل: caθwarə-sant- ← *tcāhaur̥sat < tcāholsā ، tcāhulsā اوستا:

پنجاه: pancā-sant- ← *pantcāsāt < pamjsāsā اوستا:

شصت: xšvašti ← kṣaštā اوستا:

هفتاد و هفت: hauparehaudā

هشتاد: haštā ، haštātā

نود: navaiti ← nautā اوستا:

صد: sata- ← *satam < satā اوستا:

هزار: hazaṇra- ← ysāru اوستا:

ده هزار: baēvar- ← *baivar- < byūrā ، byūr̥ru اوستا:

۳-۶: دستگاه فعل

کلیات

دستگاه فعل در ختنی همه‌ی وجوه اوستا را حفظ کرده است: اخباری، التزامی، تمنایی، انشایی و امری. افعال با دو دسته شناسه‌ی گذرا و ناگذر صرف می‌شوند. تنها تعداد اندکی از افعال با هر دو نوع شناسه به کار می‌روند. در بیشتر این موارد، چنین افعالی ناگذر و لازم ولی گذرا و متعدی هستند. مثلاً -bar (گذرا): بردن، حمل کردن و -bar (ناگذر): سواری کردن. رویهم رفته، حالت گذرا یا ناگذر هیچ‌گونه آگاهی خاصی در مورد افعال نمی‌دهد. مثلاً yīndā (= می‌کند: سوم شخص مفرد گذرا) تفاوتی با yande (سوم

شخص مفرد ناگذر) ندارد.

در وجه اخباری، تمایز میان گذرا و ناگذر وجود دارد ولی در دیگر وجوه، این تمایز دیده نمی‌شود. فعل با شناسه‌ی سوم شخص جمع *indä*- حتماً گذرا و با *äre*- ناگذر است. به نظر می‌رسد که گزینش ناگذر و گذرا (و لازم و متعدی) در ختنی کاملاً اختیاری است. مثلاً: *panašš-^{na}گذر*: (**apa.nas.ya* <، اوستا: *nas-* نابود شدن) به معنی نابود شدن، ناپدید شدن است، اما *hanašš-^{na}گذرا*: (**fra.nas.ya* <) به معنی شکست خوردن، منحرف شدن، هر دو لازم هستند. از دیدگاه توصیفی، این دو فعل باید دو واژه و نه یک ستاک (*nas-*) با دو پیشوند متفاوت تلقی شوند. شناسه‌ها غالباً از شناسه‌های ایرانی باستان مشتق شده‌اند و سه شخص را در شمار مفرد و جمع نشان می‌دهند. هیچ نشانی از شمار مثنی دیده نمی‌شود. تقابل میان حال و گذشته نیز کاهش یافته است. شکل‌هایی از زمان گذشته، گاهی با استفاده از صورت‌های غیرصرفی ساخته می‌شود.

وجه انشایی تنها در چند شکل ختنی قدیم باقی مانده است. به نظر می‌رسد که وجه التزامی و تمنایی نیز به جای یکدیگر به کار می‌رفته‌اند. وجه اخباری اغلب برای بیان «آرزو» و وجه تمنایی برای بیان «تکرار عمل در گذشته» به کار رفته‌اند.

ماضی نقلی در ختنی با دو گروه شناسه‌های صرفی، تحول یافته است: نقلی متعدی و نقلی لازم. هر دو گروه در شمار مفرد، بنابر آن که فاعل فعل مذکر یا مؤنث باشد، شناسه‌های متفاوتی دارند. در فعل نقلی متعدی تمایز جنس در شمار جمع دیده نمی‌شود و چنین به نظر می‌رسد که نقلی متعدی، جایگزین نقلی لازم شده است.

دو نوع فعل نقلی در ختنی گاهی از دو ستاک حال متفاوت ساخته شده‌اند. مثلاً: *parrätämä*: «فرار کردم»، «نجات یافتن» (نقلی لازم) زمان گذشته‌ی *pars-*: «فرار کردن»، «نجات یافتن» است، ولی *parritaimä*: «نجات دادم»، «رها ساختن» (نقلی متعدی) زمان گذشته‌ی *parrij-*: «نجات دادن»، «رها ساختن» است. در ختنی، تقابل بین لازم و متعدی، دستگاه فعل را مشخص می‌سازد و به تشکیل ستاک‌های حال

آغازی متعدد مانند: (<*pari.raik-) pars- و ستاک‌های حال سببی، مانند:
 (<*pari.raik-) - (<*pari.raičaya - <*pari.raik-) parrij- منجر می‌شود. ستاک‌های جدید
 آغازی در کنار ستاک‌های مجهول باستانی برای بیان فعل مجهول به کار رفته‌اند و تمایز
 صوری میان ساخت لازم و مجهول دیده نمی‌شود.^۱

۱-۶-۳: وجه

۱-۶-۳-۱: حال اخباری

(yan-: کردن؛ häm-: شدن، بودن)

	گذرا	ناگذر		
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	yanīmā, yanāmā	yanāmā	hāme	hāmāmane
دوم شخص	yañi	yanda	hāma	[hāmīru]
سوم شخص	yīndä	yanīndä	hāmäte	hāmāre

- شناسه‌ی āmane- (اول شخص جمع ناگذر) احتمالاً از وجه التزامی گرفته شده است.
- شناسه‌ی īru- (دوم شخص جمع تمنایی) برای حال اخباری ناگذر به کار رفته است.

۲-۶-۳: التزامی

وجه التزامی در عمل از وجه تمنایی و انشایی قابل تشخیص نیست. از نظر ظاهر،
 التزامی با نشانه‌ی التزامی ساز -ā- و تمنایی با نشانه‌ی تمنایی ساز -ī- مشخص می‌شود.

۱ - هنوز ثابت نشده است که دستگاه نقلی در تمشقی مشابه ختنی تحول یافته باشد.
 به نظر می‌رسد تمشقی گذشته‌ی افزونه‌دار باستانی را حفظ کرده است، مثلاً:
 ašiyavam فب. = *a.čyavam < acchu: رفته‌ام

	ناگذر		گذرا
	مفرد		
اول شخص	-ā, -āne	-iñi	
دوم شخص	-ā	-e	
سوم شخص	-āte	-a	
	جمع		
اول شخص	-āmane	-āma, -āmane	
دوم شخص	-āta	-āta	
سوم شخص	-āru, -āro, -ānde	-āru, -ārō	

۳-۱-۶-۳: تمنایی

وجه تمنایی با نشانه‌ی تمنایی ساز -ī- از وجه التزامی با نشانه‌ی التزامی ساز -ā- مشخص می‌شود. وجه تمنایی، اول شخص جمع ندارد و به جای آن از وجه التزامی استفاده می‌شود.

	ناگذر		گذرا
	مفرد		
اول شخص	*-ine	-ā, -io, -īne	
دوم شخص		-ā?	
سوم شخص	-īya	-īa, -ā, -īyā	

	ناگذر	
	گذرا	
	جمع	
اول شخص		
دوم شخص	-īru	-īru
سوم شخص	-īru, -īro	-īru, -īro

۴-۱-۶-۳: انشایی

	ناگذر	
	گذرا	
اول شخص	-u	
سوم شخص	-(ä)ta	-ä(ta)

- تنها یک مورد از اول شخص مفرد دیده شده است: parsu: فرار کردم.
 - پس از -ys- شناسه‌ی سوم شخص -da- می‌شود. مثلاً: pachīysda، از ستاک -pachīys-:
 خوانده شدن، مورد توجه قرار گرفتن.
 - پس از -ṣ-، شناسه‌ی سوم شخص -ḍa- می‌شود. مثلاً: pyūṣda از ستاک -pyūṣ-: شنیدن.

۵-۱-۶-۳: امری

	ناگذر	
	گذرا	
دوم شخص مفرد	-a	-u
سوم شخص مفرد	-(ä)tu	-äto
دوم شخص جمع	-(ä)ta	*-ta
سوم شخص جمع	-āndu	

۲-۶-۳: ماضی نقلی (کامل)

ظاهراً فعل ماضی نقلی در ختنی از افزودن صفت فاعلی ستاک ah- (بودن) به صفت مفعولی فعل مورد نظر ساخته می‌شود. -t- در ماضی نقلی گذرا همان -t- صفت مفعولی است. جدول شناسه‌ها و روند تحول آنها به ترتیب زیر است:

۱-۲-۶-۳: ماضی نقلی متعدی

	مذکر	مونث
	مفرد	
اول شخص	-t- aimä	-tāmä
دوم شخص	-t-ai	*-t-ātä
سوم شخص	-t-e	-tātä
	جمع	
اول شخص	-t-āndä mä	
دوم شخص	-t-āndä sta/-t-ānda	
سوم شخص	-t- āndä	

-te imä < -taimä اول شخص مفرد مذکر

-te ī < -tai دوم شخص مفرد مذکر

-te سوم شخص مفرد مذکر

-tāmä < *-tātä mä اول شخص مفرد مونث

*-tātä ī < دوم شخص مفرد مونث

-tātä سوم شخص مفرد مونث

۲-۲-۶-۳: ماضی نقلی لازم

مونث	مذکر	
مفرد		
*-t-amä	-t-ämä	اول شخص
	-t-ī	دوم شخص
-t-a	-t-ä	سوم شخص
جمع		
	*-t-andä mä	اول شخص
-t-e sta	-t-a sta	دوم شخص
-t-e	-t-a	سوم شخص

اول شخص مفرد مذکر -tämä < -tä mä

دوم شخص مفرد مذکر -tī < -tä ī

(نهادی مفرد خشی) صفت مفعولی = -tä سوم شخص مفرد مذکر

*tandä mä اول شخص جمع مذکر

sta + (نهادی مفرد خشی) صفت مفعولی < -ta sta دوم شخص جمع مذکر

(نهادی مفرد خشی) صفت مفعولی = -ta سوم شخص جمع مذکر

mä + (نهادی مفرد مونث) صفت مفعولی < -tamä * اول شخص مفرد مونث

(نهادی مفرد مونث) صفت مفعولی = -ta سوم شخص مفرد مونث

sta + (نهادی جمع مونث) صفت مفعولی < -te sta دوم شخص جمع مونث

(نهادی جمع مونث) صفت مفعولی = -te سوم شخص جمع مونث

علاوه بر شکل‌های مذکر و مؤنث ماضی نقلی لازم، شمار قابل ملاحظه‌ای از

شکل‌های ختنی در شمار سوم شخص مفرد، در ساخت‌های غیرشخصی دیده می‌شود. مثلاً:
grāmu hāmātu: گرم شد؛ nai śśāru sastu: به نظرش خوب نیامد.

۳-۶-۳: صفت مفعولی

رایج‌ترین صفت مفعولی در ختنی با پسوند -ta- است: -basta-: بسته (← اوستا: -basta-), از ستاک -bañ-: بستن
پسوند -ata-* نیز در ختنی دیده می‌شود: -gyasta-: پرستیده شده (← اوستا: -yazata-). این پسوند ظاهراً به طور ثانوی در ختنی شکل گرفته است. مثل: -kūysda-: جستجو شده، از ستاک -kūs-: جستجو کردن. -āta-* نیز پسوند ثانوی دیگری در ختنی است. مثل: -hīṣṭāta- در کنار -hīṣṭa-: فرستاده.

۳-۶-۴: صفت فاعلی

صفت فاعلی گذرا با پسوند -anda- و ناگذر با پسوند -āna-، ادامه‌ی صفت‌های فاعلی ایرانی باستان هستند. -anda- > -anta-*: صفت فاعلی -anda- دار شده‌ی هندوایرانی با پسوند -ant* است. این -anda- دار شدن در اوستا نیز پیش از ختنی انجام شده است و ممکن است در ختنی از همین طریق راه یافته باشد. هر دو پسوند یعنی -anda- و -āna- در ختنی به طور معمول با پسوند -ka- گسترش می‌یابند و به صورت -andaa- و -ānaa- درمی‌آیند.

الف -anda-

-anta-* <، -anda- شده‌ی -ant* ایرانی باستان است (← اوستا و هندی باستان: -ant-). -anda- نسبتاً نادر است و به جای آن -andaa- جایگزین شده است. این پسوند ظاهراً تنها با فعل‌های گذرا به کار رفته و مستقیماً به ستاک حال پیوسته است.

hūsanda- < hūs-	خواییدن	bārandaa- < bār-	باریدن
hvāñanda - < hvāñ-	گفتن	māñanda- < māñ-	مانند بودن

-anda- گاهی در کنار -andaa- دیده می‌شود: -sarbandaa-، -sarbanda- (در حال برخاستن، در حال طلوع کردن).

ب - -andaa-

شکل گسترش یافته‌ی -anda- با پسوند *-ka- است و مستقیماً به ستاک حال پیوسته است:

hūsandaa- < hūs-	خواییدن
byehandaa- < byeh	یافتن
hanamandaa- < hanam-	خم کردن
haysānandaa- < haysān-	آگاه بودن، بیدار بودن

ج - -āna-

-āna- ادامه‌ی -āna- *پسوند صفت فاعلی ناگذر ایرانی باستان است (← اوستا و هندی باستان: -āna-). گرچه با فعل‌های ناگذر به کار رفته ولی -andaa- جایگزین آن شده است:

jvāna- < juv-	زندگی کردن	jsāna- < jsā-	رفتن
hāmāna- < hām-	بودن، شدن	ṣṭāna- < ṣṭ-	ایستادن، بودن

د - -ānaa-

شکل گسترش یافته‌ی -āna- با پسوند *-ka- است. -ānaa- در کنار -āna- به کار

می‌رود: ناپدید شدن -jīy- < ajānaa-, jiyāna-

۵ -amca-

-anta-čī-*, < مؤنث -(a)-anda- است:

نگاه کردن -pūy- < pūyamce

ناپدید ساختن -vahāñ- < vahañamce

و -āña-

این پسوند صفت فاعلی، با افزودن -ya- به صفت فاعلی ناگذر با پسوند -āna- به دست می‌آید.

دیدن -dai- < dāyāna- < diyāña-؛ شنیدن -pyūš- < pyūvā'na- < pyūvā'ña-

-āña- اگر به ستاک حال افزوده شود، صفت آینده مجهول (= صفت الزامی) می‌سازد:

دانستن، تمیز دادن -paysān- < paysānāña-؛ کوشیدن -haspās- < haspāsāña-

-āña- به وام‌واژه‌ها (مثل: -rakṣāña-؛ باید نگهبانی کند)، ستاک‌های سببی

با -ev- (پوزش خواستن -kṣamev- < kṣamevāña-) و -āñ-

(افزودن -huṣṣāñ- < huṣṣāñāña-) نیز می‌پیوندد.

این پسوند با فعل‌های گذرا و ناگذر به کار می‌رود، مثلاً: گذرا و متعدی: -saj-؛

آموختن؛ گذرا و لازم: -haspās-؛ «کوشیدن»؛ ناگذر و متعدی: -drjs-؛ «نگاه داشتن»؛

ناگذر و لازم: -panam-؛ «برخاستن».

۵-۶-۳: صفت آینده‌ی مجهول (= صفت الزامی)

الف -ya- ادامه‌ی -ya- صفت آینده‌ی مجهول ساز ایرانی باستان است (← اوستا و

هندی باستان: -ya-). این پسوند در ختنی زایا نیست و -āña- جایگزین آن شده است.

ya- مستقیماً به ریشه می پیوندد: niyaśśa- < nyas- متنفر شدن

hvaña- < *hvan- خوانده شدن

در بیشتر موارد صورت قوی ریشه به کار می رود:

tcera- < *čārya- < *car- باید کرده شود:

ber- < *bārya- < *bar- باید برده شود:

ب - yaa-

شکل گسترش یافته ی ya- با پسوند -ka* است. این پسوند در کنار پسوند ya- به کار می رود: tcera ، tceraa- ؛ hvaña ، hvaña-.

۶-۶-۳: مصدر

در ختنی دو نوع مصدر رایج است، یکی بر پایه ی ستاک حال و دیگری بر پایه ی ستاک گذشته و هر دو نوع ادامه ی ساخت های باستانی هستند.

الف - ستاک حال

i- و ā- ختنی قدیم بدون کامی شدگی، مستقیماً به ستاک حال می پیوندد و مصدر حال می سازد. این دو شکل از āi* ایرانی باستان می آید (← اوستا: āi-، هندی باستان: -e، سغدی: -y):

haurä < haur- دادن hvāni < hvāñ گفتن

yanā < yan کردن usthāmji- < usthāmj- بیرون کشیدن

در ختنی قدیم صورت های زیر نیز دیده می شود:

-u : puls- < puls- پرسیدن

-e : jsīre < jsīr- فریفتن

ب - ستاک گذشته

-ie ختنی قدیم به ستاک گذشته (صفت مفعولی) افزوده می‌شود و مصدر می‌سازد که از نظر کارکرد با مصدر حال تفاوتی ندارد. از نظر تاریخی -te نتیجه‌ی کامی شدگی -tayai* ایرانی باستان است (← اوستا: -tāe و -tayaēča).

در مورد صفت مفعولی با پسوند -āta، که کامی‌شدگی را نشان نمی‌دهد، مصدر از نظر شکل با فعل ماضی نقلی ناگذر، سوم شخص مفرد مذكر تفاوتی ندارد:

زینت کردن -āysän- < -āysāta- < āysāte

نابود کردن -jīn- < -jāta- < jāte

در ختنی هر دو نوع مصدر در کنار یکدیگر دیده می‌شوند:

رفتن -tsu- < tsei و tsute

کردن -yan- < yanä و yäde

۷-۶-۳: ساخت امکاني

این ساخت برای بیان امکان بالقوه‌ی عملی یا انجام دادن عملی به کار می‌رود. در این ساخت از فعل -yan (کردن، ساختن) و صفت مفعولی فعل مورد نظر با پایانه‌ی -u (از -am*، نشانی از جنس خنثی) استفاده می‌شود. معمولاً این ساخت با ادات نفی به کار می‌رود:

الف - yan گذرا (± yuḍu) + صفت مفعولی با پایانه‌ی -u + مفعول (تمام شماره‌ها و جنس‌ها):

«هیچ کس نمی‌تواند این چیز را بیان کند.» ne ju ye hvatu tīndā ttu häru

ye ... ttuśšättetu ne yuḍu yīndā nājšaṣtu

«هیچ کس نمی‌تواند تهیگی (śūnyatā) را نشان دهد.»

مثال‌هایی نیز بدون ادات نفی، دیده می‌شود:

şa ru handara yīndä biysāndu

«او می‌تواند دیگران را نیز بیدار کند»

ب - yan- گذرا + صفت مفعولی با پایانه‌ی u- از فعل‌های لازم:

hana vajiṣṭāndä ... u muta pātāstu yāḍāndä

«کور دید... و گنگ توانست گفتگو کند.»

ج - yan- ناگذر + صفت مفعولی با پایانه‌ی u- + مفعول:

ku ne ne yuḍu yande samu. «اگر او تنها نتواند آنها را انجام دهد.»

صفت مفعولی رایج از yan-، yāḍa- است اما در ساخت امکانی yuḍu به جای

yāḍu به کار می‌رود.

قرینه‌ی مجهول و لازم این ساخت با -hām: (شدن) ساخته می‌شود. در این صورت،

صفت مفعولی از نظر جنس و شمار و حالت با مفعول مطابقت می‌کند:

ūtca biśša khaṣṭa hāmāte. «همه‌ی آب را می‌توان نوشید.»

این ساخت با فعل‌های لازم اغلب در فرازهای وابسته دیده می‌شود و پایان یافتن

عملی را نشان می‌دهد:

cīyā ṣṣamana āta hāmāre «زمانی که شمن‌ها آمده‌اند (= آمدند).»

در ختنی قدیم این ساخت با yan- نادر، ولی با -hām رایج است.

۸-۶-۳: ساخت ترکیبی (= تکمیلی)

دستگاه حال وجه‌های امری، التزامی، تمنایی و انشایی را دارد، ولی در دستگاه گذشته، وجه التزامی و تمنایی با استفاده از فعل ماضی نقلی و افزودن صرف فعل کمکی ساخته می‌شوند:

käḍägāne yāḍe «کارهای بد انجام داد»:

käḍägāne yāḍe īyā «ممکن است کارهای بد انجام داده باشد»:

(īyā: سوم شخص مفرد تمنایی: ممکن است، + yāḍe: سوم شخص مفرد ماضی نقلی متعدی مذکر).

فعل ماضی نقلی لازم یا متعدی هم به عنوان فعل ماضی و هم فعل ماضی نقلی به کار می‌روند. گاهی شکل‌های ترکیبی غیروجهی با فعل‌های ماضی نقلی لازم یا متعدی، بدون هیچ‌گونه تفاوت در کاربرد، به کار رفته‌اند. در ختنی قدیم این شکل‌های ترکیبی به سوم شخص مفرد و جمله‌های منفی محدود شده است. بدین ترتیب: nei hvate štā balysi: «بودا این را نگفت»، در کنار: nei hvate balysi، بدون هیچ تفاوت معنایی، دیده می‌شود.

فعل ماضی بعید نیز به همین شیوه‌ی ماضی نقلی، ولی با افزودن فعل ماضی نقلی متعدی فعل «بودن» (ah- : vāta-) به فعل ماضی نقلی ترکیبی، ساخته می‌شود: pajsamu yāḍe «افتخار کرد»، pajsamu yāḍe vātā: «افتخار کرده بود».

۳-۷: وندها

۳-۷-۱: پیشوندها

۳-۷-۱-۱: پیشوندهای فعلی

ختنی بیشتر پیشوندهای فعلی ایرانی باستان را دارد:

۱. ā- ، ۲. -uys ، -us ، ۳. -ga ، ۴. -ggu ، ۵. -tti ، ۶. -tca ، ۷. -na(l) ، -naṣ- ، ۸. -ni ، ۹. -pa(tä) ، -pa- ، ۱۰. -par ، ۱۱. -pra ، ۱۲. -ba ، ۱۳. -bā ، ۱۴. -bāys ، ۱۵. -bi ، ۱۶. -va ، ۱۷. -vi ، ۱۸. -sam ، ۱۹. -hă ، ۲۰. -ham

۱. ā- از هندوایرانی *ā- (← اوستا، فارسی باستان: ā-)

آمد / آمده -agata: اوستا → *āgata- < āta-

۲. -uys ، -us از ایرانی باستان *uz- ، *us- (← اوستا: uz- ، us-):

-us پیش از آواهای بیواک و -uys پیش از واکبرها می آید:

-ustama: اوستا → آخرین -ustama-

باز کردن -usgun؛ تنفس کردن -uysan

۳. -ga احتمالاً در ختنی جدید جایگزین -va قدیم تر است:

شکسته -vatcasta: ختنی قدیم؛ -gatcasta: ختنی جدید

۴. -ggu از هندوایرانی *vi- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: vi-). در ختنی

bi-، ggu- و vi- همه از ایرانی باستان *vi- است. bi- پیش از m دیده نشده ولی ggu- پیش از m به کار رفته است.

wm't-؛ سفدی بودایی → *vi.māta- < اندازه گرفته شده، دقیق: ggumāta-
تحمل کردن، رنج بردن - gumāy-؛ پهلوی؛ wimādan: پارسی
gva- می‌تواند از *vi-ā باشد.

۵. tti- از هندوایرانی *ati- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: ati-).
ati.bhṛ-؛ هندی باستان؛ aiti.bar-؛ اوستا → *ati-bar- < بردن: ttuvar-
شکل‌های tti- و ttā به ندرت دیده می‌شوند.
tti- ممکن است پیش از r- یا v- به tt- یا t- کاهش یابد.
*ati- rad- < نجات دادن: ttrāy- /trāy-
tti- ممکن است پیش از همخوان لبی (مثلاً m- یا v-) همگون شود و به ttu- تبدیل شود:
ttuvar-؛ بردن.

۶. tca- از *patiščā (← اوستا: paitiša).
این پیشوند نادر و اصل آن نامشخص است و احتمال دارد از patiščā
(اوستا: paitiša) حالت بایی مفرد به عنوان قید) باشد.

۷. naṣ-، na(l)- از هندوایرانی *niš- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: niš-)
*niž- (← اوستا: niž-).

*niš.hvah- < پیروز شدن؛ گذشتن - nei'hvah-

na- پیش از r- ← narām: خارج شدن، بیرون رفتن.
nal- پیش از js-، ts- ← naljsem-؛ پایان دادن.

naṣ- پیش از -g, -kh, -k, -d, -th, -t, -ph, -p:

naṣkalj- پرتاب شده naṣpusta- تحلیل رفتن naṣtos- دور کردن

naṣkhan- بیرون آمدن naṣphan- فشرده شده naṣthrrīta- خندیدن

naṣḍam- خاموش شدن

nir- پیش از -m ← nārmān: آفریدن (به شکل معجزه آسا)

nei'- پیش از -hv ← nei'hvah: گذشتن؛ پیروز شدن.

۸. ni- از هندوایرانی *ni- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: ni-).
در اینجا تنها شواهد دقیق قابل اعتماد هستند به ویژه جایی که ni- به nu تحول می یابد
چون nu- می تواند ادامه ی *anu- ایرانی باستان باشد.

*ni.tap- < نافته -nätauda

*ni.pad- < قرار دادن -nuvad

ni- و nä (به ندرت -nyi) در ختنی قدیم پیش از هر همخوانی دیده می شود. این پیشوند
ممکن است پیش از -m یا -v با لبی شدگی به nu تحول یابد. ni- ممکن است پیش از -y به
n-, و -nu و پیش از -v, به n- کاهش یابد.

*ni.baug- < فرو شدن، غروب کردن -nihujs-, -nihujs-, -nähujs-

*ni.pad- < قرار می دهد -nuvatte

*ni.mārz- < پشت، پس -numalśa

n- پیش از -y, -v

*ni:kas- < سرو صدا کردن -nvāśś- ; *ni.vas- < نکوهش کردن -nyas-

-nṛ- (= *nri-) در نتیجه ی حرکت -r-

*ni.θraxta- < *ni-hrīya- < nṛhīya- (صفت مفعولی) نابود کردن -nihalj-

۹. pa-، pa(tä)- از ایرانی باستان *pa- (← اوستا: pa-)؛ *pati- (← اوستا: paiti-، فارسی باستان: pati-)؛ *apa- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: apa-).

*pati.čaxs < اعتراف کردن - pacas-

*pa(ti).muča- < پوشیدن - pamjs-

*pa.kṛta- < بریدن - patält-

*apa.nasya- < نابودن شدن - panaś-

- پیش از واکه ← pat- ← is- + *pati- < دور کردن، برطرف کردن - patīs-

- پیش از d- ← pan- ← *pati-dag- < آتش گرفتن - pandīs-

- پیش از همخوان ← pa- ← *pati-nam.aya- < برخاستن - panam-

- پیش از r-، ś-، s- ← pā- ← *pāti.ranṇaya- < کاهش دادن - pārāmj-

- پیش از ch-، js-، t-، šk-، s-، h- ← pä، به ندرت - pi

*pati-čaša- < نگریستن - päjsaš-

*pati-xad- < خرد شده، شکسته - pihasta-

*pati.tāmaya- < آشفتن - pätem-

*pati-skard- < تجزیه کردن - päškal-

*pati-čašta- < دیدنی، مرئی - pächašta-

- پیش از واکه ← pä-

*pati.ādaya- < گفتن - pä-tāy-

- پیش از v- ← pu-

*pa(ti)-vāta < سرد - puvāta-

- پیش از y-، v- ← p-

*pati.gauša- < شنیدن - pyūš-

*pati.vā- < سرد - pvāta-

۱۰. par- از ایرانی باستان *pari- (← اوستا: pairi-، فارسی باستان: pari-، هندی باستان: pari-):

parvach- < *pari-pačya- < رسیدن، پختن
- پیش از s-، ś-، js-، tc- ← pal-

paltcīmp- < *pari.sčambaya- کنترل کردن

paljsem- < *pari.jāmaya- < *pari.gam- درگیر بودن، مشغول بودن

palśārā < *pari.uzayāra- شب، غروب

palsārā < *pari.sāra.ka- افسر، تاج

۱۱. pra- از ایرانی باستان *parā- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: parā-).
parāth- < *parā.daθa- → اوستا: para.daθa-

-زمانی که واکه‌ی پایانی *parā- با آواهای بعدی ادغام شود، واکه‌ی هجای اول یا -a- می‌شود یا با همگون شدگی لبی به -u- تحول می‌یابد.

pārān- < *parā.kan- اره کردن

para-uys- < *parā.vaza- → اوستا: para.vaza-، غرق شدن

pur- ← par- (فقط یک مثال در ختنی قدیم):

puror- < *parā.bar- → اوستا: para.bar- بردن، دور کردن

pro-، pru- ← par-

pruhōṇa- پوشیدن؛ prohauy- پیراهن

۱۲. ba- از هندوایرانی *upa- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: upa-). این پیشوند نادر، به سبب فقدان شواهد کافی، مشکوک باقی مانده است. احتمالاً این پیشوند در سه واژه‌ی ختنی قدیم وجود دارد:

-bajeṣṣ: فرش؛ -baṣṭarr: پراکندن؛ -bahäṣta: جدا شده.

۱۳. -bā از ایرانی باستان -*apāk-

این پیشوند تنها در دو واژه‌ی ختنی قدیم دیده می‌شود:

-bāhuḵ < *apāk.hauk < نگاه داشتن

-bāthamj < *apāk.thamj < <بیرون> کشیدن

۱۴. -bāys این پیشوند فقط در -bāysdai: نگاه کردن، نگریستن، وجود دارد.

-bāysdai < *bajs + dai-

۱۵. -bi از ایرانی باستان -*abi- (← اوستا: aiwi و aibī، فارسی باستان: -abi،

هندی باستان: -abhi) و ایرانی باستان: -*vi- (← اوستا، هندی باستان: -vi).

-byāta- یاد (→ *abi.yāta) < پهلوی: ayād

-byāna- دهنه < *abi.dāna- → اوستا: aiwi.ḍāna-

-byūs- دمیدن < *vi.vas- → اوستا: vī.usa-

-byāj- گداختن < *vi.tāčaya- → پهلوی: widāz-

-bi- پیش از هر همخوانی دیده می‌شود.

-bā- تنها در ختنی قدیم وجود دارد و نادر است:

-bārūñ- < *abi.rauxšn(a)ya- < درخشیدن

-bātcūś- < *abi.sčausaya- < *abi.skaus- < تزئین کردن، پوشاندن

-bi- پیش از لبی‌ها ← bu-

-buysai- < *vi-zav- < خاموش کردن

-bi- پیش از -y-، -r-، -v- ← b

byana- / biyana- < سد، مانع *abi.kan-

brūñ- / bārūñ- < درخشیدن *abi.rauxšn(a)ya-

bva'd- / buva'd- < راندن *abi.šadaya-

۱۶. va- از هندوایرانی *ava- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: ava-).

vaysān- < تشخیص دادن *ava.zan- → اوستا: ava.zan-

vūyāta- < بررسی شده *ava.day-

vū- ← ū-

ūmijš- < بیدار شدن، بیدار کردن *ava.maig-

۱۷. vi- از هندوایرانی *vi- (← اوستا، فارسی باستان، هندی باستان: vi-).

این پیشوند بسیار نادر است. در ختنی ggu- و bi- از ایرانی باستان *vi- است.

vīv- < درخشیدن *vi.bā-

۱۸. sam- (?)

samkhal- < آلودن، اندودن *sam.xard-

در این جا پیشوند مورد انتظار ham- است. احتمال دارد که *hamkhal- زیر تأثیر samkirati: (آلوده می‌کند) سنسکریت بودایی باشد.

۱۹. hā- از ایرانی باستان *frā- (← اوستا: frā, فارسی باستان: fra, هندی باستان:

prā-).

hatcañ- < شکستن *fra.sčandaya- → اوستا: frasčindaya-

hanam- < خم کردن *fra.nam- → اوستا: frā.nəma-

- واکه‌ی پایانی پیشوند با واکه‌ی بعدی ادغام می‌شود:

hei' - *fra.iša- < فرستادن

- واکه‌ی پایانی پیشوند با *va- آغازی بعدی ادغام می‌شود:

hot- *fra.vat- < توانستن، قادر بودن

- واکه‌ی پایانی با *ba- آغازی بعدی ادغام می‌شود:

haur- *fra.bar- دادن

۲۰- ham- از ایرانی باستان *ham- (← اوستا، فارسی باستان: ham-، هندی باستان: sam-).

hamjsam- hanjasa: اوستا → *ham.gam- < (با هم) رفتن

ham- ← ha- (نادر):

haber- / hamber- *ham.par- < *ham.pāraya- < پرکردن

ham- ← han- (فقط پس از d-):

handaj- *ham.dag-، *han.daġya- < رسیدن/رسیده شدن

ham- تنها پیش از واکه‌ها

hamarašta- / hamrraštu همیشه:

ham- ← پیش از هر همخوان به جز r- ← ham-

hamggalj- *ham.garg- < *ham.garġaya- < جمع شدن، گرد آمدن

۲-۱-۷-۳: پیشوندهای اسم ساز

ختنی هفت پیشوند اسم ساز دارد:

۱. a-، ۲. ggu-، ۳. duš-، ۴. našl'-، ۵. bi-، ۶. ha-، ۷. hu-.

۱. a-/an-: ختنی نیز مانند اوستا و هندی باستان، پیش از همخوان -a و پیش از واکه -an دارد:

بی تقصیر، بی گناه -an.ārra- بی قانون -a.dāta-
اغلب به جای -an پیش از واکه، -a نیز دیده می شود.

۲. -ggu- از ایرانی باستان -vi*

-vi.paṭhuta* < سوخته (در بخش های مختلف) -gguvaṭhuta

۳. -duṣ- از ایرانی باستان -duš/*-duž* (← اوستا: duž، -duš).

این پیشوند در سه واژه ی ختنی دیده می شود:

کم جرأتی، ترسویی -duṣdarrau-

ضعیف -duṣpāta'

دشوار، مشکل -duṣhāmaṃkya

۴. -naṣi' از ایرانی باستان -niž* ← پیشوندهای فعلی شماره ی ۷

۵. -bi- از ایرانی باستان -vi ← پیشوندهای فعلی، شماره ی ۱۵

اوستا: -vi.jva → بی جان، بدون زندگی -bijūndaa

۶. -ha- از ایرانی باستان -ha* (← اوستا: -ha- در -ha.zaoša: هماهنگی، دوستی،

رضایت). احتمالاً در ختنی -hamagga- / -hamāṇiga- / -hamamṛgga- (پکسان)

وجود ندارد زیرا این شکل ها از -hamanaka* ایرانی باستان است (← اوستا:

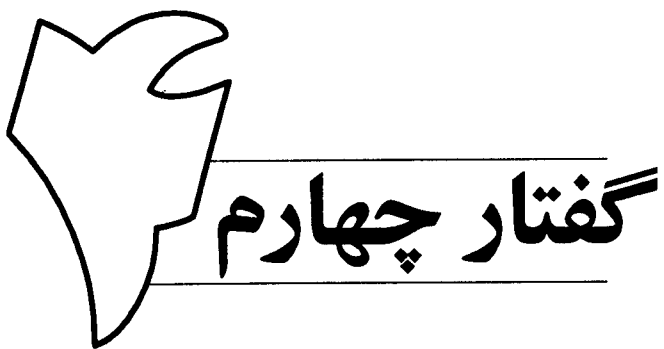
-hama: همان) و نه از ایرانی باستان -ha.mānaka*.

۷. hu- از ایرانی باستان *hu- (← اوستا: hu-، هندی باستان: su-).

*hu.parāh- < *hu.parausta- < خوب خودداری شده huvaraustu

اغلب با صفت مفعولی به کار رفته است:

*hu.band- < *hu.bañ- < خوب بسته شده hubasta-



۴- زامباستا

۴-۱: کتاب زامباستا

زامباستا^۱ نامی است که بیلی^۲ برای درازترین متن موجود ختنی، اشعاری درباره‌ی بودا و دین او، پیشنهاد کرده است. این اشعار به درخواست مقامی رسمی به نام زامباستا سروده شده است (← Z, vii)

از این متن ۲۰۷ برگ، از روی برگ ۱۴۶ تا روی برگ ۴۴۰ در دست است که پشت آخرین برگ سفید است. روشن نیست که برگ‌های پیش از برگ ۱۴۳ که موجود نیستند، اما با توجه به شماره‌های شعرها بر برگ ۱۵۹ وجود داشته‌اند، فصل‌های آغازین همین شعرها بوده یا متن دیگری را دربر داشته‌اند. برگ‌های موجود به ترتیب فصل مرتب شده و تاکنون ۲۴ فصل آن مشخص شده است (← برای آگاهی از چگونگی دستنویس‌ها و محل نگاهداری آنها ← Z, XI-XIX).

زامباستا در سه وزن متفاوت تصنیف شده است (← Z, 439). این اثر منبع اصلی آگاهی ما از اوزان شعر ختنی است. لیمان (← Leumann, 1971, 456-480) معتقد بود که دستگاه وزن در ختنی با دستگاه وزن شعر شش و تدی یونانی مربوط است و از این رو

برای درک و فهم وزن شعر هند و اروپایی حائز اهمیت است. امریک عقیده داشت که اساس وزن در ختنی برپایه دستگاه وزن هندی است (← Emmerick, 1968, 437-440). زامباستا به عنوان اثری اصیل به زبان ختنی، درباره‌ی جنبه‌های گوناگون دین بودا، اهمیت بسیار دارد. این متن گرچه بر پایه‌ی منابع هندی تصنیف شده است، اما روایت مستقیمی از آنها نیست. بعضی از فصل‌ها، تفسیر متون شناخته‌ی بودایی است. فصل ششم، بند یک (← Z, 116) به گفته‌ی خود متن، دربردارنده‌ی بیتی از سوتره‌ها (sūtra) است: «کامیابی! پیش از همه قانون را نماز می‌برم، که از طریق آن همه‌ی ناپاکی‌ها متوقف می‌شوند. اکنون از هر سوتره‌ای، بیتی را بیان می‌کنم. باشد که بشنوید.»

از تعداد زیاد نسخه‌هایی که از این متن موجود بوده است، می‌توان به اهمیت و جذابیت زامباستا در ختن پی برد. دستنویس اصلی غالباً بر روی هر برگ شش سطر دارد. اما در میان قطعات، برگ‌های سه، چهار پنج، شش و هشت سطری نیز دیده می‌شود. تاریخ تصنیف زامباستا مشخص نیست. دلایلی وجود دارد که نباید این تاریخ را زودتر از سده‌ی هفتم میلادی پنداشت. دستنویس‌های موجود تاریخ جدیدتری دارند، اما نمی‌توان تاریخ قطعی آنها را نیز مشخص کرد. زبان زامباستا، ختنی قدیم است، اما نسخه‌ها توسط نویسندگانی رونویس شده‌اند که به زبان ختنی جدید سخن می‌گفتند. لیمان برای نخستین بار این اثر را با آوانویسی، برگردان آلمانی و واژه‌نامه منتشر کرده است (← کتاب نامه).

امریک نیز آوانویسی و برگردان انگلیسی آن را همراه با سه ضمیمه، ضمیمه نخست (← Z, 424-436) و ضمیمه دوم (← Z, 437-453)؛ *Mañjuśrīnairātmyāvatārasūtra* و ضمیمه سوم (← Z, 454-455) زیر نام: «کتاب زامباستا» منتشر کرده است (← کتاب نامه).

در ادامه آوانویسی و برگردان فارسی فصل پنجم از متن ختنی این کتاب آمده است.

خلاصه داستان

هنگامی که خبر بازگشت بودا شاکیا مونی به شهر زادگاهش کپیله و ستو^۱ رسید، شور و شوق بسیار همه جا را فرا گرفت. پدر بودا، شاه شودودنه^۲، بسیار شادمان شد. او جامه‌های فاخر دربر کرد و همراه با افراد قبیله شاکیه^۳ برای استقبال از پسرش از شهر خارج شد. شاه بامهربانی پسر را پذیرا شد و از او خواست تا قانون را بدو بیاموزد. بودا می‌پذیرد و اعلام می‌کند که: «هیچ چیز وجود ندارد و همه چیز، تنها، زاییده تصور و خیال است.» شاه از این آموزش شاد شد و شاکیه‌ها بدو مفتخر شدند. بودا موافقت کرد که سه ماه در زادگاهش بماند. با ورود بودا به شهر، پیش‌گویی‌های بسیاری انجام شد. گوپیکا^۴، همسر بودا، راهوله^۵ پسر بودا را نزد او آورد. شاکیه‌های بسیاری دست از جهان کشیدند. پس از سه ماه، بودا شهر را ترک گفت.

۲-۴: آوانویسی متن ختنی

- 1 Siddham biśśe nā abitanda pyuvī'ru puṣṣo paśśāta handare
kāṣce cū haphāryau gguva' nyūta ttā puṣṣo thamjīro punūka
- 2 cū bāratā pyūṣṭu kye arthā samu ttaṃdya paṃjsa naḍaune
hiśśāḍai pūra kaṃsa-dāysna biśśā śśūra jsatāndā.
- 3 ttā vā biśśā vyāysā riṣa—yā nāte kālśa-sundhare
biśā hvanaino āhau haṃ—baste tcamna lova bitanda
- 4 rāmā daśagrīvi sīysau nā—te laṃggā kīnthai bāste tṭye kāḍā—

1. Kapilavastu

2. Śuddhodana

3. Śakya

4. Gopikā

5. Rahula

na jīvātu rruste. rāmāyaṇā ttandī arthi.

- 5 valmiki rāṣayī haṃba—ste haṃtsa drūgyau hāḍe
cvī lovi mānya pyūṣḍe samu haṃdara-ysaṃthva karma
- 6 ttū nājsaḍu rraysā haphāra tcamāna gguva' lovi pātaunda.
balysānu hvano paśśāndā kūre dṛṣṭiyate nāndā.
- 7 ttānau aysu haṃjse' hvīye balysānu hastamu dātu
kye kāḍāna hatāro hama—tā balysi hivī uysgrute tcārma
- 8 tṭye bendi hivīna āstaina hiviṇe hūṇe jsa pīḍe.
balysānu hvano aggaṃjsu ttānai uhu, mānya pyuvī'ru
- 9 nātata puṣṣo parstā dukhyau jsa nitatā biśśā klaiśa jyāre
ttānai ttārā balysā dukhyau jsa pharu kūysde jsei'ṇu vāte hatāro
- 10 ttrāmu kūśāṇi hajvī hvā'ndi śā balysāni salāvi.
kho ju aruvo' kūśātā ā—chānai ce biśśā āchā jindā
- 11 ttāna ggumerāñāte klaiśīno bei' nei'ta-yīru ṇā yindā
māšte dajā māñāte ttāḍetu harbiśśu jindo gyaḍiju
- 12 prratyakṣu jsāna dāyāre ce ne dātā mānya pvā're.
trāmu śśāru dīru ne bvāre kho ye ttiryaśūnya daiyā
- 13 ttāna sīruṣṭana āṇa haṃgrīyyo uvyau' pyuvīru.
śī hvī'yā ysamṭhu sārā mā—stā ce ttārā duṣkarā hvinde
- 14 kho rro kāṇa-kachavo hva—te balysā hvī'yā ūtamo yasṃ-
thā kāḍe asottāṇa kyai tta jāndā kho jaḍā haṃdru huysīrru
- 15 kye vā pyūṣṭāndā ne hāḍe paramārthu ttatvatu rraṣṭu.
saṃskṛta nā pyūṣṭa padaṃgya ṣṣai ttā mara avarrāta tsīndṣ.

- 16** trāmu māñamdu kho hvā'ndä hambütä hambaḍä ysūna
cvī ye āliva nitcana ī—ndä samvī ttaṃdu hamārgya
- 17** kye hori pyūṣḍe padaṃgyo o śśīli lovī jāni
mulśa buru dukhyau bitsāṃgya pātcu dukha bera saṃtsera
- 18** samu kho hamḃūvu bei'ttä harbiśśī āchai jīye.
trāmu nairātma-hvanaina uysnori ysamṭha jyare
- 19** ttānau aysu hamjse' vaysñā paramārthu hvatāno hvīye
cu hvate kāḍe mulśde jsa ba—lysä pīrā śśādūtārā rrundä
- 20** cu šā cu ttaṃdrāmye pīrā ttāndrāmā hvāñite pūrā
ne ne ju vara bitamā tce—ra nātātä šā' hastamā dātä
- 21** ttānai abitanda pyuvī'ri tta mā pyūṣṭu kho gyastä balysä
balysūstu hastamu bustä dhātīnau ggei'śśāte cakkru.
- 22** udbilya-kālsavi āstanna parrāte ttārtha pharāka
hālsto vā byüttä ku ysātä rrundä śśādūtani kṣīra.
- 23** śśāya kāḍä vadṛta u khī—rājsa jita ni kṣīra haṃggargga
ka hā ṣṣuva hārthunu āta hambaḍau ātama pūri
- 24** balysūstu hastamo bustä mara ātā mājya kṣīra.
ttiñe sīravete jsa mästā ārahau harbiśśu vīrā
- 25** śśāra-ṣṣūko hvīye baysā—re śśāya śśūjīye biśśā—
lsto tterä ku rre pyūṣḍa u rrī—ṇe andivārā harbiśśā kṣīrā
- 26** ttāñe sīravete jsa rrundä uī' vibramīndä bihante.
varī vā ākṣutte bremā kho ju ye vibrāndau daiyā
- 27** ṣṣai yā na-ro kāṣco vahī—ndi kai sīravātā haṃggālsta

- ysäru vātī vīyai mästā cūḍe muhu yseru paśśāte
28 trāmā naṣṭosāte saṃttāpi—na cvī uī’ vibramātāndā
kho ju ttavai naṣphanā hva’ndā thatau hā vira haṃbrauṣṭā
29 ku mā ātā bryandamā pūri na-ro ma puṣṣo paśśāte aysmū-
na ṣṣai rro aysu byāta hā—mātemā varī vā śśaṃḍya pastā.
30 kāṃjuvai śśirku usthīyandā gyasta aysmū vāju.
bārgyā hā naltso kūṣḍu kho rro paḍā rrvīya padamgya
31 aśvī uysmalstu hataiṣṭāndā maulu ysarrno baste.
myānu vāte kaḍaru lāysgū—rya kāḍe pamā pruhone
32 ttīyā hā naltsute kūṣḍu hāruvai pāsāya hālysa
uysgusta nā harbāsśa kāṣkya kho ju byūsā hva’ndāye benda
33 āmācu hā haḍu hīṣṭe nuvai hā naltsute kantho.
karā vātī śśāya pharāka kho ju ttāvatriśa barāre
34 aśśa nu uysmalsta hu-śū—sta hamamgga nu ggāṣo’ prahone
hālśti pharu pale pharāke rrimthindā pale padamna
35 haṃdrauysye divate kīnthe śśāyānu pīro tsutāndā
haḍā kāḍe vasute niṣo—ndā ttāmu hā śśyāya buḍāndi.
36 vū *panata gyastyau haṃtsa pharu ṣṣamana u bodhisatva
balysūña haṃbaḍa purra dā—sta kye uysdemāte klaiśa
37 mamū rre śśāyyo haṃtsa kāḍe duraṇa ṣṭānā vaysga
stā trāmu patā balysā pastā—tā kho ju śśakrā gyastyau haṃtsa
38 tterī śśāru dīmu vaysānī—ro ku phastāri padamāna
kho ju saruai kesarā brīra nahyamkyai śśāndā seittā

- 39** balysi hā bā'yu paśśātā cai kāṣca vīyai mānu
 puṣṣo varī ṣṭāna jātātā hāysa patā balysu vāstāta
- 40** ku rre dāte balysu u śś—ya samu kho sarbaṇdā urma—
 ysde vaiśramanā śśakrā u bra—hmā tterā jsai pvo' namasindā.
- 41** duṣḍarrau hamatā pachuštā kho ju malayu ggaru vāte khvī
 yā brīyai spāṣṭe tta kāṣṭe śśuru yuḍai bryandama pūra
- 42** kye thu paśśāte puṣṣo rruštā dātīnau byaudai rrāśu.
 nātātā mamā nasu yañi īmu cu bustī hastamu dātu
- 43** balysā vaiśramanā tta paste śśāya vā muho vara haiśa
 ttīyā hā śśāya hataiṣṭe balysi po' biśśā haraysāro
- 44** balysā vara ttīyā nāta'stā gyastūñi āysanu vīrā.
 rre yā pā hūdva baña nā—te biśāna nā biśśā rrāṣṭe.
- 45** balysā hā dastu haraṣṭe rruṇḍā tteru vāte vāstāte.
 kṣama muho jsa co aysu tāma puṣṣo paśśātaimā anārru
- 46** hā yā rre uysdāte śśārku brīyai spāṣṭe bihaṃtte.
 haṃtsa-āspātā hāmātemā jāte mā tto vīyai balysa
- 47** ttai śśānā spāśśāte dāru uysānau suhāna paphānde
 ttīyā haṃgrautta harbiśśā śśāya u pata balysu vistāta
- 48** rre jsaunāte ṣṭānye balysu vara dasta aṃjalu yanda
 nasu mā yana nei'nau pūra cu thu bustī hastamu dātu.
- 49** kho ju pyaura sarbāte mästā baysgu berāñāte bāru
 uysdemāte śśandau naṣtaudo ce pāśāre jsa nātauda.
- 50** trāmu mulysdīgyo pyauru sāña vā sarvaña balysa

- beru dātīnau bāru. buyso mamā harbiśśa klaiśa
- 51** parrīja ma biśyau dukhyau jsa cu mā narya prīyuvō' bera
uysgārnu mā karyo māḍāna co brītya pāḍemā balysa
- 52** ttai hvate balysā se nya tsāṣṭu aysu te hvāñāmā dātu
kye kāḍāna duṣkara kīre drrai asaṃkhīya yāḍaimā
- 53** pyū' cu uysnorā jaḍīna uysānā mañāte saṃtsera
ttātā dharma pracai īñā u—ysānā ttatvatu nāštā
- 54** pracyau jsa hāra panamāre prracyau jsa vātcā ni byaure.
ku ye prracyā rraṣṭu payse—ndā puṣṣo ātma-saṃñā nihuśdā
- 55** ttāna cu karā ātma ne byau—de samu kūra saṃñā jaḍānu
kye vara hīvyāmata bairtā ttāteñā āstainya yaṃdru
- 56** gyaḍīna ṣkauje haṣkaunde. ne ju gyaḍī aysu mā ne ṣkau-
gye ttū nijsaḍu jsei'ṇu vāte dharma biśśā dvāsu pāṣkala kā'ñā
- 57** crramu tvo ṣkojuvo' ātma hārṣṭāyā ttatvata nāštā
samu ṣkaugye īñā uysnau—rā hīvyāmata bairtā gyaḍīna
- 58** ku ye jaḍī jātu yuḍu yī—ndi hīvyāmata harbiśśa ggūštā
ttrāmu ye biśśā ṣkaugye payse—ndi kho ye cā'ya-nirmātu dai
- 59** hūnā māñande marīce ttāmārā pratābīṃbai chāye
ne ju varata ātma ne satvā ni ju varāśākā hārāṇu.
- 60** cu cā'ya-nārmātu dātte samu ṣā maṃdrāṇu prabhāvā
trāmu viñānā prabhāvi cu buro ttāte ṣkaugye dyāre
- 61** samu kho hūsandi uysnaurā hūñā hāra daiyā vācātra
ni ju hāḍe ttatrvatu indā hūsandā hāḍe ne butte

- 62** trāmu hūsandā gyaḍina kye hāra vāte aysmū bastā
cu karā hārṣṭāyā (ne) īndā vāna cu samu daindā jaḍina.
- 63** o kho rro vīrā marīca jaḍā ūtca saittā ne butte
trāmu ttāte saṃñe jsa saindā ysamaśśandā harbiśśā draya
- 64** kye ttu ūtco kṣiṃjāte khiṣṭe samu hāvyo kṣijāte saṃñō
trāmu ttāte viṣṣaya aursa—vīya hiviñe saṃñe jsa saindi
- 65** ttāmārā māñanda diyāña tāte viṣṣaya bāhya kye kā—
śā tte ttāmāra saittā jaḍina bāvāna ju hāḍe nā yīndā
- 66** trāmu māñamdu ce dṛṣṭiya—te handarna vicittre.
vicittrai nātcana pharāka ttāmāra viṣṣayīnā saindā
- 67** cvī handarīmā saindā āyattana varju ni byaure
paḍamjsi karmā vivātā ṣāti pratābimbai ditte
- 68** nitcīmā trāma diyāña āyattana samu kho ju chā
ya haṃdarīmānu pracaina nitcīmā saindā jaḍina
- 69** paṃjsa hāra cu samu hvañā—re dravyāna ju hāḍe ne byore
nirvānā pudgalā ātāsā cu vāte cu na-ro hāmāre
- 70** pātcu vā handara paṃjsa hāra cu hvatā ni hāḍe īndi
ātma vajsā'kā padīmākā paysānākū tsūkā
- 71** ātma hārṣṭāyā ni byaude samu ātma-saṃña uysnori
kho ju ttāru vīri satva-saṃ—ña ku ju ye hārṣṭai niśtā
- 72** pracyau jsa saittā se daindā pracyau jsa vātcu ne daindā.
kau ju varā dyākā vāta—ya vāna praci haṃ vātā दौरा
- 73** ttāna cu gyastānu vāmāna uryāna banhya vicitra

- samu vikalpina avada—nda paḍāṃjsī karmā vivātā
- 74** cu narya praharaṇa cakra tṛ-śśūla kāḍare hālśti.
tcamna tterā narya dukhautta samu kuīre kā'mate īñi
- 75** prriya karṃyau jsa nitāya ūtco vajsā're paḍiyo
kye tto ūtco kṣāru padande samu hāvāñe saṃñe jsa saittā
- 76** śśau ju hārā hvaṃ'duvo' niśtā ce hāru yuḍu yīndā padaṃ—
du phara varata pracyā tsī—ndā ttāna paḍimākā ne byaude.
- 77** kho ju hūña deiya uysnorā ttū padandaimā u ttāru ne ju
varata ṣātā śtā ne ṣārā samu kūra syāmata jsīrgya
- 78** kau paysānākā vātāya uysānau karā paysāña.
kho kāvyo kāḍarā dāru karā ne yuḍu yīndā patālstu
- 79** ttāna nā kūlūpamā dātā cu paysānākā hāvīye
haṃtsa klaiśyau jsa niṣemāñā ku ttāḍātā nāhuśdā
- 80** tsūkā hārṣṭāyā ni byaude ttāna cu ttārā pracai nāśtā.
kho ju pāsārā ṣṭānye chāya ttāteña ggato ṣṭānye ttārña
- 81** nā ju ye hā jsāte mamūka ni vā vara handari hīśti
karā hāḍe pabanā ne haṣḍā ttāna cu viñāno vipākā
- 82** trāmu vijñāno ttaraṃgga vi—ṣayīgya māśta samudru
kāma na-ro sarbāte urma—ysde bvāmatīno māśtā.
- 83** samu kho durutātu pachī—ysu pabasto khvīyā samu—
dru kāmu na-ru kalpā nāta'—śtā ttāmu buro aṃttā nā niśtā
- 84** ttāna cu viñāni nā bijā vijñānā nā pracai biḍā
viṣṣaya vāte vātcu haṃ—ggaltte ṣa nu māta tte vā pūra.

- 85** ttāna anāstanā hvatā samtsāri u paryamtti ttandā
 kvī ṣṭāna kā'mate jyāre varā ṣṭānā ttuśśai ne byode
- 86** cīyā rre ttū dātu pyūṣṭe trāmu hā pajsatā kho śśīyā
 rrahamūna thonā pajsī—nde kṣāṃdu anulomyo bustā
- 87** kṣei' byūrru śśāya kye dātīm—je tcei' mañi ttiyā pṛhīyā
 spātyau bīnāñina bū'ṇa balysā pharu pajsamo yāḍāndi.
- 88** samu ne rre pātcu haraysda balysi pvo' brīka māḍāṃgya.
 na-ro ju vāte handarā pū-rā kye va tta yanā pīrā kho maṃ thu
- 89** thīyai mā ysāru vātā ṣṭā—nā styūdu klaiśīnau pūrnū
 nei'ma parchāṣṭai balysa bi—śśā mā jāta puva'ṇa samtsera.
- 90** rāmā pāte karjunā karṇā ṣṣai ttā ysamthīgya samudru.
 thu muhu puṣṣo thīyai ttrā—mu kho ju ye viysu thamjāte khārja
- 91** thu vā mamā pātai māḍāna aysu vātco pūri mā vaysṇa
 ṣā mā ro tto ātamā ttandā vā usahya biṣṭyau hamtsa
- 92** andivārā kāṣcānā rriṇe vāhañamce uho vāte yserā
 maraṇā ahāvāysa ka—vilavāstu yāva-jīvi balysa
- 93** ttai hvate balysā kho urma—ysde harbiśśu vīrā hamaṃggu
 rrūndetu yīndā tta balysū—stā panye mānya hvandi
- 94** pharu mā vainaiyā satva kye mā tta kūśāña samtsera
 kho ju basaku kūśāte māta ne mara biśśu māndu yanimā.
- 95** drrai māstā vā mara māña paphāñu ni suhāna puñyau jsa
 ttiyā ahāvāysā balysā śśāya kāḍe harbiśśā sīra
- 96** hā paḍā hāruva rriye. kantho biśśo āysāte parste.

- prāma škīmāṃdu evāte vīri ku tto trāmāte balysä.
- 97** gyasta biśšo kantho āysānā—ru paḍā ṣṭāniye vira.
gyastūña prāmaja hālysda buśša-ñi pharu spāte vicitra
- 98** cīyā vara ātā vira kī—nthe balysä ṣṣamanyau haṃtsa
pharu handara gyasta u rrunde hā paḍā bā'yu paśśāte
- 99** māštu rrūndetu yāḍātā rrīṇe andivārā balysu biśśā
dārṣḍa ttaura dātāndā ysāru vātā nā kāṣca vahanda
- 100** cu vara bīnāña vicitra hamatu bīnāñu yāḍāndā
mura bajeṣāre vicittru banā puṣṣo harbiśśu ggūta
- 101** hana vajiṣṭāndā kārra pvyā'—re u muta pātāstu yāḍā—
ndā baravirñā bāḍāna biśśi ysāndā u āchānā haysgasta
- 102** biśśa śśāndā rraṣṭa hamamṅga hā—rūškā harbiśśā pyūtā ttiyā
hā trandā gyastā balysā haṇṇ—tsa śśāyyau kīntha.
- 103** trāmu hā śśāya haṃbroṣṭa patā balysā samu kho ju pūri
pātaru vara idryau balysā patāna kāḍe śśārku pātāste
- 104** śśūjātāna śśāya hvatāndā kho haḍe tterā storā hamāste
ku ttārā vāte paḍā aggaṃjsi ṣṣai ru pharu hastaru vaysña
- 105** rre gyastā balysā bilsamṅgu pu—ṣṣo kūṣḍu vīri ttuvāste.
kuī rrīṇe daindi se marā ā—tā pau' ye harbiśśe paste
- 106** trāmu hā ggopya haraysda kho ye banhyu bīrāte śśāndo
nāvuñi mā jīvātā balysa tterā haṛāte ko rro dātāmā.
- 107** rāhulī patāna haraṣṭā—tā puratu vīri ni mulśdu ka tā
muhu byāta ne āmaṃ ttū vīri vā yaṇu mulśdu

- 108** mai ne paśśa yserā anāhu parrijai biśyau dukhyau jsa.
 kāḍe hamatā rāhulā sī—ri cī gyastu balysu vajiṣḍe
- 109** hāṣṭo hambroṣṭā patāna ba—lysā u baṃcai pā nāte īmu
 mamā hvi'yā ysam̐thi hāmā—tā ku uho pāba dātaimā
- 110** balysā vara āstā kūṣḍu vīri varatā khāysu pajā—
 ṣṭā anāruddhu baddhī ānandu devadattu pravaiye
- 111** pharu rro vara handara śśā—ya balysā vātā ṣṣāmañu nā—
 ndi ku vā drai māśtā parrāte hāmāte balysā rrundu kṣamotte
- 112** varā vātcu ṣṭāni pastātā trāmu vainaiyā kūysde kho
 ju mātā kūśāte pūru ka va ttā parsāro dukhyau jsa
- 113** cu aysu ttū hvanau hvatai—mā ttyau puñyau avaśśā ma dāru
 balysūstu hastamu hvāne biśśā parrijīñi uysnora
- 114** ttyau puñyau avaśśā hvatāna kṣīra dāru śśāśani ṣṭāte
 hvatānā rre abuvatu kṣīru pharu salī vaṣṭa dṛṣāte

۳-۴: برگردان فارسی

- ۱- موفقیت! باشد که همه نیاشفته (= آگاه، هوشیار)، ما را بشنوید. زود دیگر اندوه‌ها را رها کنید. تا آنجا که گوش‌های شما به آشفته‌گی‌ها آموخته شده، زود آنها را از خود دور سازید (تحت اللفظی: به نقطه‌ای متمایل سازید).
- ۲- آنچه که شما در <مها> بارتَه^(۱) (Mahābhārata) شنیده‌اید که دروندادش تنها به اندازه‌ی پنج قهرمان است - پسران یک خویشاوند را کُتسه‌داسَه (Kamsadāsa)،

همه‌ی مردان شجاع را کشتند -

۳- رشی ویاسه (ṛṣi Vyāsa)، پیشخدمت کاشه‌سوندری (Kāśa sundari) همه‌ی اینها را برگرفت. داستانی سرگرم‌کننده تصنیف کرد که مردم با آن سردرگم شدند.

۴- دَشه‌گریوه (Daśagriva) سیتا (Sītā)ی رامه (Rāma) را گرفت. او را به شهر لنکا (Laṅkā) برد. بدین سبب او (= دشه‌گریوه) زندگی‌اش را از دست داد. محتوای راماینه^(۲) (Rāmāyaṇa) همین اندازه است.

۵- رشی‌والمیکی (ṛṣi Vālmiki) آن (= راماینه) را تصنیف کرد، اما با دروغ‌ها. اگر مردم با احترام بدو گوش سپارند، اینها، تنها، کرمه^(۳) (karma): کردارهای پیشین)های زایش‌های دیگر است.

۶- بدین ترتیب، آشفته‌گی‌های تهی وجود دارند که گوش‌های مردمان با آنها تیره می‌شوند. آنها آموزه‌های بودا را رها کرده‌اند، دیدگاه‌های دروغین را پذیرفته‌اند.

۷- بنابراین من قصد دارم بهترین قانون بودایی را برای شما اعلام کنم که یکبار بودا،^۴ به خاطر آن پوستش را شکافت.

۸- بر آن (= پوست) با استخوان خود، با خون خود، آموزه‌ی بی‌نقص بودایی را نوشت. پس باشد که شما، با احترام، بدان (= آموزه) گوش بسپارید.

۹- به یقین شخص کاملاً از غم‌ها خواهد گریخت. به یقین همه‌ی کلِشه^(۵) (kleśa): ناپاکی‌ها، عناصر پلید)ها ناپدید خواهند شد. بنابراین، به سبب این همه غم، زمانی بودا آن (= آموزه) را با جزئیات می‌جست.

۱۰- پس مرد دانا باید آنگونه این آموزه‌ی بودایی را بشنود (تحت‌اللفظی: این آموزه بودایی باید آنگونه به وسیله‌ی مرد دانا شنیده شود) که بیماری، دارویی را بجوید تا همه‌ی بیماری‌هایش را <با آن> نابود سازد.

۱۱- با آن (= آموزه) بیش (= زهر) برخاسته از کلِشه را دور می‌سازد. <یعنی> کار انوش را برای آنان می‌کند. شعله‌ی بزرگ را ماند. باشد که همه‌ی تاریکی نادانی را نابود

سازد!

۱۲- آنانی که با احترام به قانون گوش نمی‌سپارند، به روشنی دیده می‌شوند. همانگونه که کسی حیوانات را می‌بیند که خوب <و> بد را تمیز نمی‌دهند.

۱۳- بنابراین، خشنود، با جمعیت خاطر، باشد که بشنود.

این هستی بشری گنج بزرگی است، که گفته می‌شود چنان شگفت‌انگیز است،

۱۴- که بودا در تمثیل زایش انسان درباره‌ی لاک‌پشت یک چشم گفته است: (۶)

«او باید بسیار نادان تصور شود که آن (= هستی بشری) را نابود سازد، همانگونه که نادانی پارچه‌ی زریفت را.»

۱۵- اما آنانی که آن (= آموزه) را شنیده‌اند، ولی نه به راستی پَرَمَه‌آرْتَه (paramārtha):

حقیقت برین، حقیقت مطلق (۷) را - درباره‌ی سَمْسِکِرْتَه (saṃskṛta): عناصر ترکیبی بنابر وضعیت مشروط (۸) شنیده‌اند - اینها، حتی، اینجا نجات یافته نیستند.

۱۶- مانند زخم پرچرکِ مردی که کسی از بیرون مرهم‌هایی بر آن بگذارد، تنها تا اندازه‌ای برای آن (= زخم) تسکین است.

۱۷- برای کسی که توصیفی از بخشنندگی، شیلَه (śīla): شایستگی‌های اخلاقی (۹)،

لوکیکه‌دیانه (lokikadhyāna): علم جهانی (۱۰) می‌شنود، زمان کوتاهی فرار از دردها <ممکن> است. سپس باید در سَمْسَارَه (saṃsāra): دریای بازپیدایی (۱۱)

دردها را تحمل کند.

۱۸- همانگونه که وقتی شخصی غده‌ی چرکین را باز می‌کند، همه‌ی دردهایش از میان

می‌رود، پس با آموزه‌ی نیراتمه (nairātma): بدون جوهر و اصل ثابت (۱۲)، زایش‌ها برای شخص متوقف می‌شوند.

۱۹- بنابراین، اکنون قصد دارم به زبان ختنی پَرَمَه‌آرْتَه را برای شما اعلام کنم که بودا با

مهربانی بسیار به پدرش، شاه شُودودَنَه (Suddhodana) گفت.

۲۰- آنچه که یک چنین پسری به یک چنین پدری بگوید، اصلاً نباید کسی درباره‌ی آن

شک کند. به یقین این بهترین قانون است.

۲۱- پس باشد که نیاشفته (= آگاه، هوشیار) بدین گوش فرا دهید.

پس شنیده‌ام که چگونه دَوَه (deva: ایزد) بودا، بهترین بودی (bodhi: آگاهی) را دریافت، «چرخ قانون» را گرداند.

۲۲- در آغاز اُرویلوا - کاشیه‌پَه (Urubilvā - kāśyapa: اُرویلوا از خاندان کاشیه‌پَه).
<سپس> مرتدهای بسیاری را نجات داد. به جایی که زاده شده بود، به سرزمین شاه شودودنه، بازگشت.

۲۳- شاکیه (Śākya: افراد قبیله‌ی بودا)ها بسیار ستم‌دیده و غمگین بودند.
انجمن‌هایشان در سرزمین متوقف شده بود که ناگهان خبر رسید: آرزوهای پسر شما برآورده شد.

۲۴- <او> بهترین بودی (bodhi) را دریافت است. اینجا، به سرزمین ما آمده است.
به سبب این شادی، همه جا گردهمایی‌های بزرگ برپا شد.

۲۵- شاکیه‌ها برای گفتن خبر خوش، به سوی خانه‌ی یکدیگر می‌دوند، به طوری که شاه آن (= خبر خوش) را شنید، نیز ملکه‌ها، اندرونی و همه‌ی سرزمین.

۲۶- اندیشه‌ی شاه به سبب این شادی برانگیخته می‌شود، می‌خندد. بی‌درنگ گریستن گرفت، مانند کسی که شخص هیجان زده‌ای را می‌بیند.

۲۷- نگرانش هنوز متوقف نشده است، گرچه برای او شادی به بار آمده است. در دلش اندوه بزرگی است: «چرا مرا در زاری رها کرد؟»

۲۸- او (= شاه) از درد نزار شد زیرا اندیشه‌اش برانگیخته شده بود، درست مانند تب فروکش کرده‌ی مردی <که سپس> به سرعت بالا برود.

۲۹- «چون پسر محبوبم نزد من آمده است <پس> هنوز مرا از اندیشه <اش> کاملاً رها نمی‌کند. مرا به یاد دارد (= تحت‌اللفظی: من نیز به یاد داشته شده‌ام)». بی‌درنگ بر زمین افتاد.

۳۰- پرده‌داران با مهربانی او را بلند کردند: «ای پادشاه، بر اندیشه‌ات مسلط شو! سواره
کوشک را ترک کن.»

چونان گذشته، هیأتش شاهانه بود.

۳۱- اسب تیمار شده بدو دادند. تاج زرین <بر سر> نهاد، شمشیر بر میان. جامه‌های
بسیار فاخر به تن کرد.

۳۲- سپس از کوشک خارج شد. بازرگانان، در رکاب، آماده بودند. همه‌ی اندوهشان
آشکار شد، آنگونه که روز بر مردی بدمد.

۳۳- <شاه> وزیری را، به عنوان فرستاده، پیش فرستاد. او شهر را پشت سر نهاد. مانند
ترایس‌ترینشه (trāystrimśa: ایزدان سی‌وسه‌تایی^(۱۳)) ها شاکیه‌های بسیاری در
رکابش می‌رانند.

۳۴- اسب‌هایشان آماده و مجهزند. سپاه و جامه‌هایشان یکسانند. نیزه‌ها بسیار و
درفش‌ها فراوانند. درفش‌ها در باد در اهتزازند.

۳۵- ایزدان شهر، در هوا، نزد شاکیه‌ها رفتند. روز، بسیار پاک و آرام بود. سپس شاکیه‌ها
رانند.

۳۶- شمن^(۱۴) ها و بودی ستوه^(۱۵) (boddhi.satva) های بسیاری همراه ایزدان
برخاستند. ماه پر بودایی، که همه‌ی کِلِشه‌ها را خاموش می‌کند، پدیدار شد.

۳۷- آنجا، از دور، شاه با شاکیه‌ها فرود آمد. سپس مانند شَکْرَه (Śakra)^(۱۶)، همراه
ایزدان به سوی بودا رفت.

۳۸- <شاه> گره (= طره‌ی) زیبا را بر تارکش می‌بیند که همچون موی یال شیر در باد
می‌چرخند. به نظر می‌آید که زمین در حال برخورد با آن است.

۳۹- بودا پرتوی را پیش فرستاد که بی‌درنگ همه‌ی نگرانی، درد و غرورش را نابود
ساخت. آن (= پرتو) از دور به سوی بودا بازگشت.

۴۰- زمانی که شاه و شاکیه‌ها بودا را مانند خورشید در حال طلوع، دیدند، ویشروَنَه

(Vaiśravaṇa)^(۱۷)، شَکْرَه و برهما (Brahmā) با پیشانی‌شان بر پاهای او (= بودا) نماز بردند.

۴۱- ترسش (= ترس شاه)، مانند موج‌ها بر کوه مَلّیه (Malaya) خود به خود ناپدید می‌شود. <بودا> با مهر او (= شاه) را نگریست. سپس اندیشید: «ای محبوب‌ترین پسر، خوب کردی،

۴۲- که شهر یاری را کاملاً رها کردی. تو پادشاهی قانون را یافتی. بی‌گمان امروز بهترین قانونی را که یافتی، با من سهیم می‌شوی.»

۴۳- بودا ویشروَنَه را اینگونه فرمان داد: «شاکیه‌ها را اینجا، نزد من فرست.» پس او شاکیه‌ها را فرستاد: «همه باید خود را به پاهای بودا بیفکنند.»

۴۴- سپس بودا بر جایگاه ایزدی نشست. شاه هر دو پایش را در آغوش کشید. هر یک از آنها را با زبان بوسید.

۴۵- بودا دستش را دراز کرد، بر تارک شاه نهاد: «مرا ببخش گر چه من بی‌تقصیر، آن هنگام، شما را ترک کردم.»

۴۶- شاه با مهربانی او را نگریست. با مهر او را برانداز کرد. خندید. «پناهمند شده‌ام. ای بودا، اینگونه رنجم را نابود کردی (تحت اللفظی: رنجم به وسیله‌ی شما نابود شد).»

۴۷- اینگونه دراز کشیده، دیری او (= بودا) را می‌نگرد. با لذت خود را شاد ساخت. آنگاه همه‌ی شاکیه‌ها برخاستند و نزد بودا رفتند.

۴۸- شاه در حال نماز بردن دستانش را به حالت آنیجلی (aṇjali: درود، سلام) برابر بودا نهاد: «ای پسر، <در خوردن> انوش با من سهیم شو، چه تو بهترین قانون را دریافتی.

۴۹- همانگونه که ابر ضخیمی برمی‌خیزد، باران تندی را فرو می‌بارد، زمین تفته را که از گرمای خورشید سوخته، سرد می‌کند،

۵۰- پس ای بودای همه - دان، ابر بخشنده‌ات را بدین سو برخیزان، باران قانون را بباران، همه‌ی کِلشه‌های مرا خاموش کن.

۵۱- مرا از همه‌ی اندوه‌هایی که باید در دوزخ، در میان اشباح (preta) تحمل کنم، نجات بخش. ای مهربان، زحمت مرا جبران کن. چرا که شما را با عشق پروردم، ای بودا.»

۵۲- بودا او را چنین گفت: «آرام بنشین. من قانونی را به تو اعلام می‌کنم که بنا بر آن کارهای دشوار سه آسَنخیه‌یه (asamkhyeya)^(۱۸) را انجام داده‌ام.

۵۳- بشنو! آنچه که انسان در سمساره خود می‌پندارد (تحت‌اللفظی: آنچه که به وسیله‌ی انسان خود پنداشته می‌شود)، اینها به سبب پرتیه‌یه (pratyaya: سلسله‌ی علل، مفاهیم ذهنی^(۱۹)) دَرَمَه (dharma: پدیده، عنصر^(۲۰))ها هستند. به راستی خود وجود ندارد.

۵۴- چیزها از پرتیه‌یه‌ها برمی‌خیزند، سپس به سبب <همین> پرتیه‌یه‌ها <دیگر> نیستند. زمانی که شخص به درستی پرتیه‌یه را بشناسد، سنجینا (samjñā: مفهوم ذهنی^(۲۱))ی «خود» به کلی ناپدید می‌شود،

۵۵- چون به راستی «خود» وجود ندارد. این تنها سنجینای دروغین نادان است که خویشتن او، آنجا، در آن سازواری استخوان‌ها محدود شده است.

۵۶- سمسکاره (saṃskāra: تأثرات ذهنی گذشته^(۲۲))ها با نادانی ساخته و پرداخته می‌شوند. اگر نادانی نباشد: «من هستم»، سمسکاره‌ها وجود ندارند.

بدین طریق، همه‌ی درمه‌ها باید، با جزئیات، همچون دوازده بخش^(۲۳) تلقی شوند.

۵۷- همانگونه که به راستی در میان این سمسکاره‌ها، به واقع، «خود» وجود ندارد، تنها به سبب سمسکاره‌ها است که خویشتن فرد با نادانی محدود می‌شود.

۵۸- زمانی که شخص بتواند نادانی را نابود سازد، همه‌ی خویشتن او ناپدید می‌شود. بدین ترتیب شخص همانگونه همه‌ی سمسکاره‌ها را تمیز می‌دهد که جادو ساخته‌ای را می‌بیند،

۵۹- مانند رویا، سراب، تاریکی، جلوه‌های خیال. آنجا خود، موجود، تجربه‌کننده‌ی چیزها وجود ندارد (تحت‌اللفظی: آنجا نه خود، نه موجود، نه تجربه‌کننده‌ی چیزها

وجود دارد).

۶۰- آنچه که جادو ساخته به نظر می‌رسد، تنها <به سبب> نیروی منتره (mantra): ورد، افسون)ها است. هر آنچه این سمسکاره‌ها به نظر آیند، نیروی ویجینانه (vijñāna: آگاهی^(۲۴)) چنین است.

۶۱- همانند موجود خفته‌ای که چیزهای گوناگون در رویا می‌بیند، اما به راستی <آن چیزها> آنجا نیستند، گر چه خفته <این را> در نمی‌یابد،

۶۲- چنین است <آن که> به سبب نادانی خفته است، که اندیشه‌اش بسته به چیزهایی است که واقعاً در اصل وجود ندارد، مگر برای آنانی که تنها به سبب نادانی آنها را می‌بیند.

۶۳- یا مانند سراب بر دشت که بر نادان همچون آب پدیدار می‌شود <و> او نمی‌فهمد، پس همه‌ی این سه جهان (= آسمان، جو، زمین) به سبب سنجینا پدیدار می‌شوند.

۶۴- کسی که آرزومند نوشیدن این آب است، تنها آرزومند سنجینای خودش است. پس این ویشه‌یه (viśaya: مفاهیم عینی^(۲۵)) از طریق سنجینای شخص، دوست داشتنی به نظر می‌رسند.

۶۵- این ویشه‌یه‌ها باید به مانند کوری نسبی تلقی شوند. برای کسی که آب مروارید دارد، کوری نسبی از طریق نادانی پدیدار می‌شود. اما به واقع <کوری نسبی> در اساس وجود ندارد.

۶۶- به همین گونه برای کسی که عقاید دروغین بسیاری را در درون می‌پذیرد، <عقاید> گوناگونی در بیرون وجود دارد: کوری بسیار به سبب ویشه‌یه‌ها پدیدار می‌شود.

۶۷- آنچه که آیی‌تنه (āyātana: زمینه‌های شناخت، پایه‌های ادراک^(۲۶))های درونی به نظر می‌رسد، به راستی، آنجا وجود ندارند^(۲۷) آنها ویاکَه (vipāka: ثمره، میوه^(۲۸))های کرمه‌های پیشین هستند. این برای او همچون جلوه‌های خیال پدیدار می‌شود.

۶۸- آیی تنه‌های بیرونی باید همچون سایه تلقی شوند. به سبب <آیی تنه‌های > درونی، <آیی تنه‌های > بیرونی، به سبب نادانی، پدیدار می‌شوند.

۶۹- پنج چیز است که تنها نام برده می‌شوند اما به طور عینی وجود ندارند: نیروانه (nirvāṇa) (۲۹)، پُودْگَلَه (pudgala: ماده (۳۰)، آکاشَه (ākāśa: فضا، جو (۳۱)، آنچه که بوده است (= گذشته)، آنچه که هنوز نیست (= آینده).

۷۰- سپس، پنج چیز دیگر هست که نام برده شده‌اند، اما وجود ندارند: خود، بیننده، سازنده، داننده، رونده.

۷۱- «خود» به واقع وجود ندارد. موجود، تنها، سنجینایی از خود دارد، مانند زمانی که شخص واقعاً وجود ندارد، <اما > سنجینایی در مورد آن شخص وجود دارد.

۷۲- این به سبب پرتیه‌ی پدیدار می‌شود: «آنها می‌بینند». سپس به سبب پرتیه‌ی: آنها نمی‌بینند». اگر آنجا «بیننده‌ای» باشد، آنان همواره بدون پرتیه‌ی می‌توانند ببینند.

۷۳- بنابراین، کاخ‌های ایزدان، باغ‌ها، درختان گوناگون، تنها به سبب ویکَلپَه (vikalpa: خیال (۳۲) است، ساخته نشده است، ثمره‌ی کرمه‌ی پیشین است.

۷۴- نیزه‌ها، چرخ‌ها، نیزه‌های سه پر، شمشیرها، سنان‌ها در دوزخ، که <مردان > با آنها در دوزخ آن همه رنج دیده‌اند، تنها به سبب اندیشه‌ی دروغین است.

۷۵- اشباح به سبب کرمه‌هایشان، آب را در رودخانه شعله‌ور می‌بینند. چه کسی این آب را اسیدی کرده است؟ این تنها به سبب سنجینای خود شخص اینگونه به نظر می‌رسد.

۷۶- هیچ چیز در میان مردان نیست. چه کسی توانسته است چیزی را بسازد؟ آنجا پرتیه‌ی‌ها فراوان می‌شوند. بنابراین «سازنده» وجود ندارد.

۷۷- درست مانند زمانی که موجودی در رویا می‌بیند: «من این و آن را ساخته‌ام». آنجا، نه این <و > نه آن است، بلکه تنها نمودی دروغین، فریب <است >

۷۸- اگر «داننده‌ای» می‌بود، آیا به راستی خود را می‌شناخت؟ <خود > مانند کاردی است که به راستی نمی‌تواند دسته‌ی چوبی خود را ببرد.

۷۹- بنابراین، قانون برای آنان همان است که در تمثیل کَلک شناور^(۳۳): آنچه که داننده از آن خویشین می‌کند، باید با کَلشه‌هایش خاموش شود تا تاریکی ناپدید شود.

۸۰- به راستی «رونده‌ای» وجود ندارد، زیرا برای شخص در این گتی (gati: حرکت^(۳۴))، چنین پرتیه‌یه وجود ندارد، مانند سایه در خورشید.

۸۱- به راستی هیچ کس از اینجا (= این جهان) بدانجا (= آن جهان) نمی‌رود، یا دیگری از آنجا به اینجا نمی‌آید. اما ارتباط بریده نمی‌شود، زیرا ویپاکه در ویجینانه است.

۸۲- بنابراین در ویجینانه، در اقیانوس بزرگ مفاهیم عینی، تا زمانی که خورشید بزرگ بودی برای شما طلوع کند، موج‌هایی است.

۸۳- درست همانگونه که می‌توان، از دور، موج‌ها را در اقیانوس پیوسته تصور کرد، پس مادامی که کَلپه (kalpa: دوران جهان^(۳۵)) به پایان نرسد، برای آنها (= موج‌ها)، پایانی نیست.

۸۴- از آنجا که ویجینانه تخم آنان است، ویجینانه‌ی آنان به مانند پرتیه‌یه افشاندۀ می‌شود. سپس <تخم‌ها> به ویشه‌یه منتج می‌شود. این (= ویجینانه)، مادر است و آنها (= تخم‌ها)، فرزندان.

۸۵- بنابراین، سمساره بی‌آستانه و محدوده‌اش، آن قدر بزرگ خوانده می‌شود. زمانی که اندیشه‌های شخص متوقف می‌شود، زود تهی نمی‌شود.*

۸۶- زمانی که شاه این قانون را شنید، آن اندازه <هیجان> زده شد که جامه‌ای با زدن گازر سفید شود. او آنولمیکه کَشَنَتی (anulomika kṣanti: بردباری امیدبخش) را درک کرد.

۸۷- شش بیورشاکیه که چشم‌های درمه‌شان، آنگاه، باز شده بود، بودا را با گل‌ها، با ساز، با بوی خوش، بسیار احترام کردند.

* - روایت ختنی جدید این متن چنین است: «زود تهی می‌شود».

۸۸- دیری نپایید که شاه خود را روی پاهای بودا افکند: «ای محبوب، ای مهربان، هرگز پسر دیگری نبوده است که برای پدر چنین کند که تو برای من <کردی>».

۸۹- تو تیرِ سخت کِلَشَه را از دلم بیرون کشیدی. مرا نوش نوشاندی، ای بودا. همه‌ی ترس هایم در سمساره ناپدید شد.

۹۰- پدر رame، ارجونه (Arjuna) ^(۳۶)، کَرَنَه (karna) ^(۳۷)، حتی اینها در اقیانوس زایش هستند. تو، مانند کسی که نیلوفری را از خاک بیرون کشد، مرا کاملاً نجات دادی.

۹۱- ای مهربان، تو پدر من هستی. اکنون من نیز پسرِ تو هستم. آرزوی من فقط این اندازه است: «با شاگردان <ت> اینجا بیا».

۹۲- به خاطر شما اندرونی نگران است. ملکه‌ها غم زده و زارند. ای بودا، تا زمانی که زنده هستی، اینجا، در کیپله‌واستو (Kapilavāstu) بر ما منت گذار».

۹۳- بودا او را چنین گفت: «همانگونه که خورشید همه جا را یکسان روشن می‌سازد، پس هر مردی باید بُودی را بزرگ دارد (تحت‌اللفظی: بُودی باید به وسیله‌ی هر مردی بزرگ داشته شود).

۹۴- کسان بسیاری شاگردان آینده‌ی من هستند، که من باید همانگونه <ایشان> را در سمساره بجویم که مادری بره‌اش را می‌جوید. من نمی‌توانم پیوسته (= برای همیشه)، اینجا بمانم».

۹۵- «پس سه ماه اینجا بمان. ما را با خوشی و نیکی‌ها شاد ساز.» پس بودا راضی شد. همه‌ی شاکیه‌ها بسیار خشنود شدند.

۹۶- نخست بازرگانان را فراخواند. فرمان داد همه‌ی شهر را آذین بستند: «در خیابان‌ها، جایی که بودا از این پس گذر خواهد کرد، طاق‌های نصرت بپا سازید.

۹۷- ایزدان باید همه شهر را آذین ببندند. نخست باید خیمه‌داران ایزدی، بوی‌ها، گل‌های گوناگون بسیار فراهم باشد».

۹۸- هنگامی که بودا با شمن‌ها، اینجا، به شهر آمد، ایزدان و پادشاهان، بسیار دیگری

بودند. او (= بودا) نخست نوری پیش فرستاد.

۹۹- <نور> روشنایی بزرگی ساخت. ملکه‌ها، اندرونی - همه‌ی دیوارها سخت بودند -

بودا را دیدند. غم در دلشان ناپدید شد.

۱۰۰- آنجا، همه‌گونه ساز، خود به خود، به نوا درآمدند. پرندگان آوازهای گوناگون سر

دادند. زندانیان، همگی، زود آزاد شدند.

۱۰۱- کورها دیدند. کرها می‌شنوند و لال‌ها توانستند سخن بگویند. بارداران به هنگام

زادند و بیماران بهبود یافتند.

۱۰۲- همه‌ی زمین صاف <و> هموار شد. هر ناهمواری، هموار شد. سپس دوه بودا با

شاکیه‌ها به شهر وارد شدند.

۱۰۳- شاگردان به بودا نزدیک شدند مانند پسری به پدر. بودا با رددیس (rddhis: نیروی

جادویی) اش به زیبایی بسیار برابر آنان سخن گفت.

۱۰۴- شاکیه‌ها به یکدیگر گفتند: «اما چه زیاد تغییر کرده است! اگر پیشتر آن اندازه بی‌گناه

بود، اکنون، واقعاً بسیار بیشتر بی‌گناه شده است.»

۱۰۵- پادشاه بکشوسنگه (Bhikṣusangha: انجمن راهبان^(۳۸)) ی ایزد بودا را به کوشک

آورد. زمانی که ملکه‌ها او را می‌بینند: «اینجا آمده است!» همه به پایش افتادند.

۱۰۶- گوپیکا (Gopikā) چنان خود را در برابر او افکند که کسی درختی را از زمین ببرد.

«زندگی من با پارسایی می‌گذرد (تحت‌اللفظی: زندگی من بدون تقوا نیست)، ای

بودا، از زمانی که شما را دیدم، مدت زیادی می‌گذرد (تحت‌اللفظی: این قدر زیاد

به درازا کشیده است).»

۱۰۷- گوپیکا، راهوله (Rāhula: پسر بودا) رانزد <او> آورد: «آمرزش بر پسر ما! حتی

اگر ما را به یاد نیاورید، به این (= پسر) مهربانی کن،

۱۰۸- او را زار، بی‌پناه رها مکن. او را از همه‌ی اندوه‌ها نجات ده.»

راهوله، خود وقتی ایزد بودا را می‌بیند، بسیار شاد می‌شود.

۱۰۹- <راهوله> به پدر نزدیک شد و با ناله، پاهایش را <در آغوش> گرفت: «امروز

زایش انسان برای من رخ داده است، چون شما را دیدم، ای پدر.»

۱۱۰- بودا، آنجا، در کوشک ماند. آنجا از غذا لذت برد. اوانی روده (Aniruddha) (۳۹)،

بـدـرـیکـه (Bhadrika) (۴۰)، آنـنـده (Ananda) (۴۱)، دَوَه دَتَّـه

(Devadatta) (۴۲) را به زندگی پَرَوَرَجیا (pravrajyā: راهبانه (۴۳) هدایت

کرد.

۱۱۱- شاکیه‌های بسیار دیگری، آنجا، در حضور بودا حالت شمنی (śramaṇya) گرفتند.

وقتی سه ماه سپری شد، بودا از شاه اجازه‌ی رفتن خواست.

۱۱۲- سپس، زود عازم شد. او شاگردان آینده‌اش را می‌جست مانند مادری که پسرش را

می‌جوید. «باشد که از غم‌ها رها شوند!»

۱۱۳- چون من این داستان را گفتم، باشد که با این نیکی‌ها، نه دیر، به یقین بهترین بُودی را

دریابم. باشد که همه‌ی موجودات را نجات دهم.

۱۱۴- باشد که با این نیکی‌ها شاسَنَه (śāsana: آموزش) به یقین، دیر در سرزمین ختن

پاید. باشد که شاه ختن سال‌های دراز، سرزمین را بی‌آسیب بپاید.»

یادداشت‌ها

۱. حماسه در ادبیات هند بر دو نوع است:

۱- ایتی‌هسا (itihasā): چنین بود در آغاز، آکیانه (ākhyāna): افسانه و داستان) و

پوران (purāna): افسانه‌های کهن و مقدس)

۲- کَوِیه (kavya): حماسه‌ی ساختگی و مصنوع).

مهابارته به دسته‌ی اول و راماینه به دسته‌ی دوم تعلق دارد.

«مهابارته» یا «مهابهارته» (mahā.bhārata، از mahā: بزرگ و bhārata:

هند) اثری منظوم و دارای صدهزار بیت (śloka) است. این اثر یکی از بزرگترین

حماسه‌های ادبیات جهان است. شیوه‌ی نگارش آن یکدست نیست و این نشانه‌ی آن

است که شاعران متعددی در نوشتن آن دست داشته‌اند. زبان مهابارته سنسکریت

کلاسیک است که با سنسکریت ودایی تفاوت زیادی دارد.

مهابارته منبع الهام شاعران، داستان‌پردازان، هنرمندان و حکیمان بوده است. این اثر

را «ودای پنجم» نیز گفته‌اند چون هر طبقه‌ای از طبقات جامعه‌ی هند، متناسب با فهم

و درک خود از مطالب آن بهره‌مند شده‌اند.

مهابارته به هجده بخش بزرگ (parvan) تقسیم شده است و بخش نوزدهم را که

هری‌ونشه (harivaṃśa) می‌نامند، بخش الحاقی می‌دانند. این بخش‌ها به فصل‌های

گوناگون تقسیم شده و فصل‌ها نیز به جزءهای کوتاه‌تر (adhyāya) بخش شده‌اند.

هسته‌ی حماسی اثر که آن را «نبرد بزرگ» بازماندگان بارته می‌نامند، شامل بیست‌هزار بیت بوده که جنگ هجده روزه کوروها (kuru) و پاندوها (pandu) را شرح داده است و بعدها افسانه‌های گوناگون خدایان و پادشاهان، افسانه‌ی آفرینش، جهان‌شناسی و الهیات، احکام دینی و اصول نظام طبقاتی، به تدریج به آن افزوده شده است. احتمال دارد که هسته‌ی حماسی این اثر از یک رویداد تاریخی الهام گرفته باشد. به هر صورت مبدأ تاریخی این حماسه به دوران باستان ودایی باز می‌گردد و متأخرتر از هزاره‌ی اول پیش از میلاد نیست.

خلاصه‌ی داستان چنین است که: تاج و تخت کوروها که مرکز حکومتشان شهر هستیناپوره (Hastināpura) بود به دری‌ترشتره (Dhṛtarāṣṭra) رسید اما او نابینا بود و ناگزیر برادر کوچکش «پاندو» به شهریاری رسید. او نیز از پادشاهی دست کشید و همراه دو همسرش در نقطه‌ای در کوه هیمالا یا معتکف شد و برادر نابینای خود، یعنی همان دری‌ترشتره، را به پادشاهی منصوب کرد. پس از درگذشت پاندو، پنج پسرش: یودیشثیره (Yudhiṣṭhira)، بیمه (Bhīma)، ارجونه (Arjuna)، نکوله (Nakula) و سه‌دوه (Sahadeva) که کودک بودند به شهر هستیناپوره آمدند تا برای حمایت از عموی خود فنون جنگی را فراگیرند. دری‌ترشتره صد پسر داشت که بزرگترین آنها دوریودنه (Duryodhana) نام داشت. هنگامی که پسر بزرگ پاندو، یودیشثیره به سن بلوغ رسید، او را به جانشینی دری‌ترشتره برگزیدند ولی فرزندان دری‌ترشتره موافق این گزینش نبودند و برای نابودی او دست به توطئه‌های بسیار زدند. از این رو پنج پسر پاندو شهر هستیناپوره را ترک کردند و به دربار پادشاه پانجالا پناه بردند و در آنجا ساکن شدند و به زندگی ادامه دادند تا آنکه ارجونه، پسر سوم پاندو، در مسابقه‌ی بزرگ تیراندازی، مهارت و چیره‌دستی خود را نشان داد و کمان تسخیرناپذیر پانجالاها را خم کرد و در تیراندازی نیز مقام اول را به دست آورد. دختر پادشاه پانجالا که در مراسم همسرگزینی شرکت کرده بود، به عنوان

پاداش به ارجونه اهدا شد. دروپدی (Dhrupadi)، دختر پانجالا برای جلوگیری از اختلاف میان پنج برادر، هر پنج را به همسری برگزید. پاندوها در این مسابقه‌ی بزرگ با کریشنه، قهرمان قبیله‌ی «یاداوا» نیز آشنا و دوست شدند. پس از مدتی، دری‌ترشتره، برادرزادگان خود را به دربار فراخواند و خود از پادشاهی کناره گرفت و سرزمین پهناورش را میان فرزندان و برادرزادگانش تقسیم کرد. پنج برادر پاندو در محلی به نام ایندرپَرستانه (Indraprasthāna)، نزدیک دهلی، پایتخت عظیمی بنا نهادند اما فرزندان دری‌ترشتره دست از کینه‌توزی و دسیسه‌چینی برنداشتند و بزرگترین آنها، دوریودنه به یاری عموی مکار خود شاکوتی که در تاس‌بازی مهارت داشت، یودیشثیره را به بازی دعوت کرد ولی او با وجود مهارتی که داشت نتوانست بر دشمن پیروز شود و تمام دارایی و شهریاری و همسر و برادران خود را در بازی از دست داد. ولی دو طرف قرار گذاشتند که پنج برادر با همسر مشترکشان به مدت سیزده سال تبعید شوند و در گمنامی زندگی کنند و در پایان مدت به سرزمین خویش بازگردند و پادشاهی را بازستانند. پس از سپری شدن مدت، پنج برادر فرستاده‌ای نزد دوریودنه فرستادند و قرار خود را یادآوری کردند ولی دوریودنه به ایشان پاسخی نداد و به قول خود وفا نکرد. برادران پاندو خود را برای نبرد آماده ساختند. دو سپاه در میدان کورو (kurukṣatra) رو به روی هم قرار گرفتند. جنگ هجده روز به درازا کشید و همه‌ی پهلوانان دو گروه کشته شدند و تنها پنج برادر پاندو و کریشنه زنده ماندند. یودیشثیره پس از پیروزی تاج بر سر نهاد و به یاری پنج برادر، پادشاهی عدل و دادگسترده و رسم‌های نیک نهاد. یودیشثیره چون سالخورده شد، تاج و تخت بارته را به نوه‌ی ارجونه، پری‌کشیت (Parikṣit) سپرد و همراه همسر و برادران خود به سوی هیمالایا و از آنجا به سوی کوه میرو (Meru) رهسپار شد و از آنجا نیز بالا رفت و به شهر خدایان پیوست.

۴. راماینه (rāmāyana) از نوع دوم حماسه یعنی نوشته‌های ساختگی و مصنوع

(kavya) است و چون یکی از نخستین آثار این گونه ادبیات به شمار می‌آید، آن را آدی کَویَه (ādikavya) یا «نخستین اثر کویَه» می‌نامند. شیوه‌ی نگارش و درونداد این اثر با مهابارته متفاوت است و از نظر حجم نیز یک چهارم آن به حساب می‌آید. این اثر شامل هفت بخش است که ظاهراً بخش اول و آخر آن الحاقی است و طی زمان بدان افزوده شده است. شیوه‌ی نگارش یکپارچه و یکدست است که این از ویژگی‌های تحریر تک‌نفری است. احتمال دارد که بخش اصلی اثر یکی دو سده پیش از میلاد تدوین شده باشد ولی در هر صورت تاریخ نگارش آن از مهابارته متأخرتر است.

خلاصه‌ی داستان چنین است: دَشرَته (Daśaratha) پادشاه کوشَلَه (kośala) چهار پسر از سه همسر خود داشت به نام‌های رامه (Rāma)، بارَته (Bhārata)، لَکْشْمَنَه (Lakṣmana) و شَترُوگْنَه (śatrughna). این چهار برادر در میهمانی‌ای که پادشاه جَنَکَه (janaka) ترتیب داده بود، شرکت کردند. رامه در مسابقه‌ی تیراندازی پیروز شد و جنکه، دختر زیبای خود سیتا (sītā) را به عنوان پاداش به او داد. این دو ازدواج کردند و مدتی را به خوشی و خوبی در دربار سپری کردند. چون دشرته سالخورده شد، تصمیم گرفت رامه را به جانشینی خود منصوب کند ولی همسر دوم او، ملکه کی‌کی (Kaikeyī) که مادر بارته بود، نزد پادشاه رفت و قوی‌ای را که پادشاه به او داده بود، یادآور شد و آن این بود که هرگاه آرزویی داشت، پادشاه، بی‌درنگ، آن را برآورده می‌سازد و اینک آرزویش این است که پسرش بارته را جانشین خود سازد. پافشاری پادشاه در ملکه اثر نکرد و ناچار پادشاه مجبور را برای پسرش رامه بازگفت. رامه این خبر را با خرسندی پذیرفت و همراه همسر و برادرش لکشمه، به تبعید رفت و پادشاه پیر از اندوه بیمار شد و درگذشت. بارته که جوانی رادمرد بود و پادشاهی را حق خود نمی‌دانست از پذیرش پادشاهی خودداری کرد و تنها خود را قائم مقام برادر غایب خود نامید و پس از مدتی به تبعیدگاه برادر رفت تا او را برای مقام پادشاهی بازگرداند ولی رامه خواهش برادر را نپذیرفت و به خواست

پدر وفادار ماند و کفش‌های خود را به بارته داد. نیت رامه از این کار این بود که پادشاهی را به برادر خود تفویض کند. بارته پس از بازگشت کفش‌های رامه را بر تخت پادشاهی نهاد و خود مقابل آن نشست و به نام رامه، امور کشور را به دست گرفت.

رامه همراه همسر و برادر در جنگل‌ها گوشه‌گیری اختیار کرد. در آنجا مرتاضان بسیاری بودند که به ریاضت مشغول بودند ولی اهریمنان مانع کار آنها می‌شدند و در دل ساکنان بیم و هراس می‌افکندند. رامه علیه اهریمنان برخاست و بیشتر آنان را با تیرهای معجزه‌آسای خود از میان برد. سرکرده‌ی اهریمنان راونه (Ravana) کینه‌ی رامه را به دل گرفت و برآن شد که انتقام خون یارانش را بگیرد. روزی که رامه و برادرش لکشمه به تعقیب غزالی رفته و از اقامتگاه خود دور شده بودند، راونه به شکل راهبی درآمد و وارد اقامتگاه رامه شد و سیتا را ربود و او را با ارابه به پایتخت خود برد. برادران هنگام بازگشت سیتا را نیافتند. پریشان شدند ولی ندایی آسمانی راه نجات سیتا را بدیشان نشان داد. رامه با پادشاه بوزینگان به نام سوگریوه (sugrīva) پیمان بست. هنومت (Hanumat) سردار سوگریوه، به خدمت رامه درآمد و به جستجوی سیتا پرداخت و سرانجام او را در کاخ راونه یافت. رامه به یاری بوزینگان به جنگ راونه رفت. رامه در نبردی خونین تیرهای کاری خود را به سوی او پرتاب می‌کرد و سرش را از تن جدا می‌ساخت ولی هر بار سرهای دیگری می‌روید و راونه عمر تازه‌ای می‌یافت.

رامه ناگزیر از زین‌افزار جادویی خود شَستَرَه (śastra)، یاری خواست. تیری که از کمان رامه می‌پرید به بال وایو (vāyu)، ایزد باد آراسته بود و خورشید بر نوک آن جای داشت و سنگینی آن باکوه مرو برابری می‌کرد. این تیر آسمانی سینه‌ی راونه را درید و سرانجام جان سپرد. رامه نخست از دیدن سیتا، همسرش، خودداری کرد چه می‌خواست پاکی و بی‌گناهی او را بر همگان ثابت کند. سیتا خود را در زبانه‌های آتش

انداخت و در حالی که تماشاگران ناله و فریاد می‌کردند، آتش چون ستون عظیمی برخاست و سیتا را در تاج درخشان خود، مانند خورشید نگاه داشت. این داوری ایزدی پاکی او را به همگان ثابت کرد.

۳. کرمه (karma): یکی از فرضیه‌هایی که همه‌ی مکاتب هندو پذیرفته‌اند، مبحث قانون کرمه و تولد دوباره در دریای بازپیدایی است. این مکاتب معتقدند که نظام طبیعی عالم در نظام اخلاقی جهان نیز بازتاب دارد و هر کردار و گفتار و اندیشه‌ای، واکنشی را در بر دارد یعنی به محض آن که کاری انجام شد، تولید نیرو می‌کند و به تناسب آن که این کار نیک یا بد باشد، ثمره‌ی خوب یا بد به بار می‌آورد. این قانون حتی فراتر می‌رود و خود انسان را محصول کردارها و اعمال زندگی‌های پیشین می‌داند و معتقد است که پیدایش‌های پی در پی و مرگ، فرجام کار و پایان راه نیست، بلکه آغاز زندگی دوباره است و تا زمانی که انسان به معرفت مطلق نرسد، از این دریا نجات نخواهد یافت. قانون کرمه تعادل و توازن نظام اخلاقی جهان است.

۴. آیین بودایی: یکی از ادیان بزرگ جهان، توسط گوتمه (Gotama) بودا در سده‌ی ششم پیش از میلاد بنیان‌گذاری شد. خاستگاه اصلی این آیین هندوستان بود ولی دامنه‌ی آن به کشورهای خاور دور نیز کشیده شد و با تمدن‌ها، افکار و باورهای دیگر ملل نیز درآمیخت. هندوستان بیش از هزار سال زیر نفوذ این آیین قرار داشت. قدیم‌ترین و مقدس‌ترین آثار بودایی به زبان‌های هندی یعنی پالی و سنسکریت نوشته شده است. پادشاهان بزرگی مانند اشوکه (Aśoka) و کنیشته (Kaniṣṭha) پیرو و پشتیبان این آیین بودند. در دوران اشوکه جنبش جدیدی برای گسترش و ترویج آیین بودا در خارج از هند به وجود آمد و فرستادگان و مبلغان بسیاری به کشورهای گوناگون رهسپار شدند و وظایف خود را نیز به خوبی به انجام رساندند. جزیره‌ی سیلان و سرزمین کشمیر در اثر کوشش این مبلغان مذهبی به آیین بودا گرویدند. دین بودا در شمال هند نیز ریشه دوانید و در سده‌ی دوم پیش از میلاد بر اثر نفوذ پادشاهان

یونانی هند، به شمال غربی این کشور نیز کشیده شد. در دوران اشوکه، کیش بودا از یک سو به چین و از دیگر سو به بلخ و افغانستان نیز راه یافت ولی در خود هندوستان، در پایان این دوره، به سبب پراکندگی دیدگاه‌ها و اختلاف باورها و اعتقادات، حدود هجده فرقه از آن پدید آمد. در میان این فرق، مهاییانه (Mahāyāna) یا «چرخ بزرگ»، تعبیر تازه‌ای از آیین بودا به دست داد و با تغییراتی که در آن پدید آورد، آیین بودا را به شکل دینی جهانی درآورد. این آیین و فرقه‌های گوناگون آن با تسلط مسلمانان بر هندوستان (۷۱۲ میلادی) رو به ضعف نهاد و آیین هندو جای آن را گرفت.

اساس تعلیمات بودا

آیین بودا، مانند پاره‌ای از ادیان، تمایلی به برگزاری مراسم عبادی و نیایش‌های ظاهری نداشت و اعتقاد داشت قانون کرمه (karma) و باور به نجات و رهایی از مرگ و زندگی یا آزادی از دریای باز پیدایی (saṃsāra) و رسیدن به خاموشی و سکوت محض (nirvāṇa) تنها از راه کشف و شهود ممکن است. فرضیه‌ی رنج جهانی، اصل اعتقادی مهم این آیین است. بودا معتقد بود که هر چه تغییر کند رنج به بار می‌آورد و هر چه رنج به بار آورد، نمی‌تواند حقیقت باطنی یعنی آتمن (ātman) باشد. آتمن که ضمیر باطن انسان و اصل تغییرناپذیر است، پندار و گمانی بیش نیست و واقعیت ندارد. انسان اسیر نادانی است و نادانی به چهار گونه تجلی می‌یابد:

- ۱- ندانستن رنج
 - ۲- ندانستن مبدأ رنج
 - ۳- ندانستن اینکه این رنج باید خاموش شود
 - ۴- ندانستن و شناختن ابزاری که به فرونشاندن این رنج منتهی می‌شود.
- در آیین بودا هیچ امری ثابت نیست و همه چیز در حال تغییر و دگرگونی است و چون متغیر و متحول است، پس رنج و درد فراوان در بر دارد.

این چهارگونه نادانی (avidyā، پالی: avijjā) در برابر چهار حقیقت شریف بودایی (پالی: āriya sacca) قرار دارد که عبارت است از:

- ۱- دانستن رنج جهانی
- ۲- دانستن علت پیدایش این رنج
- ۳- دانستن اینکه این رنج باید فرونشیند
- ۴- دانستن و شناختن ابزاری که به یاری آن، این رنج جهانی فرو می‌نشیند.

بودا

گوتمه (Gotama) بودا در سال ۵۶۰ پیش از میلاد در بیشه‌ی لومبینی (Lumbini)، نزدیک شهر کیله‌واستو (Kapilavāstu)، در جنوب نپال به دنیا آمد. او پسر شودودنه (Suddhodana)، یکی از شاهزادگان قبیله‌ی شاکیه (Śākya) و به روایتی پادشاه این قبیله بود. گوتمه عنوانی است که قبیله‌ی شاکیه، بنابر سنن کهن خانوادگی، از اسامی پاکبازان کهن ودایی گرفته بودند. بودا (Buddha: بیدار شده) پیش از آنکه به واقعیت بیدار شود، به گوتمه‌شاکيامونی (Śakyamuni) یا مرتاض شاکیه‌ها معروف بود و پس از آن که به واقعیت رسید، او را «بودا» یا «آن که به واقعیت بیدار شده» نامیدند. او عنوان‌های دیگری مانند «سیدارته» (Siddhārta: آن که به هدف نهایی رسیده) و «تتاگته» (Tathāgata: آن که به ساحل پیوسته) نیز دارد.

پیش از آن که بودا در این جهان ظاهر شود، بودی‌ستوه (bodhisattva: بودای بالقوه) بود که در بهشت توشیته (Tuṣita) زندگی می‌کرد تا آن که خدایان او را برای فرو نشانیدن رنج انسان و گسستن از دریای بازپیدایی برگزیدند. بنابر روایات بودایی، بودا به مدت چهل سال در تمام کشور هند سفر کرد و با ایراد خطبه‌های گوناگون در برابر مریدان و پیروان خود، به ترویج و اشاعه دین پرداخت. بودا در سن هشتاد سالگی خود را برای وداع و پیوستن به نیروانا آماده ساخت. بودا در این زمان به مرید

نزدیک خود آنده (Ananda) که از این خبر اندوهگین شده بود گفت که: تو را از دیدن این جسم ناپاک چه سودی خواهد بود؟ هر آن که آیین (dharma) را ببیند، مرا دیده است و هر آن کس که مرا ببیند آیین را دیده است. بدانید که همه‌ی عناصر ناپایدار و زودگذر هستند، فقط در راه نجات و آزادی بکوشید.»

۵. کلشه (kelśa) از ریشه‌ی -kliṣ به معنی رنج بردن و درد کشیدن است. در آیین بودا، کلشه عناصر پلید ناشی از اعمال پیشین هستند که غرایز و شهوات ناخودآگاه انسان را تشکیل می‌دهند. بوداییان به ده کلشه قائل بوده‌اند که سه کلشه به تن یا کردار (آدم‌کشی، دزدی، زنا)، چهار به گفتار (دروغ، تهمت، دشنام، گفتگوی بی‌حاصل) و سه به اندیشه (آز، بدخواهی، بی‌دینی) باز می‌گردد.

۶. kaśyapa, kacchapa, kachava: لاک پشت (فارسی: کَشَف)، نام طبقه‌ای از ایزدان که با ایزد پرچاپتی (Prajāpati)، سرور آفرینش، در امر زایش و آفرینش در ارتباط هستند.

۷. پَرَمَه اَرْتَه paramārtha (از -parama: دورترین و -artha: عقل، حقیقت، هدف، قصد): به معنی حقیقت برین و عقل مطلق است. عقل بر دو نوع است یکی عقل نسبی و توهمی (samvrtti) و دیگری عقل مطلق یا نامتناهی یا حقیقت برین. عقل نسبی و توهمی ماهیت توهمی و نسبی و ناخودآگاه تفکر ذهنی است و عقل مطلق ماهیت مابعدالطبیعی عناصر ذهنی را تشکیل می‌دهد.

۸. سَمَسْکِرْتَه saṃskṛta (از -sam: هم و -kṛta: ساخته): در فلسفه‌ی بودا، عناصر بقایی ندارند. هر لحظه ایجاد و فنای یک عنصر جدید است و پیوستگی ظاهری جهان، همان ظهور پی در پی عناصر جدید در مکان‌های جدید است. عناصر گرد هم می‌آیند (saṃskṛta) و این پیوند عناصر بنابر قانون «وضعیت مشروط» است.

بوداییان واقعیت‌های جهان را چه عینی و چه ذهنی به دو گروه تقسیم می‌کنند:

۱- گروه مادی ۲- گروه روانی و ذهنی. عناصر روانی نیز به دو گروه عناصر ذهنی و

نیروهای لطیف بخش می‌شوند. به طور کلی می‌توان یک طبقه‌بندی سه گانه برای عناصر تشکیل دهنده‌ی عالم قایل شد. عالم خود حاصل فعل و انفعالات درهم پیچیده‌ی سه گروه ماده، عناصر ذهنی و نیروهای مرموز است که تعداد آن ۷۵ است که ۷۲ از آنها به صورت مجموعه‌ی بهم پیوسته (saṃskṛta) ظاهر می‌گردند و سه تای آخری غیرترکیبی و لایتناهی هستند.

۹. شیله (śīla): شایستگی‌های اخلاقی) یکی از ویژگی‌های فرقه‌ی مهاییانه، پرستش بوداهای آینده یا بودی ستوه (bodhisattva): کسی که جوهرش خرد و دانایی است) هاست. انسان اگر خواستار آزادی «نیروانه» است باید راه این بودی ستوه‌ها را بپیماید چه ایشان میانجی وصول به مقام نیروانه هستند. در آیین مهاییانه طریق رسیدن به مقام بودا به یاری فضایل ششگانه‌ی بودی ستوه‌ها امکان‌پذیر است. این شش فضیلت عبارتند از: بخشش و ترحم (dāna)، همت و نیروی معنوی (vīrya)، شایستگی‌های اخلاقی (śīla)، صبر و بردباری (kṣānti)، تفکر و مراقبه (dhyāna) و سرانجام خرد و فرزاندگی (prajñā).

۱۰. لوکیکه‌دیانه (lokikadhyāna = علم جهانی): در آیین بودا، معرفت سه مرتبه دارد:

۱- علم دنیوی یا جهانی که همه‌ی مردم آن را دارند.

۲- علم برتر از جهان loktara.jñāna

۳- برترین علم lokottaratama.jñāna که این معرفت، علم بوداها و بودی ستوه‌ها است.

۱۱. سمساره (saṃsāra) از sam-: هم و -sāra از ریشه‌ی -sf: جریان داشتن؛ رویهم به معنی «به هم رفتن» اصطلاحاً در مفهوم پیدایش‌های پی‌درپی و جریان پیوسته‌ی زندگی در دگرگونی‌های گوناگون است. بودا اساس و شالوده‌ی جهان را با معیار مبحث وجود نمی‌سنجید بلکه میزان سنجش او، واقعیت و عدم واقعیت بود و این دوازده‌گانه دو رکن اساسی آیین بودا را تشکیل می‌دهد. عدم واقعیت یعنی هستی ناپایدار، تسلسل

اشیای گذرنده، پیدایش‌های پی‌درپی، زایش و جریان پیوسته‌ی ایجاد (سمساره). واقعیت یعنی خاموشی و پایان یافتن این تسلسل و گریز از دریای بازپیدایی، یعنی نیروانه.

۱۲. نیراتمِه *nairātma* (از -na: نه و -ātma: خود، نفس) به معنی غیرخود یا بدون جوهر و اصل ثابت است. در آموزه‌ی نیراتمِه محمل و اساسی در پس مظاهر وجود ندارد تا بتوان پنداشت که اشیاء بهم متصل‌اند. به نظر بودا، عناصر از یکدیگر جدا هستند و حرکتی منقطع و پیوسته دارند و در پیدایش‌های پی‌درپی خود، جریانی را پدید می‌آورند که بر اساس ارتباط‌های چندگانه و متقابل عناصر به یکدیگر، ظاهر شده است. در آیین بودا آنچه مهم است این است که پیدایش است و نابودی، تولد است و مرگ و بین دو لحظه‌ی گذرایی که آغاز و پایان زندگی انسان و موجودات جهان را تشکیل می‌دهد، یک جهان رنج و ناکامی و تلخی و جدایی و بیماری و مرگ را باید تحمل کرد.

۱۳. ترایس‌ترینشه *trāyastriṃśa* (ایزدان سی‌وسه تایی): در برخی از سرودهای ودا به گروه ایزدان اشاره شده است. این ایزدان گروهی، به سه دسته‌ی آسمانی، جوی یا فضایی و زمینی تقسیم می‌شوند. تعداد ایزدان زمینی یا وسو (*vasu*) ها هشت، ایزدان جوی یا رودره (*rudra*) ها یازده و ایزدان آسمانی یا آدی‌تیه (*āditya*) ها دوازده است. اینها به اضافی ایندَره و پَرِجَپتی (*Prajāpati*) سی‌وسه ایزد اصلی را تشکیل می‌دهند و بقیه تجلیات اینها هستند. بنابر تقسیم‌بندی سه گانه، آدی‌تیه‌ها ایزدان فرمانروا، رودره‌ها ایزدان جنگجو و وسوها ایزدان برکت و فراوانی هستند.

۱۴. شمن *ṣṣaman*: این واژه در میان اقوام تونگوس (*Tongousse*) که از نظر نژادی مغول بوده و در سبیری شرقی می‌زیسته‌اند، احتمالاً معنی موید یا پزشک مرد را می‌رسانده است. برخی عقیده دارند که این واژه از -*śramana* سنسکریت و به معنی -راهب دوره گرد است.

۱۵. بودی ستوه bodhisattva (از -bodhi: به معنی خرد و آگاهی و -sattva: به معنی جوهر) به معنی آن که جوهرش خرد و آگاهی است.

بودی ستوه‌ها موجودات اساطیری هستند که از جسم نورانی (sambhogakāya) بوداها بهره‌مند هستند و در فردوس جای دارند و قدیسان پیرامون آنها نشسته‌اند. اینان پیامبرانی برای نجات و رهایی انسان‌ها به زمین می‌فرستند. آنانی که خواستار رسیدن به «نیروانه» هستند، باید راه این بودی ستوه‌ها را بپیمایند.

۱۶. شکره Śakra: یکی از لقب‌های ایزد ایندره، محبوب‌ترین خدای ریگ‌ودا است. ایندره در فضای میان زمین و آسمان قرار دارد. صورت و ویژگی‌های او از دیگر ایزدان ودایی مشخص‌تر است و بیشتر صورت انسانی دارد. او ایزد طوفان و رعد و برق است. سلاح او وَجَرَه (vajra: فارسی: گرز) است که از آهن ساخته شده است. ایندره نیرومند و تنومند است و در بزرگی و فراخی با زمین پهناور برابری می‌کند و هیچ یک از ایزدان و مردمان را تاب مقاومت و برابری با او نیست. همین امر سبب شده است که او را شکره یا Śacivant: نیرومند و Śacapati: دارای نیروهای جهان بنامند.

۱۷. ویشروانه (Vaiśravaṇa) یا وی‌شروانه (Viśravaṇa) و یا وی‌شروانه (Viśramana) در اصل نام سرکرده‌ی موجودات یا ارواح اهریمنی تاریکی یا همان کوبر (kúbera) هاست که سپس ایزد ثروت و دارایی و گنج شده است.

۱۸. آسنخیه asaṃkhyeya: تثلیث بزرگ هندوان است که عبارتند از برهمن، شیوا یا رودره و ویشنو. در گروهی از سرودهای ریگ‌ودا، همه‌ی ایزدان در سه مفهوم که هر یک مظهر یکی از مراتب هستی است، گنجانده شده‌اند. مهابارتو در مورد این تثلیث می‌گوید که برهمن می‌آفریند، به صورت ویشنو می‌پاید و به صورت شیوا معدوم می‌سازد و اینان سه مقام پرچاپتی یا ایزد آفرینش هستند.

۱۹. پرتیه pratyaya (سلسله‌ی علل، مفاهیم ذهنی): بنابر فلسفه‌ی بودا، اصل ثابت و

مطلق وجود ندارد. پدیده‌ها ظواهر نسبی هستند و به امری متصل نیستند و چون نسبت هیچ هستند به هیچ، نابود می‌گردند. حال که اشیاء نه به وجود می‌آیند و نه نابود می‌گردند، سلسله‌ی علل نیز نمی‌تواند هستی داشته باشد. یعنی برای آنکه معلولی پدید آید، ضروری است که علتی وجود داشته باشد ولی اکنون که اشیاء تهی و خالی از هر گونه جوهر هستی هستند، دیگر چه علتی پدید آورنده‌ی چه معلولی خواهد بود؟ پس سلسله‌ی علل، پدیده‌هایی هستند متکی بر هیچ. نه پیدایش هست و نه انهدام، نه ابدیت و نه زمان، نه وحدت و نه کثرت، نه آمدن و نه رفتن و سلسله‌ی علل خیال‌بافی و پوچ است.

۲۰. دَرْمَه dharma: در سنت هندو، درمه نظام اخلاقی و جهانی است و مفهوم فضیلت، عدالت، آیین و قانون را دارد. در مکتب‌های فلسفی بودایی، درمه مفهوم شیئی، عنصر و پدیده را دارد. کیش بودایی بنابر آیین درمه، جهان را متشکل از تکرر عناصر مادی و ذهنی و نیروهایی می‌داند که لطیف و تجزیه‌ناپذیر هستند. یگانه واقعیت همین عناصر ناپایدار است که واقعیت‌های نهایی جهان هستند. هر ترکیبی که از آن عناصر پدید آید تنها به منزله‌ی مظهر بی‌بودی است که عناصر چندی را شامل است. عناصر بقایی ندارند و هر لحظه ایجاد و فنا ی یک عنصر جدید است و پیوستگی ظاهری جهان، همان ظهور پی‌درپی عناصر جدید در مکان‌های تازه است.

۲۱. سنجینا samjñā (از sam- به معنی «هم» و ریشه‌ی jñā- به معنی دانستن) به معنی مفهوم ذهنی است. بودائیان عناصر زندگی را به چند گونه بخش کرده‌اند، یکی از این طبقه‌بندی‌ها شامل مجموعه‌ی پنجگانه عناصر (skandha) است که عبارت‌اند از ماده و صورت (rūpa)، احساس (vedanā)، مفاهیم (saṃjñā)، نیروها یا ترکیبات یا تأثرات ذهنی (saṃkāra) و آگاهی (vijñāna). بودائیان ماده را همان مأخذ حسی می‌دانند یعنی ماده آن کیفیاتی را شامل است که از اشیای خارجی برمی‌آید و روح همان چهار گروه احساس و مفاهیم و نیروها و آگاهی است.

۲۲. سمسکاره (samskāra) از -samskṛ به معنی ساختن و پرداختن): موجودات ساخته و پرداخته‌ی کارهایی هستند که در زندگی‌های پیشین انجام داده‌اند. سمسکاره از جهاتی با مفهوم «کرمه» یا عمل مترادف است. آنچه به نظر انسان همچون جسم جلوه می‌کند، در واقع تأثرات اعمال پیشین است که صورت گرفته و تحقق یافته و به شکل موجودی مادی درآمده است.

۲۶ ← ۲۳

۲۴. ویجینانه vijñāna (از -vi به معنی «جدا» و ریشه‌ی -jñā به معنی «دانستن» به معنی ادراک و آگاهی است. تعداد ویجینانه شش است و عبارت هستند از نیروی بینایی که به سبب آن صورت و رنگ اشیاء تمیز داده می‌شوند، نیروی شنوایی که از طریق آن صدا درک می‌شود، نیروی بویایی، نیروی چشایی و نیروی بساوایی. نیروی ششم مانو ویجینانه (mānu vijñāna) یا ذهن است که از دیگر نیروها مهم‌تر است. ذهن نخست به اشیاء دل می‌بندد، سپس آنها را بنابر کیفیت و صفت‌هایشان از هم تمیز می‌دهد. تمیز دادن یعنی جدا کردن اشیاء از یکدیگر که منجر به تضاد و دوگانگی می‌شود و در نتیجه‌ی آن، ذهن پدیده‌های جهانی را بر اساس این تضادها، می‌شناسد.

۲۵. ویشه‌یه (viśaya: مفاهیم عینی): هر یک از حس‌های پنجگانه دارای اندام حسی ویژه‌ی خود است. صدا برای گوش، بساوایی برای پوست، شکل یا صورت یا رنگ برای چشم، مزه برای زبان و بو برای بینی. این پنج ویشه‌یه، گونه (guṇa) یا ویژگی‌های پنج عنصر نیز نامیده می‌شوند یعنی به ترتیب اثیر، هوا، آتش، آب، خاک.

۲۶. آیه‌تنه (āyatana: زمینه‌های شناخت) در ورودی پدیده‌های ذهنی است. ذهن به خودی خود آگاهی و احساس خالص است و پدیده‌های ذهنی، متکی بر حس و موضوع ادراک هستند. زمینه‌های شناخت دوازده پایه دارد که عبارتند از شش پایه‌ی درونی و شش پایه‌ی بیرونی یا شش موضوع ادراک: ۱- بینایی ۲- شنوایی ۳- بویایی ۴- چشایی ۵- بساوایی ۶- ذهنی و آگاهی ۷- رنگ و صورت ۸- صدا یا صوت ۹- بو

۱۰- مزه ۱۱- محسوس ۱۲- دیگر عناصر (dharma).

در مکاتب فلسفی بودایی، شناخت بسان پدیده‌هایی چندگانه و مرکب از عناصری است که براساس همراهی همین عناصر، در آن واحد چون لحظات آنی و برق‌آسا، ظاهر می‌گردد. در واقع عناصر به هم نمی‌آمیزند و تماس و برخوردی بین آنان صورت نمی‌گیرد و حس موضوع ادراک را اخذ نمی‌کند، بلکه بنا به قانون علیت، گروهی از عناصر موجب پیدایش عناصر دیگری می‌شوند که با آنان ارتباط نزدیک داشته‌اند. مثلاً شناخت بینایی متشکل از لحظه‌ای از رنگ (rūpa)، لحظه‌ای از ماده بینایی (caḥsus) و لحظه‌ای از ذهن است که بر اساس همراهی و ارتباط نزدیک آنان با یکدیگر ظاهر می‌شود و لحظه‌ای از ادراک بینایی (sparśa) را پدید می‌آورد. نقطه‌ای که در آن این عناصر همراه گرد هم می‌آیند و یکی می‌شوند، همان لحظه‌ی شناخت است. این شناخت به مجرد اینکه پدید می‌آید، نابود می‌گردد و بسان موجی است که حرکت آن، موج دیگری را پدید می‌آورد. لحظات شناخت که پی‌درپی نمودار می‌شوند، چنان سرعتی دارند که آنچه در واقعیت امر استمرار لحظات پی‌درپی و آنی است، به نظر ثابت و پیوسته می‌آید.

۲۷. چشم که عضو بینایی است و از دیدن خود ناتوان است، چگونه می‌تواند واقعیت‌های دیگر را ببیند. پس چشم نمی‌بیند و بدون فعل دیدن، نه بیننده وجود دارد و نه شیء دیده شده. آنچه که قبلاً دیده شد، حال دیده نمی‌شود و آنچه در آینده دیده خواهد شد، حال دیده نمی‌شود. شیء مورد نظر باید یا آن چیزی باشد که در پیش دیده شده و یا آن چیزی که در آینده دیده خواهد شد. شیء مشهود حال وجود ندارد و شیء که در آینده دیده خواهد شد هم، حال وجود ندارد؛ پس در واقع شیء‌ای که ما می‌بینیم واقعیت ندارد و اگر واقعیت نداشته باشد، فعل دیدن نیز واقعیت نخواهد داشت و اگر فعل دیدن نباشد، شناخت بینایی هم غیرممکن است.

۲۸. وپاکه vipāka (از پیشوند vi- به معین جدا و دور و pāka- از ریشه‌ی pac- به

معنی پختن و رسیدن) به معنی ثمره و نتیجه‌ی کارهایی است که در زایش‌های متوالی در حال و گذشته توسط شخصی انجام شده است و انجام می‌شود.

۲۹. نیروانه nirvāṇa (از پیشوند nir- به معنی فرو و پایین و ریشه‌ی vā-: به معنی وزیدن) اصطلاحاً به معنی «انقطاع و خاموشی پدیده‌ها و سکوت محض» است. نیروانه هدف نهایی آموزش‌هایی بودایی است و مستلزم آن است که جوینده‌ی حق نخست به واقعیت حق بیدار شده باشد، مانند خود بودا که زیر درخت روشنایی ناگهان به واقعیت مطلق رسید.

۳۰. پُودْگَلَه (pudgala): بوداییان ماده را مأخذ حسی می‌دانند. اعضای حسی از ماده‌ی لطیفی پوشیده شده و متشکل از ذرات (anu) است. این ذرات به طور جدا و واحد درک نمی‌شوند چه بخش‌ناپذیر و غیرقابل درک هستند ولی اگر گرد هم آیند، به شکل مجموعه‌ی ذرات ترکیب می‌یابند. ذرات غیرابدی هستند و هر دم پیدا می‌شوند و نابود می‌گردند.

درباره‌ی تسلسل جهانی دو گونه فرضیه بیان شده است: حرکتی که به موجب آن دگرگونی‌های متوالی اشیاء تحقق می‌پذیرد یا حرکت متصل و پیوسته، و حرکت منقطع و گسسته. در مورد نخست، حرکت متصل و پیوسته، پدیده‌ها به منزله‌ی امواج و نوساناتی هستند که بر سطح ماده‌ای ابدی و تعین نیافته ظاهر می‌گردند و با آن در واقع یکی هستند. جهان در این فرضیه حرکتی مستمر و پیوسته دارد در مورد دوم که حرکت منفصل و منقطع است، ماده‌ای وجود ندارد. تنها توده‌های برق‌آسای نیرو، پشت سر هم ظاهر می‌شوند و پندار و گمان، پدیده‌های پایداری را پدید می‌آورند. جهان در این حالت، متحرک به حرکتی منقطع است. مکاتب بودایی پیرو فرضیه‌ی دوم هستند.

۳۱. آکاشه (ākāśa): فضا یکی از سه عنصر لایتناهی و غیرترکیبی از هفتادوپنج عنصر بودایی است. از این هفتادوپنج عنصر، یازده عنصر مادی، چهل‌وشش عنصر ذهنی و

چهارده نیروی لطیف است. فضا-عنصر لطیفی است که در تمام جهان هستی جریان دارد و همه چیز را فرا می‌گیرد و خود عاری از صورت است.

۳۲. ویکلپه (vikalpa) (از -vi.kṛip تغییر دادن، عوض کردن): خیال در پی شناخت لفظی به وجود می‌آید و خود تهی از جوهر یا مصداق است ولی فعالیت آن به علت ارتباطش با نیروی خلاقه‌ی لفظی، مشهود است. خیال در تصورات ذهنی مانند «کاخ‌های ایزدان» موجود است. این گونه مفاهیم مصداق و جوهر عینی ندارند و به سبب خیال و به یاری نیروی لفظی یعنی صوت تحقق می‌یابند.

۳۳. کلک شناور (kola.upamā): در سوتره‌ی Vajracchedikā در گفتگویی که میان بودا و سوبوتی (Subhūti) در می‌گیرد، بودا درباره‌ی قانون (dharma = dāta) در ارتباط با کلک شناور چنین بیان می‌کند: به راستی قانون (dāta) باید به اندازه‌ی بی‌قانونی (adāta) رها شود. مانند مردی که بر روی رودخانه، به بازرگانی می‌رود، در حالی که هنوز از رودخانه گذر نکرده است، کلک را رها نمی‌کند، اما زمانی که از رودخانه گذشت، مطمئناً کلک را با خود نمی‌برد. به همین گونه بودی ستوه، در حالی که ثروت و دارایی را نمی‌شناسد، از پایداری به قانون غفلت نمی‌ورزد (Bailey, 1972, 73 ←)

۳۴. حرکت (gati) تصورناپذیر است. راه را می‌توان به دو بخش تعریف کرد: راهی که از آن گذر شده، و راهی که باید از آن گذر شود و شق سومی وجود ندارد. راهی که از آن گذر شده، مربوط به گذشته است و راهی که باید از آن گذر شود، هنوز وجود ندارد و به آینده مربوط است. زمان حال را گذشته و آینده تعیین می‌کند و چون این دو باطل شده‌اند، زمان حال هم باطل است.

۳۵. کلپه (kalpa): (دور، دوره): هر دوره‌ی جهانی از مهایوگه (mahāyuga) به چهار دوره بخش می‌شود که عبارت‌اند از کرتّه (kṛta)، ترته (treta)، دواپره (dvāpara) و کلی (kali). کرتّه دوره‌ی زرین و کمال است. در دوره ترته به سبب

گردش گردونه‌ی زمان، نظام طبقاتی متزلزل می‌شود و مردمان یک چهارم معرفت خود را از دست می‌دهند. تَرْتَه دوره‌ی کشمکش اضداد است و نیمی از معرفت مردمان به فراموشی سپرده می‌شود. کلی یا دوره‌ی چهارم، دوره‌ی تاریکی و جنگ و اختلاف است و بنابر سنن، ما اکنون در این دوره به سر می‌بریم. هزار مه‌ایوگه برابر یک کلیه یا یک روز برهمن است که با آفرینش آغاز و با نابودی جهان (pralaya) پایان می‌پذیرد. در این نابودی تمام آفرینش و آفریدگان از میان می‌روند. در یک شب برهمن که از نظر زمان برابر یک روز آن است، تمامی امکانات آفرینش به صورت نطفه در دریای بازپیدایی باقی می‌ماند.

۳۶. ارجونه (Arjuna): در بعضی روایات اسطوره‌ای ایندرو پدر ارجونه خوانده شده است و اوست که کَرَنَه (karna) را فریب می‌دهد و زره خدایی او را می‌رباید و در عوض زوینی که دارای اثر مهلکی است، بدو می‌دهد.

۳۷. انجمن راهبان (bhikṣu.sarigha): زندگی هر هندو شامل چهار دوره بوده است: دوره‌ی اول را بَرَهْمَه‌چَرین (brahmacharin) می‌گفتند و آن شامل دوره‌ی طلبگی و تحصیل علم و معرفت بوده است. دوره‌ی دوم را گِرَهْسْتَه (-grhastha: اقامت در خانه) می‌گفتند و در این دوره، هندو به وظایف قومی و خانوادگی خود می‌پرداخته است. دوره‌ی سوم وَنَسْتَه (-vanastha: اقامت در جنگل) بوده است که طی آن هندو دنیا را ترک گفته و معتکف می‌شده است و به سکوت جنگل پناه می‌برده و به تزکیه نفس می‌پرداخته است. دوره‌ی چهارم بیکشو (bhikṣu) یا دوره‌ی گدایی است. در این دوره، هندو از تمام متعلقات دنیوی رهایی می‌یافته و از راه گدایی امرار معاش می‌کرده است.

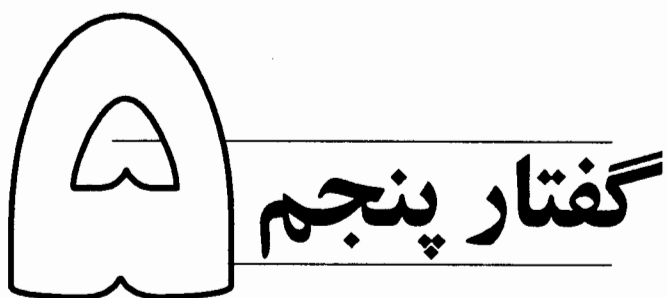
۳۸. انی روده نام یکی از زنده‌آزادان (arhat) هم زمان بودا است.

۳۹. بدریکه نام یکی از شاهزادگان قبیله‌ی شاکیه‌ها بوده است.

۴۰. آننده، پسرعموی بودا و یکی از نزدیکترین مریدان او بوده است.

۴۱. دیوه دتّه نام یکی از برادرزادگان (یا برادر جوانتر) بودا و رقیب او بوده است.
۴۲. پَرَوَرَجیا (pravrajyā) از -pra.vraj-: پیش رفتن، ترک کردن) نخستین مرحله برای رسیدن به مقام راهب بودایی است که با ترک خانه و زندگی همراه است.*

* - یادداشت‌ها با استفاده از کتاب ادیان و مکتبهای فلسفی هند، داریوش شایگان، ۲ج، تهران ۱۳۵۷ تهیه شده است.



ترتیب حروفِ واژه‌نامه

n	۱۴	a	۱
p	۱۵	ā	۲
b	۱۶	i/ī	۳
m	۱۷	u	۴
y	۱۸	ū	۵
r	۱۹	ē	۶
l	۲۰	au/ō	۷
v	۲۱	k	۸
ś/śś	۲۲	g/gg	۹
ṣ	۲۳	c	۱۰
s	۲۴	j/gy	۱۱
h	۲۵	t/tt	۱۲
		d	۱۳

a

a/an- پیشوند نفی: بی، بدون.

a.ggamjsa/a.gamjsa- ص: بی تقصیر، بی گناه؛ (از پیشوند نفی a- و ggamjsa- عیب نقص. ggamjsā- اسم مؤنث از *gvančā* از -gvančya* از ریشه ی gau/gu - : تهی بودن، خالی بودن).

a.ggamjsi : نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰۴.

a.ggamju : رای، مفرد، مذکر: ۸.

añjala- (سن. añjali): ۱. مذکر: درود و سلام به حالت آنیجلی.

añjalu : رای، مفرد: ۴۸.

an.ārra- ص: بی گناه، بی تقصیر؛ (از پیشوند نفی an- و ārra- تقصیر، گناه، عمل نادرست. اسم ārra- از *arna* از ریشه ی ar- کردن، کار کردن. ← په. arg : زحمت، کار، سغ. rkh).

an.ārru : رای، مفرد مذکر: ۴۵.

an.āstana- ص: بی آغاز، بدون شروع؛ (از پیشوند نفی an- و āstana- آستان، آغاز. āstana- از پیشوند ā- و stan- جا، گاه، از ریشه ی stā- ایستادن. ← سغ. st^onyh)

an.āstanä : نهادی، مفرد، مذکر: ۸۵.

a.nāha- (سن. a.nātha, از ریشه ی nāth- یاری خواستن): ص. بی پناه، بی یاور.

a.nāhu: رای، مفرد، مذکر: ۱۰۸.

anāruddha- (سن. -aniruddha): ۱. مذکر، انی روده. نام خاص.

anāruddhu-: رای، مفرد: ۱۱۰.

anu.lōmia- (سن. -anulomika): ص. راحت، آسوده.

anulomyo: رای، مفرد، مؤنث: ۸۶.

amṭta/anta- (سن. -ānta، از ریشه ی ant-: بستن، محدود کردن): ۱. مذکر: پایان، حد.

amṭtä: نهادی، مفرد: ۸۳.

andivāra- (سن. antaḥpura، -anté(v)ura): ۱. مذکر: اندرونی، حرمسرا؛ ملکه

andivārä: نهادی، مفرد: ۲۵، ۹۲، ۹۹.

a.bitanda-: ص. نیاشته، هوشیار، آگاه؛ (از پیشوند نفی a- و صفت bitandā از

ستاکی -bātam: آشفته بودن، مردد بودن، از -vi.tam* ← او. -təmah:

تاریکی).

a.bitanda: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱، ۲۱.

a.buvata-: ص. بی آسب، بدون عیب و نقص؛ (از پیشوند نفی a- و صفت buvata از

ستاکی -bvan/buvan: صدمه دیدن، منهدم شدن، از -vi-kan* ← او.

vikānaya-، پھ. gugān، پا. wigān-: منهدم کردن).

a.buvatu: رای، مفرد، مذکر: ۱۱۴.

aysu : ض. اول شخص مفرد: من؛ (← او. azəm, فب. adam, سن. aham).

aysu : نهادی، مفرد، مذکر: ۷، ۱۹، ۲۹، ۴۵، ۵۲، ۵۶، ۹۱، ۹۱۳.

ma : رایی، مفرد، مذکر: ۲۹، ۵۱، ۸۹.

mā : برایی - وابستگی، مفرد، مذکر (← او. mōi, mē) : ۲۱، ۲۹، ۴۸، ۴۹.

۵۱۲، ۸۹۲، ۹۱، ۹۴۲، ۱۰۶.

maṃ : برایی - وابستگی، مفرد، مذکر: ۸۸.

mamā : برایی - وابستگی، مفرد، مذکر: ۴۲، ۵۰، ۹۱، ۱۰۹.

aysmua- : ا. مذکر: اندیشه؛ (از ریشه‌ی az- : حرکت کردن، راندن، پسوند -ma- و

پسوند ثانوی -ua-؛ برابر سن. -citta, manas- و ...) نیز ← (DKS, ص ۷).

aysmū : نهادی، مفرد: ۶۲.

asymū : رایی، مفرد: ۳۰.

aysmūna : بایی - ازی، مفرد: ۲۹.

aruvā'- : ا. مونث: گیاه، گیاه دارویی؛ (← او. -urvarā, پهر. rūrag, سن. 'rwrh).

aruvo' : رایی، مفرد: ۱۰.

artha- (سن. -ārtha: مذکر و خنثی): ا. مذکر: معنی، مفهوم، هدف، محتوا.

arthi / arthā : نهادی، مفرد: ۲، ۴.

a.vadanda- : ص. ساخته نشده، نیافریده؛ (از پیشوند نفی a- و صفت -padanda, از

ستاک -padam: ساختن، از -pati-dam*, از ریشه‌ی -dam: ساختن).

a.vadanda : نهادی - رایی، جمع، مذکر: ۷۳.

a.varrāta: ص. نجات نیافته؛ (از پیشوند نفی a- و صفت -parrāta، از -parrij: نجات دادن، از -pari.raičaya* از -pari.rixta* ← او. -raēk: رها کردن).
a.varrāta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۵.

avaśśā : ق. با اطمینان، به یقین: ۱۱۳، ۱۱۴.

aśśa/aśā (سن. -aśva): ۱. مذکر: اسب (← فب. -aça، او. -aspa).
aśvī (= -aśsu + -ī) : رای، مفرد: ۳۱.
aśśa: نهادی - رای، جمع: ۳۴.

a.saṃkhiya: ص. نیالوده، پاک؛ (از پیشوند نفی a- و -saṃkhal: آلودن، از -sam و ستاک -khal، صفت مفعولی -xard < -khilsta، فا. xard، گل، گرد و خاک).
a.saṃkhiya: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۵۲.

a.sottāñña: ص. کودن، نادان، احمق؛ (از پیشوند نفی a- و صفت -sottāñña، از -sotta و پسوند -āñña، از ریشهی -saub، -saup: نفوذ کردن. ← په. -suft، suftan؛ برابر سن. -jada).
a.sottāñña: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۴.

ah-: ف. بودن، گذرا، لازم؛ ص. م. -vāta.
mā: مضارع، اول شخص مفرد: ۵۶، ۹۱.
ī: مضارع، دوم شخص مفرد: ۹۱ (← patai ← ī, pātar).
ī: مضارع، دوم شخص مفرد: ۹۲ (← yāva.jīvī + ī ← yāva.jīvī).

štā: مضارع، سوم شخص مفرد: ۷۷.

īndā/īndi: مضارع، سوم شخص جمع: ۶۱، ۶۲: ۶۵، ۷۰.

vātāya: التزامی/تمنایی، سوم شخص مفرد: ۷۲، ۷۸.

āmaṃ: التزامی، دوم شخص جمع: ۱۰۷ (← yāta- یاد).

vāte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر: ۶۹، ۸۸، ۱۰۴.

ahāvāys-: ف. تحمل کردن؛ راضی شدن؛ (وام واژه از سنسکریت بودایی:

adhivāsayati: تحمل می‌کند)؛ ص. م. ahāvāysāta-.

ahāvāysa: امر، دوم شخص مفرد معلوم: ۹۲.

ahāvāysā < tā >: نقلی، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۹۵.

ā

ākṣuv-: ف. شروع کردن؛ ص. م. ākṣutta-؛ (از ریشه ی xṣaub- آشفتن؛ ← او.

xṣufsa-، پھ. āśōb-، wiśōb-).

ākṣutte: نقلی سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی + مصدر ← bremā :

گریستن آغاز کردن، گریستن گرفتن: ۲۶.

āgama-: ا. مذکر: آرزو، میل، خواست؛ (از ā-kam- ← او. kā- خواستن).

ātamā: نهادی، مفرد: ۹۱.

ātama: نهادی - رای، جمع: ۲۳.

ātāśa-: ا. مذکر: آسمان، اثیر، فضا.

ātāśā : نهادی، مفرد: ۶۹.

āchaa- : ۱. مذکر: درد، رنج، بیماری؛ (از ریشه ی ak(h)- : در رنج بودن؛ ← او. aka-،
(axti-

āchai : نهادی، مفرد: ۱۸.

āchā : نهادی - رای، جمع: ۱۰.

āchānaa- : ص. بیمار (← بالا).

āchānai : نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰.

āchānā : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۰۱.

āṇa : ادات: به واقع، به راستی؛ (در اصل صفت فاعلی ناگذر از ریشه ی āh- : نشستن،
ماندن): ۱۳.

hīs- ← ātā/āta-

āgama- ← ātamā/ātama

ātmā- (سن. ātman) : ۱. مؤنث: خود، نفس.

ātma : نهادی، مفرد، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۷۰، ۷۱.

āتما-saṃjñā- : ۱. مؤنث: مفهوم خود، مفهوم نفس.

ātma.saṃñā : نهادی، مفرد: ۵۴.

ātma.samñña : رای، مفرد: ۷۱.

ānanda- (سن. ānanda) : ا. مذکر: آینده، نام یک بودی ستوه.

ānandu : رای، مفرد: ۱۱.

āmācca- (سن. āmākya- , āmātya-) : ا. مذکر: وزیر، ملازم شاه.

āmācu : رای، مفرد: ۳۳.

āyattana- (سن. ā.yatana-) : ا. مذکر: پایه‌ی شناخت، زمینه‌ی ادراک.

āyattana : نهادی - رای، جمع: ۶۷، ۶۸.

āysana- (سن. āsana-) : ا. مذکر: جایگاه.

āysanu : رای، مفرد: ۴۴.

āysāte : مصدر: تزیین کردن، آذین بستن: ۹۶ ← (پایین)

āysān- : ف. تزیین کردن، آذین بستن؛ ص. م. āysāta- ؛ (از -ā.zai.nā* از -zi: مجهز

کردن؛ ← او. -zaya).

āysaññaru : التزامی، سوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۹۷.

āysāte : مصدر: ۹۶ (← pari: فرمان دادن).

ārahaa / ārahau- : ا. مذکر: گردهمایی؛ (از پیشوند ā-، ریشه‌ی rah-: رفتن، حرکت

کردن، صورت قدیم‌تر raf-؛ ← او. -rapta، -raftan).

ārahau: نهادی - رای، مفرد / جمع: ۲۴.

āliva- (سن. ā.lepa-، از ā + līp-: مرهم گذاشتن، تدهین کردن): ۱. مذکر: مرهم.
āliva: نهادی - رای، جمع. ۱۶.

āstaa-: ۱. مذکر: استخوان؛ (از āstaka* با ā پیش از دو همخوان؛ ← او. -ast-).
āstaina: بایی - ازی - مفرد: ۸.

āstainaa-: ص. استخوانی؛ (از āstaa- ← بالا و پسوند صفت ساز -ainaa؛ ← او.
-astaēna-).

āstainya: دری، مفرد، مذکر: ۵۵.

āstanna: پساوژه (+ حالت برای - وابستگی): درحال؛ (حالت بایی - ازی، مفرد از
-astana: شروع، آغاز): ۲۲.

āhaa/au-: ۱. مذکر: داستان، افسانه؛ (از پیشوند ā- و ریشه ی -hau/ho: حرف زدن،
گفتن).

āhau: رای، مفرد: ۳.

āh-: ف. ماندن، نشستن؛ ص. م. āsta-؛ (← او. āh-: نشستن).

āstä: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۱۱۰.

i / ī

irdä- : ۱. مونث: نیروی جادویی، نیروی شگفت‌انگیز.

irdhyau : بایی - ازی، جمع: ۱۰۳.

¹ī : ض. متصل، سوم شخص مفرد، در حالت‌های غیرفاعلی به جز رای، مذکر، خشی،

مونث؛ در ترکیب با واکه پیش از خود:

-ai ← -a + ī :

: nuvai ؛ ۱۰۸ : parriyai ؛ ۴۰ : jsai ؛ ۳۰ : kamjuvai ؛ ۴ : kīnthai ؛ ۲۷ : kai

؛ ۳۳ : mai ؛ ۱۰۸ : bamcai ؛ ۱۰۹ : ttai ؛ ۴۷ و ۵۲ ؛ ۹۳ : ttānai ؛ ۸ ؛ ۹ ؛ ۲۱

(بنابراین) ؛ ۳۲ : hāruvai . نیز ← yä .

-ī ← -i/ā + ī :

؛ ۱۸ : harbiśśī ؛ ۶۷ : sāti ؛ ۳۲ و ۲۷ : vātī ؛ ۳۸ : tteri

-ui/-vī ← -u + ī :

؛ ۱۶ : samvī ؛ ۶۷ و ۲۸ ؛ ۵ : cvī ؛ ۸۵ : kvī ؛ ۱۰۵ : kuī ؛ ۳۱ : aśśvī

-ai ← -e + ī :

؛ ۶۶ : vicittai ؛ ۴۶ و ۴۱ : brīyai ؛ ۳۹ : cai ؛ ۱۴ : kyai

ah- ← ²-ī

ah- ← īndi . indā

ah- ← ¹īñi

$2\text{ĩĩĩ}/\text{ĩĩĩ}$: پسواژه (+ حالت برای - وابستگی): برای، به سبب، به خاطر (از - ani،
← او. ainika: پیش، په. ānīg، فا. ānī: در واژه‌ی پیشانی): ۵۷، ۵۳.

ĩmu: ق. امروز. (از - ĩma > ayam، iyam ← فب.، او. ĩma: سغ. 'm,m، فا. «ام»
در امشب، امسال، امروز): ۴۲، ۱۰۹.

u

u-: ح. ر. و: ۲۳، ۲۵، ۳۶، ۴۰، ۴۷، ۷۷، ۸۵، ۹۱، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۹.

uvĩ/ũĩ: ا. مذکر: هوش؛ (از - *uši: هوش ← او. uši، فب. uši، سغ. 'šy: یاد، پا.
ōš: اندیشه، فکر، په. ōš، فا. هوش).
uĩ': نهادی - رای، جمع: ۲۶، ۲۸.
uvyau: بایی - ازی، جمع: ۱۳.

udbilya-kālśava- (سن. urubilvā.kāśyapa): ا. مذکر: اُرویلوا-کاشیه په، نام خاص.
udbilya-kālśavi: برای - وابستگی، مفرد: ۲۲.

uysānāā-: ا. مؤنث: نفس، خود؛ (از - *uz. ānākā، از پیشوند uz- و ریشه‌ی an-:
نفس کشیدن ← او. -āntya: دم؛ -parāntya: بازدم).
uysānā: نهادی، مفرد: ۵۳.
uysānau: رای، مفرد: ۴۷، ۷۸.

uysgärn- : ف. جبران کردن؛ ص.م. -uysgäräta* ؛ ← (SGS ص ۱۵).

uysgärnu : امر، دوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۵۱.

uysgun- : ف. آشکار شدن؛ ص.م. -uysgusta ؛ (از -uz . gunda* ، از -uz . gaud* ، از

پیشوند -uz : بیرون و ریشه‌ی -gaud : پوشاندن).

uysgusta : نهادی - رای، جمع، مؤنث: ۳۲

uysgusta- ← uysgun-

uysgru- : ف. شکافتن، پاره کردن؛ ص.م. -uysgruta ؛ (از -xrar* : خراشیدن، ← پا.

(axrāw-).

uysgrute : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۷.

uysdai- : ف. نگاه کردن، نگرستن؛ ص.م. -uysdäta ؛ (از -uz . day* ؛ ← -dai).

uysdäte : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، گذرا، متعدی: ۴۶.

uysdem- : ف. سرد کردن، خاموش کردن؛ ص.م. -uysdaunda ؛ (از -uz . dam* ؛ از

ریشه‌ی -dam : دمیدن).

uysdemäte : مضارع، سوم شخص مفرد، متعدی: ۳۶، ۴۹.

uysnora- : ا. مذکر: موجود، جاندار؛ (از -uz . ana . bara* برنده‌ی دم، -uz : پیشوند،

an- : نفس کشیدن و -bar : بردن).

uysnorä : نهادی، مفرد: ۵۳، ۶۱، ۷۱، ۷۷.

uysnori/uysnaurä : برایی - وابستگی، مفرد: ۱۸، ۵۷.

uysnora : نهادی - رای، جمع: ۱۱۳.

uysmalsta- : ص. تیمار شده، آراسته، آماده؛ (از *uz.malys-، از پیشوند uz- و ریشه ی marz-: مالیدن).

uysmalstu : رای، مفرد، مذکر: ۳۱.

uysmalsta : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۴.

urmaysde : ا. مذکر: خورشید؛ (از *ahura.mazdā-: اورمزد). — (SGS، ص ۳۴۷).

urmaysde : نهادی، مفرد: ۴۰، ۸۲، ۹۳.

uryāna- (سن. -udyāna): ا. مذکر: باغ، باغ سلطنتی.

uryāna : نهادی - رای، جمع: ۷۳.

usahy- : ف. آمدن، رفتن؛ (وام واژه از سنسکریت: usahyāte : می آید، می رود)؛ ص. م. usahyāta-

usahya : امر، دوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۹۱.

usthamj- : ف. کشیدن، بلند کردن؛ ص. م. -usthīya؛ (از پیشوند us- و *Θanjaya-، از ریشه ی Θanj-: کشیدن).

usthīyāndä : نقلی، سوم شخص جمع، مذکر، متعدی: ۳۰.

uhu : ض. دوم شخص مذکر: شما؛ (← او. yūžəm).

uho: نهادی - جمع: ۸.

uho: رایی، جمع: ۹۲، ۱۰۹.

ū

-ū: ض. دوم شخص جمع در حالت‌های رایی و وابستگی؛ (← او. vō، سن. vas).
 (tū ← cu + -ū): ۱، ۲؛ (cū ← ce + -ū): ۴۵؛ ۵۱؛ (tū ← tta + -ū):
 ۹۱؛ (ttāna ← ttāna + -ū)، ۷، ۹؛ (ko ← ka + -ū): ۱۰۶

augamā ← -ūtamo

-ūtčā: ۱. مؤنث: آب؛ (از -ūtčā > *aučā > *apačā؛ او. -āp: آب)

ūtca: نهادی، مفرد: ۶۳.

ūtco: رایی، مفرد: ۶۴، ۷۵.

ō: ادات تفکیک: یا: ۱۷، ۶۳.

ē

-ēvātā: ۱. مذکر: خیابان، کوچه؛ (از -ēvātākā، از ēye: زمین ← او. -āi، فا.
 (xāk).

ēvāte: نهادی - رایی، جمع: ۹۶.

au/ō

augamā- (ūtamā-/ūgamā-) : ۱. مؤنث: تمثیل، مثال، مقایسه: (سن. upamā- و aupamya-، پالی: upamā-).
ūtamō : دری، مفرد: ۱۴.

aurasaviya- : ص. دوست داشتنی، مطلوب؛ (از -āvras- > *āvars-، از -ā-vars- > ols-
از vars- در کنار varz- دوست داشتن ← په. ārzūg).
aurasaviya : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶۴.

k

ka- : ۱- ق. زمانی که: ۲۳؛ ۲- ادات شرط؛ اگر، اگرچه: ۲۷، ۱۰۷، ۱۱۲ (با وجه التزامی): ۱۰۶ (ko ← ka- + -ū).

kanthā- : ۱. مؤنث: شهر؛ (← په. kand؛ سغ. knōh؛ فا. کند).
kantho : رای، مفرد: ۳۳، ۹۶، ۹۷.
kīnthe : برای - وابستگی، مفرد: ۳۵، ۹۸.
kīntha : دری، مفرد: ۴، ۱۰۲.

karjuna- (سن. -arjuna-) : ۱. مذکر، ارجونه، نام پدر راما
karjunā : نهادی، مفرد: ۹۰.

-karna: ۱. مذکر، کرَنه، نام خاص.

karnä: نهادی، مفرد: ۹۰.

-kara: ۱. مذکر، پیرامون، اطراف.

karä: برایی - وابستگی مفرد (با پسواژه‌ی vātī: vātī ← karä vātī، ← vātī): در

رکاب: ۳۳.

karä: ق. به راستی، به واقع، در اصل: ۵۵، ۶۲، ۷۸۲، ۸۱.

-karma: ۱. مذکر: کردار پیشین، عمل، عمل و عکس‌العمل کردار.

karmä: برایی - وابستگی، مفرد: ۶۷، ۷۳.

karma: نهادی - رای، جمع: ۵.

karmyaujsa: بایی - ازی - جمع: ۷۵.

-karyā: ۱. مؤنث: تلاش، کوشش؛ رنج، عذاب؛ (از -kar: اندیشیدن، کوشیدن).

karyo: رای، مفرد: ۵۱.

-kavilavāstu: ۱. مذکر، کپیله و ستو، نام شهر زادگاه بودا (از -kavila / kapila: قرمز،

قهوه‌ای و vāstu: بنا، ساختمان، شهر): ۹۲.

kalpa- (سن. kalpa): ۱. مذکر: دوره‌ی جهانی، زمان.

kalpā: نهادی، مفرد: ۸۳.

kaṃsa.dāsa-: ۱. مذکر: کنسه، پادشاه ستمکار و برادرِ دَو کی devakī، مادرِ کریشنا).
kaṃsa.dāysna: بایی - ازی، مفرد: ۲.

kāṃjuva-: ۱. مذکر: پرده‌دار، گنجور؛ (از -kāṃjukä، سن. -kāncukīyā-
واردشوندگان به اندرونی، خدمتکاران اندرونی، هندی باستان -kancukin، از
ریشه‌ی kan-: پوشاندن).

kāṃjuvai (= -ī + kāṃjuva، ← -ī): نهادی، جمع: ۳۰

kāḍara-: ۱. مذکر: کارد، شمشیر؛ (از *kartara، ← او. -karəta، از ریشه‌ی

karət-: بریدن، په. (kārd).

kādarä: نهادی، مفرد: ۷۸.

kāḍaru: رای، مفرد: ۳۱.

kāḍare: نهادی - رای، جمع: ۷۴.

kāṇa-kachava- (سن. kāṇá: یک چشم و -kacchapa: لاک‌پشت): ۱. مذکر:

لاک‌پشت یک چشم.

kāna.kachavo: رای، مفرد: ۱۴.

kāt' ← kā'ña-

kā'matā-: ۱. مؤنث: اندیشه، تفکر؛ (از ستاک -kāt' : اندیشیدن، از -kaš*، ← او.

kaš-: آموختن، باگستره‌ی s- از او. -kas: درک کردن، و پسوند اسم ساز

(-matā-).

kā'mate: برای - وابستگی، مفرد: ۷۴.

kā'mate: نهادی - رای، جمع: ۸۵.

kāma: ق. (از ka-ض. پ: که، چه) تا زمانی که، مادامی که: ۸۲، ۸۳.

kārra-ص. کر؛ صفتی که نقص یا کمبود را می‌رساند، از karna-*: گوش، ← او.
karəna-؛ پھ. karr).

kārra: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۰۱.

kālśa-sunhara- (سن. kāsasundarī): ۱. مذکر، کاشه‌سوندی، نام خاص.

kālśa-sundare: برای - وابستگی، مفرد: ۳.

kāśa- ۱. مذکر: آب مروارید.

kāśā: نهادی، مفرد: ۶۵.

kāścā- ۱. مؤنث. غم، اندوه، غصه؛ (از kāt'-اندیشیدن ← بالا).

kāśca: نهادی، مفرد: ۹۹.

kāśca: رای، مفرد: ۳۹.

kāśco: رای، مفرد: ۲۷، ۳۹.

kāśce: نهادی - رای، جمع: ۱.

kāśkya: نهادی - رای، جمع: ۳۲.

kāścāna-ص. نگران؛ (از kāścā- ← بالا).

kaščänä: نهادی، مفرد، مذکر: ۹۲.

kāšte- ← kät'-

käde: ق. بسیار، زیاد. با صفت، قید و فعل به کار می‌رود؛ (از -kartaï*)، از ریشه‌ی
kar-: کردن؛ ۱۴، ۱۹، ۲۳، ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۸.

käðäna: پسواژه (حالت بایی مفرد از -käda: کرده، از ریشه‌ی -kar: کردن) + حالت
وابستگی: برای، به سبب: ۴، ۷، ۵۲.

kät'-: ف. اندیشیدن، فکرکردن: ص.م. -kāšta. ← بالا

kāšte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۱.

kā'ña: ص. آ.م. اندیشیدنی، تصورکردنی: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۵۶.

kīra-: ا. مذکر: کار، عمل؛ (از -karya*: انجام شدن، از -kar: کردن + -ya- پسوند
سازنده‌ی صفت آینده‌ی مجهول).

kīre: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۵۲.

ku: ادات: ۱- وقتی که: ۳۸، ۴۰، ۵۴، ۵۸، ۷۱، ۱۰۵، ۱۱۱، kvī ← ku + -ī) ۸۵.

۲- به‌طوری که: ۲۵، ۷۹-۳. چون، زیرا: ۲۹، ۱۰۹-۴. جایی که: ۲۲، ۹۶-۵. اگر:

۱۰۴.

kuīre ← kūra-

kūra-: ص. دروغین، کاذب؛ (از -kaura*: خمیده، از ریشه ی -kau: خم کردن؛ په. kōr؛ فا. کور).

kūra: نهادی، مفرد، مونث: ۵۵، ۷۷.

kuire: برایی - وابستگی، مفرد، مونث: ۷۴.

kure: نهادی - رای، جمع، مونث: ۶.

kūlūpama-: ۱. مذکر: (تمثیل) کلک شناور.

kūlūpamā: دری، مفرد: ۷۹.

kūs'-: ف. جستجو کردن، ص. م. -kūysda، ← SGS، ص ۲۳

kuśātā: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۰، ۹۴، ۱۱۲.

kūysde: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۹، ۱۱۲.

kūsāña-: ص. آ. م: قابل جستجو، باید جستجو کرد ← -kūs'

kuśāña: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۹۴.

kūsāñi: برایی - وابستگی، مفرد، مذکر: ۱۰.

kūṣḍa-: ۱. مذکر: کوشک، کاخ؛ (از -kauš/kuš: کوشیدن، جنگیدن با پسوند -ḍa؛

← او. kaoṣḍa- در ترکیب -aṣṭa.kaoṣḍa: هشت بخشی، صفت تاج؛ په.

(kōšk).

kūṣḍu: رای، مفرد: ۳۰، ۳۲، ۱۰۵، ۱۱۰.

kēsara- (سن. -kēsara): ۱. مذکر: یال، موی یال اسب یا شیر.

kesarä : نهادی، مفرد: ۳۸.

kei'mä ← kät'

ko/kau : ادات شرط: اگر (معمولاً با وجه التزامی و تمنایی به کار می‌رود): ۷۲، ۷۸؛
زمانی که (ko ← ka + -ū) : ۱۰۶.

klaiśa- (سن. -kleśa) : ۱. مذکر: ناپاکی، آلودگی، غم، درد.

klaiśa : نهادی - رای، جمع: ۹، ۳۶، ۵۰.

klaiśyau jsa : بایی - ازی، جمع: ۷۹.

klaiśinaa- : ص. ناپاک، آلوده. ← بالا

klaiśino : رای، مفرد، مذکر ۱۱.

klaiśinau : رای، مفرد، مذکر: ۸۹.

kvī ← -ī + ku

kṣam- : ف. بخشیدن، عفو کردن؛ + حالت بایی - ازی؛ (وام واژه از هندی باستان
kṣamate : می‌بخشد).

kṣama : امر، دوم شخص مفرد، گذرا: ۴۵.

kṣamev- : ف. رخصت خواستن، اجازه‌ی مرخصی خواستن؛ ص.م. -kṣamotta ←
kṣam-

kṣamōtte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۱۱.

kṣāndi- (سن. -kṣānti) ۱. مونث: صبر، بردباری.

kṣāṃdu: رای، مفرد: ۸۶.

kṣāra-: ص. اسیدی، قلیایی.

kṣāru: رای، مفرد، مونث: ۷۵.

kṣiṃj-: ف. آرزو کردن، خواستن. ← SGS، ص ۲۳.

kṣiṃjāte: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۶۴. + مصدر: khiṣte: نوشیدن.

kāta'/xṣāṣa': ع. شش؛ (← او. xšvaš).

kṣei': نهادی - رای، جمع: ۸۷.

kṣīra-: ۱. مذکر: کشور، سرزمین؛ (از -*ṣaiθra: زیستگاه؛ ← او. -ṣoiθra: از

ریشه‌ی -ṣay: ساکن شدن، ماندن).

kṣīrā: نهادی، مفرد: ۲۵.

kṣīru: رای، مفرد: ۱۱۴.

kṣīra: دری، مفرد: ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۱۱۴.

khāysa-: ۱. مذکر: خوراک، غذا؛ (از -khāś: خوردن و آشامیدن، از -xaz: مصرف

کردن، خوردن، پا. -xāz: فا. خاییدن).

khāysu: رای، مفرد: ۱۱۰.

khārgya-۱: مذکر. خاک، گِل؛ (از -*xar(d): آلودن).

khārja: دری، مفرد: ۹۰.

khīste: مصدر: نوشیدن؛ (از -khāš: خوردن و آشامیدن + kšimjāte ← -kšimj):

۶۴.

khīrājsa-: ص. غمگین، اندوهگین؛ (از -khīra: غم، اندوه و پسوند -ājsa-،

← سغ. ب ȳr'k: احمق، فا. خیره).

khīrājsa: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲۳.

kho: ۱ - ادات. الف. بدون وابسته: مانند، همانگونه: ۱۴، ۷۸، ۸۸، ۹۳.

ب. باوابسته: (t)trāmu kho، samu kho، kho rro، kho ju:

۲. ق. چگونه؛ چه اندازه، چقدر. ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲.

۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۹، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۶۸، ۷۱، ۷۷، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۹۰، ۹۴.

۱۰۳، ۱۰۴؛ مانند، چنان: ۱۰۶، ۱۱۲.

khvī: ۱. مؤنث: موج؛ (از -khava: کف، از -xafa؛ ← او. -kafa).

khvīyā: نهادی - رای، جمع: ۴۱، ۸۳.

g/gg

ggatā- (سن. -gati، از -gam: رفتن، آمدن): ۱. مؤنث: حرکت، روند، (حالت) هستی.
ggato: دری، مفرد: ۸۰.

ggara- ۱. مذکر: کوه.

ggaru: دری، مفرد: ۴۱.

gāsā- (سن. -gaṇa): ۱. مؤنث: گروه، سپاه.

ggāšo': رای، مفرد: ۳۴.

ggumerāñ- ف. برداشتن، برطرف کردن، رفع کردن؛ (از -vi.māraya*، از -mar: خرد کردن، فشردن. ← په. mārdañ: مالیدن، فشردن).

ggumerāñāte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۱۱.

gguv'a- ۱. مذکر: گوش؛ (از -gauša*؛ ← او. -gaoša، فب -gauša).

gguva': نهادی - رای، جمع: ۸، ۶.

ggei'śś- ف. گرداندن، چرخاندن؛ ص. م. -ggei'śśāta؛ (ستاک سببی از -ls- ggei'ls):

گشتن، چرخیدن، ستاک آغازی از -gart*: گشتن).

ggei'śśāte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۲۱.

ggūch- ف. نجات دادن، رها کردن؛ ص. م. -ggūta؛ (از -vy-auč*، از -vi.auk*: جدا

کردن، تجزیه کردن).

ggūta: نجات یافته؛ نهادی - رای، جمع، مذکر، ۱۰۰.

ggūs-: ف. فرار کردن؛ نجات یافتن؛ ص. م. ggūta-؛ (ستاک آغازی از
ggūch- ← *vi.auk-)

ggūstā: مضارع، سوم شخص مفرد، لازم، گذرا: ۵۸.

ggōpyā- (سن. Gopikā) ۱. مؤنث؛ گوپیکا، نام همسر بودا.
ggopya: نهادی، مفرد: ۱۰۶.

c

cak(h)ra-: ۱. مذکر: چرخ.

cakhru: رای، مفرد: ۲۱.

cakra: نهادی - رای، جمع: ۷۴.

cā'ya-nirmāta-: ص. جادو ساخته، پرداخته جادو؛ (از cā'ya-: جادو، از ریشه‌ی

kai-/ci-: پیش‌گویی کردن، دیدن؛ ← او. kaēta-؛ په. kēd و ص. م.

nārmāta- از ستاک nārmān: با جادو آفریدن / ساختن).

cā'ya.nirmātu: رای، مفرد، مذکر (به جای اسم): ۵۸، ۶۰.

cī: ادات: زمانی که، وقتی که: ۱۰۸.

cīyā: ادات: زمانی که، وقتی که: ۸۶، ۹۸. (= cītā، از ci: چه، که، و پسوند (yā/tā)).

cu/co: ۱- ض.ر. : نهادی - رای، مفرد - جمع، مذکر - خشی - مونث (از ka- و ci-: چه، که): که، چه، آنچه، آن که: ۲، ۱۹، ۲۰، ۴۲، ۵۱، ۵۳، ۶۰، ۶۲، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۱۰۰.

۲- ادات: زمانی که، هنگامی که (cvī ← -ī + cu): ۱۶؛ تا آن اندازه که، تا آن جا که (cū ← + cu ← -ū): ۱؛ اگر: (cvī): ۵، (co): ۴۵؛ چون، زیرا: ۲۸، (cvī): ۴۸، (co): ۵۱، ۵۵، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۱۱۳؛ بنابراین: ttāna cu: ۷۳. cūde: ادات. چرا (از cu و kade ← kade): ۲۷.

ce/kye: ض.ر. معین: که، کسی که، چه، چیزی که؛ ۲- نامعین: هرکه، هرچه، چه کسی، چه چیزی

۱- نهادی، مفرد و جمع، مذکر و مونث: ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۹، ۶۴، ۷۵، ۷۶، ۸۸، ۹۴.

۲- وابستگی: ۲، ۷، ۵۲، ۵۵، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۸۷.

crrāmu: ق. همانگونه: ۵۷.

cvī ← -ī + cu

chāyā- (سن. -chāya): ۱. مونث: سایه، بازتاب.

chāya: نهادی، مفرد: ۶۸.

chāye: برایی - وابستگی، مفرد: ۵۹.

j /gy

gyada/jada- (سن. -jaḍa) : ص (جانشین اسم): نادان، ابله.

jadā : نهادی، مفرد، مذکر: ۱۴.

jadānu : برای - وابستگی، جمع، مذکر، ۵۵.

gyadia- : ۱. مذکر: نادانی، حماقت. ← بالا

gyadī : نهادی، مفرد: ۵۶.

jadī : رای، مفرد: ۵۸.

jaḍīna : بایی - ازی، مفرد: ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۶۸.

gyadīnaa- : ص : نادانی، مربوط به نادان.

gyaḍīju : رای، مفرد، مونث: ۱۱.

gyasta- /jasta- : ۱- ص. الهی، ایزدی. (← او. -yazata، په. yazad).

gyastā : نهادی، مفرد، مذکر: ۲۱، ۱۰۲.

gyastu : رای، مفرد، مذکر: ۱۰۸.

gyastā : برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۱۰۵.

۲- ۱. مذکر: ایزد، عنوان بودا (مانند deva- در سنسکریت).

gyasta : آیی، مفرد: ۳۰.

gyasta : نهادی - رای، جمع: ۹۷، ۹۸.

gyastyau : بایی - ازی، جمع: ۳۶، ۳۷.

gyastānu : برای - وابستگی، جمع: ۷۳.

-gyastūña: ص. ایزدی، الهی.

-gyastuñi: رای، مفرد، مذکر: ۴۴.

-gyastūña: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۹۷.

-jāna (سن). -dhyāna، از -dhyai: اندیشیدن، تمرکز کردن) ۱. مذکر: تمرکز، تفکر و مراقبه، کشف و شهود.

-jāni: برای - وابستگی، مفرد: ۱۷.

-jin: ف. نابود کردن، از میان بردن؛ ص. م. -jāta؛ (از -ji-:gai: نابود کردن، غالب شدن ← -jiy).

-jindo: امر، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۱.

-jindä: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۰، ۱۴.

-jätātä: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، متعدی: ۳۹.

-jāta: ص. م. نابود شده؛ (از -jin: نابود کردن ← بالا).

-jäte: نهادی، مفرد، مذکر: ۴۶.

-jätu: رای، مفرد، مذکر: ۵۸ نیز ← -yan.

-jita: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲۳، ۸۹.

-jīy: ف. ناپدید شدن، متوقف شدن، ص. م. -jita؛ ← -jin.

-jīye: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۱۸.

-jyāre: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم: ۹، ۱۸، ۸۵.

-jivāta: ۱. مذکر: زندگی، (-juv: زندگی کردن؛ ← او. -gay).

jīvātā: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰۶.

jīvātu: رایی، مفرد: ۴.

ju: ادات تأکید: فقط، به هر صورت؛ اما، اگر ۱- با kho: ۱۰، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۷.

۳۸، ۴۱، ۴۹، ۶۸، ۷۱، ۷۷، ۸۰، ۹۰، ۹۴، ۱۰۳، ۱۱۲؛ با hāḍe: ۶۵، ۶۹؛ با

śśau: ۷۶؛ با ne: ۵۶، ۵۹، ۶۱؛ ۸۱: nā ju ye؛ ۷۷، ۵۹: ne ju varata؛

ne ne ju: ۲۰؛ ۸۸: na.ro.ju؛ ۷۸: ku ju ye؛ ۷۲: kau ju ye.

-jsa: ح. ۱. (با حالت بایی -ازی): با، از؛ (از hacā: با، از، از ریشه ی -hak: دنبال کردن؛

← او. hacă، فب: hacă، په. az).

-jsan: ف. زدن، کشتن؛ ص. م. jsata؛ (← او. -gan-/jan-؛ فب. -jan-؛ په. -zan).

jsatāndā: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۲.

-jsā: ف. رفتن؛ (از -gā: رفتن؛ ← او. -gā-، -gātu-؛ فب. -gāθu-؛ په. -gāh-؛ فا. گاه).

jsāte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۸۱.

jsāna: ادات تأکید: به راستی، به واقع، (ص فاعلی از -jsā- ← بالا): ۱۲.

-jsīrgyā: ۱. مؤنث: فریب، نیرنگ؛ (از -jsīr: فریب دادن و پسوند اسم ساز -gyā-).

jsīrgya: نهادی، مفرد: ۷۷.

jsei'na-: ص. کوتاه، کوچک؛ (از -*jašna) ← SVK, I, ص ۴۵.
jsein'u: رایی، مفرد (با väte، کاربرد قیدی دارد ← väte): به تفصیل، با
جزئیات: ۹، ۵۶.

jсаunäta-: ص. خم شده، تعظیم کرده، نماز برده؛ (از -*jaufna از هند و اروپایی.
gheu-b(h)-: خم شدن، یا -*jafna، از gab-/gaf: گستردن، گود شدن) ←
DKS, ص ۱۱۶.
jsaunäte: نهادی، مفرد، مذکر: ۴۸.

t/tt

tta: ق. پس، بدین ترتیب، با نقل قول مستقیم: ۲۱، ۴۱، ۴۳، ۵۲، ۹۳؛ ۴۶
tto (← tta + -tū)، ۴۷ (ttai ← tta + -ī)، ۸۸، ۹۴، ۹۶
tto (← tta + -tū)؛ نیز هم: ۱۴، ۹۱ (tto ← tta + -tū).

ttatvatu: ق. به راستی، به واقع: ۱۵، ۵۳، ۶۱، ttatvata: ۵۷.

ttanda: ص. این مقدار، آن اندازه.
ttandä: نهادی، مفرد، مذکر: ۸۵، ۹۱.
ttaṇḍu: رایی، مفرد، مذکر: ۱۶.

ttandia-: ص. این قدر، آن اندازه.
ttandī: نهادی، مفرد، مذکر: ۴.

ttam̐dya: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲.

ttāndrāma: ص. چنین.

ttāndrāmā: نهادی، مفرد، مذکر: ۲۰.

ttāmdrāmye: برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۲۰.

ttaram̐gga- (سن. taram̐-ga- از trī-: گذشتن، و ga- از gam-: رفتن، آمدن، رویهم: گذرنده): ۱. مذکر: موج.

ttaram̐gga: نهادی - رای، جمع: ۸۲.

ttavaa-: ۱. مذکر: تب؛ (از ttav-: داغ شدن، ← او. tap-؛ په. tab).

ttavai: نهادی، مفرد: ۲۸.

ttāḍātā-: ۱. مؤنث: تاریکی؛ (از ttāra-: تار، تاریک و پسوند اسم مؤنث ساز -tāti).

ttāḍātā: نهادی، مفرد: ۷۹.

ttāḍetu: رای، مفرد: ۱۱.

ttāma: ق. پس، آنگاه: ۴۵.

ttāmau: ق. پس، آنگاه: ۳۵، ۸۳.

ttāra-: ۱. مذکر: تارک، پیشانی؛ (از *tāra-؛ ← سغ. ب. t'r، فا. تار، تارک).

tteru: رای، مفرد: ۴۵.

.۴۰. tterä jsai : (tteri jsa + -i =) : بایی - ازی، مفرد:

.۳۸. tteri : (tteri + -ī =) : برای - وابستگی ؛ مفرد:

-ttāvatrīśa (سن. trāyastriṃśā): ۱. مذکر: ترایس ترینشه. نام خاص؛ (ایزدان) سی و سه تایی

-ttāvatrīśa : نهادی - رایی، جمع: ۳۳.

thu ← tā

ṣa- ← ttā

ṣāta- ← ttātā , ttātī , ttāte

ṣa- ← ttānu, ttāna

-ttāmāra (سن. tamar=tamas : تار، تاریک، تاریکی چشم، آب مروارید چشم):

۱. مذکر: کوری نسبی، تاریکی چشم.

.۶۵، ۵۹. ttāmārā : برای - وابستگی، مفرد:

.۶۶، ۶۵۲. ttāmāra : نهادی - رایی، جمع:

tterä ← ttārā

-ttārtha (سن. tīrthā : با معانی گوناگون: پند، راه درست، پند دهنده؛ یکی از ده مرتبه‌ی

مرتاضان): ۱. مذکر: مرتاض، ریاضت‌کش.

ttārtha: نهادی - رای، جمع: ۲۲.

ttiryaśūna- (سن. -tiryag.yona): ۱. مذکر: جانور وحشی.

ttiryaśūnya: نهادی - رای، جمع: ۱۲.

tṛ-śśula- (سن. -triśūla): هر وسیله‌ی نوک تیز): ۱. مذکر: نیزه‌ی سه شاخه.

tṛ-śśula: نهادی - رای، جمع: ۷۴.

yan- ← tīndä

ttīyā: ق، پس، سپس: ۳۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۸۷، ۹۵، ۱۰۲.

şa- ← ttu

ttuvāy-: ف. عبور دادن، بردن؛ ص. م. ttuvāsta-؛ (از -ati-vādaya* از -bāy:

بردن، هدایت کردن).

ttuvāste: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۰۵.

ttuśśaa-: ص. خالی، تهی؛ (از -tau-š-؛ ← او. -taoš-، -tusa-؛ په. -tuhīg).

ttuśśai: نهادی، مفرد، مذکر: ۸۵.

şäta- ← ttū

thu ← te

tta + -ī ← ttai

ttärä / tterä: ص. غیر منصرف و قید: آن اندازه، این همه؛ چنین، چنان: ۹، ۱۳، ۲۵، ۷۴، ۸۰، ۱۰۴ و ۱۰۶.

tta + -ū ← ttau

tta + -u ← tto

tta + -ū ← ttō

thu ← tto

-ttaura: ۱. مذکر: دیوار؛ (از -tu- /tau-: پوشاندن).

-ttaura: نهادی - رای، جمع: ۹۹.

tcamna / tcamäna: ض. با آن، با آن‌ها: بایی - ازی، مفرد و جمع، مذکر: ۳، ۶، ۷۴.

-tcārman: ۱. خشتی: چرم، پوست؛ (از -carman*؛ ← او. -carəman؛ په. -čarm).

-tcārma: رای، مفرد: ۷.

tcera- : ص. آ. م. : کردنی، باید کرده شود؛ (از -čarya* ، از -car : کردن؛ ← او. -kar).
tcera : نهادی، مفرد؛ مونث : ۲۰.

tcei'man- : ا. خشتی؛ چشم؛ (از -čāš- : دیدن؛ ← او. -čāšman).
tcei'maŋi : نهادی - رای، جمع : ۸۷.

ša- ← ttye , ttyau

trām- : ف گذشتن، عبور کردن؛ وارد شدن؛ ص. م -ttranda ؛ (از -ati.ram* ، از
ram- : آرام گرفتن، آرامش یافتن).
trāmāte : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم : ۹۶.
trandä : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم : ۱۰۲.

ttrāma- : ص. چون، همچون.
trāma : نهادی - رای، جمع، مذکر : ۶۸.

trāmä : ق. با وابسته ی kho ju : درست مانند، مانند : ۲۸.

ttrāmu : ق. پس، بنابراین : ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۳۷، ۵۰، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۸۲.
۸۶، ۹۰، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۲.

tsāšta- : ص. آرام، راحت؛ (از -čyā-s- ، از -čyā- : شاد بودن، آرام بودن؛ ← او. -šyā).
tsāštu : رای، مفرد، خشتی (به جای قید) : به آرامی : ۵۲.

tsu- : ف. رفتن؛ ص.م. tusta؛ (از -čyav*؛ ← او. -š(y)av؛ په. -šaw؛ فا. شدن).

tsīndä : مضارع، سوم شخص جمع، گذرا: ۷۶، ۱۵.

tustāndä : نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۳۵.

tsūka- : ص. رونده؛ (از -tsu ← بالا).

tsūkä : نهادی، مفرد، مذکر: ۷۰، ۸۰.

thatau : ق. به سرعت، به تندی: ۲۸؛ (از -θan-: کشیدن، تنیدن).

thamj- : ف. کشیدن، دور کردن؛ ص.م. -thiya؛ (از -θanjaya*؛ ← او.

-θanjaya).

thamjäte : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۹۰.

thiyai : نقلی، دوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۸۹، ۹۰.

thamjirō : تمنایی، دوم شخص جمع، ناگذر: ۱.

thu : ض. دوم شخص مفرد: تو؛ (← او. -θwam، -tum).

thu : نهادی، مذکر: ۴۲، ۴۸، ۸۸، ۹۰، ۹۱.

te/tä : برایی - وابستگی، مفرد، مذکر: ۵۲، ۱۰۷؛ (← او. -tōi).

thauna- : ا. مذکر: جامه، لباس؛ (از -tap-: تاب دادن، پیچیدن؛ په. -tabasd،

tabasdag : فرش، فا. تبست، تافته). ← DKS، ص ۱۴۹.

thonä : نهادی، مفرد: ۸۶.

d

dāa- : ۱. مذکر: آتش؛ (از ستاک - dajs : سوختن، داغ شدن؛ ← او - dag).

dajā : برای - وابستگی، مفرد: ۱۱.

grīva- . daša : ۱. مذکر دَشه گریوه، نام دیو.

daśagrīvi : نهادی، مفرد: ۴.

dasta- : ۱. مذکر: دست؛ (← او - zasta ، فب - dasta ، سغ - ōst ، په - dast).

dastu : رای، مفرد: ۴۵.

dasta : نهادی - رای، جمع: ۴۸.

dāta- : ۱. مذکر: داد، قانون؛ (← او - dāta ، په - dād).

dātā : نهادی، مفرد: ۲، ۷۹.

dātu : رای، مفرد: ۷، ۴۲، ۴۸، ۵۲، ۸۶.

dātā : برای - وابستگی، مفرد: ۱۲.

dātīnaa- : ص. مربوط به قانون، قانونی. ← بالا

dātīnau : رای، مفرد، مذکر: ۲۱، ۴۲، ۵۰.

dātīmgya- : ص. قانونی، قانونمند (با - tcei'man : چشم = سن . dharma.cakṣus :

چشم داشتن به قانون، چشم قانون) ← SGS ، ص ۳۴۰.

dātīmje : نهادی، رای، جمع، خشی: ۸۷.

dāra-: ص. دیر، دراز، طولانی؛ (از -darga: دراز؛ ← او. -darəga، په. dēr, (dagr).

dāru: رای، مفرد، خشتی (به جای قید): ۴۷، ۱۱۳، ۱۱۴.

dāra-: ا. مذکر، چوب، دسته‌ی چوبی؛ (← په. dār: درخت، جنگل) ← DKS، ص ۱۵۷.

dāru: رای، مفرد: ۷۸.

dai- ← dātāndā

dai- ← dāte

did-: ف. نمایان شدن، ظاهر شدن؛ ص.م. -dista؛ (← او. -diḏā، از ریشه‌ی -dāy²: دیدن).

dätte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۶۰، ۶۷.

dāyāre: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر: ۱۲، ۶۰.

dāsta: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، لازم: ۳۶.

dai- ← dā/iyāña

did- ← dāyāre

did- ← dāsta

dīma- : ا. مذکر: بند، گره؛ (از dai-/di: بستن).

dīmu : رای، مفرد: ۳۸.

dīra- : ص. بد؛ (احتمالاً از *dirga < *drigu ← او. drigu- : درویش و نیازمند)

← SVK, I، ص ۵۶-۵۵ و DKS ص ۱۵۹.

dīru- : رای، مفرد، خشی (به جای اسم): ۱۲.

dārṣda- : ص. محکم، سخت؛ (ص مفعولی، صورت جدید dṛta ← dṛjs-).

dārṣda : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۹۹.

dīvātā- (سن. devatā) : ا. مؤنث: الوهیت، ایزد.

divate : نهادی - رای، جمع: ۳۵.

dukha- (سن. dukkhā) : ا. مذکر: درد، اندوه.

dukha : نهادی - رای، جمع: ۱۷.

dukhayau jsa : بای - ازی، جمع: ۹، ۱۷، ۵۱، ۱۰۸، ۱۱۲.

dukhautta- : ص. رنج دیده، درد کشیده؛ (از dukhev- : رنج دیدن، درد کشیدن).

dukhautta : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۷۴.

dura- : ص. دور؛ (احتمالاً از dau/du- : دور کردن؛ ← او. dura- : پھ. dur)

duraṇa : بای، مفرد، خشی (به جای قید): ۳۷.

-durutāt: ا. مؤنث: دوری، فاصله؛ (از -duru ← -dura و پسوند اسم مؤنث‌ساز -tāt-) نیز ← DKS، ص ۱۶۱.

-durutātu: رای، مفرد، خشی (به جای قید): ۸۳.

-duṣkara: ص. دشوار، شگفت‌انگیز؛ (← او. -duš: بد).

-duṣkarā: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۳.

-duṣkara: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۵۲.

-duṣdarrau: ا. مذکر، بزدلی، ترس؛ (از پیشوند -duṣ: «بد» و اسم -darrau: جرأت، شجاعت، از ریشه‌ی -daru: جرأت کردن؛ ← او. -darš).

-duṣdarrau: نهادی، مفرد: ۴۱.

-drjs: ف. نگه داشتن، ص. م. -drta؛ (از -drja*؛ از -drag*، او. -drag).

-drjsāte: التزامی، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۱۱۴.

-drṣtyatā: ا. مؤنث: دیدگاه، نظر، عقیده، ← بالا

-drṣtīyate: نهادی - رای، جمع: ۶، ۶۶.

-devadatta: ا. مذکر، دَوَدَتَه، نام خاص، یکی از شاگردان بودا.

-devadattu: رای، مفرد: ۱۱۰.

-dai: ف. دیدن، ص. م. -dāta؛ (از -daya*؛ ← او. -dāy²: دیدن).

-daiyā: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۲، ۲۶، ۵۸، ۶۱، ۷۷.

daindā/di: مضارع، سوم شخص جمع، گذرا، متعدی: ۶۲، ۷۲۲، ۱۰۵.

dātāmā: نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۰۶.

dātaimā: نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۰۹.

dāte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۰.

dātāndā: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۹۹.

daira: تمنایی، سوم شخص مفرد، گذرا: ۷۲. ← SGS، ص ۲۰۹.

diyāñā-: ص.آ.م.: دیده شدنی، تصور شدنی؛ (از ستاک سببی -dyāñ-: نمایاندن، نشان

دادن، از ستاک -did-: نمایان شدن).

diyāñā: نهادی -رایی، جمع، مذکر: ۶۵، ۶۸.

dyāka-: ص: بیننده؛ (از ستاک -dai- ← بالا و پسوند صفت ساز -āka-).

dyākā: نهادی، مفرد، مذکر: ۷۲.

drrai/draya: ع. سه: نهادی -رایی، جمع: ۵۲، ۶۳، ۹۵، ۱۱۱.

dravya- (سن. -dravya: ا. خشتی): ماده، شیء، چیز.

dravyāna: بایی -ازی، مفرد، خشتی (به جای قید): به طور واقعی، به طور

عینی: ۶۹.

drūja-: ا. مذکر: دروغ؛ (از -draujā-/*drujā-؛ ← او. draoga، از ریشه‌ی

draog-: دروغ گفتن).

drūgyau: بایی -ازی، جمع، ۵.

dvāsu : ع. دوازده: ۵۶.

dharm- (سن. dhárma : آنچه که محقق شده است): ا. مذکر: آیین، قانون؛ پدیده،

عنصر، شیئی.

dharmā : نهادی - رایى، جمع: ۵۳، ۵۶، ۸۷.

dhātīnaa- ← dātīnaa-

n

na : ادات نفی: نه ۲۷، ۲۹، ۶۹، ۸۲، ۸۳، ۸۸ ← ne, ni, nā

naḍaun(a-) : ا. مذکر: مرد، انسان، قهرمان؛ (از -nṛtāun, *nṛtāvan, از -nar :

مرد و پسوند -āvan).

naḍaune : نهادی - رایى، جمع: ۲.

namas- (سن. -namas) : ف. نماز بردن، تعظیم کردن؛ ص. م. -namasāta ؛ (← او.

-nam : خم شدن).

-namasīndā : مضارع، سوم شخص جمع، گذرا، متعدی: ۴۰.

naria- (سن. -nāraka) : ا. مذکر: دوزخ.

narya : درى، مفرد: ۵۱، ۷۴.

naltsu- : ف. خارج شدن؛ ص. م. -naltsuta-؛ (از -niš.čyav- *، ← -tsu-).

naltsu : امر دوم شخص مفرد، گذرا: ۳۰ ← SGS، ص ۲۱۱.

naltsute : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۳۲، ۳۳.

naštauda- : ص. تفته، سوزان؛ (ص. مفعولی از -naštav- *؛ سوختن، از -niš.tap- *؛

← او. -tap- : داغ شدن).

naštaudo : رای، مفرد، مونث: ۴۹.

naštos- : ف. تحلیل رفتن، تلف شدن؛ ص. م. -naštosāta-؛ (از -niš.tafsa- *، ستاک

آغازی از -niš.tap- * ← بالا).

naštosāte : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۲۸.

našphan- : ف. خارج شدن، بیرون آمدن، بالا رفتن.

našphanä : تمنایی، سوم شخص مفرد، لازم: ۲۸. ← SGS، ص ۵۲.

nasā- : ا. مذکر: سهم، بخش، قسمت؛ (از -nās- : گرفتن، ← او. -nas-).

nasu : رای، مفرد: ۴۲، ۴۸.

nahyaṁkya- : ص. لمس‌کنان، در حال تماس؛ (صفت فاعلی مونث با پسوند -amkyā-

و ستاک nahya-، احتمالاً از -nižhai- *، از ریشه‌ی -hai- : بستن).

nahyaṁkya-i (= -i + nahyaṁkya) : نهادی، مفرد، مونث: ۳۸.

nās- : ف. گرفتن؛ ص. م. nāta- ، ← SGS ، ص ۵۳.

nāte : ، نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۳، ۴، ۴۴، ۱۰۹.

nāndi : نقلی، سوم شخص جمع، مذکر، متعدی: ۶، ۱۱۱.

nāvuñā- (سن. nā.puṇya- ، ná.a.puṇya-) : ص. نه بدون تقوا، نه بدون نیکی، با تقوا.

nāvuñi : نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰۶.

nā/ni ← muhu

nā/ni/nu : ض. سوم شخص جمع غیر فاعلی: ۱۱، ۱۵، ۲۳، ۳۲، ۳۴۲ (nu) ، ۴۴، ۷۹.

۸۳، ۸۴۳ (nu) ، ۹۹. ← SVK ، II ، ص ۷۵-۷۴.

nā / ni / ne : ادات نفی: نه: در بیشتر بندها

nijsaḍa- : ا. مذکر: راه، روش، شیوه، ترتیب؛ (از -ni-čarta* ، از -kar-/čar- : کردن، ساختن)

nijsaḍu : رای - مفرد: ۶، ۵۶.

nāṣa-/ nāt'a- : ا. مذکر: انوش، نوش، خوراک بی‌مرگی؛ (از -*anaušā* ، ← او.

anaoša- .په. (anōš)

nei' : رای، مفرد: ۸۹.

neita-yīra-: ا. مذکر: کار انوش را کردن، کار خوراک بی مرگی را انجام دادن؛ (از
-näṣa: انوش و -yīra- از -kīra: کار).
yīru . nei'ta : رای، مفرد: ۱۱.

nei'naa-: ص. نوشین، ← -näṣa
nei'nau : رای، مفرد، مذکر: ۴۸.

nätatä (سن. -niyatam: ثابت شده، محقق شده): ق. به یقین، با اطمینان: ۹۲، ۲۰، ۴۲.

näd-: ف. نشستن؛ ص.م. -näta'sta-، ← SGS ، ص ۵۴.
nya : امر، دوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۵۲.
näta'stä : نقلی، سوم شخص مفرد مذکر، لازم: ۴۴.

nätāa-: ا. مؤنث: رودخانه؛ (از -ni.tāka* ، از -tak: تاختن، روان شدن).
nitāya : دری، مفرد: ۷۵.

nätauda-: ص. تفته، داغ شده؛ (صفت مفعولی از -nä.ttav از -tap* ، ← او. -tapta-
، از -tap: داغ شدن).
nätauda : رای، مفرد، مؤنث: ۴۹.

nitcana : ق. بیرون، خارج؛ (حالت بایی -ازی از nitca : بیرون، از nisčā* : بیرون، از
-niš- : ۶۶، ۱۶.

nitcīmaa- : ص. بیرونی، خارجی، ← بالا

nitcīmā : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶۸۲.

nirvāna- (سن. nirvāna-، از nir.vā- : خاموش کردن، متوقف کردن، از vā- :

دمیدن). nirvānā : نهادی، مفرد: ۶۹.

nāštā : نیست، وجود ندارد: ۵۳، ۵۷، ۷۱، ۷۶، ۸۰، ۸۳؛ (از nā : نه و ah : بودن).

niṣa's- : ف. پایان یافتن؛ ← SGS، ص ۵۷.

nāta'stā : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا: ۸۳.

niṣonda- : ص. آرام، ساکت؛ (صفت. مفعولی از ستاک سببی niṣem- : خاموش کردن،

دور کردن، از ستاک nāṣam- : آرام شدن، متوقف شدن)، ← DKS، ص ۱۸۶.

niṣondā : نهادی، مفرد، مذکر: ۳۵.

niṣemāñā- : ص.آ.م. : خاموش شدنی، باید خاموش شود؛ از nāṣam- : آرام شدن.

← بالا).

niṣemāñā : نهادی، مفرد، مذکر: ۷۹.

nihujs- : ف. ناپدید شدن، فروکش کردن؛ ص. م. nihuta ؛ (از ni.baug* : خم

شدن).

nihuśdā : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۵۴، ۷۹.

nā ← nu

(nuva + -ī =) nuvai : ق. پس، پشت: ۳۳؛ از -ni.padā-، -ni.padayā- : پس،
دنبال، ← فب. nipadiy : پشت).

nā ← ne

nairātma.hvanaa- : ا. مذکر: آموزه‌ی بدون جوهر و اصل ثابت؛ آموزه‌ی
.nairātma
nairātma.hvanaina : بایی - ازی، مفرد: ۱۸.

nyūta- : ص. آموخته، خو کرده؛ (صفت مفعولی از -nyūj- : آموختن، از
-ni.yaučaya-، از -ni.yauk-؛ ← سغ.م. ywxt و ywč : آموختن).
nyūta : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱.

p

pachīś- : ف. اندیشیدن، تصور کردن؛ ص.م. -pachästa-؛ از -pati.xaiz.aya- :
تصور کردن).

pachīysu : تمنایی، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۸۳. ← SGS، ص ۲۰۹.

pachus- : ف. ناپدید شدن؛ ص.م. -pachuta-؛ از -pati-kufs-، ستاک آغازی از
kaup- : زدن).

pachuštā : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۴۱.

pajāys- : ف. لذت بردن، بهره‌مند شدن؛ ص.م. -pajāšta-؛ (از -pati.jāza-، *از

-pati-gaz-؛ س.م. ← -pčʷz-: پذیرفتن).

pajāštā، نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۱۰.

pajsata- : ص. زده، کشته؛ (صفت مفعولی از -pajsañ- : زده شدن، کشتن، ← او.

-gan/jan-: زدن).

pajsatā : نهادی، مفرد، مذکر: ۸۶.

-pajsañ- : ف. زده شدن، کوبیده شدن؛ ص.م. -pajsata- ← بالا.

pajsañde : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۸۶.

-pajsama- : ا. مذکر: احترام، ستایش؛ (از -pari.jam-؛ *خدمت کردن، پرستیدن).

← DKS، ص ۲۰۰.

pajsamo : رایی، مفرد: ۸۷.

-pañjs- : ف. پوشیدن، در بر کردن؛ ص.م. -pamāta-؛ (از -pa(ti)muča-، *از

-pa(ti).mauk-؛ ← په. -paymōz-؛ س.ب. -ptm'ynč-).

pamā (به جای pamāte) : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۳۱.

pamjsa : ع. پنج، نهادی -رایی، جمع: ۲، ۶۹، ۷۰.

paḍā : ق. نخست، پیش؛ (-partāka < fra-/par- padā؛ په. fradāg) : ۳۰، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴.

paḍāmjsia- : ص. نخستین، پیشین؛ (از -paḍā و پسوند صفت ساز زمان -āmjsia-).
paḍāmjsī : برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۶۷، ۷۳.

pat- : ف. افتادن؛ ص.م. -pasta؛ (← او. -pat- : افتادن)

pastā : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۲۹.

paste : نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، لازم: ۱۰۵.

patā : ۱- ح. ا. + حالت رای: به، به سوی (← او. -pati) : ۳۷، ۳۹، ۱۰۳.

۲- ق. برابر، مقابل: ۴۷.

patāna : پیش، جلو، برابر، مقابل ۱- ح. ا. : ۱۰۹؛ (+ حالت برای - وابستگی) ←

بالا. ۲- پسواژه : ۱۰۷. ۳- ق. ۱۰۳.

patālsta- : ص. بریده؛ (صفت مفعولی از -patālt- : بریدن، از -pa(ti)-krta-، ← او.

-karət- : بریدن، سغ. ب. -ptkrnt-).

patālstu : رای، مفرد، مذکر: ۷۸، نیز ← -yan-

-padamgyā- : ا. مؤنث: موقعیت، وضعیت؛ هیأت، آرایش؛ (از -pati. damači-،

از -padīm- : ساختن ← پایین.

padamgya : نهادی، مفرد: ۳۰.

padamgya: رای، مفرد: ۱۵.

padamgyo: رای، مفرد: ۱۷.

padama-: ۱. مذکر: باد؛ (از -padem- *وزیدن، از -pati.dam- *، از -dam-: وزیدن، دمیدن).

padamāna: بای -ازی، مفرد: ۳۸.

padamna: بای -ازی، مفرد: ۳۴.

padamda-: ص. ساخته؛ (صفت مفعولی از -padīm-: ساختن ← پایین.

padamdu: رای، مفرد، مذکر: ۷۶. ← yan

padande: رای، مفرد، مونث: ۷۵.

padīm-: فعل: ساختن؛ ص.م. -padanda-؛ (از -pati.damaya- *از -dam-: ساختن.

padandaimā: نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۷۷.

padīmāka-: ص. آفریننده، سازنده؛ (از -padīm-: ساختن ← بالا).

padīmākā: نهادی، مفرد، مذکر: ۷۰، ۷۶.

padiya-: ص. شعله‌ور، سوزان، روشن؛ (صفت مفعولی از -padajs-: سوختن، از -dajs-:

داغ شدن، سوختن).

padiyo: رای، مفرد، مونث: ۷۵.

pana-: ص. هر، همه؛ (از -patana- *، -patina- *: جدا؛ ← او. -paitina-: سغ.ب.

pt'yn س.م. ptyyn).

panye: برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۹۳.

panata-: ص. برخاسته؛ (صفت مفعولی از panam-: برخاستن ← پایین).

panata: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۶.

panam-: ف. برخاستن، ناشی شدن؛ ص.م. panata-؛ (از pati.nāmaya* از

nam-: خم شدن).

panamāre: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم: ۵۴.

paphāñ: ف. شاد کردن؛ ص.م. paphānda؛ (ستاک سببی از paphan-، از

pati-phan-*) ← SGS، ص ۷۱.

paphāñu: امر، دوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۹۵.

paphānde: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۷.

pabana-: ۱. — مذکر: بستگی، پیوند، ارتباط؛ (از pabañ-: بستن، از

pati.band-aya*؛ از band-: بستن).

pabanā: نهادی، مفرد: ۸۱.

pabasta-: ص. پیوسته، پی در پی؛ (صفت مفعولی از pabañ- ← بالا).

pabasto: رای، مفرد، مونث: ۸۳.

paysān-: ف. فهمیدن، تشخیص دادن؛ ص.م. paysānda-؛ (← او. paiti.zāna-،

zan- : دانستن).

paysendä : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۵۴.

paysendi : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۵۸.

paysāña : تمنایی، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۷۸.

paysānāka- : ص. دانا، داننده، تمیزدهنده، تشخیص دهنده، ← بالا.

paysānākä : نهادی، مفرد، مذکر: ۷۸، ۷۹.

paysānākū (= paysānākä + ũ) : نهادی، مفرد، مذکر: ۷۰.

paramārtha (سن. paramārtha-، از paramā- : برترین، دورترین + artha- :

هدف، انگیزه): ۱. مذکر: مفهوم غایی قانون؛ حقیقت برین.

paramārthu : رای، مفرد: ۱۵، ۱۹.

pari- : ف. فرمان دادن؛ ص.م. parsta-؛ (از *pa.rud-، از rau-/ru- : سروصدا کردن)

← DKS، ص ۲۱۹.

paste : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۳، ۹۶. (+ مصدر aysäte :

فرمان آذین بستن داد).

parrīj- : ف. نجات دادن؛ ص.م. parrāta-؛ (از *pari.raičaya-، از *pari.raik-،

← او. raēk- : رها کردن).

parrīja : امر، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۵۱.

parrījai (= parrīja + -i) : امر، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۰۸.

parräte : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۲۲، ۱۱۱.

parrijīñi: التزامی، اول شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۱۳.

parchāś- : ف. نوشاندن؛ ص.م. parchāšta-؛ (از *pari.khāś-*)، ← SGS،
ص ۲۶.

parchāštai: نقلی، دوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۸۹.

paryaṁtta- (سن. pári-: پیرامون + ánta-: پایان، حد): ۱. مذکر: محدوده
paryaṁtti (= -ī + paryaṁtta): نهادی، مفرد: ۸۵.

pars- : ف. گریختن، رها شدن؛ ص.م. -parrāta؛ (ستاک آغازی از *pari.raik-،
← سخ.م. prxs-، ستاک آغازی -pryč-، ← او. -raēk-: رها کردن).
parštā : مضارع، سوم شخص مفرد: گذرا، لازم: ۹.
parsāro: التزامی، سوم شخص جمع، گذرا، متعدی: ۱۱۲.

palaā- : ۱. مؤنث: درفش ← SGS، ص ۳۰۰.
pale: نهادی - رای، جمع: ۳۴۲.

paśś- : ف. رها کردن، فرستادن، ترک کردن، نجات دادن؛ ص.م. -paśśāta؛ ← SGS،
ص ۷۶.

paśśa : امر، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۰۸.
paśśāta : امر، دوم شخص جمع، گذرا، متعدی: ۱.
paśśāte : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۹.
paśśātaimā : نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۵.

paśśāte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۲۷، ۳۹، ۴۲، ۹۸.

paśśātā: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، متعدی: ۳۹.

paśśāndā: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۶.

paṣt-: ف. رفتن، عازم شدن؛ ص. م. -pastāta-؛ (از -pati . hišta-، از

-pati.stā-، از -stā-: ایستادن).

pastātā: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۳۷، ۱۱۲.

pāa-: ا. مذکر: پا.

pā: نهادی - رای، جمع: ۴۴، ۱۰۹.

pvo'/po'/pau': دری، جمع: ۴۰، ۴۳، ۸۸، ۱۰۵.

pātcu: ق. پس، سپس: ۱۷، ۷۰، ۸۸؛ (← او. pasca، فب. pasā، پا. paš، په. pas).

pāba: ا. مذکر: پدر؛ (← pātar-)

pāba: آیی، مفرد، ۱۰۹.

pār-: ف. غذا دادن، پروردن؛ ص. م. -pāda-؛ (از -par-: تغذیه کردن، ← DKS،

ص ۲۳۰).

pāḍemā: نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۵۱.

pāśārā-: ا. مؤنث: گرمای خورشید، نور خورشید؛ (از -pā ← pati- و -zar:

درخشیدن)

pāšāre jsa : بایی - ازی، مفرد: ۴۹، ۸۰.

pāsāya- : ۱. مذکر: ملازم، همراه؛ (از -pā- ← pati- و -sai-/si- : قرار گرفتن).

pāsāya : نهادی - رای، جمع: ۳۲.

pātar- : ۱. مذکر: پدر؛ (← pāba).

pātai (= -ī + pāte) : نهادی، مفرد: ۹۰، ۹۱.

pātaru : رای، مفرد: ۱۰۳.

pīrā : برایی - وابستگی، مفرد: ۱۹، ۲۰، ۸۸.

pātāy- : ف. گفت و گو کردن، سخن گفتن؛ ص.م. -pātasta- ؛ (از -?pati.ādaya- *

← او. -ad- : گفتن).

pātāste : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۰۳.

pātāsta- : ص. گفته؛ (صفت مفعولی از -pātāy- ← بالا).

pātāstu : رای، مفرد: ۱۰۱.

pātaunda- : ص. پریشان، آشفته؛ (صفت مفعولی از -pātem- : پریشان کردن، از

-pati.tāmaya- *؛ ← سغ.ب. (pt''m).

pātaunda : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶.

pāškala- : ۱. مذکر: بخش، قسمت؛ (از -paškal- : بخش کردن، جدا کردن، از

-pati.škal- *، ← škala ← -skard- * : بریدن).

pāṣkala : نهادی - رای، جمع: ۵۶.

pīr- : ف. نوشتن؛ ص. م. -pīda.

pīde : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۸.

pīro : ح. ۱. نزد، پیش (+ حالت وابستگی): ۳۵؛ (از -parvya- * با āṃ یا -āru <-o؛
← فب. -paruviya- او. -paouruya-). ← DKS، ص ۲۴۲.

puña- (سن. -pūñya-؛ احتمالاً از -puṇ-؛ نیکی کردن): ۱. مذکر: نیکی، احسان.
puñyau jsa : بایی - ازی، جمع: ۹۵، ۱۱۳، ۱۱۴.

pudgala- (سن. ۱. : مذکر: ماده، شیء.

pudgalā : نهادی، مفرد: ۶۹.

punūka- : ص. نوکدار؛ با نوک؛ (از -pu- > pa- و -nūka : نوک).
punūka : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱.

purra- : ۱. مؤنث: ماه، ماه پر؛ (در اصل صفت ماه است؛ از -prnā- * : (ماه) پُر).
purra : نهادی، مفرد: ۳۶.

puva'na- : ۱. مذکر: ترس؛ (از -puvaḍ- : ترسیدن، از -apa.śadaya- * : فشردن، از
-had- : نشستن).

puva'na : نهادی - رای، جمع: ۸۹.

pūra-: ۱. مذکر: پور، پسر.

pūrā/pūri: نهادی، مفرد: ۲۰، ۲۹، ۸۸، ۹۱، ۱۰۳.

puri: برای - وابستگی، مفرد: ۲۳.

pūru: رای، مفرد: ۱۱۲.

pūra: آیی، مفرد: ۴۱، ۴۸.

pūra: نهادی - رای، جمع: ۲، ۸۴.

purata-: ۱. مذکر: پسر، پسرک؛ (از pūra-: پور + پسوند -ka-).

puratu: رای، مفرد: ۱۰۷.

pūrnā-: ۱. مؤنث: تیر؛ (از *paurunā-؛ ← او. paurvaṇ-ča، از par-: پرواز کردن).

pūrnu: رای، مفرد: ۸۹.

puṣṣo: زود، تند؛ کاملاً: ۱، ۹، ۲۹، ۳۹، ۴۲، ۴۵، ۵۴، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۵. ← SVK,II ص ۹۴-۹۱.

pyūta-: ص. هموار، صاف؛ (صفت مفعولی از pyūj-: برداشتن، بیرون کشیدن، از pati-vaj-، از vag-/vaj-: بیرون کشیدن).

pyūtā: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰۲.

pyuṣ-: ف. شنیدن؛ ص. م. pyuṣta-؛ (از *pati.gauṣa-؛ ← سغ. ب. pt/wś).

pyū': امر، دوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۵۳.

pyūṣḍe: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۵، ۱۷.

pṽā're: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۱۰۱.

pyūṣḍa: انشایی، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۲۵.

pyūṣte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۸۶.

pyūṣtāndā: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۱۵.

pyuvī'ru: تمنایی، دوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۱، ۸.

pyuvī'ri: تمنایی، دوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۲۱.

pyuvīru: تمنایی، دوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۱۳.

pyūṣṭa-: ص. شنیده؛ (صفت مفعولی از -pyuṣ- ← بالا).

pyuṣtu: نهادی، مفرد، خشی: ۱۲.

pyuṣtu: رای، مفرد، مذکر: ۲.

pyūṣta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۵.

pyaurā-: ۱. مؤنث: ابر؛ (از -*pari.abra-؛ ← سغ. ب. pr'yβ'k؛ سغ. م. pryβyy).

pyaura: نهادی، مفرد: ۴۹.

pyauru: رای، مفرد: ۵۰.

praca- (سن. -pratyaya: ایمان، اعتقاد): ۱. مذکر: علت، سبب، مفهوم ذهنی.

pracai: نهادی، مفرد: ۸۰، ۸۴.

pracai: برای - وابستگی، مفرد: ۵۳، ۷۲.

pracyā: نهادی - رای، جمع: ۵۴، ۷۶.

pracyau jsa: بایی - ازی، جمع: ۵۴، ۷۲.

pracaina: پساوژه: به سبب، به علت (+ حالت وابستگی): ۶۸.

pratābimbāa- (سن. -pratibimba-: مشبه و مشبه‌به، از -prati- و bimba: سایه،

خیال): ۱. مذکر: جلو، خیال، تصور.

pratābimbai: نهادی، مفرد: ۶۷.

pratābimbai: برای - وابستگی، مفرد: ۵۹.

prattyakṣu (سن. -pratyakṣa-: دیدنی با حس درونی، پدیدار برای چشم دل؛ از

-prati- و akṣa-: اندام حسی، روح و روان): ق: به روشنی: ۱۲.

prabhāva: (سن. -prabhāva-: اصل، منبع، نیرو، قدرت؛ از -pra.bhū-: ناشی شدن،

حادث شدن): ۱. مذکر: نیرو، قدرت.

prabhāvi: نهادی، مفرد: ۶۰۲.

pravai-: ف. به زندگی راهبانه هدایت کردن، ص.م. -pravaiya-: (وام‌واژه).

← SGS ص ۸۸.

pravaiye: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۱۰ ← SGS، ص ۲۲۳.

praharaṇa-: ۱. مذکر: سلاح پرتابی.

praharana: نهادی - رای، جمع: ۷۴.

pruḥona-: ۱. مذکر: پیراهن، جامه؛ (از -prahaṇ-: پوشیدن).

pruḥone: نهادی - رای، جمع: ۳۱، ۳۴.

prāma-: ۱. مذکر: طاق نصرت، خیمه. ← DKS، ص ۲۵۵.

prāma: نهادی - رای، جمع: ۹۶.

prāmaja-: ۱. مذکر: خیمه‌دار. ← DKS، ص ۲۵۵.

prāmaja: نهادی - رای، جمع: ۹۷.

prriya- (سن. preta): ۱. مذکر، شیخ، موجود بدکار؛ روان شخص در گذشته.

prriya: نهادی - رای، جمع: ۷۵.

prīyuvō': دری، جمع: ۵۱.

pr̥hiya-: ص. باز شده؛ (صفت مفعولی از prahis: باز کردن، ماده‌ی آغازی از

parā.θrak-). ← SGS، ص ۸۹.

pr̥hiyā: نهادی - رای، جمع، خنثی: ۸۷.

phara-: ص. فراوان، زیاد؛ (← فب. paru، او. pouru).

phara: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۷۶.

pharāka-: ص. بسیار، فراوان؛ (از pharu با پسوند -āka-).

pharāka: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲۲، ۳۳، ۶۶.

pharāke: نهادی - رای، جمع، مونث: ۳۴.

pharu: ص. غیر منصرف: زیاد، بسیار: ۹، ۳۴، ۳۶، ۸۷، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۱۱،

phast-: ف. چرخیدن، گشتن، وزیدن، ← DKS، ص ۲۶۱.
phastāri: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم: ۳۸.

b

bajeṣṣ-: ف. به صدادرآمدن؛ (ستاک اسمی از -bajāṣṣa: صدا). ← DKS، ص ۲۶۵.
bajeṣāre: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم: ۱۰۰.

bañ-: ف. بستن؛ ص.م. -basta؛ (از -bandaya*، از -band*؛ بستن ← سغ. م.
Bynd، پا. band).
baste: نقلی، سوم شخص مفرد، متعدی: ۳۱.

baña: ق. پیش، نزدیک (از -upana*، از -upa + پسوند -na- با فعل nāte: در
آغوش گرفت): ۴۴.

baṃca-: ۱. مذکر: ناله؛ (از -ban: نالیدن).
baṃcai (= -ī + baṃca): بایی -ازی، مفرد: ۱۰۹.

baddhia-: (سن. -bhadrīka) ۱. مذکر: بَدْرِیکه، نام خاص.
baddhī: رای، مفرد: ۱۱۰.

bad-: ف. محدود شدن، بسته شدن؛ ص.م. -basta؛ (از -bad.ya*، نیز ← -bañ).
baittā: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۵۵، ۵۷.

banaa-: ۱. مذکر: بندی، زندانی؛ (← bañ-: بستن).

banā: نهادی - رای، جمع: ۱۰۰.

banhya-: ۱. مذکر: درخت؛ (از *vana.ka-، ← au- van-، vanā).

banhyu: رای، مفرد: ۱۰۶.

banhya: نهادی - رای، جمع: ۷۳.

bays-: ف (تند) رفتن؛ ص.م. bašta-؛ (از *vaza-، ← au- vaza-، vašta-، پا.

(waz-).

baysāre: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم: ۲۵.

baysga-: ص. ضخیم، عمیق؛ (از baz-، dbaz-، ← au- dābāz-، bāz-: تحمل کردن؛

س.م. δβ'nz-).

baysgu: رای، مفرد، مونث: ۴۹.

bar: ف. بردن، راندن؛ تحمل کردن؛ ص.م. buḍa- (← au- bar-).

bīdā: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا: ۸۴.

barāre: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر: ۳۳.

buḍāndi: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۳۵.

bera: ص. آ. م. تحمل کردن، باید تحمل کرد: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۷،

۵۱.

baravirñā-: ص. باردار؛ (از bara- یا barat- از bar-: بردن و

-bīr- < -vir- < pūra- پور، ← سغ. ب. Brpšh).

baravirñā: نهادی - رای، جمع، مونث: ۱۰۱.

balysa-: ۱. مذکر: بودا؛ (به جای brahman- در سنسکریت بودایی و برگردان

buddha- سنسکریت بودایی). ← DKS، ص ۲۷۲.

balysi/ā: نهادی، مفرد: ۷، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۹۳، ۹۶،

۹۸، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۱.

balysu: رای، مفرد: ۳۹، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۹۹، ۱۰۸.

balysä: رای، مفرد: ۳۷، ۸۷، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۱.

balysi: برای - وابستگی، مفرد: ۴۳، ۸۸، ۱۰۵، ۱۱۱.

balysa: آی، مفرد: ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۸۹، ۹۲، ۱۰۶.

balysānu: برای - وابستگی، جمع: ۶.

balysāna-: ص. بودایی، مربوط به بودا.

balysāni: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰.

balysānu: رای، مفرد، مذکر: ۷، ۸.

balysūña-: ص. بودایی، مربوط به بودا.

balysāña: برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۳۶.

balysūšta-: ۱. مذکر: بودی (= آگاهی).

balysūštu: رای، مفرد: ۲۱، ۲۴، ۱۱۳.

balysūstā-: ا. مؤنث: بودی (= آگاهی).

balysūstā: نهادی، مفرد: ۹۳.

basaka-: ا. مذکر: بره؛ (از *vasa-، ← په . vahīg، فا، بهی).

basaku: رای، مفرد: ۹۴.

basta-: ص. بسته؛ (صفت مفعولی از bañ-: بستن، ← بالا).

bastā: نهادی، مفرد، مذکر: ۶۲.

bāḍa-: ا. مذکر: زمان؛ (از vart-: گشتن، چرخیدن؛ *varta- < bāḍa).

badāna: بایی - ازی، مفرد: ۱۰۱.

bāy-: ف. هدایت کردن، بردن، ص.م. -basta؛ (از ستاک سبی -vādaya*، از

*vad-، ← او. vad-، vaḍaya-، پا. wāy-).

bāste: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴.

bāyi-: ا. مؤنث: نور، پرتو؛ (از bā-: درخشیدن).

bā'yu: رای، مفرد: ۳۹، ۹۸.

bāvāna: ق. به واقع، به راستی؛ (بایی، مفرد از bāva-: هستی، وجود): ۶۵.

bāra-: ا. مذکر: باران؛ (از bār-: باریدن).

bāru-: رای، مفرد: ۴۹، ۵۰.

bārgya- : ص. سواره؛ (از bar- : راندن).

bārgyā : نهادی، مفرد، مذکر: ۳۰.

bārata- : ۱. مذکر: کوتاه شده‌ی نام منظومه‌ی مهابارتَه.

bāratā : دری، مفرد: ۲.

bāhya- (سن.): ص. بیرونی، خارجی.

bāhya : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶۵.

bāta- : ۱. مذکر: زهر، بیش؛ (از *viša-، ← او - viš-، په. wiš).

bei' : رای، مفرد: ۱۱.

bitanda- : ص. آشفته، پریشان، مردد؛ (صفت مفعولی از bitam- : آشفتن، پریشان بودن،

شک کردن، از *vi.tam-). ← SGS، ص ۸۳.

bitanda : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳.

bitamaā- : ۱. مؤنث: شک، تردید، ← بالا.

bitamā : نهادی، مفرد: ۲۰.

bitsāṃgyā- : ۱. مؤنث: تسکین، آسودگی؛ (از tsā- : آرام بودن). ← DKS، ص ۲۸۳.

bitsāṃgya : نهادی، مفرد: ۱۷.

biyāśś- : ف. باز کردن؛ ص.م. byāśta- . ← SGS، ص ۹۷.

bei'ttä: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۸.

bilsaṃgga-: ۱. مذکر: اجتماع راهب‌ها؛ (سن. bhikṣusaṃgga، از bhikṣu-: عضو

مذهبی و -saṃgga: اجتماع).

bilsaṃggu: رای، مفرد: ۱۰۵.

biśāa-: ۱. مذکر: زبان. ← DKS، ص ۲۹۰.

biśāna: بایی -ازی، مفرد: ۴۴.

biśśa-: ص. همه، هر؛ (از -viśva-، ← او. -vispa، فب. -visa، په. -wisp).

biśśe/ä: نهادی -رای، جمع، مذکر: ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۰، ۴۳، ۴۴، ۵۶، ۸۹، ۹۹.

۱۱۳.

biśyau: بایی -ازی، جمع، مذکر: ۵۱، ۱۰۸.

biśśa: نهادی، مفرد، مونث: ۱۰۲.

biśśō: رای، مفرد، مونث: ۹۶، ۹۷.

biśśä/i: نهادی -رای، جمع، مونث: ۵۸، ۱۰۱.

biśśu: رای، مفرد، خشی به جای قید: یکسره، به کلی: ۹۴.

biśśāsto: ق. به سوی خانه؛ (از -bisā: خانه، از -vis با ā ← -visā-، او. -vis، فب.

-viθ: خانه و -alsto- در جهت، به سوی از -arəθa-): ۲۵.

biṣṭa-: ۱. مذکر: شاگرد. ← DKS، ص ۲۹۱.

biṣṭyau: بایی -ازی، جمع: ۹۱.

bihan- : ف. خندیدن؛ ص.م. -bihamtta- ؛ (از -vi.xand- *، از -khan- : خندیدن).

bihante : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۲۶.

bihamtte : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۶.

bija- (سن.) : ا. مذکر: تخم.

bijä : برای - وابستگی، مفرد: ۸۴.

bīnāñña- : ا. مذکر: ساز، وسیله‌ی موسیقی؛ سرود؛ (از -bīna- و -ñña-، ← سغ.م. 'wyn

په. win/wan).

bīnāñnu : رای، مفرد: ۱۰۰.

bīnāñña : نهادی - رای، جمع: ۱۰۰.

bīnāñnina : بایی - ازی، مفرد: ۸۷.

bīr- : ف. اره کردن، بریدن؛ (← سغ. ب. wyr'kh : اره). ← SKS، ص ۱۰۰.

bīrāte : مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۰۶.

bīsa- : ا. مذکر: پیشخدمت؛ (از -vaise- *، از آن خانه ← -bisā- ؛ او. -vaēsa-).

bisä : نهادی، مفرد: ۳.

bua'- : ا. مذکر: بوی؛ (از -bauda-، از -bud-/baud- : بوییدن؛ ← او. -baoḍah-،

baoiḍi-، په. (bōy).

bū'ña : بایی - ازی، مفرد: ۸۷.

bud- : ف. دانستن، فهمیدن، تمیز دادن؛ ص.م. -busta؛ (← او. -baod: دانستن، درک کردن).

butte : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۶۱، ۶۳.

bvāre : مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۱۲.

bustī : نقلی، دوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۴۲، ۴۸.

bustā : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۲۱، ۲۴، ۸۶، ۱۱۳.

bvāne : التزامی، اول شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۱۱۳.

buysai- : ف. خاموش کردن؛ ص.م. -buysuta؛ (از -vi.zav-، ← سغ. م. -wyz'w: خاموشی، پا. wzwd).

buyso : امر، دوم شخص مفرد، متعدی: ۵۰. ← SGS، ص ۲۱۱.

buru/o : اادات نامعین: ۱۷، ۸۳؛ آنچه، هرآنچه: ۶۰؛ (از -bura: کامل، از -bau: کافی بودن، ← په. bowandag). ← DKS، ص ۲۹۸.

buśśa- : ا. مذکر: بوی خوش؛ (از -buśś-: بوییدن، ستاک اسمی از -busä: بو. ← SKS، ص ۳۳۲).

buśśāni : نهادی - رای، جمع: ۹۷.

bendi/ä/a : پساوژه (+ حالت برای - وابستگی): بر، روی: ۸، ۳۲؛ (از -upāntai-، بر، روی، ← سغ. pnt: نزدیک).

bera- ← bar-

ber-: ف. باریدن؛ ص.م. pāḍa؛ (از -vāraya*، ← او. -vāraya).
beru: امر، دوم شخص مفرد، ناگذر: ۵۰.

berāñ-: ف. باریدن، باراندن؛ ص.م. berāñāta، ← ber- (په. wārānīdan، فا.
بارانیدن، باراندن).
berāñāte: مضارع سوم شخص مفرد، ناگذر: ۴۹.

bodhisatva: ۱. مذکر: بودی ستوه، بودای بالقوه.
bodhisatva: نهادی - رای، جمع: ۳۶.

byāta-: ص. غیرمنصرف: یاد، خاطر، ← ah- و -hām: ۲۹، ۱۰۷.

byūrru: بیور، ده هزار: ۸۷؛ (از -baivar*، ← او. -baēvar، -baēvan؛ په.
bēwar، سغ.م. Brywr).

byūs-: ف. روشن شدن؛ ص.م. -byūṣta؛ (از -vi.vas*، ← او. -vī.usa، از -vah:
روشن شدن، سغ. م. wyws: بامداد).
byūsā: تمنایی، سوم شخص مفرد: گذرا، لازم: ۳۲.

byūh-: ف. بازگشتن؛ ص.م. -byūtta ← SGS، ص ۱۰۶.
byūttā: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۲۲.

byev-: ف. به دست آوردن، یافتن؛ ص.م. -byauda؛ (از -abi.āpaya*، ← او. -āp:

یافتن.

byaudai: نقلی، دوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۲.

byau-: ف. بودن، وجود داشتن؛ یافتن؛ (از *abi.āftai ← byev-).

byaude: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۵۵، ۷۱، ۷۶، ۸۰، ۸۵ (byode).
← SGS، ص ۱۹۹.

byaure: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر: ۵۴، ۶۷، ۶۹ (byore).

brahma- (سن): ا. مذکر: برهمن.

brahmä: نهادی، مفرد: ۴۰.

brīka-: ص. محبوب، عزیز؛ (از frai-/frī-: دوست داشتن، عزیز داشتن، ← او.

frīnā-، fritā-، friθa-؛ سغ. ب. pry-: عشق، په. (āfrīn-).

brīka: آیی، مفرد، مذکر: ۸۸.

brīyāā-: ا. مونث: عشق، دوستی، محبت، ← بالا.

brīyai (= brīya + -ī): بایی - ازی، مفرد: ۴۱، ۴۶.

brītya: دری، مفرد: ۵۱.

brīrā-: ا. مونث: یال، موی یال. ← DKS، ص ۳۱۵.

brīra: نهادی، مفرد: ۳۸.

brēmā: مصدر از brem-: ف. گریستن؛ (از *brāmaya- از *bram-، پا. bram-)

با ākṣutte: شروع به گریستن کرد: ۲۶.

bryandama-: ص. برترین: محبوب‌ترین، عزیزترین؛ (از صفت فاعلی -brīyanda،
← (brika-).

bryandamä: نهادی، مفرد، مذکر: ۲۹.

bryandama: آیی، مفرد، مذکر: ۴۱.

bvāmatīnaa-: ص. مربوط به آگاهی؛ (از -bud: فهمیدن).

bvāmatīno- (= -u + bvāmatīnā): نهادی، مفرد، مذکر: ۸۲.

m

¹ma ← aysu

²ma: ادات نفی: نه: ۱۰۸ (mai ← -ī + ma): ۱۱۳.

mañ-: تصور کردن، پنداشتن؛ ص.م. -mañāta؛ (از -*man-ya، ← او. -man: اندیشیدن، سغ.ب. -myn).

mañāte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر: ۵۳. ← SGS، ص ۱۰۸.

maṃdra-: ا. مذکر: منتر، افسون؛ (← او. -maṭhra).

maṃdrāṇu: برای - وابستگی، جمع: ۶۰.

mamū : ق. آنجا، از دور: ۳۷.

mamūka : ق. آنجا: ۸۱.

marā : ق. اینجا: ۱۵، ۲۴، ۹۴، ۹۵، ۱۰۵ (marā)، ۹۲ (marāñä) ←
(muhu ← nā + marā).

marīcā- (سن. -mārīci): ا. مونث: سراب.

marīca : نهادی، مفرد: ۶۳.

marīce : برایی، وابستگی، مفرد: ۵۹.

malaya- : ا. مذکر: نام کوه.

malayu : رای، مفرد: ۴۱.

mājaa- : ص. ملکی: مال ما؛ (از -ahmā + پسوند).

mājya : دری، مفرد، مذکر: ۲۴.

mātar- : ا. مونث: مادر؛ (← او. -mātar، فب. -mātar، په. (mād(ar)).

māta : نهادی، مفرد: ۸۴، ۹۴، ۱۱۲.

māna- : ا. مذکر: غرور، ← DKS، ص ۳۲۸.

mānu : رای، مفرد: ۳۹.

mānaya- ۱. مذکر: احترام.

mānya: بایی - ازی، مفرد: ۵، ۸، ۱۲. ← DKS، ص ۳۲۸.

mānya: ص. بزرگ داشته، گرامی.

mānya: نهادی، مفرد، مونث: ۹۳.

¹māñ-: ف. مانند بودن، ص.م. mānda-؛ (از māñ(a)ya-، ستاک اسمی از māna-، په. māñ-).

māñāte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۱۱، ← SGS، ص ۱۰۹.

²māñ-: ف. ماندن، باقی ماندن؛ ص.م. mānda-؛ (از mānaya-، از man-، ← او. māna-، ماندن، په. māñ-، māñd).

māña: امر، دوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۹۵.

mānda-: ص. مانده؛ (صفت مفعولی از māñ-²، ← بالا).

māndu: رای، مفرد، مذکر: ۹۴. ← yan-

māñanda-: ص. مانند، شبیه؛ (ص. فاعلی از māñ-¹ + اسم در حالت برایی - وابستگی).

māñande: نهادی - رای، جمع، مونث: ۵۹.

māñanda: نهادی، رای، جمع، مذکر: ۶۵.

māñamdu: رای، مفرد، خشنی (با trāmu به جای قید): به همین گونه، به همین

ترتیب: ۱۶، ۶۶.

māsti- : ا. مونث: ماه؛ (از *mās.ti-، ← او. māh-، فب. māh-، سغ. ب. m'x،
 سغ. م. m'x، پھ. māh).
 mās'tā : نهادی - رای، جمع: ۹۴، ۱۱۱.

ah ← ¹mā

aysu ← ²mā

māṣḍāna- : ص. خوب، مهربان، بخشنده؛ (از miṣda- با پسوند ān - <āvan>، ←
 او. miṣda-، پھ. mizd، فا. مزد)
 mādāna : آیی، مفرد، مذکر: ۵۱، ۹۱.

mādāṃgya- : ص. مهربان، بخشنده، آمرزنده؛ (← بالا و پسوند -āṃgya-).
 mādāṃgya : آیی، مفرد، مذکر: ۸۸.

māsta- : ص. بزرگ؛ (از *masita-، ← او. masita-).

māstä : نهادی، مفرد، مذکر: ۱۳، ۸۲ (māstä).

māšte : برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۱۱.

māšta : در، مفرد، مذکر: ۸۲.

māstä : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲۴.

māsta : نهادی، مفرد، مونث: ۲۷، ۴۹.

māštu : رای، مفرد، مونث: ۹۹.

muta-: ص. لال، گنگ؛ (از mau-/mu-: سرو و صدا کردن).

muta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۰۱.

mura-: ا. مذکر: مرغ، پرنده؛ (از *mr̥ga-، ← او. mərəṇa-، پا. murḷ، په.

murw، سغ. ب. و م. mrḷ).

mura: نهادی - رای، جمع: ۱۰۰.

mulśa: ق. کوتاه، با buru: اندک زمانی، برای زمانی کوتاه؛ (← او. mərəzu-، سغ.

ب. mwrzk): ۱۷.

mulysdā-: ا. مونث: آموزش، بخشش، لطف؛ (← او. mərəḥdā-: آموزیدن،

mərəḥdika-: آموزش، په. āmurzišn).

mulśdu: رای، مفرد: ۱۰۷.

mulśdejsa: بای - ازی، مفرد: ۱۹.

mulysdī(ṁ)gya-: ص. آموزیدار، آموزنده، بخشنده، ← بالا.

mulysdīgyo: رای، مفرد، مونث: ۵.

muho/u: ض اول شخص مفرد و جمع، من، ما: رای: ۲۷، ۴۳، ۹۰، ۱۰۷.

muhojsa: بای - ازی، مفرد: ۴۵.

nā/ni: رای، جمع: ۱، ۹۲، ۹۵، ۱۰۷ (← او. nō).

maula-: ا. مذکر: تاج، بساک؛ (از mauḍ'a- پراکریت شمال غربی. سنسکریت:

mauli- و makuṭa-، پالی moli ← PBZ، ص ۲۸۵-۲۸۴).

maulu: رای، مفرد: ۳۱.

myāna- ا. مذکر: میان، کمر؛ (← او. maiḍya-، maiḍyāna-، سغ. ب. mḍ'ny،
په. mayān).

myānu: دری، مفرد (با پسواژه‌ی vāte: برمیان، برکمر): ۳۱.

y

yan-: ف. کردن، ساختن، انجام دادن: ص. م. -yāḍa-، -yuḍa-.

yana: امر، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۴۸.

yanu: امر، دوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۱۰۷.

yañi: مضارع، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۴۲.

yīndā: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۱، ۲۳.

īndā: مضارع سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۱۶.

yanda: انشایی، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۴۸.

yāḍaimā: نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۵۲.

yuḍai: نقلی، دوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۱. ← SGS، ص ۱۱۱.

yāḍātā: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، متعدی: ۹۹.

yāḍāndi: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۸۷.

yāḍāndā: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۱۰۰.

yanā: تمنایی، سوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۸۸.

yan + ص. م: امکان انجام دادن عملی را بیان می‌کند.

1. yan- (از افعال ناگذر) u - ص. م. + (±yuḍu) (گذرا)

pātāstu yāḍāndā: نقلی، سوم شخص جمع: توانستند گفتگو کنند: ۱۰۱

← pātāy-

ne māndu yanīmā: مضارع، اول شخص مفرد: نمی‌توانم بمانم: ۹۴،

← 2māñ-

2. yan- (ناگذر) u - ص. م. + (±yuḍu)

jātu yuḍu yīndi: مضارع، سوم شخص مفرد: بتواند نابود کند: ۵۸، ← jin-

ne yuḍu yīndā patālstu: مضارع، سوم شخص مفرد: نمی‌تواند ببرد: ۷۸،

← patālt-

yuḍu yīndā paḍamdu: مضارع، سوم شخص مفرد: می‌تواند بسازد: ۷۶،

← paḍim-

yaṁdra-: ۱. مذکر: دستگاه، سازواره.

yaṁdru: دری، مفرد: ۵۵.

jāva.jivī (= yāva.jivī + ī): نهادی، مفرد، مذکر: تا زمانی که زنده‌ای: ۹۲؛ (از ق.

yāva: تا زمانی که و jivī حالت نهادی مفرد از صفت -jivīa: زنده، از ستاک

-juv: زندگی کردن و ī فعل مضارع دوم شخص مفرد ← -ah: بودن).

yā: ضمیر متصل، سوم شخص مفرد در حالت‌های غیرفاعلی (به جز رایی)، مذکر، مونث،

خشی ۲۷، ۴۴، ۴۶، ۱۰۵. (ye). ← -ī

yan- ← yīndä, yuḏa-, yäḏa-

ye: ض نامعین: کسی: نهادی، مفرد: ۱۲، ۱۶، ۲۶، ۵۴، ۵۸^۳، ۷۱، ۸۱، ۹۰، ۱۰۶.

ysan-: ف. زادن؛ ص.م. ysāta.

ysāndä: نقلی، سوم شخص جمع (مونث) متعدی: ۱۰۱. ← SGS، ص ۱۱۲.

ysamtha-: ا. مذکر: زایش، تولد؛ (از -zanθa*، از -zan: زادن، ← او. -zaθa: زایش).

ysamthu: نهادی، مفرد: ۱۳.

ysamthä: نهادی، مفرد: ۱۴.

yamthi: نهادی، مفرد، ۱۰۹.

ysamtha: نهادی - رای، جمع: ۱۸.

ysamthīgya-: ص. زایشی، مربوط به زایش؛ (از -ysamtha ← بالا و پسوند صفت‌ساز -īngya).

ysamthīgya: دری، مفرد، مذکر: ۹۰.

ysamaśśandaa-: ا. مذکر: جهان؛ (از -ysama، از -zam با پسوند -a، ← او.

-zam: زمین و -śśandaa ← -śśandaā).

ysamaśśandā: نهادی - رای، جمع: ۶۳.

ysarrnaa-: ص. زرین؛ (از -ysīrra: زر، از -ysar: زرد بودن، ← او. -zaranya،

سغ. ب. zyrn ، په. (zarrēn).

ysāra-: ا. مذکر: دل؛ (← او. zərəd-، سغ. ب. ōrz ، پا. zird ، په. dil).

ysāru: رای، مفرد: ۸۹.

ysāru: در، مفرد: ۲۷، ۹۹.

ysera-: ص. زار، غمین؛ (از zar-: آزدن).

yserä: رای، مفرد، مذکر: ۱۰۸.

yseru: رای/دری، مفرد، مذکر: ۲۷.

yserä: نهادی - رای، جمع، مونث: ۹۲.

ysua-: ا. مذکر: چرک زخم؛ (از zau-/zu-: ریختن، ← او. zav-).

ysūna: بای - ازی، مفرد: ۱۶.

ysai-: ف. زاده شدن؛ ص. م. ysāta-؛ (← او. zan-).

ysātä: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۲۲.

r

rāma-: ا. مذکر، رامه، نام خاص.

rāmā: برای - وابستگی، مفرد: ۴، ۹۰.

rāmāyana-: ا. مذکر: راماینه، نام کتاب.

rāmāyanā: برای - وابستگی، مفرد: ۴.

rāhula-: ۱. مذکر، راهوله، نام پسر گوتمه بودا.

rāhulā: نهادی، مفرد: ۱۰۸.

rāhulī (= rāhulā + -ī): نهادی، مفرد: ۱۰۷.

riṣaya- (سن. rṣi): ۱. مذکر: رشی، شاعر، بیننده، دانا.

riṣayā: نهادی، مفرد: ۳.

rāṣayī (= riṣayā + -ī): نهادی، مفرد: ۵.

rraysaa-: ص. خالی، تهی؛ (از raz-: رها کردن، خالی کردن، ← او. razah-: تنهایی،

سغ. ب. r'zh: راز، فا، راز).

rraysā: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶.

rraṣta-: ص. راست، راستین؛ (از rray-: هدایت کردن، مرتب کردن، ← او. raz-،
(raṣta-).

rraṣta: نهادی، مفرد، مونث: ۱۰۲.

rraṣtu: رای، مفرد، مذکر: ۱۵.

rraṣtu: رای، مفرد، خشتی (کاربرد قیدی دارد): به درستی: ۵۴.

rrahamúa-: ۱. مذکر: گازر، کسی که جامه را در رودخانه بر روی سنگ می‌زند و

می‌کوبد؛ (از rraha-: جامه و mau - /mū: زدن، کوبیدن). ← DKS،

rrahamūna: بایی - ازی، مفرد: ۸۶.

rrāša- (سن. -rājya): ا. مذکر: شهریار، پادشاهی.

rrāšu: رای، مفرد: ۴۲.

rrīj-: ف. فراخواندن؛ ص.م. -rrīya؛ (از -raičaya*، از -raik: ریختن، ←
او. -raēk).

rrīye: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۹۶.

rrīnā-: ا. مونث: ملکه؛ (از -rrīnā > -rainā* > -raižnā* > -razinī*، از
-raz: هدایت کردن).

rrīṇe: نهادی - رای، جمع: ۲۵، ۹۲، ۹۹، ۱۰۵.

rrīnth-: ف. به اهتزاز درآمدن، به حرکت درآمدن ← SKS، ص ۱۱۵.

rrīmthīndā: مضارع، سوم شخص، گذرا، لازم: ۳۴.

rrīys-: ف. لیسیدن، بوسیدن، ص.م. -rrāṣṭa؛ (از -raiz، ← او. -raēz؛ لیسیدن
سغ. ب. -rys: لیس، لشتن).

rrāṣṭe: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۴. ← SGS، ص ۱۱۶.

rrund(a)-: ا. مذکر: شاه، پادشاه. ← SKS، ص ۳۳۴.

re: نهادی، مفرد: ۲۵، ۳۷، ۴۰، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۸۸، ۱۰۵، ۱۱۴.

rrundu: رای، مفرد: ۱۱۱.

rrundä: برایی - وابستگی، مفرد: ۱۹، ۲۲، ۲۶، ۴۵.

rrunde: نهادی - برایی، جمع: ۹۸.

rrustä-ا. مونث: شهریار؛ (←(rund(a).

rruštä: برایی، مفرد: ۴۲.

rründāti-ا. مونث: روشنی، درخشش؛ (از *rauxšnatāti، ← او. -raoxšna،
په. (rōšn).

rründetu: برایی، مفرد: ۹۳، ۹۹.

rrūy-ف. گم کردن، از دست دادن، ص.م. -rrusta؛ (از *raudaya، *raud-، ←
او. -³raod: نالیدن).

rruste: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴. ← SGS، ص ۱۱۶.

rru/rru: ق. نیز، همچنین: ۹۱، ۱۱۱، با ko: ۱۰۶، با kho: ۱۴، ۳۰، ۶۳، با cu: ۶۹، با
na: ۸۸، با \$sai: ۲۷، ۲۹، ۱۰۴.

rrvīya-ص. شاهانه؛ (←(rrund(a). ← DKS، ص ۳۶۸

rrvīya: نهادی، مفرد، مونث: ۳۰.

lamggä: برای - وابستگی، مفرد: ۴.

lāysgūrya: ص. مزین، تزیین شده؛ (از -lazg-، razg-: پوشش و جزء دوم از -bar: بردن یا -var: پوشاندن، فا. ra/zah: پوشش پشمی). ← DKS، ص ۳۷۱.
lāysgūrya: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۱.

lova- (سن. loka): ۱. مذکر: جهان؛ مردم جهان.

lova: نهادی - رای، جمع، ۳، ۵ (lovi)

lova: برای - وابستگی، مفرد: ۶.

lovia- (سن. lokika): ص. مربوط به جهان، جهانی.

lovi: برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۱۷.

v

va: کوتاه شده vā. ← vā

vajs'āka: ص. بیننده؛ (از -vajsās: دیدن، درک کردن، ← پایین).

vajsā'kā: نهادی، مفرد، مذکر: ۷۰.

vajsāš-: ف. دیدن، درک کردن؛ ص.م. -vajsīšta؛ (از -čāša . *ava، از -čāš: دیدن)

vajišde: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۱۰۸ ← SGS، ص ۱۱۷

vajsā're: مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۷۵.

vajiṣṭāndä: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۱۰۱.

vadṛta-: ص. ستم دیده، تحت فشار قرار گرفته، ← DKS، ص ۳۷۴.

vadṛta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲۳.

vaysān-: ف. تشخیص دادن، تمیز دادن؛ (از -ava .zan*، از -zan: دانستن).

vaysānirō: تمنایی، دوم شخص جمع، متعدی: ۳۸. ← SGS، ص ۱۱۹.

vaysgasta-: ص. فرود آمده، پایین آمده؛ (صفت مفعولی از -ysgad-ava* ← او.

zgađ: حرکت کردن).

vaysgastä: نهادی، مفرد: مذکر: ۳۷.

vaysña: ق. اکنون: ۱۹، ۹۱، ۱۰۴؛ (از -ava: این، آن و -znya-: روز، ← او.

azan-/asn-).

¹vara/ä/i: ق. آنجا: ۲۰، ۴۴، ۵۵، ۷۲ (varä)، ۸۱، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۱.

ju ← varju: آنجا: ۶۷.

²vara/ä: ح. ا. به، به سوی؛ (← او. -varah: سینه په. war، فا. bar): ۴۳.

پسواژه + حالت رای: ۴۸، ۱۰۳.

varä با ³ṭānā/i: زود، تند، سریع، ۸۵، ۱۱۲.

varī با vā: زود، تند، بلافاصله: ۲۶، ۲۹.

varata/ä: ق. آنجا: ۵۹، ۷۶، ۷۷، ۱۱۰ (varatä)

varāśāka-: ۱. مذکر: تجربه؛ (از ستاک -varāś: تجربه کردن، از -ava . rāzaya*، از -ava.raz*، ← او. raz-: مرتب کردن).
varāśākä: نهادی، مفرد: ۵۹.

vara ← varī²

valmika-: ۱. مذکر، ولمیکی، نام مصنف راماینه.
valmiki: نهادی، مفرد: ۵.

vaṣṭ: ف. بازگشتن، نزدیک شدن؛ ص. م. -vistāta؛ (از -ava . hišta* از -ava.stāta*، ← او. -ava.hišta، -ava. stāta، -stā: ایستادن، سغ. ب. 'wšt: ایستادن).

vāstāta: نقلی، سوم شخص مفرد: مونث، لازم: ۳۹.
vistāta: نقلی، سوم شخص جمع، مذکر، لازم: ۴۷. ← SGS، ص ۱۲۱.

vaṣṭa: پسواژه (+ حالت رایی): برای، در مدت؛ (طول عمل را نشان می‌دهد، از -ava.ṣṭā*، ← -ṣṭ: ۱۱۴).

vasuta-: ص. پاک، پاک شده؛ (صفت مفعولی از ستاک -vasus: پاک شدن، ستاک آغازی -ava.sauk*، ← سغ. ب. 'wsw's: پاک شدن).
vasute: نهادی، مفرد، مذکر: ۳۵.

vahan-: ف. ناپدید شدن، متوقف شدن؛ ص.م. vahanda. ← SGS، ص ۱۲۲.

vahīndi: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۲۷.

vahanda: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، لازم. ۹۹. ← SGS، ص ۱۲۲.

vā: ادات: ۵۰، ۹۱؛ kye vā: برخی، کسی: ۱۵، ۸۸، hālsto vā: به آنجا که: ۲۲؛ varī

vā: زود، تند: ۲۶، ۲۷، ۲۹؛ vara vā: به اینجا: ۴۳، ۸۱؛ vā افزون بر این: ۹۱؛

pātcu vā: افزون بر این، ۷۰؛ vātcu vā: افزون بر این: ۸۴؛ mara vā: اینجا:

۹۵؛ mulśdu vā: حتی اگر: ۱۰۷؛ ku vā: وقتی که: ۱۱۱؛ ka vā: ۱۱۲ (با فعل

تمنایی).

vāj-: ف. کشیدن، (با aysmua: اندیشه: بر اندیشه یا احساس مسلط شدن)؛ ص.م.

vāta-، ← SGS، ص ۱۲۲، DKS، ص ۳۸۲.

vāju: امر، دوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۳۰. ← SGS، ص ۱۲۲.

vātcu/o: ق. پس، سپس، افزون بر این: ۵۴، ۷۲، ۸۴، ۹۱، ۱۱۲.

vikalpa- (سن). ا. مذکر: خیال، تصور.

vikalpina: بایی - ازی، مفرد: ۷۳.

vācātra- (سن. vi-citra): ص. گوناگون، متعدد.

vācātra: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶۱، ۷۳، ۹۷، ۱۰۰.

vicittre: نهادی - رای، جمع، مونث: ۶۶؛ vicittrai (= vicittre + -ī): ۶۶.

vicittru: رای، مفرد، مذکر: ۱۰۰.

vijñāna- (سن. -vi-jñāna: ا. خشی): ا. مذکر: آگاهی، تمیز، تشخیص، دانش.

viñāni: نهادی، مفرد: ۸۴.

viñānā: برای - وابستگی، مفرد: ۶۰، ۸۴.

viñāno: دری، مفرد، ۸۱، ۸۲.

ah- ← vātāya, vāte

vāte/vātā: پسواژه (+ حالت رای)، به، بر، در، مقابل، برابر؛ به سبب، به خاطر:

۹، ۳۱، ۳۳ (vāti ← vātā + -ī)، ۴۱، ۴۵، ۵۶، ۶۲، ۷۲، ۸۴، ۸۹، ۹۲، ۹۹.

.۱۱۱

vāna: ح. ا. (+ حالت برای - وابستگی): مگر، بدون: ۶۲، ۷۲. ← DKS، ص ۳۸۶.

vivātā (سن. -vipāka: ا. مذکر: کمال، پختگی، میوه، ثمره.

vivātā: نهادی، مفرد: ۶۷، ۷۳، ۸۱.

vibram-: ف. انگیزه شدن، به هیجان آمدن؛ ص. م. -vibramāta، (وام واژه از

سنسکریت ← vibhramayati: آشفته می‌شود).

vibramindā: مضارع، سوم شخص جمع، گذرا، لازم: ۲۶.

vibramātāndā: نقلی، سوم شخص جمع، لازم: ۲۸. ← SGS، ص ۱۲۳.

vibrāndaa-: ص. به هیجان آمده. ← بالا.

vibrāndau: رای، مفرد، مذکر: ۲۶.

vāmāna (سن. -vī-māna): ۱. مذکر: گردونه‌ی ایزدان، تخت و جایگاه ایزدان.

vāmāna: نهادی - رای، جمع: ۷۳.

vīysa- ۱. مذکر: (گل) نیلوفر.

vīysu: رای، مفرد: ۹۰.

viṣṣaya- (سن. -viṣaya): ۱. مذکر: اندام حسی، واقعیت عینی و ذهنی، هرچیزی که با

حسرها قابل درک باشد.

viṣṣaya: نهادی - رای، جمع: ۶۴، ۶۵، ۸۴.

viṣṣayīnaa- (سن. -viṣayin): ص. مربوط به اندام حسی، مربوط به واقعیت عینی.

viṣṣayīnā: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶۶.

viṣay(ṁ)gya- ص. مربوط به واقعیت، واقعی.

viṣayīgya: دری، مفرد، مذکر: ۸۲.

višt- ف. گذاشتن، نهادن؛ ص. م. -vištāta؛ (از -avastāya* از -ava.stā*، ← او.

avastaya- ، پا. -awest).

vāstāte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۵.

vāhañamgya- ص. غم‌زده؛ (صفت فاعلی از -vāhañ: غمگین بودن، وام‌واژه از

سنسکریت ← vihanyate: غمگین می‌شود).

vāhañamce: نهادی - رای، جمع، مونث: ۹۲.

-viyaa: ۱. مذکر: درد: غم.

-viyai: نهادی، مفرد: ۲۷: ۴۶.

-viyai: رای، مفرد: ۳۹.

-vīrā/i: پسواژه (+ حالت رای): بر، در، به سوی؛ باتوجه به، نسبت به: ۲۴، ۲۸، ۴۴، ۶۳.

۷۱، ۹۳، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۰.

(+ حالت برای - وابستگی): ۹۷، ۹۸.

-vū: ق. اینجا، آنجا: ۳۶، ← DKS، ص ۳۸۹.

-vainaiyaa: ۱. مذکر: شاگرد آینده؛ (از -vi.naya، از -nī: هدایت کردن).

-vainaiyā: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۹۴، ۱۱۲.

-vaiśramaṇa (سن. -vaiśravaṇa): ۱. مذکر، ویشروته، نام خاص.

-vaiśramanā: نهادی، مفرد: ۴۰.

-vaiśramanā: رای، مفرد: ۴۳.

-vyāysa (سن. -vyāsa): ۱. مذکر، ویاسه، نام مصنف مهابارت.

-vyāysā: نهادی، مفرد: ۳.

ś/śś

-śś/śakra (سن. -śakra): ۱. مذکر، شکره، نام خاص.

śśakrā: نهادی، مفرد: ۳۷، ۴۰.

śśandaā: ۱. مونث: زمین؛ (از -śauntakā* ص. مونث از -śuanta: افزونی بخش،

از -sau: افزودن، سود رساندن) ← او. -spānta، په. -spand.

śśandā: نهادی، مفرد: ۳۸، ۱۰۲.

śśandau/o: رای، مفرد: ۴۹، ۱۰۶.

śśamdyā: دری، مفرد: ۲۹.

śśāna- ص. در حال دراز کشیدن؛ (صفت فاعلی از -śś: دراز کشیدن. ← SGS،

ص ۱۲۷.

śśānā: نهادی، مفرد، مذکر، ۴۷.

śśāya- (سن. -śākya): ۱. مذکر: شاکیه، نام قبیله‌ی بودا.

śśāya: نهادی - رای، جمع: ۲۳، ۲۵، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۳، ۴۷، ۸۷، ۹۵، ۱۰۳.

۱۰۴، ۱۱۱.

śśāyyo: بایی - ازی، جمع: ۳۷.

śśāyyau: بایی - ازی، جمع: ۱۰۲.

śśāyānu: برای - وابستگی، جمع: ۳۵.

śśāśana- (سن. -śāsana) ۱. مذکر: تعلیم، آموزش، (← او. -śāsnā، از -śāh:

آموختن).

śśāśani: نهادی، مفرد: ۱۱۴.

śśādūtra- (سن. śuddhodana): ۱. مذکر: شودودنه، نام پدر بودا. ← śśādūtna-
 śśādūtrā: برای - وابستگی، مفرد: ۱۹.
 śśādūtana- (سن. śuddhodana): ۱. مذکر: شودودنه، نام پدر بودا. ← śśādūtra-
 śśādūtani: برای - وابستگی، مفرد: ۲۲.

śśāra- ص. م. خوب، نیک. ← DKS، ص ۴۰۱-۴۰۰.
 śśāru: رای، مفرد، مذکر: ۱۲، ۳۸ (خشی به جای اسم).
 śśāru: رای، مفرد، خشی، کاربرد قیدی دارد. (نیز ← yan- کردن، خوب کردن): ۴۱.

śśāra-śśūkā- (سن. ślōka): ۱. مونث، خبر خوش.
 śśāra.ṣṣūko: رای، مفرد: ۲۵.

śśirka- ص. خوب، نیک، (از śśāra-: خوب + -ka-: پسوند تصغیر).
 śśirku: رای، مفرد، خشی، کاربرد قیدی دارد: مهربانانه، با مهربانی: ۳۰، ۴۶.
 śśīta/śśīya- ص. سفید؛ (از *śvaita-، ← او. spaēta-، په. spēd، س. ب. spytka).
 śśīyā: نهادی، مفرد، مذکر: ۸۶.

śśīla- (سن. śīla): ۱. مذکر: شایستگی‌های اخلاقی.
 śśīli: برای - وابستگی، مفرد: ۱۷.

-jāta-ssū.jāta-ض. یکدیگر؛ (از -ssū: یک، ← -ssau و -jāta-؛ دوم، برای -sāta، از

-dūta*، سخ. ب. 'yw ZKn ōyBty، پا. ēw bid، په. ēk ō did).

-ssūjātāna: بایی، مفرد، مذکر: ۱۰۴.

-ssūjiye: برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۲۵.

-ssūra-ض. شجاع، (← او. -sura).

-ssūra: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۲.

-ssau/ssō: ع. یک، با ju: یکی، چیزی: ۷۶.

§

sa: ص - ض. ا. این؛ (← او. -aěša)، نیز ← -tta.

sā: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰، ۶۰، ۹۱، [šā-(t)ä] šī: ۱۳.

sa: نهادی، مفرد، مونث: ۸۴.

ttū: رای، مفرد، مذکر: ۸۶.

šā: نهادی، مفرد، خنثی: ۲۰ (در cu šă cu: آنچه که).

ttu: رای، مفرد، مونث: ۶۴.

tto: رای، مفرد، مونث: ۷۵.

ttāna: بایی - ازی، مفرد، مذکر: ۱۱.

ttiñe: بایی - ازی، مفرد، مونث: (با اسم با پایانه -ejsa): به سبب: ۲۴.

ttāne: بایی - ازی، مفرد، مونث (+ اسم): به سبب، به خاطر: ۲۶.

ttāna: بایی - ازی، مفرد، خنثی (به جای قید): بنابراین: ۱۳، ۷۶، ۷۹، ۸۵.

ttānai: (ttāna + -ī =) ۸، ۹، ۲۱؛ ttānai: (ttāna + -ū =) ۷، ۱۹؛ با

cu: زیراکه، چون که: ۵۵، ۷۳، ۸۰، ۸۱، ۸۴.

ttāye: برای - وابستگی، مفرد (kādāna+)؛ بدین سبب: ۴؛ bendi+ (پسواژه:

بر، روی): ۸؛ jadina+ (اسم: نادانی): به سبب نادانی: ۶۵؛ vā + ۸۴.

ttā: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱، ۳، ۱۵، ۹۰، ۱۱۲.

ttāyau: بایی - ازی، جمع، مذکر: ۱۱۳، ۱۱۴.

tvo: دری، مفرد، مونث: ۵۷.

sāta-: ص - ض. ا. این. نیز ← -ša.

sātā: نهادی، مفرد، مذکر: ۷۷.

sātī: (sātā + -ī =)؛ نهادی، مفرد، مذکر: ۶۷.

ttū: رای، مفرد، مذکر و خشی: (nijsaḍu: بدین طریق، از این راه): ۶، ۵۶؛ ۷۷،

۱۰۷، ۱۱۳.

ttāteña: دری، مفرد، مذکر: ۵۵، ۸۰ (مونث).

ttātā: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۵۳، (ttāte مونث): ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۵.

šāra-: ص - ض. ا. آن. نیز ← -ša.

šārā: نهادی، مفرد، مذکر: ۷۷.

ttāru: رای، مفرد، مذکر (به جای سوم شخص مفرد): ۷۱، ۷۷.

ttārña: دری، مفرد، مونث: ۸۰.

šā, šā', šā, šā ← ša

-skaungyā (سن. -samskāra): ا. مونث: تأثرات ذهنی گذشته.

skauje: نهادی - رای، جمع: ۵۶.

škaugye: نهادی - رای، جمع: ۵۶، ۵۸، ۶۰.

škaugye: برای - وابستگی، مفرد: ۵۷.

škojuvo': دری، جمع: ۵۷.

-škīm: ف. ساختن، درست کردن، ص.م. -škaunda: (از -skambaya*)، از

-skaunb*، ← او. -skamb: ساختن).

škīmāṃdu: امر، سوم شخص جمع، ناگذر، متعدی: ۹۶.

-št-: ف. ایستادن، بودن، باقی ماندن؛ (از -hišta*، از -stā*، ← او. -hišta، -stā: ایستادن).

štāte: التزامی، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم: ۱۱۴.

-štāna: ص. ف. در حال؛ (از -št-: بودن، ایستادن، که با صفت و قید به کار می‌رود).

štānā: نهادی، مفرد، مذکر. (+ -vaysgasta: فرود آمده، در حال فرود آمدن):

۳۷، (+ -varī): زود: ۳۹، (+ -kvī): ۸۵، (+ -varā): ۸۵، ۱۱۲ (+ -vātā): ۸۹.

štānye: برای - وابستگی، مفرد، (کاربرد قیدی دارد): ۴۸، ۸۰، ۹۷.

-ššamana (سن. -śramana): ا. مذکر: شمن.

ššamana: نهادی - رای، جمع: ۳۶.

ššamanyau: بایی - ازی، جمع: ۹۸.

-śāmaña (سن. -śrāmaṇya): ص. حالت و وضعیت شمن.

śāmañu: رایی، مفرد، مذکر: ۱۱۱.

-śuvā: ۱. مونث: گزارش، خبر؛ (از -śuvā > *śraukā، ← او. -sru-؛ -sravah-؛

سرودن، په. srūd: سرود، سغ. م. srwō).

śuva: نهادی، مفرد: ۲۳.

śai: ق. حتی، نیز: ۱۵، ۲۷، ۲۹، ۹۰، ۱۰۴. ← DKS، ص ۴۱۲.

S

-saṃñā (سن. -saṃjñā): ۱. مونث: مفهوم، معنی، آگاهی.

saṃña: نهادی، مفرد: ۵۵.

saṃño: رایی، مفرد: ۶۴.

saṃñe jsa: بایی -ازی، مفرد: ۶۳، ۶۴، ۷۵.

-satva: ۱. مذکر: موجود، جاندار.

satvā: نهادی، مفرد: ۵۹.

satva: نهادی -رایی، جمع: ۹۴.

-satva.saṃ(j)ñā: ۱. مونث: آگاهی از شخص، تصویری از موجود.

satva.saṃña: نهادی، مفرد: ۷۱.

saṃtsāra- (سن. -saṃsāra): ا. مذکر: سمساره، دریای باز پیدایی.

saṃtsāri: نهادی، مفرد: ۸۵.

saṃtsera: دری، مفرد: ۱۷، ۵۳، ۸۹، ۹۴.

sad-: ف. به نظر رسیدن، پدیدار شدن؛ ص.م. -sasta؛ (← او. -sand: ظاهر شدن).

seittä: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۳۸، ۶۳، ۶۵، ۷۲، ۷۵.

saindä/di: مضارع، سوم شخص جمع، گذرا، لازم: ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸.

saṃttāpa-: ا. مذکر: غم، درد، رنج؛ (از -tap: داغ شدن).

saṃttāpina: بایی -ازی، مفرد: ۲۸.

samu: ق. فقط، تنها: ۲، ۵، samvī (-ī + samu): ۱۶، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۹.

۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷ + kho: درست همان‌گونه: ۱۸، ۴۰، ۶۱، ۶۸، ۸۳، ۱۰۳؛

ne +: زود، نه دیر، ۸۸.

samutra- (سن. 'sam-udra: جمع شدن آبها): ا. مذکر: اقیانوس.

samudru: دری، مفرد: ۸۲، ۸۳، ۹۰.

sarau-: ا. مذکر: شیر؛ (از -sar: حمله بردن + پسوند -āva* < -au).

saruai: برای -وابستگی، مفرد: ۳۸.

sarb-: ف. برخاستن، بلندشدن، طلوع کردن؛ ص.م. -sata، ← -sāñ: برخاستن).

sarbäte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۴۹، ۸۲.

-sarbanda: ص. ف. بالارونده، طلوع کننده. ← بالا

-sarbandä: نهادی، مفرد، مذکر: ۴۰

-sarvaṃñā (سن. -sarva.jñā): ص.: همه دان.

-sarvañā: ندایی، مفرد، مذکر: ۵۰.

-salāva (سن. -samlāpa، از -samlap: گفتگو کردن): ا. مذکر: سخن، کلام.

-salāvi: نهادی، مفرد: ۱۰.

-salīā: ا. مونث: سال، (← او. -sarəd).

-salī: نهادی -رایی، جمع: ۱۱۴.

-saṃskṛta: ا. مذکر: موقعیت مشروط.

-saṃskṛta: رایی، مفرد: ۱۵.

-sāñ: ف. برخیزاندن؛ ص. م. -sata؛ (از -sānaya*، ستاک سببی از -san: برخاستن، پا.

-sān، سخ. م. -syn). نیز ← -sarb-

-sāñā: امر، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۵۰.

-sāra (سن. -sāra): ا. مذکر: ماده و مغز یا بهترین بخش هرجیز؛ گنج.

-sārā: نهادی، مفرد: ۱۳.

-siddham (سن. -siddha، از -sidh: موفق شدن، به هدف رسیدن): موفقیت: ا.

sīysā- (سن. -sītā): ا. مونث: سیئا، نام همسر رame.

siysau: رای، مفرد: ۴.

sīra-: ص. خشنود، راضی، قانع. (از ریشه ی sag-: راضی بودن، قانع شدن، ← په.

(sēr, sagr). ← DKS، ص ۴۲۶.

sīri: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰۸.

sīra: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۹۵.

sīravātā-: ا. مونث: شادی، خوشی. ← بالا

sīravātā: نهادی، مفرد: ۲۷.

sīravete (jsa): بایی - ازی، مفرد: ۲۴، ۲۶.

sīruṣṭana-: ص. خشنود، راضی؛ (از -sīra + uṣṭana-؛ uṣṭāna-: حالت، وضعیت،

از -vaz-\uz- قوی بودن، ← او. -uṣṭāna-: نیروی زندگی ← DKS، ص ۴۱.

sīruṣṭana: نهادی - رای، جمع: ۱۳.

suha- (سن. -sukha، از -sukh: شاد ساختن): ا. مذکر: لذت، خوشی.

suhāna: بایی - ازی، مفرد: ۴۷، ۹۵.

se: ادات، برای نقل قول مستقیم: ۷۲، پس از -hvān-؛ ۵۲: dai-؛ ۱۰۵.

sad- ← saindā/dī, saittā

-stora/staura: ص. ستبر، زیاد، شدید، سخت؛ (از -*stabra، ← او. -staßbra، په. -stabr، فا. ستبر).

-storä: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۰۴.

-styūdā: ص. محکم، استوار؛ (از -*staibda، از -staip: فشردن).

-styūdu: رای، مفرد، مونث: ۸۹.

-spāśś-: ف. دیدن، ص. م. -spāṣṭa؛ (← او. -spas: دیدن). ← SGS، ص ۱۳۶.

-spāśśāte: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۴۷.

-spāṣṭe: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۱، ۴۶.

-spātaa-: ا. مذکر، گل؛ (از -spaik: شکفتن، ← په. -škōf و -ispēxtan: شکفتن)

-spāte: نهادی - رای، جمع: ۹۷.

-spātyau: بایی - ازی، جمع: ۸۷.

-syāmatā-: ا. مونث: ظاهر، نما؛ (اسم از -sad: ظاهر شدن، ← او. -sand، په.

-(sahistan)

-syāmata: نهادی، مفرد: ۷۷.

h

-ham: ص. همه؛ (+ پسواژه -vātā): همواره، همیشه: ۷۲.

hamggad- : ف. نتیجه دادن؛ ص.م. hamggälsta- ؛ (از hamgart-، *hamgard-، ف. گردیدن).

hamggaltte : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۸۴.

hamggargga- : ا. مذکر: گردهم آیی، انجمن؛ (از hamggalj- : جمع کردن).
← SGS ، ص ۱۳۷.

hamggargga : نهادی - رای، جمع: ۲۳.

hamggälsta- : ص.م. نتیجه داده ← بالا

hamggälsta : نهادی، مفرد، مونث: ۲۷.

hamgrīya- : ص. جمع شده، (حواس) متمرکز؛ (از hamgrīs- : جمع شدن، ستاک
آغازی از hamggalj- : جمع کردن).

hamgrīyyo : بایی - ازی، جمع، مذکر: ۱۳.

hamgrīh- : ف. برخاستن؛ ص.م. hamgrautta- ، ← SGS ، ص ۱۳۸.

hamgrautta : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۴۷.

hajua- : ص. دانا، خردمند، ← DKS ، ص ۴۴۳.

hajvī : برای - وابستگی، مفرد، مذکر: ۱۰.

hamjsaš- : ف. قصد داشتن، مصمم بودن، ص.م. hamjsašta- ؛ (از hamtcas-،

*ham.čaš-، دیدن) + مصدر. ← SGS ، ص ۱۳۹.

hamjse': مضارع، اول شخص مفرد، ناگذر (+ hvīye: گفتن): قصد دارم اعلام کنم: ۷، ۱۹.

haḍa-: ۱. مذکر: فرستاده، پیامبر؛ (از har-: رفتن). ← DKS، ص ۴۴۷.
haḍu: رای، مفرد، ۳۳.

haḍāa-: ۱. مذکر: روز؛ (از -harta* یا -hr̥ta*، از har-: رفتن، گذشتن، سغ.م. xrtyh: گذشته).
haḍā: نهادی، مفرد: ۳۵.

haḍe ← hāḍe

hatāra-: ق. یک بار، زمانی؛ (← فب. hakaram؛ او. hakərət، پھ. (hagirz): ۷، ۹. ← DKS، ص ۴۴۸.

hatīś-: ف. دادن، فرستادن؛ ص.م. -hatāiṣṭa. ← SGS، ص ۱۴۵.
haiśa: امر، دوم شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۴۳.
hataište: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۳.
hataištāndā: نقلی، سوم شخص جمع، متعدی: ۳۱.

hamtsa: ۱. ح. ۱. با، همراه با (+ حالت بایی - ازی): ۵، ۷۹، ۱۰۲. ← DKS، ص ۴۵۲.

۲. پسواژه (+ حالت بایی - ازی): ۳۶، ۳۷۲، ۹۱، ۹۸.

hamtsa.āspāta- : ص. پناه‌مند، با پناه؛ (از hamtsa ← بالا و پراکریّت -āspadā :
پناه).

hamtsa.āspātā : نهادی، مفرد، مذکر: ۴۶.

hana- : نابینا، کور؛ (با -nd < -n-، ← او. anda- : کور، سغ. 'nt).

hana : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۰۱.

handara- : ص - ض. دیگر؛ (← او. antara-).

handari : نهادی، مفرد، مذکر: ۸۱، ۸۸.

handara : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۷، ۹۸، ۱۱۱.

handare : نهادی - رای، جمع، مونث: ۱.

handarna : ق. درون، اندر؛ (حالت بایی مفرد خشی از صفت -handara، ← او.

antarə : اندر، په. andar، سغ. ب. ntryk): ۶۶.

handarīmaa- : ص. درونی، داخلی؛ (از -handara + īmaa- - صفت ساز).

handarīmā : نهادی - رای، جمع، مذکر: ۶۷.

hamdarīmānu : برای - وابستگی، جمع، مذکر: ۶۸.

hamdara.ysamtha- : ا. مذکر: زایش‌های دیگر.

hamdara.ysamthra : در، جمع: ۵.

hamdra- : ا. مذکر: پارچه، ← DKS، ص ۴۵۴.

hamdru: رای، مفرد: ۱۴.

hamdrauysia: ص. پروازکنان در هوا؛ (از -vaz-ya. *antara. vaz-: پرواز کردن، په. (andarwāz(ig).

hamdrauysye: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۵.

haphāra: ۱. مذکر: آشفتگی، هیجان؛ (از -haphār-: آشفتن). ← SGS، ص ۱۴۷.

haphāra: نهادی - رای، جمع: ۶.

haphāryau: بایی - ازی، جمع: ۱.

hambañ-: ف. تصنیف کردن، سرودن؛ ص.م. -hambasta-؛ (از -ham-bandaya. *ham-band-: از ← bañ: بستن، ← او. -band-: بستن).

hambaste: نقلی، سوم شخص مفرد مذکر، متعدی: ۳، ۵. ← SGS، ص ۱۴۲.

hambaḍa-: ص. پرشده، کامل شده، برآورده شده؛ (صفت مفعولی از -ham.bīr-: پر

شدن، از -ham.parya. *ham.par-، از -pīr-: پرشدن، از -parya. *).

hambadä: نهادی، مفرد، مذکر: ۱۶.

hambaḍa: نهادی، مفرد، مونث: ۳۶.

hambaḍau (= -u + hambaḍa): نهادی - رای، جمع، مونث: ۲۳.

hambūta-: ۱. مذکر: زخم، زخم چرکین؛ (از -pau-/pū-: پوسیدن، ← او. puyeiti:

می‌پوسد؛ په. pūdag: پوده، فاسد، فا. پوده).

hambūtä: نهادی، مفرد: ۱۶.

hambūvu: رای، مفرد: ۱۸.

hambraušta-: ص.م. فروکش کرده، نفوذ کرده، نزدیک شده، ← DKS، ص ۴۶۴.

hambrauštā: نهادی، مفرد، مذکر: ۲۸، ۱۰۹.

hambrošta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۰۳.

hamamgga-: ص. هموار، صاف، برابر، مساوی؛ (از hama-، *haman(a)ka- همان).

hamamgga: نهادی، مفرد، مونث: ۱۰۲.

hamamgga: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۴.

hamamggu: رای، مفرد، خشی (به جای قید): یکسان: ۹۳.

hamata/hamayā: ض. خود؛ (از hama.tah، * ← او. x^vatō: خود). ← DKS، ص ۴۵۸.

hamatā: نهادی، مفرد، مذکر: ۷، ۴۱، ۱۰۸.

hamatu: رای، مفرد، خشی (به جای قید): به خودی خود: ۱۰۰.

hamārggā-: ا. مونث: تسکین، آسودگی، راحتی؛ (از fra.mār-؛ از mur-: مالیدن، او. marəd-). ← DKS، ص ۴۵۹.

hamārgya: نهادی، مفرد: ۱۶.

hamāh-: ف. تغییر کردن؛ ص.م. hamāsta-؛ (از fra.miθa-، از fra.maiθ-، از maiθ-/miθ- ← او. maēθā-: تغییر).

- hamāste: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۱۰۴. ← SGS، ص ۱۴۷.
- haysgasta-: ص. بهبود یافته؛ (از ha- و ysgad-: بالا رفتن، ← او. uzgastō: خارج شده، از uz.zgad-، از zgad-: حرکت کردن).
- haysgasta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۱۰۱.
- harays-: ف. افکندن، کشیدن، ص. م. harašta-؛ (از fra-raz-، ← او. raz-: مرتب کردن).
- haraysda: انشایی، سوم شخص مفرد، مذکر: ۸۸ گذرا، ۱۰۶ (ناگذر).
- haraysārō: التزامی، سوم شخص جمع، ناگذر: ۴۳.
- harāš-: ف. دراز کردن، پیش آوردن؛ ص. م. harašta-؛ (از fra.rāzaya-، ستاک سببی از fra.raz- ← بالا).
- harašte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۴۵.
- haraštātā: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، متعدی: ۱۰۷.
- harbišša-: ص. همه، هر؛ (از harva-: همه، ← او. haurva-، فب. haruva-، په. (harw
- harbišša: نهادی، مفرد، مذکر: ۲۵، ۱۸ (harbišša + -ī = harbišši)، ۱۰۲.
- harbiššu: رای، مفرد، مذکر (harbiššu vīrā: همه جا): ۲۴، ۹۳.
- harbiššā: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۴۷، ۵۰، ۶۳، ۹۵.
- harbišša: نهادی، مفرد، مونث: ۵۸.
- harbiššu: رای، مفرد، مونث: ۱۱.

harbišša: نهادی - رای، جمع، مونث: ۳۲.

harbišše: نهادی - رای، جمع، مونث: ۱۰۵.

harbiššu: رای، مفرد، خشتی (به جای قید): همگی: ۱۰۰.

hars-: ف. به درازا کشیدن، باقی ماندن، ص.م. -harita؛ (ستاکی آغازی از -fra.raik،
← او. raēk: رها کردن، ریختن).

harāte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۱۰۶ ← SGS، ص ۱۵۰.

haškaunda-: ص. ساخته و پرداخته؛ (صفت مفعولی از -haškīm: ساختن، از
-fra.skambaya، از -fra.ska(m)b-، ← او. -frasčimbaya، از
-skamb-: ساختن).

haškaunde: نهادی - رای، جمع، مونث: ۵۶.

hašda-: ۱. مذکر: گزارش، خبر؛ (از -haš، خبر دادن، ← DKS، ص ۴۷۳).
hašdä: نهادی، مفرد: ۸۱.

hastama-: ص. برترین: بهترین؛ (← او. -hastama، از -hant-/hat- صفت فاعلی
از -ah: بودن).

hastamä: نهادی، مفرد، مذکر: ۲۰.

hastamu: رای، مفرد، مذکر: ۷، ۲۱، ۲۴ (hastamo)، ۴۲، ۴۸، ۱۱۳.

hastara-: ص. برتر: بهتر؛ ← بالا.

hastaru: رای، مفرد، خشتی (به جای قید): ۱۰۴.

hā- : ق. به، به سوی، فرا، پیش؛ (از *frāk قید، از صفت *frānk : پیش) : ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۸۱، ۸۶، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶.
← DKS، ص ۴۷۷.

haḍe/hāḍe : ادات؛ امّا، به هر صورت: ۵، ۱۵، ۱۲، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۸۱، ۱۰۴.
hāysa- : ق. دور؛ (از *frāza-، از fra- : پیش، فرا + -za-) : ۳۹. ← DKS، ص ۴۷۸.

hāruva- : ۱. مذکر؛ بازرگان، تاجر؛ (احتمالاً اسم با پسوند -uka- یا -uva-، از ریشه‌ی hār- : بازرگانی کردن). ← DKS، ص ۴۷۹.
hāruvai (= hāruva + -ī) : نهادی - رایبی، جمع: ۳۲، ۹۶.

hārūška- : ۱. مذکر؛ ناهمواری، برجستگی؛ (احتمالاً از har- : برخاستن، و ūška : بالا؛ سغ. ب. -r- رفتن). ← DKS، ص ۴۷۹.
hārūškā : نهادی، مفرد: ۱۰۲.

hālsto : ق. به سوی، به طرف؛ (از hā : قید؛ به، به سوی و پسوند نشان دهنده‌ی جهت -alsto) : ۲۲، ۱۰۹.

hām- : ف. بودن، شدن.
hāmāre : مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر: ۶۹.
hāmātemä : نقلی، اول شخص مفرد، لازم: ۴۶ (+ yāta- : یاد) : ۲۹.
hāmätä/te : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۱۰۹ (+ parräte) :
← parrīj- : نجات دادن؛ سپری شد: ۱۱۱.

hāra-: ا. مذکر: چیز، (از -ar: گرفتن؛ په. xēr)

hārä: نهادی، مفرد: ۷۶.

hāru: رای، مفرد: ۷۶.

hāra: نهادی - رای، جمع: ۵۴، ۶۱، ۶۲، ۶۹، ۷۰.

hārānu: برای - وابستگی، جمع: ۵۹.

hārthanu: ق. ناگهان؛ (از -hāra: چیز، و -thana، -thuna از -thagna*: تند، تیز،

پا. taḡna-Band: تند، تیز): ۲۹. ← DKS، ص ۴۸۵.

hārštāyā: ق. به راستی، به واقع؛ (از -hāra: چیز و -št: ایستادن): ۵۷، ۶۲، ۷۱

(hārštai)، ۸۰.

hālyesda: ص. مهیا، آماده. ← DKS، ص ۴۸۵.

hālyesda: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۲، ۹۷.

hālštā-: ا. مونث: نیزه، سنان؛ (← او. -aršti، -arštya، فب. -(a)ršti).

hālšti: نهادی - رای، جمع: ۳۴، ۷۴.

hāvia-: ص. خود، خویش؛ (از ترکیب -hāvya، از -hva.paθya*: ← او.

-x^vaēpaiθya، په. xwēš). ← DKS، ص ۴۸۶.

hivī: رای، مفرد، مذکر: ۷.

hivīna: بای - ازی، مفرد، مذکر: ۸.

hāvyo: رای، مفرد، مونث: ۶۴، ۷۸.

hivīñe: بایی - ازی، مفرد، مونث: ۸، ۶۴، ۷۵ (hävāñe).

hävvy-: ف. اختصاص دادن، به تملک درآوردن؛ (ستاک سببی از. hävia- ← بالا).
hävīye: مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، متعدی: ۷۹. ← SGS، ص ۱۵۳.

hīvyāmatā-: ا. مونث: خویشتن؛ (از hīvyā-: خود + پسوند -āmātā-).
hīvyāmata: نهادی، مفرد: ۵۵، ۵۷، ۵۸.

hīśśādaa-: ا. مذکر: خویشاوند مرد، (از hvai-*, < hī-: خود، (او. x^vaē) و احتمالا
-sarta*: اتحاد، یگانگی، از ستاک sar-: پیوستن، متحد شدن. ← او. sar-:
یگانگی). ← DKS، ص ۴۸۷.
hīśśādai: برای - وابستگی، مفرد: ۲.

hīs-: ف. رسیدن، آمدن؛ ص.م. تکمیل کننده -āta. ← SGS، ص ۱۵۳.
hīšti: مضارع، سوم شخص مفرد، گذرا، لازم: ۸۱.
ātā: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۲۴، ۲۹، ۹۸، ۱۰۵.
āta: نقلی، سوم شخص مفرد، مونث، لازم: ۲۳. ← SGS، ص ۱۵۳.

hūduva-: ص. هردو، ← DKS، ص ۴۹۰.
hūduua: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۴۴.

hūna-: ا. مذکر: رویا، خواب؛ (از hvafna-*, - ← او. xvafna، سغ. ب. ʎwβnw،
په. xwamn، x^vāb-).

hūnā: برای - وابستگی، مفرد: ۵۱.

hūñā: دری، مفرد: ۶۱، ۷۷.

hūni: ا. مونث: خون؛ (از -vahuni*، ← او. -vohuna: سغ. ب. ʁwrnw،
په. xōn).

hūñe jsa: بایی - ازی، مفرد: ۸.

huysīra: ص. زرین ساخته؛ (از -ysīrra + hu، از -zar(a)nya*، از -zar: زرد،
زرد بودن).

huysīru: رای، مفرد، مذکر: ۱۴.

huśūsta: ص. خوب مجهز شده؛ (از پیشوند hu- خوب و -sūsta، از ستاک -sūh:
مجهز کردن، آماده کردن).

huśūsta: نهادی - رای، جمع، مذکر: ۳۴.

hūsanda: ص. خفته؛ (از ستاک آغازی -hvafsa*، از -hvap: خفتن، ← او.
x^vvap-).

hūsandi: نهادی، مفرد، مذکر: ۶۲، ۶۱۲.

hei': ف. فرستادن؛ ص. م. -hīšta؛ (از -fra.aiš*، از -fra.isă*، ← او. -2aēš: به
حرکت انداختن).

hīšte: نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۳۳. ← SGS، ص ۱۵۵.

hora- : ا. مذکر: بخشش، بخشنده، آزادمنشی؛ (از -haur-/hōr : دادن؛ از -fra.bar-*,
 ← او. fra.bar- : پیشکش کردن). hori : برای، وابستگی، مفرد: ۱۷.

hvatäma- : ا. مذکر: ختن، سرزمین ختن.
 hvatämä : برای - وابستگی، مفرد: ۱۱۴.
 hvatäma : در، مفرد، مذکر: ۱۱۴.

hvatänaa- : ص. ختنی، مربوط به ختن.
 hvatäno : رای، مفرد، مذکر: ۱۹.

hvañ- : ف. خوانده شدن، نامیده شدن؛ ص. م. hvata- ؛ (از -hvanya-، از -hvan-*,
 په. xwan، سغ. ب. wynty). hvāñ ←
 hvinde : مضارع، سوم شخص مفرد، ناگذر، لازم: ۱۳.
 hvañāre : مضارع، سوم شخص جمع، ناگذر، لازم. ۶۹ ← SGS، ص ۱۵۶.
 hvatä : نقلی، سوم شخص مفرد، مذکر، لازم: ۷۰، ۸۵.

hvanaa- : ا. مذکر: گفته، سخن، آموزه، داستان، (از hvāñ : گفتن). ← پایین
 hvano : رای، مفرد: ۶، ۸.
 hvanaui : رای، مفرد: ۱۱۳.

hvanainaa- : ص. روایی، خواندنی، سرگرم کننده. ← پایین.
 hvanaino : رای، مفرد، مذکر: ۳.

hva'nd(a): ۱. مذکر: مرد، انسان. ← SGS، ص ۳۳۴، DKS، ص ۵۰۳.

hva'ndi/ä: برایی - وابستگی، مفرد: ۱۰، ۱۶، ۲۸، ۹۳.

hva'ndäye: برایی - وابستگی، مفرد: ۳۲.

hvaṃ'duvo': دری، جمع: ۷۶.

hvāñ-: ف. گفتن؛ ص.م. hvata-؛ (از hvāñ.aya-، از *hvan-، ← hvāñ-)

hvāñāmä: مضارع، اول شخص مفرد، گذرا، متعدی: ۵۲.

hvāñite: مضارع، سوم شخص مفرد گذرا، متعدی: ۲۰.

hvataimä: نقلی، اول شخص مفرد، مذکر، متعدی: ۱۱۳.

hvate: نقلی، سوم شخص مفرد مذکر، متعدی: ۱۴، ۱۹، ۵۲، ۹۳.

hvatändä: نقلی، سوم شخص، جمع، مذکر، متعدی: ۱۰۴.

hviya-: ص. انسانی، بشری ← -hva'nd(a)-

hvi'yä: برایی - وابستگی، مفرد، مذکر: ۱۴، ۱۰۹.

hviye: مصدر: گفتن؛ (از صفت مفعولی hvata- < hvite / hviye از hvāñ-): ۷، ۱۹.

کتاب نامه

- Bailey, H.W. 1958. *The Language of the Saka*, in Handbuch der Orientalistik, i, iv, Leiden: pp. 451-131
- _____ (ed). 1945. *Khotanese Texts* (Kt), I; 1954. 2; 1956. 3; 1961. 4; 1963. 5 Cambridge.
- _____ 1967. *Prolexis to the book of Zambasta*, Cambridge: At the University Press.
- _____ 1979. *Dictionary of Khotan Saka* (DKS), Cambridge: Cambridge University Press.
- _____ 1981, *Opera Minora, Article on Iranian Studies*, Vols. 1-2, ed. M. Nawabi, Shiraz, Iran: Forozangah Publishers.
- _____ 1982. *The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan*, Delmer Newyork: Carvan Books
- _____ 1983. *Khotanese Saka Literature*, Chapter 34 (PP. 1230-1243) in the Cambridge History of Iran, Vol. 3(2), ed. E. Yarshater, Cambridge.
- Bartholomae, C. 1904. *Altiranisches Wörterdbuch*, Berlin.

- Burrow, T. 1937. *The Language of the Karṣṭhi Documents from Chinese Turkestan*, Cambridge.
- Emmerick, R.E. 1968. *Saka Gramatical Studies (SGS)*, London: Oxford University Press.
- _____ 1968. *Khotanese metrics*, Asia Major, n.s. XVI,1, PP.1-20
- _____ 1968. *The Book of Zambasta (Z), A Khotanese Poem on Buddhism*, London: Oxford University Press.
- _____ 1973. *Khotanese metrics again*, Asia Major, XVIII, 2, PP.137-153
- _____ 1979. *Vowel Phonemes of Khotanese*, in Oswald Szemerényi, PP. 239-250, Amsterdam.
- _____ 1981. *Consonant Phonemes*, in Acta Iranica, 21, PP. 185-209, Leiden: E. J. Brill.
- _____ & P.O. Skjaerø, 1982. *Studies in the Vocabulary of khotanese (SVK) I*, 1987, II, (Veröffentlichungen der iranischen Kommission, Wien: herausgegeben von Manfred Mayerhofer, Band 12.
- _____ 1984. *Research on Khotanese: a Survey in Middle Iranian Studies*, PP. 127-145, Leuven: Uitgeveru Peeters.
- _____ 1989. *Khotanese and Tumshugese*, in Compendium Linguarum Iranicarum, PP.204-230, ed. R.Schmitt, Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- _____ 1992. *A Guide to the Literature of Khotan (GLK)*, (Studia

Philologica Buddhica), Occasional Paper Series III, Second Edition, Tokyo.

Gershevitch, I, 1954. *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.

Hoernle, A.F.R, 1916. *Manuscript Remains of Buddhist Literature found in Eastern Turkestan*, Oxford.

Konow, S. 1929. *Khoros̄thi Inscriptions*, Calcutta.

_____ 1932. *Saka Studies*, Oslo.

_____ 1949. *Primer of Khotanese Saka*, Oslo.

Kent, R.G. 1953. *Old Persian*, New Haven.

Leumann. E. 1912. *Zur nordarischen Sprache und Literature*, Strassburg.

_____ 1971. *Zur altkhotanischen Metrik*, Asiatische Studien, XXX, PP. 456-486

_____ & M. Leumann. 1933-6. *Das nordarischen (sakische) Lehrgedicht des Buddhismus*, Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes, XX, Leipzig.

نمایه (۱)

نام‌ها و اصطلاحات

اُرویلوا - کاشیه پنه ۱۵۸، ۱۱۴	آ
اسکوتی ۱۱	آب ۱۳۸، ۱۸
اسکیتی ۱۱	آتش ۶۰، ۹۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۸۴
آسنخیه پنه ۱۱۷، ۱۳۶	آدی تبه ۱۳۵
اشباح ۱۱۷، ۱۱۹	آدی کُونه ۱۲۸
آشوکا ۸، ۱۳	آسی ۱۶، ۱۷
افغانستان ۱۳۱	آکاشه ۱۱۹، ۱۴۱
اقامت در جنگل ۱۴۲	آکیانه ۱۲۵
اقامت در خانه ۱۴۲	آلمانی ۱۰۰
امریک ۱۵	آن سوی دریا ۱۱
انجمن راهبان ۱۲۲، ۱۴۲	آن سوی سغد ۱۱
آنولمیکه کِشنتی ۱۲۰	آنندۀ ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۵۵
اوستا ۳، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱	آوایی ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۳۶
۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴	آینی تَنه ۱۱۸، ۱۱۹
۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۶، ۶۸، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۱، ۸۲	آیین بودایی ۱، ۱۳۰
۸۳، ۸۴، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶	
ایتی هُسا ۱۲۵	الف
ایرون ۱۷	اثیر ۱۳۸، ۱۵۳
ایزدان آسمانی ۱۳۵	ارجونه ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۶۲

خ

- خاک ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۵۲، ۱۷۰
 ختن ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۸
 ختنی جدید ۹، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴
 ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۵۱، ۵۲، ۸۷، ۱۰۰، ۱۲۰
 ختنی قدیم ۹، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶
 ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۷۶، ۸۳، ۸۴، ۸۵
 ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۰۰
 خروشتی ۱۰، ۱۱، ۱۸
 خشایارشا ۱۰
 خط رسمی ۲۳
 خط شکسته ۲۳
 خوشه‌های سایشی ۳۴
 خیشومی ۲۷

ذ/د

- داریوش ۱۰، ۱۹، ۱۴۳
 دَرَمَه ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۳۷
 دروپدی ۱۲۷
 دریای بازپیدایی ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۲، ۲۴۲
 دری ترشتره ۱۲۶، ۱۲۷
 دَستَرَه ۱۲۸
 دن هوانگ ۸، ۱۴
 دندانی ۲۶
 دواپَرَه ۱۴۲
 دوران جهان ۱۲۰
 دوره‌ی طلبگی ۱۴۲
 دوره‌ی گدایی ۱۴۲
 دَوَه ۱۱۴، ۱۲۲

تَنانگته

- تثلیث بزرگ هندوان ۱۳۶
 تخت جمشید ۱۰
 ترایس ترینشه ۱۱۵، ۱۳۵
 ترته ۱۴۲
 ترکستان شرقی ۸، ۱۱، ۱۲
 تسلسل جهانی ۱۴۰
 تمشیق ۹، ۲۴
 تونگوس ۱۳۵
 تیزخود ۱۱

ج

- جسم نورانی ۱۳۶
 جفت‌های کمینه ۳۸
 چَنگَه ۱۲۸

چ

- چاکنایی ۲۷
 چرخ بزرگ ۱۳۱
 چنین بود در آغاز ۱۲۵
 چشایی ۱۳۸
 چهار حقیقت شریف ۱۳۲
 چهارگونه نادانی ۱۳۲

ح

- حالت آنیجلی ۱۱۶
 حرکت ۸۹، ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۷۱، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۵۱، ۲۵۷

- دوه‌دته ۱۲۳، ۱۴۳
دیگور ۱۷
ذرات ۱۴۰
- سکایی ختنی ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۷
سکستان ۱۱
سلسله‌ی علل، ۱۱۷، ۱۳۷
سفسارة ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۲۴۲
سفسکرتَه ۱۱۳، ۱۳۳
سنجینا ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۷
سنسکیریت ۱، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۹۵، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۷۴، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۳۴، ۲۳۵
سوبوتی ۱۴۱
سوتره ۱۰۰، ۱۴۱
سوگریوه ۱۲۹
سَهه‌دوه ۱۲۶
سیاوش ۸
سیبری شرقی ۱۳۵
سیتا ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۴۴
سیدارته ۱۳۲
سیستان ۱۱، ۱۲
- ش
شاسَنه ۱۲۳
شاکيامونی ۳۲، ۱۳۲
شاکیه ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۷
شاهنامه ۸
شایستگی‌های اخلاقی ۱۱۳، ۱۳۴، ۲۳۸
شترساگی ۱۱
شتروگنه ۱۲۸
شسترَه ۱۲۹
شنش وتدی ۹۹
- راماینه ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۲۲۶، ۲۳۲
رامَه ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۶۲، ۲۲۶، ۲۴۴
راوَنه ۱۲۹
راهب دوره‌گرد ۱۳۶
راهوله ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۲۶
رُخج ۱۱
رُدیس ۱۲۲
رشی‌والمیکی ۱۱۲
ریگ‌ودا ۱۳۶
- ز
زامباستا ۲، ۹۹، ۱۰۰
زَرنگ ۱۱
زمینه‌های شناخت ۱۱۸، ۱۳۸
زنده‌آزادان ۱۴۲
- س
ساخت امکانی ۸۴، ۸۵
ساخت ترکیبی ۸۶
سغدی ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۴۳، ۵۶، ۸۳، ۸۸
سغدی بودایی ۳، ۴۳
سغدی مانوی ۳
سغدی مسیحی ۴۳
سکایی ۱، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷
سکایی تمشقی ۱۲

فارسی میانه ترفانی ۱۱
فرضیه‌ی رنج جهانی ۱۳۳
فضا (۲۱، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۱۵۳)

ق

قَرَقَش ۸، ۱۸
قققاز ۱۷

ک

کاشغر ۱۷
کاشغری ۱۷
کامی ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۴۱
کامی شدگی ۴۱، ۴۴، ۵۱، ۸۵، ۸۶
کامی شدن ۲۵، ۳۰، ۴۰، ۴۲
کامی-لثوی ۲۷
کتیبه‌های ساسانی ۱۱
کرته ۱۴۴
کرمه ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۰
کُرنه ۱۲۳، ۱۴۴، ۱۶۳
کرورینه ۱۰
کشف ۱۳۵
کشمیر ۱۳۲
کَلَنه ۱۴۳، ۱۴۴
کَلِشه ۱۱۴
کَلک شناور ۱۲۲، ۱۴۳، ۱۶۷
کَنَسه داسه ۱۱۳
کُن لُن ۷
کنف ۱۵
کنیشه ۱۳۲
کوبیر ۱۳۸

شَکْزه ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۸، ۲۳۶
شمن ۸۷، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۷، ۲۴۱
شَن شَن ۱۰
شودوؤننه ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۴، ۲۳۷
شیله ۱۱۵، ۱۳۶
شیوا ۱۳۸

ص

صفت آینده مجهول ۸۴
صفت الزامی ۸۴
صفت فاعلی گذرا ۸۲
صفت فاعلی ناگذر ۸۳، ۸۴، ۱۵۴
صفت مفعولی ۳۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۹۱، ۹۸، ۱۵۲
۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵
۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۹
صفیری واکبر ۲۵

ع

عظیم‌الترک ۷
علم برتر از جهان ۱۳۶
علم جهانی ۱۱۵، ۱۳۶
علم دنیوی ۱۳۶

غ

غلتان ۲۷
غنه ۲۴

ف

فارسی باستان (۱، ۱۰، ۵۰)
فارسی میانه ۱

کورو ۱۲۶	مفاهیم ذهنی ۱۳۷، ۱۱۷
کوشنه ۱۲۸	مفاهیم عینی ۱۳۸، ۱۲۰، ۱۱۸
کوه یرو ۱۲۹	مَلّیه ۱۱۶
کَوَینه ۱۲۵	مهابارت ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۶، ۲۱۲، ۲۳۶
کی کی ۱۲۸	میدان کورو ۱۲۷

گ

گتی ۱۲۰
گرهسته ۱۴۲

ل

لاک پشت یک چشم ۱۱۳، ۱۶۴
لبی ۲۷
لبی شدگی ۴۰، ۴۱، ۸۹
لکشمنه ۱۲۸، ۱۲۹
لنکا ۱۱۲
لوکیکه دیانه ۱۱۳، ۱۳۴
لومبینی ۱۳۲
لُیمان ۱۵

م

ماده ۱۱۹، ۱۳۴	وی شیرمنه، ۱۳۶
مارالباشی ۱۰	ویشروته ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۶، ۲۳۶
مارکوپولو ۱۰	ویشنو ۱۳۶
مانو ویجینانه ۱۳۸	ویشه نه ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۸
ماوراءالنهر ۱۲	ویکلنه ۱۱۹، ۱۴۱
ماهایانه ۱۳	

ه

مجموعه ی پنجگانه عناصر ۱۳۷	هامون ۱۱
مُرتق ۲۴	هبتالی ۱۲
مغول ۱۳۵	هرنل ۱۵

۹۶، ۹۵	هری ونشه ۱۲۵
هنومت ۱۲۹	هستیناپوره ۱۲۶
هیتال ۱۲	هفتال ۱۲
هیتال بخارا ۱۲	همخوان ۱۶، ۳۶، ۴۰، ۴۳، ۵۷، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۸۸، ۹۰
هیرومند ۱۱	۹۴، ۹۵، ۱۵۶
هیملایا ۱۲۶، ۱۲۷	هندو ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۲
	هندواروپایی ۱۶، ۴۹، ۵۰، ۵۵
ی	هندوایرانی ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۴۴، ۵۵، ۶۷، ۶۸، ۸۰، ۸۷
یاداوا ۱۲۷	۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳
یودیشتیله ۱۲۶، ۱۲۷	هندی باستان ۱۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۵۵، ۵۶
یورنگقش ۸، ۱۸	۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴

نمایه (۲)

ایرانی باستان

*abi- ۹۲

*abi.dāna- ۹۲

*abi.kan- ۹۳

*abi.rauxšn(a)ya- ۹۳، ۹۲

*abi.sčausaya- ۹۲

*abi.skaus- ۹۲

*abi.šadaya- ۹۳

*abi.yāta ۹۲

*a.čyavam ۷۶

*aiša- ۳۲

*alysānaki ۴۲

*alysānakā ۴۲

*apa- ۹۰

*apa.nasya- ۷۵، ۹۰

*apāk- ۹۲

*apāk.hauk- ۹۲

*apāk.thamj- ۹۲

*astaka- ۴۳

*ati-bar- ۸۸

*auš- ۶۴

*ava.day- ۹۳

*ava.maig- ۹۳

*ava.zan- ۹۳

*ākāma- ۴۳

*āgata- ۸۷

*baivar- ۷۴

*bajs ۹۲

*baranti ۳۶

*bazuka- ۵۲

*bišāna ۴۳

*catvārah ۷۳

*ciθra- ۳۰

*cyāta- ۳۱

*čarman- ۴۳

*čaθru- ۴۱

*darga- ۴۱

*dasakam ۷۳

- | | |
|------------------|------------------|
| *duš- ۹۵ | *hu.parāh- ۹۶ |
| *duž- ۹۵ | *hu.parausta- ۹۶ |
| *fra.bar- ۹۴ | *hu.bañ- ۹۶ |
| *fra.iša- ۹۴ | *hu.band- ۹۶ |
| *fra.nam- ۹۳ | *hva'nt- ۶۴ |
| *fra.nasya- ۷۵ | *hvan- ۲۵۸ |
| *fra.vat- ۹۴ | *hvāñaya- ۲۵۸ |
| *frabara- ۴۴ | *hvara ۶۷ |
| *fravata- ۴۴ | *katāma ۷۲ |
| *friya- ۳۵ | *kšundaku ۴۲ |
| *frā- ۹۳ | *nava ۷۳ |
| *dṛjatai ۳. | *ni.tap- ۸۹ |
| *gauna- ۴۴ | *ni.θraxta- ۸۹ |
| *ha- ۹۵ | *ni.pad- ۸۹ |
| *hafta- ۴۴ | *ni.baug- ۸۹ |
| *ham- ۹۴ | *ni.marz- ۸۹ |
| *hamanaka- ۹۵ | *ni.vas- ۸۹ |
| *ham.dag- ۹۴ | *nṛtāvan- ۶۵ |
| *ham.gam- ۹۴ | *niž- ۹۵ |
| *ham.garg- ۹۴ | *ni-hrīya- ۸۹ |
| *ham.garjaya- ۹۴ | *pa- ۹۰ |
| *hamkhal- ۹۳ | *pačya- ۳۱ |
| *ham.par- ۹۴ | *pa.kṛta- ۹۰ |
| *ham.pāraya- ۹۴ | *pantcāsāt ۷۲ |
| *han.daḡya- ۹۴ | *parā- ۹۱ |
| *hapta- ۷۲ | *parā.bar- ۹۱ |

- *parā.daθa- ۹۱
 *parā.kan- ۹۱
 *parā.vaza- ۹۱
 *pari- ۹۱
 *pari.gam- ۹۱
 *pari.jāmaya- ۹۱
 *pari-pačya- ۹۱
 *pari.sāra.ka- ۹۱
 *pari.uzayāra- ۹۱
 *pari.vach- ۹۱
 *patai ۴۱
 *pati ۳۹.۹۰
 *pati.ādaya- ۹۰
 *pati-čaša- ۹۰
 *pati-čašta- ۹۰
 *pati.čaxs- ۹۰
 *pati-dag- ۹۰
 *pati.gauša- ۹۰
 *pa(ti).muča- ۹۰
 *pati-namaya- ۹۰
 *pati.ranĵaya- ۹۰
 *pati-skard- ۹۰
 *patiščā ۸۸
 *pati.tāmaya- ۹۰
 *pati.vā- ۹۰
 *pa(ti)-vāta- ۴۳.۹۰
 *pati-xad- ۹۰
 *pīsaka- ۴۲
 *puθra- ۴۲
 *raugna- ۴۴
 *rvant- ۶۴
 *sam.xard- ۹۳
 *taruna- ۴۱
 *tcahaursat- ۷۳
 *triset- ۷۳
 *udarayā- ۴۱
 *us- ۸۷
 *uz- ۸۷
 *vaisa- ۴۳
 *var- ۶۴
 *vayam ۷۰
 *vi- ۹۲
 *vi.bā- ۹۳
 *vi-kāvana- ۶۵
 *vi.māta- ۸۸
 *vi.paṭhuta- ۹۵
 *viša- ۴۳
 *vi.tam- ۱۵۰
 *vi.tāčaya- ۹۲
 *vi.vas- ۹۲
 *vīsati- ۷۳
 *vi-zav- ۹۲

*vūžam ۷۰

*xšvifta- ۴۲

*zarāh ۶۸

اوستا

aēš- ۲۵۷

aēša- ۲۳۹، ۳۲

ad- ۲۰۲

agata- ۸۷

aibī ۹۲

ainika- ۱۵۸

aitibar- ۸۸

aiwi ۹۲

aiwiōāna- ۹۲

aka- ۱۵۴

anaoša- ۱۹۱

anda- ۲۴۸

antara- ۲۴۸

antarə ۲۴۹

apa- ۹۰

arəma- ۳۶

aršti- ۲۵۵

arštya- ۲۵۵

asn- ۲۳۱

aspa- ۱۵۲

ast- ۱۵۶

ašta ۷۳، ۲۹

astaēna- ۱۵۶

ati- ۸۸

ava- ۹۳

avahišta- ۲۳۲

avastāta- ۲۳۲

avastaya- ۲۳۵

avazan- ۹۳

azan- ۲۳۱

azəm ۱۵۱

āh- ۱۵۶

āi- ۱۶۱

āntya- ۱۵۸

āp- ۱۶۱، ۲۱۶

bāzu- ۵۲

baēvar- ۲۱۶، ۷۴

band- ۲۵۰

baod- ۲۱۵

baodah- ۲۱۴

bar- ۲۰۹

barənti ۳۶

basta- ۸۲

bāz- ۲۰۹

caθru° ۴۱

caθwar- ۷۲

caθwarə-sant- ۷۳

YYY

caθwārō ۳۰.۷۳

carəman- ۱۸۱.۴۳

čašman- ۱۸۲

čiθra- ۳۰

dag- ۱۸۴

darəga- ۱۸۵.۴۱

darš- ۱۸۷

dasa ۷۳

dāta- ۱۸۴

dāy- ۱۸۷

dəbqaz- ۲۰۹

dūra- ۴۰

diōā- ۱۸۵

drag- ۱۸۷

draoga- ۱۸۸

drigu- ۱۸۶

dura- ۱۸۶

duš- ۱۸۷.۹۵

duž- ۹۵

dva- ۷۳

frā ۹۳

frabar- ۲۵۷

frabara- ۴۴

frasčimbaya- ۲۵۳

frānəma- ۹۳

frīnā- ۲۱۷

frya- ۳۵

gairi- ۲۹

gan- ۱۷۶.۱۹۵

gaona- ۴۴

gaoša- ۱۷۱

gay- ۱۷۶

gā- ۱۷۶

hacā ۱۷۶

hakərət ۲۴۸

ham- ۹۴

hanjasa- ۹۴

hant- ۲۵۳

hapta- ۴۴.۷۳

hastəma- ۲۵۳

hat- ۲۵۳

haurva- ۲۵۲

hazaoša- ۹۵

hazaŋra- ۷۴

hišta- ۲۴۱

hu- ۹۶

ima- ۱۵۸

jan- ۱۹۵.۱۷۶.۳۰

jināiti ۳۰

kaēta- ۱۷۲

kafa- ۱۷۰

kamərəda- ۲۹

kaožda- ۱۶۷

kar- ۱۸۲

karəna- ۱۶۵، ۳۶

karət- ۱۹۶

karəta- ۱۶۴

kas- ۱۶۴

kaš- ۱۶۴

kā- ۱۵۳

kāraya- ۴۱

maēθā- ۲۵۱

maiōya- ۲۲۲

maiōyāna- ۲۲۲

man- ۲۲۰، ۲۱۸

mana v.

marəd- ۲۵۱

masah- ۶۸

masita- ۲۲۱

māh- ۲۲۰

mānaya- ۲۲۰

mātar- ۲۱۹

mąθra- ۲۱۸

mərəʎa- ۲۲۱

mərəzu- ۲۲۲

mərəždā- ۲۲۲

mē ۱۵۱

mižda- ۲۲۱

nō ۲۲۲

nam- ۱۸۹

nas- ۱۹۰، ۷۵

nava v۳

navaiti v۴

ni- ۸۹

niš- ۸۸

niž- ۸۸

pa- ۹۰

pai- ۹۱

paiti- ۳۹، ۹۰

paitina- ۱۹۷

paitiša ۸۸

paitizāna- ۱۹۸

panca v۳

pancā-sant- v۳

par- ۲۰۴

parabar- ۹۱

paradaθa- ۹۱

paravaza- ۹۱

parā- ۹۱

paouruya- ۲۰۳

pasca ۲۰۱

pat- ۱۹۶

pati- ۱۹۶

pataiti ۴۱

paurvaṇ-ča ۲۰۴

pāšna- ۳۶

pouru ۲۰۷

puθra- ۴۲

puyeiti ۲۵۰

raēk- ۲۵۲، ۲۲۸، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۵۲

raēz- ۲۲۸

raod- ۲۲۹

raoŋna- ۴۴

raoxšna- ۲۲۹

rapta- ۱۵۵

rašta- ۲۲۷

raz- ۲۵۱، ۲۳۱، ۲۲۷

razah- ۲۲۷

sand- ۲۴۶، ۲۴۲

sar- ۲۵۶

sarəd- ۲۹، ۲۴۴

sata- ۳۱

sāh- ۲۲۷

sāsnā- ۲۲۷

skamb- ۲۵۳، ۲۴۱

spaēta- ۲۲۸، ۴۳

spas- ۲۴۶

spənta- ۲۳۶

sravah- ۲۴۱

srīra- ۴۰

sru- ۲۴۱

staβra- ۲۴۵

stā- ۲۴۱، ۲۳۲

stunā- ۴۰

sura- ۲۳۸

šoiθra- ۱۶۹

š(y)av- ۱۸۳

šyā- ۱۸۲

šyāta- ۳۱

taoš- ۱۸۰

tap- ۱۹۰، ۱۷۸

tapta- ۱۹۲

tauruna- ۴۱

təmah- ۱۵۰

tōi ۱۸۳، ۲۸

tum ۱۸۳

θanĵaya- ۱۸۳

θray- ۷۳

θrāyō ۷۳

θri.sant- ۷۳

θwam ۱۸۳

udara- ۴۱

upa- ۹۱

urvarā- ۱۵۱

us- ۸۷

uskāt ۳۷

ustōma- ۸۷
 uši- ۱۵۸
 uštāna- ۲۴۵
 uz- ۸۷
 uzgastō ۲۵۱
 vad- ۲۱۱
 vaōāya- ۲۱۱
 vaēsa- ۲۱۴، ۴۳
 van- ۲۰۹
 vanā- ۲۰۹
 varah- ۲۳۱
 vašta- ۲۰۹
 vaza- ۲۰۹
 vāraya- ۲۱۵
 vi- ۹۲، ۸۷
 vikānaya- ۱۵۰
 vis- ۲۱۳
 vispa- ۲۱۳
 viša- ۴۳
 vijva- ۹۷
 viusa- ۲۱۶، ۹۲
 vīsaiti ۷۳
 vīspa- ۳۷
 vohuna- ۲۵۶
 vohū manāḡhā ۵۰
 vō ۱۶۱

xraos- ۲۹
 xšufsa- ۱۵۳
 xšusta- ۳۲
 xšvaš ۷۳، ۱۶۹
 xšvašti ۷۴
 xšvipta- ۴۲
 xvafna ۲۵۶
 x^vaē ۲۵۶
 x^vaēpaiθya- ۲۵۵
 x^vvap- ۲۵۷
 x^vatō ۲۵۱
 yazata- ۱۷۴، ۸۰
 yūžəm ۱۶۰، ۷۰
 zam- ۲۲۵
 zan- ۲۲۶
 zaranya- ۲۲۵
 zasta ۱۸۴
 zav- ۲۲۶
 zaya- ۱۵۵
 zaḡθa- ۲۲۵
 zərəd- ۲۲۵
 zḡad ۲۳۱

فارسی باستان

abi- ۹۲
 aça- ۱۵۲

۲۸۱

adam ۱۵۱

apa- ۹۰

(a)ršti- ۲۵۵

ašiyavam ۷۶

ati- ۸۸

ava- ۹۳

dasta- ۱۸۴

fra- ۹۳

gāθu- ۱۷۶

hainā ۳۹

hakaram ۲۴۸

ham- ۹۴

haruva- ۲۵۲

ima- ۱۵۸

jan- ۱۷۶

manā ۷۰

māh- ۲۲۰

mātar- ۲۱۹

ni- ۸۹

nipadiy ۱۹۲

niš- ۸۸

parā- ۹۱

pari- ۹۱

paru ۲۰۷

paruviya- ۲۰۳

pasā ۲۰۱

pati- ۹۰

šiyāta- ۳۱

upa- ۹۱

uši- ۱۵۸

vaj- ۳۵

vi- ۸۷

visa- ۲۱۳

viθ- ۲۱۳

سغدی، مانوی، مسیحی، بودایی

°stk- ۴۳

°°st°nyh ۱۴۹

'šy ۱۵۸

'm,m ۱۵۸

'nt ۲۴۸

'ntryk ۲۴۹

'rkh ۱۴۹

'rwrh ۱۵۱

'wswʕs ۲۳۲

'wšt ۲۳۲

βrpšh ۲۰۹

βrywr ۲۱۶

βynd ۲۰۸

ōrz ۲۲۵

ōst ۱۸۴

ōβ'nz- ۲۰۹

dyßty 'yw žKn ۲۳۸

yr- ۲۵۴

ywßnw ۲۵۶

ywrnw ۲۵۶

ywynty ۲۵۸

yr'k ۱۷۰

knðh ۱۶۲

m'y ۲۲۰

m'x ۲۲۰

mð'ny ۲۲۲

mr'y ۲۲۲

mwrzk ۲۲۲

myn- ۲۱۸

pč'y'z- ۱۹۵

pnt ۲۱۵

pr'yß'k ۲۰۵

prxs- ۲۰۰

pry- ۲۱۷

pryßyy ۲۰۵

pt'm ۲۰۲

pt'yn ۱۹۷

pt'wš ۲۰۴

ptkrnt- ۱۹۶

ptm'ynč- ۱۹۵

ptyyn ۱۹۷

r'zh ۲۲۷

rys- ۲۲۸

spyt ۲۳۸

srwð ۲۴۱

stq- ۴۲

syn- ۲۴۴

t'r ۱۷۸

wm't- ۹۰

wyn' ۲۱۴

wyr'kh ۲۱۴

wyws ۲۱۶

wyz'w ۲۱۵

xrtyh ۲۴۷

ywč ۱۹۲

ywxt- ۱۹۴

zyrn ۲۲۵

پارتی

awest- ۲۲۵

band ۲۰۸

bram- ۲۱۷

ēw bid ۲۳۸

mur'y ۲۲۱

paš ۲۰۱

sān- ۲۴۴

ta'na-ßand ۲۵۵

wāy- ۲۱۱

۲۸۳

waz- ۲۰۹

wimādan ۹۰

zird ۲۲۵

پهلوی

andar ۲۴۹

andarwāz(īg) ۲۴۹

anōš ۱۹۱

arg ۱۴۹

ayād ۹۲

az ۱۷۶

āfrīn- ۲۱۷

āmurišn ۲۲۲

ānīg ۱۵۸

ārzūg ۱۶۲

āšōb- ۱۵۳

bāzūg ۵۲

bēwar ۲۱۶

bowandag ۲۱۵

bōy ۲۱۴

čarm ۱۸۱

dagr ۱۸۵

dast ۱۸۴

dād ۱۸۴

dār ۱۸۵

dēr ۱۸۵

dil ۲۲۵

dur ۱۸۶

ēk ō did ۲۳۸

fradāg ۱۹۵

gard- ۲۴۶

gāh ۱۷۶

gugān ۱۵۰

gumāy- ۸۸

hagirz ۲۴۸

harw ۲۵۲

ispēxtan- ۲۴۶

kand ۱۶۲

karr ۱۶۵

kārd ۱۶۴

kēd ۱۷۲

kōr ۱۶۷

kōšk ۱۶۷

ōš ۱۵۸

mād(ar) ۲۱۹

mayān ۲۲۳

māh ۲۲۰

mān- ۲۲۰

mānd ۲۲۰

mārdan ۱۷۱

mizd ۲۲۱

murw ۲۲۲

paymōz- ۱۹۵

pūdag ۲۵۰

raftan ۱۵۵

rōšn ۲۲۹

rūrag ۱۵۱

sagr ۲۴۴

sahistan ۲۴۶

spand ۲۳۶

spēd ۲۳۸

srūd ۲۴۱

stabr- ۲۴۵

suft ۱۵۲

šaw- ۱۸۳

škōf ۲۴۶

tab ۱۷۸

tabasd ۱۸۳

tuhīg ۱۸۰

vahīg ۲۱۱

wan ۲۱۴

war ۲۳۱

wārānīdan ۲۱۶

wišōb- ۱۵۳

widāz- ۹۲

win ۲۱۴

wisp ۲۱۳

xēr ۲۵۴

xōn ۲۵۶

xwēš ۲۵۵

xwamn ۲۵۶

xwan ۲۵۸

x^vāb- ۲۵۶

yazad ۱۷۴

zan- ۱۷۶

zarrēn ۲۲۵

سنسکریت

adāta ۱۴۳

adhyāya ۱۲۷

aḥam ۱۵۱

a.nātha ۱۴۹

Aniruddha- ۱۵۰

ant- ۱۵۰

antaḥpura ۱۵۰

anté(v)ura- ۱۵۰

anu ۱۴۰

anulomika- ۱۵۰

anulomika kṣanti ۱۲۰

añjali ۱۱۶

āmātya- ۱۵۵

ānta- ۱۵۰، ۲۰۰

arhat ۱۴۲

Arjuna- ۱۶۲

- artha- ۱۳۳.۱۵۱
 asaṃkhyeya ۱۳۸.۱۱۷
 aśva- ۱۵۲
 aupamya- ۱۶۲
 avijjā ۱۳۲
 avidyā ۱۳۲
 boddhi.satva ۱۱۵
 bodhi ۱۱۴
 Brahmācarin ۱۴۲
 bhārata ۱۲۵
 bhikṣu- ۱۴۲.۲۱۲
 cakṣus ۱۳۹
 chāya- ۱۷۳
 citta ۱۵۱
 dāna ۱۳۴
 dāta ۱۴۱
 devatā ۱۸۶
 dhyāna- ۱۳۴.۱۷۵
 dravya- ۱۸۸
 duḥkhā ۱۸۶
 dvāpara ۱۴۲
 dharma ۱۱۷.۱۸۹
 dharma.cakṣus ۱۸۴
 dhyai- ۱۷۵
 gaṇa- ۱۷۱
 gati- ۱۲۰.۱۷۱
 grhastha- ۱۴۲
 guṇa ۱۳۸
 harivaṃśa ۱۲۵
 itihasā ۱۲۵
 kacchapa- ۱۳۳.۱۶۴
 kachava ۱۳۳
 kali ۱۴۲
 kalpa ۱۶۳.۱۴۱.۱۲۰
 Kārṇa ۱۴۲.۱۲۱
 karma ۱۳۱.۱۳۰
 kaśyapa ۱۳۳
 kavya ۱۲۸.۱۲۵
 kāṇā ۱۶۴
 kāncukīyā- ۱۶۴
 Kāśasundarī ۱۶۵
 kēsara- ۱۶۷
 kleśa- ۱۳۳.۱۶۸
 kliṣ- ۱۳۳
 kola.upamā ۱۴۱
 kośala ۱۲۸
 kṛta- ۱۴۲
 kṣānti- ۱۶۹
 kuru ۱۲۶
 Kúbera ۱۳۶
 kurukṣatra ۱۲۷
 Laṅkā ۲۲۹

loka ۲۳.	pralaya ۱۴۲
lokika- ۲۳.	prati- ۲۰۵
lokikadhyāna ۱۳۴	pratibimba- ۲۰۵
lokttara.jñāna ۱۳۴	pratyakṣa- ۲۰۶
lokottaratama.jñāna ۱۳۴	pratyaya- ۱۳۷، ۱۱۷، ۲۰۵
mahā ۱۲۵	pra.vraj- ۱۴۳
Mahā.bhārata ۱۲۵	pravrajyā ۱۴۳، ۱۲۳
mahāyuga ۱۴۱	preta ۲۰۷، ۱۱۷
manas- ۱۵۱	pudgala ۱۱۹
mantra ۱۱۹	puṇ- ۲۰۳
mānu vijñāna ۱۳۸	pūṇya- ۲۰۳
mārīci- ۲۱۹	purāna ۱۲۵
nairātma ۱۳۵	pāri- ۲۰۰
namas- ۱۸۹	rājya- ۲۲۷
nāraka ۱۸۹	Rāmāyana ۱۲۷
nā.puṇya- ۱۹۱	rṣi ۲۲۷
nāth- ۱۴۷	Rudra ۱۳۵
nir.vā- ۱۹۳	rūpa ۱۳۷
nirvāna- ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۹۳	ṛddhis ۱۲۲
niyatam- ۱۹۲	sam- ۱۳۳
Pandu ۱۲۶	sam-udra' ۲۴۳
parama- ۱۳۳، ۱۹۹	sambhogakāya ۱۳۶
paramārtha- ۱۳۳، ۱۹۹	samkāra ۱۳۷
parvan ۱۲۵	saṃjñā ۱۱۷، ۱۳۷، ۲۴۲
prabhāva- ۲۰۶	samlap- ۲۴۳
prajñā ۱۳۴	samlāpa- ۲۴۳

- saṃskāra- ۲۴.
 samvrtti ۱۳۳
 saṃsāra ۱۳۱، ۱۳۴
 saṃskāra ۱۱۷
 saṃskṛ- ۱۳۸
 saṃkirati ۹۷
 saṃskṛta ۱۳۳، ۱۳۴
 sarva.jña- ۲۴۳
 sattva- ۱۳۶
 sāra ۲۴۴
 sidh- ۲۴۴
 siddha- ۲۴۴
 sītā- ۱۲۸، ۲۴۴
 skandha ۱۳۷
 sparśa ۱۳۹
 sugrīva ۱۱۹
 sukh- ۲۴۵
 sukha- ۲۴۵
 sṛ- ۱۳۴
 sāra ۲۴۴
 śākya- ۱۱۴، ۲۳۷
 śāsana ۱۲۳، ۲۳۷
 śakra- ۱۱۵، ۲۳۶
 śatrughna ۱۲۸
 śāsana- ۲۳۷
 śīla- ۲۳۸
 ślōka- ۱۲۵، ۲۳۸
 śramana- ۲۴۱
 śramaṇya ۱۲۳، ۲۴۱
 śuddhodana ۲۳۷
 Śacapati ۱۳۶
 Śacivant ۱۳۶
 śīla ۱۳۴
 śastra ۱۲۹
 śṣaman ۱۳۵
 tamar ۱۷۹
 tamas ۱۷۹
 taram-ga- ۱۷۸
 Tathāgata ۱۳۲
 tīrthā ۱۷۹
 tiryag.yona- ۱۸۰
 Tuṣita ۱۳۲
 trāyas ۱۷۹
 trāyastriṃśa ۱۱۵، ۱۳۵
 treta- ۱۴۲
 triśūla- ۱۸۰
 udyāna- ۱۶۰
 upamā- ۱۶۲
 Ūrubilvā-kāśyapa ۱۱۴، ۱۵۸
 Vaiṣṛavana ۱۳۶، ۲۳۶
 vajra ۱۳۶
 Vajracchedikā ۱۴۱

vanastha- ۱۴۲

vas ۱۶۱

Vasu ۱۳۵

Vālmiki ۱۱۲

Vāyu ۱۲۹

vedanā ۱۳۷

vi-citra ۲۳۳

vijñāna ۱۱۸، ۱۳۷، ۲۳۳

vikalpa ۱۱۹

vi.klṛip- ۱۴۱

vipāka- ۱۱۸، ۱۴۰، ۲۳۴

viṣaya- ۱۱۸، ۱۳۸، ۲۳۵

viśayin- ۲۳۵

Viṣramana ۱۳۶

Viśravaṇa ۱۳۶

vī-māna- ۲۳۴

vīrya ۱۳۴

vyāsa- ۲۳۶

An Introduction to the Khotanese Language

(Grammar, Selected Texts, Glossary)

by

Mahshid Mirfakhraie



**Institute for Humanities
and
Cultural Studies**

Tehran, 2004